

آداب زندگی

شکری خانم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی

نویسنده:

محمد امینی گلستانی

ناشر چاپی:

سپهر آذین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	آداب ازدواج و زندگی خانوادگی
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	تقدیم
۱۳	بخش ۱ آداب ازدواج و راهنمایی‌های آن
۱۳	اشاره
۱۴	پیشگفتار ۱
۱۵	مقدمات ازدواج
۱۵	آیات
۱۵	اشاره
۱۷	دستور ازدواج
۲۲	اخبار
۲۳	اشاره
۲۴	۱- توبیخ تجزّد
۲۵	۲- نکوهش فرار از تزویج
۲۷	۳- تشویق به ازدواج
۲۹	۴- نهی از ترک ازدواج!
۳۰	۵- راهنمایی ناتوانان از ازدواج!
۳۰	۶- واسطه‌گری میان دو جوان!
۳۱	۷- سه چیز بی حساب
۳۲	۸- آرامش مؤمن
۳۳	ازدواج با چه کسانی
۳۳	اشاره

- ۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه فرمود؟! ۳۳
- ۲- بهترین بانوان ۳۴
- ۳- تاج کرامت بر سر!! ۳۶
- ۴- ازدواج با آن که دوست داری! ۳۶
- ۵- شتاب در ازدواج با هم کفو ۳۶
- ۶- معنای هم کفو بودن ۳۸
- ۷- خواستگار شایسته را رد نکن! ۴۰
- ۸- خانم گردن بند مرد است ۴۱
- ۹- ازدواج با دختران باکره ۴۲
- ۱۰- ازدواج با فراخ چشمان گندمگون و ۴۳
- ۱۱- ازدواج باخوشبویان ۴۳
- ۱۲- ازدواج با سفید اندام و ۴۳
- ۱۳- ازدواج با خنده رویان مو بلند! ۴۴
- ۱۴- ازدواج باخانم ولود ۴۴
- پرهیز از وصلت چه کسانی! ۴۵
- اشاره ۴۵
- ۱- عدم ازدواج باخانم نازا ۴۵
- ۲- عدم ازدواج باخانم پیر ۴۶
- ۳- بدترین بانوان ۴۶
- ۴- خطرناک‌ترین دشمن ۴۸
- ۵- بهترین و بدترین مردان! ۴۹
- ۶- کراهت ازدواج فامیلی! ۴۹
- ۷- ندادن دختر به شرابخوار ۵۰
- ۸- به بد اخلاقان دختر ندهید ۵۱

- ۹- بابانوان کم فهم ازدواج نکنید!! ۵۱
- ۱۰- کراهِت ازدواج باخانم دیوانه! ۵۱
- ۱۱- فریب مال و جمال را نخور! ۵۱
- ۱۲- سبک کردن مهریه و ۵۲
- ۱۳- ثواب بخشیدن مهر! ۵۳
- ۱۴- گناه ندادن مهر! ۵۴
- ۱۵- حکم اختیار در تعیین مهر! ۵۵
- آداب عروسی و ورود عروس به خانه! ۵۶
- اشاره ۵۶
- ۱- حکم نگاه به خانم با قصد ازدواج ۵۶
- ۲- اجازه عقد دست کیست! ۵۷
- ۳- دانستنی های شب زفاف! ۵۹
- ۴- رفتن عروس به خانه شوهر در شب ۶۱
- ۵- شادی نمودن و شعر خواندن در عروسی ها! ۶۲
- ۶- ادای شکر خدا! ۶۳
- ۷- ولیمه دادن ۶۶
- ۸- ازدواج ساده سروربانوان دو عالم علیها السلام ۶۶
- ۹- کراهِت ازدواج در ساعات گرم! ۶۸
- ۱۰- کراهِت زفاف در شب چهارشنبه! ۶۸
- ۱۱- استحباب خواندن خطبه! ۶۹
- ۱۲- استحباب اعلان عقد! ۶۹
- ۱۳- حکم ازدواج با دختر کم سن و سال! ۶۹
- ۱۴- عروس این چیزها را نخورد ۷۰
- ۱۵- تفاوت غرایز جنسی زن و مرد! ۷۰

- ۱۶- کثرت هم بستری ۷۱
- ۱۷- قلت هم بستری! ۷۲
- ۱۸- مقاربت در حال میل بانوان! ۷۲
- بخش ۲ رفتار در خانواده! ۷۳
- راهنمایی‌های رفتار در خانواده ۷۳
- اشاره ۷۳
- ۱- عشق و علاقه ات را اظهار کن! ۷۴
- ۲- تأکید به دوست داشتن همسر ۷۴
- ۳- شوهر دوستی! ۷۵
- ۴- شوهر آزاری! ۷۶
- ۵- جهاد بانوان ۷۷
- ۶- پاداش خدمت به شوهر ۷۷
- ۷- خوش رفتاری در خانواده ۷۸
- ۸- پاداش تأمین معاش ۸۰
- ۹- کمک به اندازه خرج ۸۰
- ۱۰- تقدیر المعیشه ۸۱
- ۱۱- میوه برای خانواده ۸۱
- ۱۲- کمی اولادا! ۸۲
- ۱۳- خوشا به حال دخترداران! ۸۲
- حقوق متقابل زن و شوهر ۸۳
- ۱- حقوق مرد برخانم ۸۳
- ۲- حقوق خانمها بر آقایان ۸۴
- ۳- ثواب صبر به اخلاق بد همسر! ۸۶
- ۴- بیرون رفتن خانم بی اجازه شوهر! ۸۷

- ۵- غیرت زنانه! ۸۸
- ۶- حسادت چه کارها که نکند!! ۸۹
- ۷- اگر سجده به غیر خدا جایز بود ۹۰
- ۸- تقسیم وظایف ۹۰
- ۹- وجوب اطاعت خانم از شوهر ۹۱
- ۱۰- مراقبت بر آزادی خانم‌ها! ۹۲
- ۱۱- حکم زدن خانم! ۹۵
- ۱۲- مشاوره بابانوان! ۹۵
- ۱۳- اطاعت از بانوان! ۹۶
- ۱۴- احسان خانم از مال شوهر ۹۷
- ۱۵- اشتغال بانوان! ۹۷
- ۱۶- نسبت زنا بر خانم!! ۹۹
- ۱۷- بی غیرتان! ۹۹
- ۱۸- ضایع کردن خانواده حرام است ۱۰۰
- ۱۹- کراهت خوابیدن دور از خانه ۱۰۰
- بخش ۳ آداب معاشرت و مباشرت! ۱۰۱
- راهنمایی‌های معاشرت در خانواده ۱۰۱
- ۱- آداب خانوادگی ۱۰۱
- ۲- آداب ورود به جایگاه خصوصی والدین ۱۰۲
- ۳- ورود به خلوتگاه والدین و ..! ۱۰۴
- ۴- استیذان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دخترش ۱۰۶
- ۵- فلسفه استیذان و مفاسد عدم رعایت آن ۱۰۶
- ۶- آرایش خانم و آقابرای همدیگر ۱۰۷
- ۷- روایت حفظ زیبایی! ۱۰۹

- ۸- زینت برای نابینایان! ۱۰۹
- ۹- حکم وصل مو برای زیبایی ۱۰۹
- ۱۰- حکم چیدن موی صورت ۱۱۰
- ۱۱- بلند گذاشتن ناخن! ۱۱۰
- ۱۲- از کیفیت موی خانم بپرسید! ۱۱۱
- ۱۳- احترام به داماد!! ۱۱۱
- بخش ۴ قسمتی از منهیات ۱۱۱
- مکروهات مقاربت ۱۱۱
- اشاره ۱۱۱
- ۱- هنگام وزیدن باد سیاه و ۱۱۲
- ۲- ترک مقاربت بیش از چهار ماه! ۱۱۳
- ۳- گناه بی توجهی به همسر! ۱۱۳
- ۴- خطر نزدیکی باشکم پُر! ۱۱۳
- ۵- بهانه گیری برای عدم تمکین ۱۱۴
- ۶- کراهت حرف زدن هنگام مقاربت! ۱۱۴
- ۷- نزدیکی در حال خضاب ۱۱۵
- ۸- مقاربت در حضور بچه ۱۱۵
- ۹- در کشتی ۱۱۶
- ۱۰- مقاربت بعد از احتلام! ۱۱۶
- ۱۱- نزدیکی با انگشتر آیه دار ۱۱۷
- ۱۲- هنگام زرد شدن و طلوع آفتاب ۱۱۷
- ۱۳- بازن باردار ۱۱۷
- ۱۴- مقاربت در جای نبود آب! ۱۱۷
- ۱۵- باغسل مس میت ۱۱۸

- ۱۱۸ ۱۶- حکم عزل!
- ۱۱۹ ۱۷- محرمات جماع
- ۱۲۰ ۱۸- مسائلی چند!
- ۱۲۷ ۱۹- خطرات همنشینی با نامحرم
- ۱۲۸ ۲۰- دید زدن به خانه همسایه
- ۱۲۹ ۲۱- لعنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۲۹ ۲۲- دیگر تکرار نکن!!
- ۱۳۰ ۲۳- شوخی و گفتگو با نامحرم
- ۱۳۰ ۲۴- دست دادن باخانم نامحرم
- ۱۳۱ ۲۵- نگاه تیری از تیرهای شیطان!
- ۱۳۳ ۲۶- نگاه اولیئیه
- ۱۳۴ ۲۷- حدود نگاه به نامحرم
- ۱۳۵ ۲۸- حکم حجاب بانوان سالخورده
- ۱۳۷ ۲۹- نگاه پشت سر نامحرم
- ۱۳۷ ۳۰- حکم نگاه به خواهر زن
- ۱۳۸ ۳۱- گریه شدید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۱۳۹ ۳۲- شش ساله‌ها را نبوسید
- ۱۳۹ ۳۳- حرمت نگاه به نامحرم نابینا!
- ۱۴۰ ۳۴- حجامت پسر نابالغ از خانم‌ها
- ۱۴۰ ۳۵- معالجه خانم‌ها وسیله آقایان
- ۱۴۱ ۳۶- کراهت سلام مرد به خانم‌ها
- ۱۴۱ ۳۷- حرمت اختلاط آقایان و بانوان
- ۱۴۲ ۳۸- بانوان از پیاده روها!
- ۱۴۲ ۳۹- خداوند باسه گروه حرف نمی‌زند!

- ۴۰- حکم خوابیدن زیر یک لحاف! ۱۴۳
- ۴۱- قسمتی از احکام خاص بانوان ۱۴۳
- ۴۲- برای بانوان جمعه و جماعت نیست ۱۴۶
- ۴۳- دستورات کلی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱۴۷
- مصادر و منابع ۱۵۰

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی

مشخصات کتاب

سرشناسه: امینی گلستانی، محمد، ۱۳۱۷ -
 عنوان و نام پدیدآور: آداب ازدواج و زندگی خانوادگی / محمد امینی گلستانی.
 مشخصات نشر: قم: سپهر آذین، ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهری: ۲۷۳ ص.
 شابک: ۳۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۱۰-۶۳-۵
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۶۹]-[۲۷۳]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: زناشویی (اسلام) — آداب و رسوم
 موضوع: اسلام و خانواده
 رده بندی کنگره: BP۲۵۳/۲/الف/۴۷۸۵ ۴۱۳۸۷
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۱۳۸۷۵

تقدیم

جوانان عزیزی که به سن بلوغ رسیده و براساس قانون طبیعت، در صدد ازدواج و تشکیل خانواده و ریختن فونداسیون زندگی هستند امیدوارم با مطالعه دقیق این کتاب، و با به کار بستن دستورات آن، خوشبختی و آینده سرشار از کامیابی خود را تضمین و از ندامت و پشیمانی بعدی، بیمه نمایند انشاء الله آمین.

محمد امینی گلستانی

تقدیر و تشکر

روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است آن حضرت فرمود: هر کس مخلوق را تشکر نکند، خدا را هم شکر گزار نخواهد بود، بنا برین، از همسر گرامی و همسر و همسفر خوشی‌ها و ناخوشی‌های دوران زندگی ام حاجیه خانم «عفت عرفانی» کمال تشکر و قدر دانی را دارم که با جسم و جان رنجور و ناتوان، وسایل رفاه و آرامش خاطر مرا فراهم نمود، تا این اثر و سایر اثرهایم را به پایان برسانم، از خدای توانا به احترام مقدسین درگاهش، برای او و تمام مریضها، شفای عاجل و کامل مسئلت می‌نمایم.

محمد امینی گلستان

بخش ۱ آداب ازدواج و راهنمایی‌های آن

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله وسلم وعلى أهل بيته

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا وَلَدَهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ الْأَعْظَمِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي أَرْضِهِ وَ حِجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ حِجَّةُ بَنِي الْحَسَنِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فِرْجَهُ الشَّرِيفِ،
روحي و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء، وَالْعَنَةُ الدَّائِمَةُ الْأَبَدِيَّةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى لِقَاءِ يَوْمِ الدِّينِ

پیشگفتار ۱

در این زمان‌ها که مردم دچار مشکلات گوناگون گردیده و با گرفتاری‌های روز افزون، دست و پنجه نرم می‌کنند و غم‌ها و غصه‌ها، هر روز با رنگ جدید، به زندگی افراد جامعه، حمله ور شده و راه باز می‌کند و با الوان مختلف، افراد بشر را دچار سر در گمی، می‌نماید در این موقعیت سؤالی پیش می‌آید که آیا در این بحران‌ها چه باید کرد و باید چه تدبیری اندیشید؟! جواب این است اولاً باید در تمام مراحل زندگی به خدا پناه برد و حل مشکلات را از او درخواست نمود، و ثانیاً می‌دانیم که قسمت اعظم این ناملایمات از ناحیه همسران، نسبت به یکدیگر و با اشتباهات تصمیمات اولیه زندگی پیش می‌آید که پیامدش گریز از ازدواج و سرپیچی از تشکیل خانواده و رو آوردن به راههای ناسالم می‌گردد، بنابراین بر هر صاحب قلمی فرض و واجب است تا آنجا که برایش امکان دارد، از دانسته‌ها و تجربیات خود، استفاده کرده با نوشته‌های خود، اقشار مختلف مخصوصاً قشر جوان را، راهنمایی نموده و بارائه برنامه‌های صحیح و متنوع سالم، آنها را به آینده درخشان امیدوار ساخته و به زندگی سعادت‌مند و خوشبختی، دلگرم نمایند؛

علیهذا، اینجانب با استعانت از درگاه ایزد منان وظیفه خود دانستم به اندازه فهم و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۲

برداشت خود، کتابی را فراهم آورم که جوانان عزیز را در امر ازدواج و تشکیل خانواده موفق و ایده آل، راهنمایی نموده و سعادت و شیرین‌کامی را در تمام مراحل زندگی از خدای رؤف و مهربان برایشان، درخواست نمایم انشاءالله آمین.

۲

در این کتاب سعی کرده‌ام از آیات قرآن و اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام که از منبع وحی و مصدر آسمانی، به دست ما رسیده است، مدد گرفته و از کلمات بزرگان، استفاده نمایم تا بیشتر قرین موفقیت و رستگاری باشد.

۳

چون تعدادی از روایات مذکور در فصل‌های مختلف کتاب، دارای مطالب مشترک با فصل دیگر و با هم ارتباط کامل داشت، و برای اینکه جامعیت خبر و بافت حدیث صدمه نخورده و از بین نرود، از تقطیع آنها صرف نظر گردید تا مفید فایده بیشتر شود، لذا لازم است کتاب را از ابتدا تا انتها مطالعه نموده و از مجموع آنها، راه درست را انتخاب نموده و زندگی را شروع کرد.

۴

در این کتاب سعی بر اختصار و از اطاله کلام، پرهیز شده است بدینجهت فقط نمونه‌هایی از اخبار مربوط به هر فصل آمده است تا حجم کتاب به صورت سبک در دست عزیزان قرار گیرد.

۵

کلمات و جمله‌های میان پارانتر () از مؤلف است و به عنوان توضیح بیان گردیده است.

۶

این کتاب مکمل کتاب «والدین دوفرشته جهان آفرینش» از همین مؤلف، می‌باشد، در صورت امکان عزیزان آن کتاب را به دست آورده و اطلاعات خود را تکمیل نمایند زیرا مطالب رفتار با اولاد و اهل و عیال و حقوق آنها و حقوق پدر و مادر که همان زوجین است، در آن کتاب مشروحاً بیان گردیده است.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳

۷

در باره روایات این کتاب از نظر رجالی، بررسی به عمل نیامده ولی سعی شده است از کتاب‌ها و مأخذ مورد قبول، نقل شود لذا اگر مطلبی به نظر خوانندگان محترم، سنگین و یا قابل قبول نباشد، به مصدرش رجوع و صحت و سقم آن را، جویا باشید.

۸

این کتاب دارای چهاربخش است اگرچه بیشتر بخش‌ها باهم ارتباط دارد.

۱- آداب ازدواج و راهنمایی‌های زندگی.

۲- رفتار در خانواده.

۳- آداب معاشرت و مباشرت.

۴- قسمتی از منهیات.

که هر یک از این بخش‌ها دارای فصل‌های متعدد می باشد

مقدمات ازدواج

ابتدائاً لازم می دانم تعدادی از آیات مبارک مربوط به ازدواج را، از نظر خوانندگان گرامی را بگذرانم و سپس به اصل موضوع کتاب پردازم

آیات

اشاره

پیش از ورود به اصل مطلب و تفسیر و توضیح آیات مربوطه لطفاً روایت ذیل را که قسمتی از حدیث مفصل است، با دقت بخوانید، تا مفهوم آیات برایتان روشن و از ماجرای خلقت انسان آگاه و مطلع شوید.

زراره بن أعین، از ابي عبد الله عليه السلام- ضمن حدیثی فرمود: **إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ آدَمَ مِنْ طِينٍ ثُمَّ ابْتَدَعَ لَهُ حَوَاءَ فَجَعَلَهَا فِي مَوْضِعِ النَّقْرَةِ الَّتِي بَيْنَ وَرْكَيْهِ، وَ ذَلِكَ لِكَيْ تَكُونَ الْمَرْأَةُ تَبَعًا لِلرَّجُلِ، فَقَالَ آدَمُ: يَا رَبِّ مَا هَذَا الْخَلْقِ الْحَسَنِ الَّذِي قَدْ آنَسَنِي قَرْبَهُ وَالنَّظَرَ إِلَيْهِ؟! فَقَالَ اللَّهُ: يَا آدَمُ هَذِهِ أُمَّتِي حَوَاءُ أَفْتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مَعَكَ تَوْنُسَكَ وَتَحَدِّثُكَ، تَكُونَ تَبَعًا لِأَمْرِكَ؟**

فقال: نعم يا ربّ ولكِ بذلك على الحمد والشكر ما بقيت، فقال الله عزوجل: فاخطبها إليّ، فإنّها أمتي، وقد تصلح لك أيضا زوجة للشهوة، وألقى الله عليه الشهوة وقد علمه قبل ذلك المعرفة بكلّ شيء، فقال يا ربّ فإنّي أخطبها إليك فما رضاك لذلك؟ فقال الله عزوجل:

رضای آن تعلّمها معالم دینی، فقال: ذلك لك على يارب إن شئت ذلك لي، فقال الله عزوجل: وقد شئت ذلك وقد زوجتكها فضمّها إليك. همانا خدای عزوجل آدم را از گل آفرید سپس برایش حوّا را ابداع نمود (و به وجود آورد) و او را در میان انتهای دو ران آدم قرار داد تا (از نظر خلقت) زن تابع مرد شود، پس آدم گفت: ای خدا این آفریده زیبا چیست؟! که نزدیک بودن و نگاه کردن به او مرا مأنوس (و مشغول) نمود؟! خداوند فرمود: ای آدم این کنیز من حوا است، آیا دوست داری با تو باشد و مونس و هم صحبت تو شود و پیرو امر تو باشد؟! عرض کرد: بلی ای خدای من و برای تو در ذمه من باشد سپاس گذاری و تشکر تا زنده هستم، خدای عزوجل فرمود: او را از من خواستگاری نما زیرا او کنیز من است و حتماً به صلاح توست که جفت شهوت

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶

(و عشق) تو باشد؛

خداوند به (وجود) آدم شهوت را انداخت (و عشق را ایجاد نمود البته) قبلاً به او تمام اشیاء را مورد شناخت قرار داده (وفهمانده بود)؛

(آدم) گفت: ای خدا من او را از تو خواستگاری می نمایم رضایت (و نظر تو در این باره) چیست؟! خدای عزوجل فرمود: رضایت من (و مهریه او) آن است که معالم دین مرا به او یاد دهی، عرض نمود این به گردن من ای خدا، اگر تو می خواهی پس خدای عزوجل فرمود: من این را می خواهم و (در مقابل این مهریه) او (حوّا) رابه تو تزویج کردم به خودت بچسبان (و به آغوش بکش).
«۱»

این ازدواج مبارک سبب ازدیاد نسل بنی آدم و باعث عمران و آبادی کره زمین گردید؛

و از این پیوند میمون فرستادگان خدا و جانشینان آنها: قدم به عرصه وجود گذاشت و روز به روز جریانهای بی شمار دیگر متولد شد و پیدا گردید.

خدای متعال این زن جوان را از وجود خود آدم علیه السلام پدید آورد بلی از دنده چپ آدم «۲» از استخوان یا مغز آن آفریده شد که آزمایش‌های علم روز ثابت کرده است از میان تمامی اعضای بدن جانداران، برای «شبییه سازی»، مغز استخوان مناسب تر و بهتر جواب می دهد پس این بده بستان‌ها و تحویل و تحول‌ها، حوای جوان و مادر بشریت را، به دنیا تحویل داد و همت او را در آرمیدن کنار آدم جوان، و آرامش و سکون آدم در سپری کردن عمر پربها را در آغوش پرمهر و محبت حوّا قرار داد به گونه‌ای که زن شوهر خود را در مواقع زیاد، به همه عزیزانش ترجیح می دهد.

حالا به لحن کلمات و تعبیرهای پرمعنا تعدادی از آیات قرآن دقت نمایید که نیازی به توضیح بیشتر نباشد.

۱ «ومن آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها وجعل بینکم

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۷

مودّةً ورحمةً إن فی ذلک لآیاتٍ لیقوم یتفکرون». و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می کنند. «۱»

۲- «والله جعل لکم من أنفسکم أزواجاً وجعل لکم من أزواجکم بنین و حفدةً ..». خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه هائی به وجود آورد ... «۲»

۳- «وهو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صہراً وکان ربک قدیراً». او کسی است که از آب، انسانی را آفرید، سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد) و پروردگار تو همواره توانا بوده است. «۳»

۴- «وجعل لکم من أنفسکم أزواجاً و من الأنعام أزواجاً». و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفتهایی از چارپایان آفرید ... «۴»

۵- «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالاً كثيراً و نساءً ..». «۵»

ای مردم از (مخالفت) پروردگارتان: بپرهیزید. همان کسی که شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق نمود؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت (و پراکنده نمود) ...

۶- «خلقکم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها ...» «۶»

او شما را از یک نفس آفرید؛ و همسرش را از (باقیمانده گل) او به وجود آورد؛ ...

۷ «وهوالذی أنشأکم من نفس واحدة فمستقرّ و مستودع قد فصّلنا الایات لقوم یفقهون» و اوست که شما را از یک نفس آفرید (و

شما دو گروه هستید) بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل) و بعضی نا پایدار؛ ما آیات خود را برای کسانی که می‌فهمند: تشریح می‌کنیم.» (۷)

۸- «هوَالَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا». او

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸

خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. «۱»

۹- «وخلقناکم أزواجاً» و شما را به صورت جفتها آفریدیم. «۲»

دستور ازدواج

آیات گذشته، کیفیت آفرینش دوزوج را، بیان فرمود، اما آیه‌های مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده را ذیلاً بخوانید.

۱۰- «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» پس با زنان پاک ازدواج نمائید دو یا سه یا چهار همسر. «۳»

۱۱- «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ (۳۲) وَ لَيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».

مردان و زنان بی همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می‌سازد، خداوند گشایش دهنده و (به حالات بندگان) آگاه است.

و آنها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت (و پاک دامنی را) پیشه کنند تا خداوند آنانرا با فضل خود، بی نیاز سازد. «۴»

ترغیب به ازدواج آسان

از آغاز سوره مبارکه «نور» تا به این آیه، راههای حساب شده مختلفی برای پیش گیری از آلودگی های جنسی مطرح شده است، که هر یک از آنها تأثیر به سزائی در پیش گیری یا مبارزه با این آلودگی ها دارد.

در آیات مورد بحث نیز به یکی دیگر از مهمترین طُرُق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان، و بی ریا و بی تکلف است، اشاره شده، زیرا این نکته مسلم است که برای بر چیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد، و به

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۹

تعبیر دیگر هیچگونه مبارزه منفی بدون مبارزه مثبت مؤثر نخواهد افتاد.

لذا در نخستین آیه مورد بحث می‌فرماید: مردان و زنان بی همسر را همسر دهید، و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را «و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم».

ایامی جمع ایّم (بر وزن قیّم) در اصل به معنی زنی است که شوهر ندارد، سپس به مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است، و به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این آیه داخلند خواه بکر باشند یا بیوه.

تعبیر «انکحوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمکهای مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج، و بالأخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست؛

خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هر گونه قدمی و درمی و سخنی در این راه را شامل می‌شود.

بدون شك اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در همه زمینه‌ها به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است.

اهمیت این مسأله تا به آن پایه است که در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌خوانیم: أفضل الشفاعات أن تشفع بین اثنتین

فی نکاح حتی یجمع الله بینهما:

بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجی گری کنی، تا این امر به سامان برسد!

در حدیث دیگری از امام کاظم موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌خوانیم: ثلاثه یستظلون بظل عرش الله یوم القیامه، یوم لا ظل الا ظله رجیل زوج أخاه المسلم او أخدمه، او کتم له سرّاً سه طایفه‌اند که در روز قیامت در سایه عرش خدا قرار دارند، روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست: کسی که وسائل تزویج برادر مسلمانش را فراهم سازد، و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت کننده‌ای برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد! و بالأخره در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: هر گامی انسان در این راه بر دارد و هر کلمه‌ای بگوید، ثواب یکسال عبادت در نامه عمل او می‌نویسند (کان له بكلّ خطوه خطاها، او بكلّ کلمه تکلم بها فی ذلک، عمل سنه قیام لیلها و صیام نهارها). «۱» و از آنجا که یک عذر تقریباً عمومی و بهانه همگانی برای فرار از زیر بار ازدواج و تشکیل خانواده مسأله فقر و نداشتن امکانات مالی است قرآن به پاسخ آن پرداخته می‌فرماید: از فقر و تنگدستی آنها نگران نباشید و در ازدواجشان بکوشید چرا که اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد «ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله».

و خداوند قادر بر چنین کاری هست، چرا که خداوند واسع و علیم است «ان الله واسع علیم». قدرتش آنچنان وسیع است که پهنه عالم هستی را فرا می‌گیرد، و علم او چنان گسترده است که از نیات همه کس مخصوصاً آنها که به نیت حفظ عفت و پاکدامنی اقدام به ازدواج می‌کنند آگاه است، و همه را مشمول فضل و کرم خود قرار خواهد داد. در این زمینه تحلیل‌های روشنی داریم، و همچنین روایات متعددی که در آخرین بحث و در لابلای این کتاب خواهد آمد.

ولی از آنجا که گاه با تمام تلاش و کوشش که خود انسان و دیگران می‌کنند، وسیله ازدواج فراهم نمی‌گردد و خواه و ناخواه انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذراند، مبدا کسانی که در این مرحله زندگی قرار دارند، گمان کنند که آلودگی جنسی برای آنها مجاز است، و ضرورت چنین ایجاب می‌کند، لذا بلافاصله در آیه بعد دستور پارسائی را هر چند مشکل باشد به آنها داده می‌گوید: و آنها که وسیله ازدواج ندارند باید عفت و پاکدامنی پیشه کنند، تا خداوند آنان را به فضلش بی‌نیاز سازد «و لیستعفف الذین لا یجدون نکاحاً حتی یغنهم الله من فضله».

نکنند در این مرحله بحرانی و در این دوران آزمایش الهی تن به آلودگی در دهند و خود را معذور بشمرند که هیچ عذری پذیرفته نیست، بلکه باید قدرت ایمان و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱

شخصیت و تقوا را در چنین مرحله‌ای آزمود.

نکته‌ها:

۱- ازدواج یک سنت الهی است

گر چه امروز مسأله ازدواج آنقدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده که به صورت یک جاده صعب العبور یا غیر قابل عبور برای جوانان در آمده است، ولی قطع نظر از این پیرایه‌ها، ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ قانون آفرینش است که انسان برای بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی احتیاج به ازدواج سالم دارد.

اسلام که هماهنگ با آفرینش گام بر میدارد نیز در این زمینه تعبیرات جالب و مؤثری دارد، از جمله حدیث معروف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است: «تناکحوا، و تناسلوا تکثروا فانی أباهی بکم الأمم یوم القیامه و لو بالتیقظ:» ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من با فزونی جمعیت شما حتی با فرزندان سقط شده در قیامت به دیگر امتهای مباهات می‌کنم! و در حدیث دیگر از آن

حضرت می‌خوانیم «من تزوج فقد أحرز نصف دينه فليتق الله في النصف الباقي» کسی که همسر اختیار کند نیمی از دین خود را محفوظ داشته، و باید مراقب نیم دیگر باشد.

چرا که غریزه جنسی نیرومندترین و سرکش‌ترین غرائز انسان است که به تنهایی با دیگر غرائز برابری می‌کند، و انحراف آن نیمی از دین و ایمان انسان را به خاطر خواهد انداخت.

باز در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم «شرارکم عزابکم» بدترین شما مجردان شما هستند. به همین دلیل در آیات مورد بحث و همچنین روایات متعددی مسلمانان تشویق به همکاری در امر ازدواج مجردان و هر گونه کمک ممکن به این امر شده‌اند مخصوصاً اسلام در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده، و پدرانی را که در این مسئله حیاتی بی تفاوت هستند شریک جرم انحراف فرزندانشان شمرده است چنانکه در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم «من ادرک له ولد و عنده ما یزوجه فلم

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲

یزوجه، فأحدث فالإثم بینهما!» کسی که فرزندش به حد رشد رسد و امکانات تزویج او را داشته باشد و اقدام نکند، و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود، این گناه بر هر دو نوشته می‌شود! و باز به همین دلیل دستور مؤکد داده شده است که هزینه‌های ازدواج را اعم از مهر و سایر قسمت‌ها سبک و آسان بگیرند، تا مانعی بر سر راه ازدواج مجردان پیدا نشود، از جمله در مورد مهریه سنگین که غالباً سنگ راه ازدواج افراد کم در آمد است.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم «شوم المرثه غلاء مهرها» زن بد قدم زنی است که مهرش سنگین باشد.

و باز در حدیث دیگری که در ذیل حدیث فوق وارد شده می‌خوانیم «من شومها شده مؤنتها» یکی از نشانه‌های شوم بودن زن آن است که هزینه زندگی (یا هزینه ازدواجش) سنگین باشد.

و از آنجا که بسیاری از مردان و زنان برای فرار از زیر بار این مسئولیت الهی و انسانی متعذر به عذرهایی از جمله نداشتن امکانات مالی می‌شوند در آیات فوق صریحاً گفته شده است که فقر نمی‌تواند مانع راه ازدواج گردد، بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی نیازی می‌شود.

دلیل آن هم با دقت روشن می‌شود، زیرا انسان تا مجرد است احساس مسئولیت نمی‌کند نه ابتکار و نیرو و استعداد خود را به اندازه کافی برای کسب در آمد مشروع بسیج می‌کند، و نه به هنگامی که در آمدی پیدا کرد در حفظ و بارور ساختن آن می‌کوشد و به همین دلیل مجردان غالباً خانه به دوش و تهی دستند! اما بعد از ازدواج شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می‌شود و خود را شدیداً مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسائل زندگی فرزندان آینده می‌بیند، به همین دلیل تمام هوش و ابتکار و استعداد خود را به کار می‌گیرد و در حفظ درآمدهای خود و صرفه‌جویی، تلاش می‌کند و در مدت کوتاهی می‌تواند بر فقر چیره شود.

بی جهت نیست که در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم «الزرق مع النساء و العیال روزی همراه همسر و فرزند است».

و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: مردی خدمت حضرتش رسید و از

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳

تهی دستی و نیازمندی شکایت کرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تزوّج، فتزوّج فوسع له» ازدواج کن، او هم ازدواج کرد و گشایش در کار او پیدا شد!

بدون شک امدادهای الهی و نیروهای مرموز معنوی نیز به کمک چنین افراد می‌آید که برای انجام وظیفه انسانی و حفظ پاکی خود

اقدام به ازدواج می‌کنند.

هر فرد با ایمان می‌تواند به این وعده الهی دلگرم و مؤمن باشد، در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده «من ترك التزويج مخافة العيلة فقد ساء ظنه بالله ان الله عز و جل يقول «ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله».

کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند گمان بد به خدا برده است، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: اگر آنها فقیر باشند خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد.

البته روایات در منابع اسلامی در این زمینه فراوان است که در فصل‌های مختلف این کتاب اجمالاً خواهد آمد.

۲- منظور از جمله «و الصالحين من عبادكم و امائكم» چیست؟

قابل توجه اینکه در آیات مورد بحث به هنگامی که سخن از ازدواج مردان و زنان بی‌همسر به میان می‌آید به طور کلی دستور می‌دهد برای ازدواج آنان اقدام کنید، اما هنگامی که نوبت بردگان می‌رسد آن را مقید به صالح بودن می‌کند. جمعی از مفسران (مانند نویسنده عالیقدر تفسیر المیزان و همچنین تفسیر صافی) آنرا به معنی صلاحیت برای ازدواج تفسیر کرده‌اند، در حالی که اگر چنین باشد این قید در زنان و مردان آزاد نیز لازم است.

بعضی دیگر گفته‌اند که منظور صالح بودن از نظر اخلاق و اعتقاد است چرا که صالحان از اهمیت ویژه‌ای در این امر برخوردارند، ولی باز جای این سؤال باقی است که چرا در غیر بردگان این قید نیامده است؟ احتمال می‌دهیم منظور چیز دیگری باشد و آن اینکه در شرایط زندگی آن روز بسیاری از بردگان در سطح پائینی از فرهنگ و اخلاق قرار داشتند بطوری که هیچگونه مسئولیتی در زندگی مشترک احساس نمی‌کردند، اگر با این حال اقدام به تزویج آنها می‌شد همسر خود را به آسانی رها نموده و او را بدبخت می‌کردند، لذا دستور داده شده است در مورد آنها که صلاحیت اخلاقی دارند اقدام به ازدواج کنید، و مفهومش این است که در مورد بقیه نخست کوشش برای صلاحیت اخلاقی‌شان شود تا آماده زندگی زناشویی شوند

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴

سپس اقدام به ازدواجشان گردد.

سؤال: حکم مقاربت در ایام عادت ماهانه چیست؟! «و یسئلونک عن المحيض» جواب:

«قل هو أذى، فاعتزلوا النساء فی المحيض و لا- تقربوهن حتی یطهرن فاذا تطهرن فأتوهن من حیث أمرکم الله، ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین». «۱»

و از تو درباره حیض سؤال می‌کنند، بگو: چیز زیانبار و آلوده ایست از این رو در قاعدگی از زنان کناره‌گیری کنید؛ و با آنها نزدیکی ننمائید تا پاک شوند، و هنگامی که پاک شدند از طریقی که خدا به شما فرمان داده است، با آنها آمیزش نمایند که خداوند توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست می‌دارد».

یعنی فقط در حال پاک‌ی زنان: آمیزش جنسی داشته باشید نه در حالت ناپاکی و غیره ممکن است از آیه مبارکه، مفهوم وسیع‌تر و کلی‌تری استفاده کرد: یعنی بعد از پاک شدن نیز: آمیزش باید در چهار چوب فرمان خدا باشد: این فرمان می‌تواند فرمان تکوینی پروردگار یا فرمان تشریحی او باشد زیرا خداوند برای بقای نوع انسان:

جاذبه مخصوصی در میان دو جنس مخالف: نسبت به یکدیگر قرار داده و به همین دلیل آمیزش جنسی لذت خاصی برای هر دو طرف دارد ولی مسلم است، که هدف نهایی بقاء نسل بوده: و این جاذبه و لذت، مقدمه آن است بنابر این لذت جنسی باید: تنها در مسیر بقای نسل قرار گیرد: و به همین جهت استمناء و لواط و مانند آن:

نوعی انحراف از این فرمان تکوینی و ممنوع است.

و نیز ممکن است مراد امر تشریحی باشد: یعنی بعد از پاک شدن زنان از عادت ماهانه: باید جهات حلال و حرام را در حکم شرع در

نظر بگیرد.

بعضی نیز گفته‌اند: مفهوم این جمله ممنوع بودن آمیزش جنسی با همسران از غیر طریق معمولی می‌باشد. ولی با توجه به اینکه در آیات قبل از آن سخنی از این مطلب در میان نبوده: این تفسیر مناسب به نظر نمی‌رسد.

«نساءکم حرث لکم فأتوا حرثکم ائى شئتم و قدّموا لأنفسکم و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین». «۲» آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵

در این آیه: اشاره زیبایی به هدف نهایی آمیزش جنسی کرده می‌فرماید: همسران شما محل بذرافشانی شما هستند «نساءکم حرث لکم». بنابراین هر زمان بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش نمائید «فأتوا حرثکم ائى شئتم».

در اینجا زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند: و این تشبیه ممکن است برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر چنین تعبیری کرده است در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته شده: در حقیقت قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن تنها وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست: بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر: این سخن در برابر آنها که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوسبازی و کالا می‌نگرند: هشدار می‌شود.

حرث مصدر است و به معنی بذرافشانی است و گاهی به خود مزرعه نیز اطلاق می‌شود.

ائى از اسماء شرط است و غالباً به معنی متی که به معنی زمان است استعمال می‌شود: و در این صورت آن را ائى زمانیه می‌گویند و گاهی نیز به معنی مکان است مانند آنچه در آیه ۳۷ سوره آل عمران آمده: «قال یا مریم ائى لک هذا قالت هو من عند الله» زکریا گفت ای مریم! این غذا (ی بهشتی) را از کجا آورده‌ای؟: گفت از نزد خدا.

اگر ائى در آیه فوق زمانیه باشد: توسعه زمانی مسأله آمیزش جنسی را بیان می‌کند، یعنی در هر ساعتی از شب و روز مجاز هستید و اگر مکاتیه باشد، توسعه در مکان و چگونگی انواع آمیزش است.

این احتمال نیز وجود دارد که اشاره به هر دو جنبه باشد و به این ترتیب، دو همسر می‌توانند هر گونه و در هر زمان و مکان: از لذت جنسی بهره گیرند: (جز آنچه در قانون شرع ممنوع شده است).

سپس در ادامه آیه می‌افزاید: با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح: آثار نیکی برای خود از پیش بفرستید «و قدّموا لأنفسکم». آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶

اشاره به اینکه هدف نهایی از آمیزش جنسی: تنهالذت و کامجویی نیست بلکه باید از این موضوع: برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته: استفاده کرد: و آن را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت از پیش بفرستید: این سخن هشدار می‌دهد که باید در انتخاب همسر: اصولی را رعایت کنید که به این نتیجه مهم: یعنی تربیت فرزندان صالح و نسل شایسته انسانی منتهی شود.

در حدیثی نیز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم که فرمود: اذا مات الإنسان انقطع أمله الا عن ثلاث: صدقه جاریه و علم ینتفع به و ولد صالح یدعوا له، هنگامی که انسان می‌میرد امید او جز از سه چیز قطع می‌شود: صدقات جاریه (اموالی که از منافع آن مرتبا بهره گیری می‌شود) و علمی که از آن سود می‌برند و فرزند صالحی که برای او دعا می‌کند. «۱»

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: لیس یتبع الرجل بعد موته من الأجر الا ثلاث خصال: صدقه اجراها فی حیاة فیهی تجری بعد موته، و سنّه هدی سنّها فیهی تعمل بها بعد موته، و ولد صالح یستغفر له، هیچ گونه اجر و پاداشی بعد از مرگ به دنبال انسان نمی‌آید مگر سه چیز: صدقه جاریه‌ای که در حیات خود فراهم ساخته و بعد از مرگش ادامه دارد (مانند بناهای خیر) و سنت هدایت‌گری که آن را برقرار کرده و بعد از مرگ او به آن عمل می‌کنند: و فرزند صالحی که برای او استغفار کند.

همین مضمون در روایات متعدد دیگری نیز وارد شده است: و در بعضی از روایات شش موضوع ذکر شده که اولین آنها فرزند

صالح است.

به این ترتیب فرزندان صالح در کنار آثار علمی و تألیف کتابهای هدایت کننده و تأسیس بناهای خیر همچون مسجد و بیمارستان و کتابخانه قرار گرفته‌اند.

و در پایان آیه: دستور به تقوا می‌دهد و می‌فرماید: تقوای الهی پیشه کنید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد: و به مؤمنان بشارت دهید بشارت رحمت الهی و سعادت و نجات در سایه تقوا «و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین».

از آنجا که مسأله آمیزش جنسی: مسأله‌ای است مهم: و با پرجاذبه‌ترین غرایز انسان سر و کار دارد: خداوند در این جمله‌های آخر: مؤمنان را به دقت در این امر: و پرهیز

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۷

از هر گونه گناه و انحراف: دعوت فرموده و به آنها هشدار می‌دهد که بدانید همگی به ملاقات پروردگار خواهید شتافت و تنها راه نجات ایمان و تقوای در سایه ایمان است.

نکته: دستور عادلانه اسلام در مورد عادت ماهیانه زنان

۱- اقوام پیشین در مورد زنان در عادت ماهیانه عقائد مختلفی داشتند: یهود فوق العاده سخت‌گیری می‌کردند و در این ایام به کلی از زنان در همه چیز جدا می‌شدند در خوردن و آشامیدن و مجلس و بستر: و در تورات کنونی احکام شدیدی در این باره دیده می‌شود.

و به عکس آنها مسیحیان هیچ گونه محدودیت و ممنوعیتی برای خود: در برخورد با زنان: در این ایام قائل نبودند: و اما بت پرستان عرب: دستور و سنت خاصی نزد آنها در این زمینه یافت نمی‌شد: ولی ساکنان مدینه و اطراف آن: بعضی از آداب یهود را در این زمینه اقتباس کرده بودند: و در معاشرت با زنان در حال حیض:

سخت‌گیری‌هایی داشتند: در حالی که سایر عرب چنین نبودند و حتی شاید آمیزش جنسی را در این حال جالب می‌دانستند و معتقد بودند اگر فرزندی نصیب آنها شود بسیار خون‌ریز خواهد بود: و این از صفات بارز و مطلوب: نزد اعراب بادیه‌نشین خون‌ریز بود.

۲- ذکر طهارت و توبه در کنار یکدیگر در آیات فوق ممکن است اشاره به این باشد که طهارت: مربوط به پاکیزگی ظاهر: و توبه اشاره به پاکیزگی باطن است.

این احتمال نیز وجود دارد که طهارت در اینجا به معنی آلوده نشدن به گناه بوده باشد یعنی خداوند: هم کسانی را که آلوده به گناه نشده‌اند دوست دارد و هم کسانی که بعد از آلودگی توبه کنند: و در زمره پاکان در آیند.

ضمناً اشاره به مسأله توبه در اینجا ممکن است ناظر به این باشد که بعضی بر اثر فشار غریزه جنسی نمی‌توانستند خویشتن‌داری کنند و بر خلاف امر خدا به گناه آلوده می‌شدند: سپس از عمل خود نادم شده و ناراحت می‌گشتند: برای اینکه راه بازگشت را به روی خود بسته‌نینند و از رحمت حق مأیوس نشوند: طریق توبه را به

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۸

آنها نشان می‌دهد. «۱»

البته در قرآن کریم آیات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و زندگی خانوادگی و همچنین پدر و مادر که اساس و بنیان خانه و خانواده هستند، زیاد است که ما به چند آیه فوق اکتفا نمودیم

طالبین اطلاعات بیشتر، به قرآن مجید و تفاسیر آن مراجعه نمایند

اشاره

به همه افراد بشر، واضح و روشن است که خداوند عالم برای استمرار بخشیدن به بقای نسل انسان و حیوان، غرایز جنسی را در وجود آنها به ودیعت گذاشته و یک امر حیاتی و کلیدی قرار داده است که به سادگی نمی‌توان بحث در باره آن را نادیده گرفت، زیرا حفظ بافت و نظم جامعه به آن بستگی دارد و بدون آن، تداوم زندگی امکان پذیر نیست!

اگر نبود این غریزه بنیادین و پیامدهای آن از قبیل تشکیل خانواده و به دنیا آوردن اولاد و... کدام پدر به آن همه مشکلات تأمین معیشت و تهیه وسایل زندگی تن در میداد و کدام مادر آن همه زحمات طاقت فرسا را بجان می‌خرید و تحمل می‌کرد!؛ خدای حکیم علی‌الإطلاق در این نیروی قوی و طغیانگر، حکمتی بخرج داده است که به روشنی در می‌یابیم و بالعیان می‌بینیم، قوی‌ترین حیوان در هنگام غلیان این غریزه، در برابر جنس لطیف خود به نوعی اظهار عجز و لایبه و ناتوانی و نرمش و از خود گذشتگی، نشان می‌دهد که آدمی را به تعجب وامی‌دارد مگر این حیوان درنده غرش کنان چند دقیقه پیش نیست که این گونه در مقابل جنس مخالف و ضعیف و ناتوان خود، از پنبه نرمتر و از حریر لرزنده‌تر و شکسته‌تر شده است!

در عالم انسان نیز قضیه بدین منوال بلکه به مراتب بالا-تر و شگفت‌انگیزتر است! سفاک‌ترین و خونریزترین و مغرورترین آدمی هنگام تحریکات جنسی در برابر خواسته‌های آن، تسلیم گشته و برای فرو نشانیدن و اطفای آن از هیچ رفتار متنوع (خواهش، تمنا، قهر، آشتی و در نهایت، اظهار عشق و سوز دل و دهها مسایل دیگر در برابر جنس مخالف خود) فروگذار نمی‌شود! پس این غریزه یک ضرورت حیاتی برای انسان و حیوان است که هنگام نیاز، اگر خواسته‌های آن (مشروع یا نامشروع) بر آورده نشود یقیناً پیامدهای خطرناک و ناگواری (از قبیل از دست دادن تعادل روحی و جسمی و افسردگی و سرشکستگی و سرگردانی و... در نهایت دیوانگی)، خواهد داشت.

شکی نیست برای رهائی از صدمات روحی و جسمی آن و همچنین به خاطر پایدار

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۰

و پابرجا ساختن بقای نسل، باید آن را تغذیه کرد و ارضاء نمود! اما آنچه که مسلم است اگر مهار آن رها شود و آزاد گردد، نه از «تاک» نشان خواهد ماند و نه از تاک نشان، حاصلی جز نابودی جوامع بشری و گرفتار آمدن به بی بند و باری و نابودی شرافت های انسانی و متلاشی شدن خانواده‌ها و فرو رفتن در منجلاب تباهی و این دست و آن دست گشتن در دوران جوانی و ویلان و سرگردان ماندن در زمان پیری و ناتوانی، و... نخواهد داشت؛

با توجه به گفتار فوق، بشر به همان اندازه که برای ارضاء آن غریزه باید جوابگو باشد، به همان اندازه در تحت کنترل در آوردن و هدایت کردن آن به راه صحیح و درست، مسؤلیت دارد و باید برای حراست از خاندانها و خانواده‌ها و حفظ انسجامهای فامیلی و پدر و پسری و مادر دختری و ایلی و تباری و صدها فروع آن از قبیل شناخته شدن و ارث بردن و مردن و دفن شدن و... قدم مثبت برداشته و کوشا باشد تا از عمر پربهای خود، بهره‌مند گردد.

بدینجهت شرایع آسمانی برای ریز ریز و نکته به نکته کیفیت استفاده و بهره برداری از مسیر درست آن، راهنمائی‌ها و تشویق‌ها کرده و در مقابل، مجازات‌های سنگین و قوانین جزائی خشونت بار، وضع نموده است، تا از افتادن در سنگلاخ هوا و هوس و فرو رفتن در باتلاق بی بند و باری جلوگیری نماید.

و همچنین برای آرام شدن و آرامش یافتن در برابر این نیرو، به ریزه کاری هائی پرداخته است که واقعاً مایه شگفتی و شایسته تفکر و تأمل می‌باشد، مانند روزها و ساعات و کیفیت کامجویی زن و مرد و آماده ساختن طرف مقابل برای همسوئی و تشویق به ازدیاد آن، تا از حلال خود اشباع شده و در فکر دیگران نباشد و صدها مسائل دیگر.

حتی در بعضی روایت از امام صادق علیه السلام وارد شده است که هنگام کام جوئی از زن «لاتنزو نزو الحمار» (بی مقدمه) مانند

چارپایان نزدیکی نکنید!؛ زیرا اگر زن (در آن حال با سرخوردگی و بدون به دست آوردن آرامش)، جدا شود با غلام سیاهی هم روبرو گردد، خود را تسلیم و آرام خواهد نمود!! (اما اگر پس از آمادگی طرفین برای فارغ شدن، مسئله پایان یابد، با رضایت و خوشحالی از همدیگر جدا خواهند شد).

در کتابهای فقهی این مطالب و مسایل زناشویی، فراوان آمده است که طالبین به آن

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۱

کتابها از قبیل وسایل الشیعه: جواهرالکلام: بحار الأنوار: اصول کافی: تهذیب و استبصار و صدها کتاب دیگر در باب النکاح، مراجعه نمایند.

و نیز در باره روزهای ممنوع المقاربه (حیض، نفاس، احرام، روزهای ماه مبارک رمضان، ایلاء و بالأخره ظهار) و مسائل بسیار دیگر، مورد بحث قرار گرفته است که به اطلاعات و بررسی زیاد نیاز دارد و ما نیز در این کتاب به بخش کوچکی از آن متعرض خواهیم شد

۱- توبیخ تجرد

خدای متعال با حکمت متعالیه خود، سنگ بنای زیبایی جهان و نظام احسن و اکمل را در وجود نر و ماده؛ بنا نهاده، و ادامه حیات و زیربنای زندگی را در وجود آفریده‌های مؤلّد و تولید کننده استوار ساخته و برقرار نموده است.

هیچ موجود رشد کننده و ذیحیات پیدا نمی‌شود مگر اینکه از زوج و جفت یا به عبارت دیگر از پدر و مادر به وجود آمده‌اند؛ چنان که در قرآن کریم نیز به این معنا تصریح نموده و می‌فرماید: «منزّه است کسی که تمام زوج‌ها را آفرید، از آنچه که زمین می‌رویاند، و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند.» (۱)

با جمله «و ممّا لا یعلمون» می‌فهماند که زوجها و جفتهای زیادی هست که هنوز دانش بشری به حیظه کشف فورمول وجودی آنها، راه پیدا نکرده و از وجود آنها اطلاع ندارد و از کشف آنها عاجز مانده است پس هر موجود زنده‌ای از نباتات و سبزیجات و حیوانات گرفته تا انسان صاحب عقل و خرد، باید از جفت و یا نر و ماده به وجود آید درست است موجودات تک یاخته‌ای و تک سلولی نیز یافت می‌شود اما کم و ناچیز!

برای روشن شدن مطلب فوق به فصل آیات که قبلاً از نظر مبارکتان گذشت مراجعه نمایید.

از محتوای گفتار پیشین نیز متوجه شدیم که انسان برای اطفای آتش غریزه جنسی خود، نیاز شدید به همسر و تشکیل خانواده دارد!

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۲

فرد مجرد یعنی مرغ بی آشیانه!؛ از حکمت‌های محیر العقول خداوند آفرینش نر و ماده و ایجاد محبت و عشق در میان آنها و تشکیل خانواده است؛

تا قانون ازدواج و تشکیل خانواده، در باره کسی و یا جامعه‌ای اجرا نشود؛ نر و ماده و دختر و پسر مرد وزن؛ همه ویلان و سرگردان و در جایی بند نمی‌شوند؛ نه آرامش روحی دارند و نه آرامش و سکون جسمی؛

خداوند در جاهای متعدد قرآن مجیدش به اهمیت این مطلب اشاره فرموده است که همسران شما مایه آرامش شما هستند نه تنها زیستن و ویلان بودن! (۱)

البته باید در انتخاب همسر و با چه کسی می‌خواهد پیوند زناشویی ببندد و مال و اولاد خویش را در آینده به دست که بسپارد و .. دقت کامل نماید که ندامت و پشیمانی در پی نداشته باشد.

۱- محمد الأصم: از ابی عبد الله علیه السلام روایت کرده است: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

رذال موتاکم العزّاب. پست ترین مردگان شما عزبها (مجزدها) هستند. «۲»

۲- محمد بن علی بن حسین گفت: روی آن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: أكثر أهل النار العزّاب. روایت شده است

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بیشتر اهل آتش مجزدها هستند. «۳»

۳ شرار موتاکم العزّاب. بدترین مردگانتان مجزدها هستند. «۴»

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مردی که نامش عکاف است فرمود: ألك زوجة؟ قال: لا. یا رسول الله قال: ألك

جارية؟ قال: لا یا رسول الله قال: أفأنت موسر؟ قال: نعم قال: تزوّج وإلا فأنت من المذنبین.

آیا زن داری؟

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۳

گفت: نه ای رسول خدا؛

کنیز (برده) داری؟

نه ای رسول خدا؛

آیا ثروت (و امکان ازدواج) داری؟

بلی ای رسول خدا؛

(برو) ازدواج کن و گرنه تو از گناهکارانی «۱»

۵- در روایت دیگر فرمود: تزوّج وإلا فأنت من رهبان النصاری. ازدواج کن و گرنه تو از راهبان نصارا هستی. «۲»

۶- در روایت دیگر فرمود: تزوّج وإلا فأنت من إخوان الشیاطین و گرنه از برادران شیطان‌ها هستی. «۳»

۷- و فرمود: شرار کم عزابکم والعزّاب إخوان الشیاطین شروترین شما مجزدهایتانند و مجزدها برادران شیطانند. «۴»

و فرمود: خيار امتی المتأهلون و شرار امتی العزّاب بهترین امت من متأهل‌ها و بدترین امتم مجزدها هستند. «۵»

ابن فضال، از امام صادق، از پدرش از پدران بزرگوارش علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

شرار امتی عزابها. بدترین امت من عزب‌های آنهاست. «۶»

۲- نکوهش فرار از تزویج

در مقدرات الهی برای هر جنبنده‌ای و جاننداری: رزقی: تعیین گردیده است و از آسایشگاهها و محل زندگی آنها، اطلاع کامل دارد

و هیچ موجودی از نظر قدرت او

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۴

پنهان نیست، «۱» پس رزق هرکسی در هر جا باشد به او می‌رسد و سوخت و سوزی ندارد؛

با توجه به مطلب فوق آنان که از ترس نداری، تن به ازدواج نمی‌دهند: یا توکلشان به خدا کم و یا اساساً باور ندارند که خدا روزی

رسان است و یا به مفهوم زندگی و فراز و نشیب آن، پی نبرده‌اند.

۱- حریر: از ولید بن صبیح: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: من ترک التزویج مخافة العیلة فقد أساء بالله الظنّ. هر کس ترک

ازدواج کند به خاطر ترس از عیال باری و فقر و نداری، به یقین برخدابد گمان است! (زیرا خداوند کفیل روزی زن و فرزند است).

«۲»

۲- محمد بن جعفر، از پدرش، از پدرانش علیهم السلام گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من ترک التزویج مخافة

العیلة فقد ساء ظنّه با الله عزّ و جلّ إن الله عزوجل يقول: (ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله). هر کس به خاطر ترس از نداری،

ترک تزویج کند، گمان بد به خدای عزّ و جلّ برده، در حالی که خدای عزّ و جلّ (در قرآن) می‌فرماید: «اگر (ازدواج کنندگان) فقیر باشند، خداوند آنها را از فضل و کرم خود بی‌نیاز می‌سازد». (۳)

۳- اَبی بصیر: از اَبی عبد الله علیه السلام گفت: اَتی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شاب من الأنصار فشکا إليه الحاجه، فقال له: تزوّج، فقال الشاب: اِنّی لأستحیی أن أعود إلى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، فلحقه رجل من الأنصار فقال: انّ لی بنتاً وسیمه، فزوّجها إیاه، قال: فوسّع الله علیه، فأتی الشاب النبی علیه السلام فأخبره، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یا معشر الشباب علیکم بالباه. جوانی از انصار پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد از نیاز مندی (و نداری خود) به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کرد فرمود: ازدواج کن! جوان گفت من حیا می‌کنم دوباره پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برگردم، مردی از انصار خود را به او رساند و گفت: من دختری (رسیده) و زیبا آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۵

دارم (می‌خواهی او را به تو تزویج کنم؟! آری) پس به او تزویج نمود و خداوند به او وسعت داد (و زندگی‌اش بالا گرفت) جوان جریان را به اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسانید حضرت فرمود: ای گروه جوانان بر شما باد لذت نفس (و ازدواج). (۱)

۴- إسحاق بن عمار گفت: قلت لأبی عبد الله علیه السلام الحدیث الذی یروونه (یرویه) الناس حقّ انّ رجلاً أتى النبی صلی الله علیه و آله و سلم فشکی إليه الحاجه فأمره بالتزویج ففعل، ثم أتاه فشکی إليه الحاجه فأمره بالتزویج حتی أمره ثلاث مرات؟ فقال أبو عبد الله علیه السلام: هو حقّ، ثم قال: الرزق مع النساء والعیال. به اَبی عبد الله علیه السلام گفتم: حدیثی که مردم آن را روایت می‌کنند حقّ است که مردی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و از احتیاجش شکایت نمود و حضرت سه بار او را امر به ازدواج نمود؟! فرمود: (بلی) حق است سپس فرمود: (وسعت) رزق با زنان و عیال است. (۲)

۵- عاصم بن حمید گفت: نزد اَبی عبد الله علیه السلام بودم فأتاه رجل فشکی إليه الحاجه فأمره بالتزویج، قال: فاشتدّت به الحاجه فأتی ابا عبد الله علیه السلام فسأله عن حاله فقال له:

اشتدّت بی الحاجه فقال: ففارق، ثم أتاه فسأله عن حاله؟ فقال: أثرت وحسن حالی، فقال أبو عبد الله علیه السلام: اِنّی أمرتک بأمرین أمر الله بهما، قال الله عزوجل (وانکحوا الایامی منکم- إلى قوله- والله واسع علیم) و قال: (ان یتفرّقا یغن الله کلّاً من سعته). مردی پیش او آمد و از نیاز مندی‌اش شکایت نمود، حضرت او را امر به ازدواج کرد (رفت و ازدواج نمود و وضع زندگی‌اش بدتر شد) دوباره آمد و از شدت فقر شکایت نمود، حضرت از حالش پرسید؟ گفت: حالم وخیم‌تر شده است، فرمود از زنت جدا شو! رفت و جدا شد (بعد از مدتی برگشت) امام حالش را پرسید؟ گفت دارا شده‌ام و حالم خوب است، ابو عبد الله علیه السلام فرمود من هر دو دستور را از امر خدا به تو گفتم، آنجا که فرمود: به بیوه‌ها زن دهید تا خداوند وسعت دهنده و عالم است، و فرمود: «اگر از هم جدا شدند خداوند همه را بی‌نیاز می‌سازد». (۳)

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۶

۶- سعید بن هبئه الله راوندی در (الخرايج والجرايح) از امام حسین علیه السلام انّ رجلاً استشاره فی تزویج امرأه، فقال: لا أحبّ ذلک، و کانت کثیره المال و کان الرجل أيضاً مکثراً، فخالف الحسین علیه السلام و تزوّج بها فلم یلبث الرجل حتی افتقر، فقال له الحسین علیه السلام: قد أشرت علیک! الآن فخلّ سیلها، فإنّ الله یعوضک خیراً منها، ثم قال: علیک بفلانہ، فتزوجها فما مضی سنه حتی کثر ماله و ولدت له ورأی منها ما یحبّ. مردی با او در باره ازدواج با زنی ثروتمند، مشورت نمود، مرد خود نیز مال زیاد داشت فرمود: من دوست ندارم، آن مرد با امام مخالفت نمود و با آن زن ازدواج کرد و در مدت کمی به فقر و نداری افتاد، حضرت به او فرمود: من به تو اشاره کردم (ولی تو نپذیرفتی) حالا او را رها کن خداوند بهتر از او را به تو عوض می‌دهد، سپس فرمود: بر تو باد

فلان زن (آن شخص) با او ازدواج کرد یک سال نگذشت وضع مالی اش خوب شد و بچه به دنیا آورد و آنچه را که دوست داشت، به آن رسید! «۱»

۲- تشویق به ازدواج

در روایات اسلامی کمتر مطلبی پیدا می‌شود که مانند تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده: سخن گفته و اهمیت داده باشد: زیرا ازدواج زیر بنای زندگی و تحکیم جوامع بشری است: هر اجتماع و جامعه‌ای فاقد این نعمت و اجرای فرامین الهی در این مورد باشد روی سعادت و خوشبختی را ندیده و مزه آن را نخواهد چشید:

اساساً بدون ازدواج، اجتماعی وجود ندارد که بتوان به آن متکی شد و یا در باره آن سخن گفت!

قرآن مجید برای ازدواج کننده‌ها قاطعانه وعده بی‌نیازی را داده است که در فصل اول آیات بیان آن گذشت.

۱- از ابی جعفر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مابنی بناء فی الإسلام أحبّ الی من التّرویج. هیچ بنائی در اسلام بنا نشده است برای من دوست داشتنی‌تر از ازدواج باشد. «۲»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۷

۲- امام باقر علیه السلام فرمود: مابنی بناء فی الإسلام أحبّ الی الله عزّ و جلّ من التّرویج در اسلام بنائی بنا نشده است که به خدای عز و جل دوست داشتنی‌تر از ازدواج باشد. «۱»

۳- ابی عبدالله علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من تزوّج (فقد) أحرز نصف دینه «۲»

(فلیتق الله فی التّصف الأخر «۳») الباقی هر کس ازدواج کند نصف دینش را نگهداشته، پس از خدا بترسد در (حفظ) نصف باقی. «۴»

۴- قال الصّیدوق: وقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: اتّخذوا الأهل فإنه أرزق لكم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: متأهل شوید ازدواج روزی شما را بیشتر می‌کند «۵».

۵- در کتاب (الخصال) باسند خود از علی علیه السلام- در حدیث الأربعمأة- فرمود تزوّجوا فإنّ التّرویج سنّه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، فإنه كان يقول: من كان يحبّ أن يتبع سنّتی فإنّ من سنّتی التّرویج، واطلبوا الولد، فإنی مكاثر بكم الأمم غداً، وتوقّوا علی أولادكم من لبن البغی من النساء والمجنونه فإنّ اللبن یعدی. ازدواج کنید همانا ازدواج سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و می‌فرمود: هر کس دوست دارد به سنّت من تبعیت کند، از سنّت من ازدواج است، فرزند طلب نمایید من فردا به سبب شما به امت‌های دیگر مباحثات می‌کنم، و اولاد خود را از شیر زنان زناکار و دیوانه نگهدارید، زیرا شیر اثر گذار است. «۶»

۶- محمد بن مسلم: از ابی عبدالله علیه السلام گفت: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: تزوّجوا فإنّ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: من أحبّ أن يتبع سنّتی فإنّ من سنّتی التّرویج. ازدواج کنید چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس دوست دارد پیرو سنّت من شود، از سنّت من

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۸

ازدواج است. «۱»

۷- محمد بن محمد (شیخ مفید در (المقنعه) گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من أحبّ أن یلقى الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجه. هر کس دوست دارد خدا را پاک و مطهر ملاقات کند، او را بازوجه ملاقات نماید. «۲»

۸- وقال: قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: رکعتان یصلیهما متزوّج أفضل من رجل عزب یقوم لیله ویصوم نهاره. و باز فرمود: دو رکعت نماز متأهل بهتر است از نماز مجرّد که شب تا صبح قیام کند و روزش را هم روزه بگیرد. «۳»

۹- ابن القداح از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: جاء رجل إلى ابی علیه السلام فقال له: هل لك من زوجة؟ قال: لا، فقال أبی: ما أحب أن لی الدنیا وما فیها وائی بت لیلۃ و لیست لی زوجة، ثم قال: الرکعتان یصلیهما رجل متزوج أفضل من رجل أعزب یقوم لیله ویصوم نهاره. ثم أعطاه أبی سبعة دنایر ثم قال: تزوج بهذه. ثم قال أبی: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: اتخذوا الأهل فإنه أرزق لكم امام صادق علیه السلام فرمود: مردی پیش پدرم آمد، پدرم به او فرمود آیا زن گرفته‌ای؟! گفت: نه، پدرم فرمود: من دوست ندارم تمامی دنیا مال من شود، اما من یک شب بدون زن بخوابم! سپس فرمود: دو رکعت نماز زن دار بهتر است از نماز مجرد که شب تا بامداد قیام و روزش را روزه بدارد؛ سپس پدرم هفت دینار به او داد و فرمود: (برو) با این (پول) ازدواج کن سپس پدرم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

زن بگیرد زیرا این کار روزی را زیاد می‌کند. «۴»

۱۰- و فرمود: رکعتان یصلیهما المتزوج أفضل من سبعین رکعة یصلیهما غیر متزوج. دو رکعت نماز متأهل از هفتاد رکعت غیر متأهل افضل است. «۵»

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمود: رکعتان یصلیهما المتزوج أفضل من سبعین رکعة یصلیهما

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۳۹

عزب دو رکعت نمازی که متأهل بخواند بهتر از هفتاد رکعت مجرد است. «۱»

۱۲- در روایت فریقین آمده رسول خدا فرمود: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» ازدواج سنت من است هر کس از سنت من دوری جوید از من نیست. «۲»

۱۳- رسول خدا فرمود: یا معشر الشباب من استطاع منکم الباه فلیتزوج فإنه أغض للبصر و أحسن للفرج و من لم یستطع فلیصم فإن الصوم له وجاء. ای گروه جوان‌ها هر کس می‌تواند، ازدواج کند زیرا ازدواج پوشاننده چشم و نگهدارنده اندام جنسی است، اگر توان ازدواج نداشتید، روزه بگیرید چون روزه بازدارنده است. «۳»

۱۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من برکة المرثة سرعة تزویجها. از برکت زن زود تزویج نمودن (و زود شوهر کردن) اوست. «۴»

۱۵- جمیل بن دراج، گفت: أبو عبد الله (علیه السلام) فرمود: ما تلذذ الناس فی الدنیا والآخرة بلذة أكثر لهم من لذة النساء، وهو قول الله عزوجل «زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین» إلى آخر الآیة ثم قال: وإن أهل الجنة ما یتلذذون بشی من الجنة أشهى عندهم من النکاح لا- طعام و لا- شراب. مردم لذت نبرده است در دنیا و آخرت که لذتش بیشتر از لذت زنان باشد، و آن است (معنای) فرموده خدای عز و جل «برای مردم زینت داده شده است دوست داشتن شهوات از زنان و فرزندان» تا آخر آیه سپس فرمود: و همانا اهل بهشت لذتی نمی‌برند در بهشت که گواراتر باشد نزد آنها از نکاح، نه خوردنی و نه آشامیدنی (یعنی هیچ یک از اینها مانند نکاح لذت بخش تر نخواهد بود). «۵»

۱۶- راوندی: باسند خود از موسی بن جعفر، از پدرانش علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ما من شاب تزوج فی حدائیه سنه إلا عج شیطانہ یا ویله یا ویله عصم منی ثلثی دینہ، فلیتق الله العبد فی الثلث الباقی. نیست جوانی که در نوجوانی ازدواج نماید مگر اینکه

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۰

شیطانش فریاد زند وای بر او وای بر او از (شر) من دو سوم دینش را حفظ نمود پس بنده در یک سوم باقیمانده از خدا بترسد. «۱»

۱۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الدنیا متاع و خیر متاعها الزوجة الصالحة. دنیا متاع است و بهترین متاعش زن صالحه است. «۲»

۱۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زَوْجُوا أَيْمَانَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيُزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ. بی زنهائتان را زن دهید زیرا خداوند آنها را در اخلاقتان، زیبا نماید و در روزی هایشان وسعت دهد و مروّثان را زیاد نماید. «۳»

۴- نهی از ترک ازدواج!

بعضی از زنها و مردها، به گمان تقرب جستن به خدا و به خاطر فراغت خاطر وو ...

از ازدواج صرف نظر کرده ترک تزویج می نمایند!، غافل از اینکه این عمل بر خلاف رضای خدا و خواسته اسلام و مبارزه با طبیعت است، زیرا خدائی که «نر و ماده» را آفریده، برای آنها لازم کرده است که غریزه جنسی خود را خاموش نمایند ولی نه از راه نامشروع بلکه آن گونه که خداوند دستور داده است، پس رهبانیت مخصوصاً ترک تزویج برای زن و مرد، اگر بتواند خود را از حرام نگهدارد، مکروه و در غیر این صورت حرام قطعی می باشد! به روایات ذیل دقت نمائید.

۱- رساله محکم و متشابه از تفسیرالنعمانی: از علی علیه السلام نقل می نماید فرمود:

جماعتی از اصحاب، زنها و خوردن روز و خوابیدن شبها را بر خود حرام نمودند، ام سلمه این جریان را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبرداد، حضرت به سوی آن اصحاب رفت و فرمود: اَنْتِ آتَى النِّسَاءِ وَ أَكَلِ بَالنَّهَارِ وَ أَنَامِ بِاللَّيْلِ فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا أَنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَ كَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا حَلَفْنَا عَلَى ذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ» إِلَى

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۱

قوله «ذَلِكَ كَفَّارَةٌ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَ احْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ» مِنْ بَأْسِ زَنَاهَا مَبَاشَرَةً دَارِمٌ وَ رُوزَهَا مِی خُورِمٌ وَ شَبَهَا مِی خُوبِمٌ پَسِ هَرِ كَسِ از سُنَّتِ مِنْ دُورِی جُویِدِ، از من نیست و خدای عزوجل (این آیات را) نازل نمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید؛ و از حد تجاوز ننمایید زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد» و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید و (از مخالفت) خداوندی که به او ایمان آورده‌اید، بپرهیزید، گفتند: ای رسول خدا ما برای این کار قسم خورده‌ایم! پس خداوند نازل نمود: «خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده (و خلاف سنت الهی) مؤاخذه نمی‌نماید؛ (تا فرمود): این است کفاره سوگندهائتان اگر قسم خورده‌اید و سوگندهای خود را حفظ نمایید» (تا آخر آیه). «۱»

۲- ابی یعفر از امام صادق علیه السلام فرمود: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ النِّسَاءَ أَنْ يَتَّبِلْنَ وَ يَعْطِلْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی نمود زنها را که خود را منقطع نمایند و از ازدواج معطل نمایند! «۲»

۳- زنی به امام صادق علیه السلام وارد شد و گفت: أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَيُّ امْرَأَةٍ مُتَّبِلَةٌ فَقَالَ، مَا التَّبِيلُ عِنْدَكَ؟ قَالَتْ لَا أَتْرُوجُ! قَالَ: وَ لِمَ؟ قَالَتْ: أَلْتَمَسْتُ بِذَلِكَ الْفَضْلَ فَقَالَ: انْصَرَفِي، فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ فَضْلًا لَكَانَتْ «فَاطِمَةُ» أَحَقَّ بِكَ مِنْكَ أَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ سَبَقَهَا إِلَى الْفَضْلِ. خدا تورا اصلاح نماید من زنی «متبّله» هستم! فرمود: پیش تو (منظور از) تبّیل چیست؟

گفت: (یعنی) ازدواج نمی‌نمایم! فرمود: چرا؟ گفت: با این کار فضیلت (و شرافت) می‌جویم! فرمود: منصرف شو، اگر این کار فضیلت داشت «فاطمه» از تو پیش قدم می‌شد زیرا کسی از فاطمه برای کسب فضیلت، سبقت نمی‌کند (و پیشی نمی‌گیرد). «۳»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۲

۴- دعائم الإسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنّه نَهَى عَنِ التَّبِيلِ وَ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَتَّبِلْنَ وَ يَقْطَعْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از محروم ساختن خود و زنها را از انقطاع از ازدواج، نهی نموده است. «۱»

۵- راهنمایی ناتوانان از ازدواج!

در جوامع بشری، خیلی‌ها هستند که با این وضع توّرم و چشم و هم چشمی‌ها و خودنمائی‌ها و نبود کار و مسکن وو... به ازدواج تن در نمی‌دهند و یا قدرت آن را ندارند، کار به جایی رسیده است که زندگی مجردی را به این گونه ازدواج‌ها ترجیح می‌دهند و غرایز جنسی خود را از بازار آزاد، اشباع می‌کنند و یا می‌سوزند و می‌سازند؛

حالا اگر کسی دارای ایمان و دین قوی باشد، آیا برای رفع این مشکل در صورت امکان، با «ازدواج موقت» خود را آرام کند یا راه دیگری نیز برای مهار کردن خود وجود دارد؟!، به راهنمایی‌ها و صلاح دید روایات ذیل دقت نمایید.

۱- مردی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لیس عندی طول فانکح النساء فالتیک أشکوا العزوبه فقال: وَفَرَّ شَعْرُ جَسَدِكَ وَأَدِمِ الصَّيَّامَ، ففعل فذهب مابه من الشَّبِق من امکان ازدواج ندارم و (از ناراحتی‌های مجرد نیز) برایت شکایت می‌کنم فرمود: اندام (جنسی) ت را پرپرشت نما (و تراش) و روزه را ادامه ده، پس این کار را کرد، تا (آتش) غریزه جنسی اش خاموش شد. «۲»

۲- اسماعیل بن زیاد از ابی زیاد از امام صادق از علی علیه السلام فرمود: ما (أ) کثر شعر رجل قَطَّ أَلَا قَلَّتْ شهوته به یقین موی مردی زیاد نگشت مگر اینکه شهوتش کم شد. «۳»

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره کسی که قدرت ازدواج ندارد فرمود: ... و من لم یستطع آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۳

فلیصم فأن الصوم له وجاء» .. اگر توان ازدواج نداشتید، روزه بگیرید چون روزه بازدارنده است. «۱» به فصل بعدی نیز توجه نمایید.

۶- واسطه گری میان دو جوان!

انسان در دوران زندگی اش، با فیصله دادن و آشتی برقرار نمودن میان دو یا چند نفر سر و کار دارد یعنی این اقدام با زندگی آدمیان عجین شده است، اگر در کارهای خداپسندانه سعی و کوشش نماید، در دنیا محبوب خدا و خلق خواهد شد و در آخرت مستحق پاداش و اجر مهمی خواهد گردید؛

پس اگر کسی در میان خانواده‌ها رفت و آمد نماید و سعی و کوشش بخرج دهد که امر ازدواج دو جوان سر بگیرد و بهم برسند، خداوند او را در روز قیامت در پناه خود گرفته و امنیت خواهد بخشید.

۱- امام صادق از امیرمؤمنان علیهما السلام «أفضل الشفاعات ان تشفع بین اثنین فی نکاح حتی یجمع الله بینهما» بهترین واسطه گریها، واسطه بودن در ازدواج دو نفر است تا خداوند میان آنها را جمع نماید. «۲»

۲- امام کاظم علیه السلام فرمود: «ثلاثة یستظلون بظلّ عرش الله یوم القیامه یوم لا ظلّ الا ظلّه، رجل زوج أخاه المسلم، أو أخدمه، أو کتم له سرّاً» سه نفر روز قیامت در زیر سایه عرش خدا قرار می‌گیرند روزی که سایه‌ای غیر از آن نخواهد بود، ۱- مردی که برادر مسلمانش را (زن دهد و) تزویج نماید، ۲- یا او را به خدمتی وادارد (یا خدمتکار دهد که کارهای او را انجام دهد)، ۳- یا سرّ او را پنهان نماید. «۳»

۳- سماعه بن مهران از ابی عبدالله علیه السلام فرمود: أربعه ینظر الله الیهم یوم القیامه من أقال نادماً أو أغاث لهفاناً أو أعتق نسمةً أو زوج عزباً چهار نفرند خداوند در روز قیامت (به آنها با رحمت) نظر نماید، هرکس نادمی را برگرداند (کسی که در معامله یا درباره چیزی پشیمان شود آن را پس دهد)، یا به فریاد گرفتاری برسد، یا برده‌ای را آزاد

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۴

نماید، یا مجردی را زن دهد (و واسطه سرگرفتن ازدواج او شود). «۱»

۴- امام صادق فرمود: من زَوْجٍ أُعْزِبَ كَان مَمَّن يَنْظُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. هر کس مجردی را زن دهد از کسانی می‌شود که خدای عز و جل در قیامت به او نظر (رحمت) نماید. «۲»

۵- در روایت عبدالله بن سلیمان نوفلی آمده است در حدیث طولانی امام صادق علیه السلام به عبدالله نجاشی نوشت، حدیث کرد مرا پدرم از پدرانش علیهم السلام از علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: و من زَوْجٍ أَخَاهِ الْمُؤْمِنِ امْرَأَةً يَأْنَسُ بِهَا وَ تَشَدَّ عَضْدَهَا وَ يَسْتَرِيحُ بِهَا، زَوْجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ وَ آنَسَهُ بَمَنْ أَحَبَّهُ مِنَ الصَّيْدِ يَتَّقِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ وَ أَخْوَانَهُ وَ آنَسَهُمْ بِهِ. و هر کس به برادر مؤمنش زن دهد که با او انس گیرد و بازوانش را محکم نماید (در شداید یاور او شود) و با او آرام گیرد، خداوند از حورعین او را تزویج نماید و با راستان از اهل بیت پیغمبر و برادرانش، او را مأنوس نماید و آنها را هم با او مأنوس کند. «۳»

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من عمل فی تزویج بین مؤمنین حتی یجمع بینهما زَوْجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفَ امْرَأَةٍ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ كُلِّ امْرَأَةٍ فِي قَصْرِ مِنْ دَرٍّ وَ يَاقُوتٍ، وَ كَان لَه بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَايَا أَوْ بِكُلِّ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا فِي ذَلِكَ عَمَلٌ سَنَةٌ قَامَ لَيْلَهَا وَ صَامَ نَهَارَهَا وَ مِنْ عَمَلٍ فِي فِرْقَةٍ بَيْنَ امْرَأَةٍ وَ زَوْجِهَا كَان عَلَيْهِ غَضَبُ اللَّهِ وَ لَعْنَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ كَان حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَخَهُ بِأَلْفِ صَخْرَةٍ مِنْ نَارٍ وَ مِنْ مَشَى فِي فِسَادٍ مَا بَيْنَهُمَا لَمْ يَفْرَقْ كَان فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَعْنَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِهِ» هر کس در تزویج میان مؤمنان کاری کند تا آنها را بهم برساند، خدای عز و جلّ به او هزار نفر از زنان حورعین تزویج نماید، هر زنی در قصری از درّ و یاقوت باشد، و به هر گامی که در این راه برداشته، یا حرفی که زده است، ثواب یک سال عبادت که روزهایش روزه و شب‌هایش عبادت کرده باشد را، می‌دهد؛

و هر کس سعی کند میان زن و شوهرش جدائی بیفکند، غضب خدا و لعنتش در دنیا

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۵

و آخرت بر او خواهد بود، و شایسته است خداوند او را با هزار سنگ آتشین سنگ باران نماید (و بکوبد)، و هر کس در بهم زدن میان آنها، قدمی بردارد امّا موفق نشود که آنها را جدا کند، در غضب خدای عزّ و جلّ و لعنت او در دنیا و آخرت بوده و بر او دیدن وجه خدا را، حرام خواهد نمود. «۱»

۷- رسول خدا فرمود: من عمل فی تزویج حلال حتی یجمع الله بینهما زَوْجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ، وَ كَان لَه بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَايَا وَ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا عِبَادَةً سَنَةً. هر کس در تزویج حلال کار کند تا میان آنها را جمع نماید (و بهم رساند) خداوند از حوریان ممتاز، برای او تزویج و به هر قدمی (در اصلاح این کار) برداشته و به هر کلمه‌ای زده، عبادت یک سال می‌نویسد. «۲»

۸- از علی علیه السلام فرمود: ... وَأَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ يَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ شَمْلَهُمَا. و بهترین میانجی‌گری آن است که برای ازدواج (میان دو نفر) وساطت نماید تا آنها را بهم رساند. «۳»

۷- سه چیز بی حساب

در تشکیلات خداوندی، همه چیز حساب و کتابی دارد و محاکمه‌ای! پس انسان باید خود را برای پاسخ گویی به سؤالات مأمورین الهی آماده ساخته و بگونه‌ای خود را از دست بازجویان روز قیامت برهاند اما در این میان در باره سه چیز بازجویی نخواهد شد!

۱- علی بن رثاب از حلبی، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ لَا يَحْسَبُ (الله علیها) عَلَيْهِنَّ الْمُؤْمِنُ: طَعَامٌ يَأْكُلُهُ، وَ ثَوْبٌ يَلْبَسُهُ، وَ زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تَعَاوَنُهُ وَ يَحْصَنُ بِهَا فَرْجَهُ. سه چیز برای مؤمن محاسبه نخواهد شد،

۱- طعامی که می‌خورد؛

۲- لباسی که می‌پوشد؛

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۶

۳- همسر صالحه‌ای که یاور او باشد و ناموس او را پاسداری نماید و خود را از شهوات نفسانی مهار کند، (زیرا این‌ها ضروریات زندگی است که خداوند متکفل آنهاست). «۱»

۸- آرامش مؤمن

در زندگی دنیای مادی ما، برای فرد فرد انسان‌ها آرامش و راحتی فکر، از آرزوهای مهم و شرط اصلی آن است زیرا در غیر این صورت: زندگی برایش معنا و مفهومی نخواهد داشت؛! از جمله آرامش بخش‌ها سه چیز است.

۱- سعید (شعیب) بن جناح: از مطر مولی معن: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: ثلاثة للمؤمن فيها راحة: دار واسعة تواری عورته و سوء حاله من الناس، وامرأة صالحة تعينه على أمر الدنيا والآخرة، وابنة يخرجها إما بموت أو بتزويج. سه چیز مایه آرامش مؤمن است،

۱- خانه وسیع که آبروی خود و بدی حالش را از مردم بپوشاند؛

۲- و همسر صالحه که کمک او باشد در کارهای دنیا و آخرتش؛

۳- دختری که از خانه بیرون فرستد یا با مرگ و یا با عروسی (که آبروی خود را نگه داشته و از غم او بیاساید). «۲»

۲- حسن (بن حسن)، از مادرش فاطمه دختر امام حسین از پدرش حسین بن علی، از پدرش علی بن ابی طالب علیهم السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من اعطی أربع خصال فقد اعطی خیر الدنيا والاخرة وفاز بحظه منهما: ورع يعصمه عن محارم الله، و حسن خلق يعیش به فی الناس، وحلم يدفع به جهل الجاهل، و زوجة صالحة تعينه على أمر الدنيا والاخرة به هر کس چهار خصلت داده شده، همانا خیر دنیا و آخرت به او داده شده و در هر دو آن به حق خود رسیده است،

الف خویشتن داری که او را از حرام‌های خدا نگهدارد؛

ب اخلاق نیکو که با آن با مردم زندگی نماید؛

ج حلمی که با آن جهالت نادانان را (از خود) دور سازد؛

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۷

د- همسر شایسته‌ای که به کار دنیا و آخرت او کمک نماید. «۱»

۳- حسین بن علوان، از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: حسن البشر نصف العقل، والتقدير نصف المعيشة، والمرأة الصالحة أحد الكاسيين خوشروئی نصف عقل و اندازه‌گیری نصف معیشت و زن صالحه یکی از کسب‌کنندگان (یعنی وجودش سبب جلب روزی و برکت زندگی) است. «۲»

۴- در کتاب دعوات راوندی: از ربیعه بن کعب گفت: شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود من اعطی خمساً لم یکن له عذر فی ترک عمل الاخرة: زوجة صالحة تعينه على أمر دنیا و آخرته، و بنون أبرار، و معيشة فی بلده، و حسن خلق یداری به الناس، و حب أهل بیتی. به هر کسی پنج چیز داده شود، دیگر برای ترک عمل آخرت عذری برایش باقی نمی‌ماند؛

۱- همسر شایسته‌ای که او را برای کارهای دنیا و آخرت، یاری رساند؛

۲- و فرزندان نیکوکار؛

۳- و (وسیله کسب) معیشت او در شهرش باشد؛

۴- و اخلاق نیکو که با آن با مردم مدارا داشته باشد؛

۵- و دوست داری اهل بیت من علیهم السلام. (۳)

ازدواج با چه کسانی

اشاره

زمانی که شخصی تصمیم گرفت برای خودش همسری اختیار نماید، چه دختر یا پسر و چه مرد و چه زن، باید خیلی هشیار باشد و بداند که تا پایان عمر می‌خواهد با که زندگی کند و مادر یا پدر بچه هایش: که خواهد بود و با کدام خانواده افت و خیز خواهد کرد چون یکی از مشکلات مهم و قابل توجه زندگی، انتخاب همسر و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۸

همسر شایسته و لایق، و مادر و یا پدر بچه هاست، باید بداند که یک نسل را تا ابد الدهر، می‌خواهد روی چه بنیان پی ریزی و بالای چه فونداسیون، بنا نماید، پس هیچ وقت اسیر هوا و هوس و غرایز جنسی زود گذر و سپری شونده نباشد! زیرا نسل ادامه می‌یابد و ماندگار است و پایان ناپذیر.

و می‌دانیم که اصالت و نجابت در انتخاب همسر، حرف اول را می‌زند و شرط اول زندگی و تشکیل خانواده است، پس در انتخاب شریک زندگی، شتاب زده نشوید تا دچار اشتباه شوید، در این باره به روایات ذیل دقت نمایید

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه فرمود؟!

۱- در کتاب‌های شیعه و سنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است، النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، خیارهم فی الجاهلیة خیارهم فی الإسلام، اذا فقهوا (۱) «اذا تفقهوا (۲)» النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، مَنْ كَانَ لَهُ أَصْلٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَلَهُ أَصْلٌ فِي الْإِسْلَامِ (۳) النَّاسُ مَعَادِنُ، فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، خیارهم فی الجاهلیة، خیارهم فی الإسلام اذا فقهوا. فرمود: مردم معدنهائی همانند معادن زر و سیم، هستند خوبان آنها در جاهلیت، خوبانند در اسلام اگر بفهمند و هشیار باشند، و هر کس در جاهلیت اصالت داشت، در اسلام نیز اصیل است؛

و همچنین در خیر و شر (خوبی و بدی)، مانند معادن مختلف هستند. (۴)

این حدیث، علاوه بر اینکه، از احادیث علمی مورد قبول شیعه و سنی است، خیلی از مسائل و پیش آمدهای گوناگون زندگی را برای ما، معنا می‌کند،

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۴۹

باز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است «اذا سمعتم بجبل زال عن مكانه فصدقوا وإذا سمعتم برجل زال عن خلقه فلا تصدقوا فإنه يصير إلى ما جبل عليه»

«اگر شنیدید کوهی از جایش زایل (و برکنده) شده است باور کنید، اما اگر شنیدید مردی (و آدمی) از اخلاق (و نهاد خود) دست برداشته است، باور نکنید!! زیرا او بر نهاد و طبیعت خود بر می‌گردد!!» (۱)

۲- ابی عبد الله علیه السلام فرمود: قام النبی صلی الله علیه و آله و سلم خطیباً فقال: أيتها الناس إياكم و خضراء الدمن قیل: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسنة فی منبت السوء. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بلند شد و سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم مبادا به خضراء دمن نزدیک شوید (و به سراغ آن روید) گفتند: ای رسول خدا خضراء دمن چیست؟! فرمود: زن زیبا در رویشگاه (و خانواده) بد. (۲)

۳- محمد بن ابی طلحه: از امام صادق: از پدرانش علیهم السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال للناس: ایتاکم و خضراء الدمن، قیل: یا رسول الله و ما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسناء فی منبت السوء. به مردم فرمود: مبادا به خضراء دمن نزدیک شوید (و به سراغ آن روید) پرسیدند ای رسول خدا خضراء دمن چیست؟! فرمود: زن زیبا در رویشگاه (و خانواده) بد (که طبعاً به اصل و نسبش می رود). «۳»

۲- بهترین بانوان

در میان انسان‌ها کسانی هستند که دارای امتیازات فراوان و از هم نوعان خود ممتاز و پرارزش و بهترینند، در مقابل آنها افرادی هم هستند که همیشه از قافله عقب و هیچ خیر و برکتی در وجود آنها پیدا نمی‌شود و بدترینند.

در سؤال از بهترین زنان و بدترین آنها، ممکن است هرکسی نظری را اظهار و پاسخی فراخور برداشت و اطلاعات خود: ابراز دارد: حالا ببینیم روایات در این باره در فصل بعدی (باب پرهیز از چه کسانی) و در فصل (بدترین زنان) چه می‌گوید!.

۱- جابر بن عبدالله گوید: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم فرمود: ألا أخبرکم بخیر نسائکم، الولود الودود السّیّرة العفیفة العزیزة فی أهلها الدّلیلة مع بعلمها المتبرّجة مع زوجها الحصان مع غیره الّتی تسمع قوله و تطیعه فاذا خلا بها بذلت له ما أراد منها و لم تبذل کتبذل الرّجل. آيا شما خبر دهم بهترین زنانان را؟!، زاینده، دوست دارنده، باحجاب، پاک دامن، در خانواده‌اش عزیزه، با شوهرش ذلیله، با شوهر خود نما و دریده، با بیگانه خود نگهدار، زنی که گفته شوهر را می‌شنود و اطاعت می‌نماید، هرگاه با شوهر خلوت کرد، هرچه دلبخواه اوست به او می‌بخشد، و مانند مردان با او رفتار نمی‌کند (بلکه رفتارهای زنانه و تحریک کننده انجام می‌دهد و ..). «۱»

۲- سکونی: از ابی عبدالله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: أفضل نساء أمتی أصبحهن وجهاً وأقلهن مهراً. بهترین زنان امت من، زیبارویان و کم مهران آنها است. «۲»

۳- شیخ صدوق فرمود: وروی أن من برکة المرأة قلّة مهرها، ومن شؤمها کثرة مهرها. و روایت شده است از برکت زن کمی مهر و شومی او در زیادی مهر اوست. «۳»

۴- سلیمان جعفری: از ابی الحسن الرضا علیه السلام گفت: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خیر

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۵۱

نسائکم الخمس، قیل: وما الخمس؟ قال: الهیئة اللّیئة المؤاتیة الّتی إذا غضب زوجها لم تکنحل بغمض حتی یرضی، وإذا غاب عنها زوجها حفظته فی غیبه فتلک عامل من عمال الله، و عامل الله لا یخیب. بهترین زنان شما پنج (گروه) است، پرسیدند پنج (گروه) کدامند؟! فرمود: خوش رفتار و نرم خو و شوهر داری که اگر شوهرش عصبانی شد تا راضی شدن شوهرش، سرمه نکشد (و آرایش نکند) و زمانی که شوهرش از او غایب شود، (ناموس) او را محافظت نماید پس همچون زنی کارگزاری از کارگزاران خداوند است و کارگزار خدا هیچ وقت ضرر نمی‌بیند (و مأیوس نمی‌شود). «۱»

۵- فرمود: وجاء رجل إلى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقال: انّ لی زوجة إذا دخلت تلقتنی، وإذا خرجت شیعتنی، وإذا رأتی مهموماً قالت لی: ما یهمک إن كنت تهتم لرزقک فقد تکفل لک به غیرک، وإن كنت تهتم بامر آخرتک فزادک الله همماً، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: إن الله عمالاً و هذه من عماله لها نصف أجر الشهید. مردی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: من زنی دارم هر وقت داخل (خانه) می‌شوم به استقبالم می‌آید و اگر خارج شوم بدرقه‌ام می‌کند، و اگر مرا غمگین ببیند می‌گوید: اگر برای روزی ات نگرانی، آن را غیر تو (یعنی خدا) متکفل شده است، و اگر برای آخرت فکر می‌کنی خداوند آن را زیاد کند (و موفق باشی)،! رسول خدا فرمود: همانا برای خداوند عمال هائی (در زمین) هست این هم یکی

از آن هاست و برای او نصف پاداش شهید است. (۲)»

۶- یعقوب احمر: از محمد بن مسلم: از ابی جعفر علیه السلام فرمود: أتى رجل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يستأمره فى النكاح، فقال: نعم انكح و عليك بذوات الدين تربت يداك، و قال: انما مثل المرأة الصالحة مثل الغراب الأعصم الذى لا يكاد يقدر عليه، قال: وما الغراب الأعصم؟

قال: الأبيض إحدى رجله مردى به محضر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم آمد در باره ازدواج از او اجازه می‌خواست، فرمود: بلی (حتماً) ازدواج کن، و به سراغ دین داران برو تا دستانت نمناک شود (و خیر و برکت بینی)؛ فرمود: زن صالحه مانند غراب اعصم، سخت گیر می‌آید (و کمیاب و کم پیدا است!)؛ پرسیدند غراب اعصم چگونه است؟ فرمود: یک پایش سفید باشد. (۳)»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۵۲

۷- جمیل بن دراج: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: خیر نسائکم التى ان غضبت أو اغضبت قالت لزوجها: یدی فی یدک لا أکتحل بغمض حتى ترضى عنى قال: وکان النبی صلی الله علیه وآله وسلم یقول فى دعائه: اللهم إني أعوذ بك من ولد یكون علی رباً ومن مال یكون علی ضیاعاً، ومن زوجة تشینی قبل أوان مشیعی، ومن خلیل ماكر الحدیث. زنان خوب شما آن است که اگر مردش از او ناراحت شود یا او را عصبانی نماید، به او می‌گوید: دست من در دست تو است (و من در اختیار توأم)، آرایش نمی‌کنم تا از من راضی شوی! و پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در دعایش می‌گفت: خدایا من به تو پناه می‌برم از (شرّ) فرزندی که برای من بزرگی کند (و مایه شرمندگی من شود)، و از مالی که سبب ضایع شدن من باشد، و از (شرّ) همسری که مرا زود هنگام پیرم کند، و از دوست حيله گر (که مرا با مکر و نیرنگ‌های خود بفریبد و ضایع نماید، تا آخر حدیث). (۱)»

۸- ورام بن ابی فراس در کتابش گفت: امام علیه السلام فرمود: ما اعطی أحد شیئاً خیراً من امرأة صالحة إذا رآها سرّته، وإذا أقسم علیها أبرّته وإذا غاب عنها حفظته (فی نفسها و ماله) به کسی چیزی بهتر از زن صالحه، داده نشده است که هر وقت او را ببیند شاد شود و اگر برای او (به خاطر چیزی قول دهد و) سوگند بخورد، به او وفا نماید، اگر از او غایب شود، نگهبان (ناموس و مال) او باشد. (۲)»

۹- سکونی از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: من سعادة المرءة الزوجة الصالحة. از خوش بختی مرد (داشتن) زن صالحه است. (۳)»

۱۰- صفوان بن یحیی: از ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمود: ما أفاد عبد فائدة خیراً من زوجة صالحة إذا رآها سرّته وإذا غاب عنها حفظته فی نفسها و ماله. هیچ کس (در زندگی) فائده‌ای نبرده است که بهتر از زن صالحه باشد، هر وقت او را ببیند شاد نماید: اگر از او غایب شود، نگهبان (ناموس و مال) او باشد. (۴)»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۵۳

۱۱- حنان بن سدیر: از پدرش: از ابی جعفر علیه السلام فرمود: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إن من القسم المصلح للمرء المسلم أن تكون له امرأة إذا نظر إليها سرّته، وإن غاب عنها حفظته، وإن أمرها أطاعته. رسول خدا فرمود: از قسمت (و نصیب) صالح برای مرد مسلمان آن است که زنی داشته باشد، هر وقت به او نگاه کند شاد شود، و اگر از او غایب گردد، حفظش نماید، و اگر به او امری کرد، از او اطاعت نماید. (۱)»

۱۲- محمد بن مسلم: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: من بركة المرأة خفة مؤنتها (وتيسير ولدها) (وتيسر ولدها)، ومن شومها شدة مؤنتها وتعسير ولدها (ولادتها). از برکت زن سبک بودن مؤنه و آسان زائیدن اوست و شومی اش زیادی مخارج و سخت‌زائی اوست. (۲)»

۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله در حدیثی که سؤال نمود چه چیزی برای زنان بهتر است، فاطمه

علیها السلام گفت:

خیر للنساء (ألا یرین الرجال ولا یراهن الرجال) فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: إنَّها منی. برای زنان بهتر آن است (بهترین زنان آنست) که نه آنها مردان (نامحرم) را ببینند و نه آنها مردان نامحرم را، پس رسول خدا فرمود: او (فاطمه) از من است. «۳» در فصل‌های بعدی روایات مناسب این فصل می‌خوانید

۳- تاج کرامت بر سر!!

در هر کاری از کارهای دنیا، اگر خوشنودی و رضای خدا و خویشی و خویشاوندی، در نظر گرفته شود، خداوند او را در آن کار شیرین‌کام و کامیاب گرداند و در زندگی هر دو جهان تاج عزت و کرامت بر سرش نهد و عمر خود را در میان مردم آبرومندانه به سر برده و سپری می‌کند چون خداوند همیشه به دوستان و خواهانش عزت دهد و آبرو بخشد، مثلاً دختری در هم‌خونان خود وجود دارد اما کمی از جمال ظاهری

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۵۴

بی بهره است، با او برای رضای خدا و به احترام همخونی، ازدواج نماید، خداوند به یقین او را در طول عمر رهایش نمی‌سازد و باعزت و خوشبختی زندگی می‌کند.

۱- محمد بن علی بن حسین گفت: علی بن حسین سید العابدین علیهما السلام فرمود: من تزوج الله و لصله الرحم توجه الله بتاج الملك (والكرامة). هر کس به خاطر خدا و به احترام رَحِمِ (و خویشاوندی) ازدواج کند، خداوند با تاج ملک و کرامت او را تاجدار می‌نماید. «۱»

۴- ازدواج با آن که دوست داری!

زندگی با همسر، یکی از ارکان دوران عمر بشر است، چنانچه دلبخواه و باب میلش نباشد، همیشه در عذاب روحی و شکنجه جسم و جان، فرو خواهد رفت و عمر گرانمایه خود را، دایم بانفرین و نفرت و تلخ‌کامی و آرزوی مرگ، سپری خواهد نمود، بدینجهت است که انسان نباید در انتخاب همسر و همسر خود، تحت تأثیر زورگوئی دیگران (پدر، مادر، برادر، دوست آشنا و ..) قرار گیرد و آینده خود را تباه سازد، زیرا کوچکترین اشتباه و غفلت در این باره، آدمی را مادام‌العمر به ندامت و پشیمانی گرفتار خواهد ساخت و باید تا آخر عمر تاوان اشتباهش را پس دهد؛

از این روست که بزرگان دین سفارش اکید دارند که انسان آن کس را که دوست دارد، ازدواج نماید و شریک زندگی خود قرار دهد؛

البته حساب مشورت و مشاوره و از صاحبان عقل و خرد نظر خواهی کردن و از تجربه دیگران استفاده نمودن، نه تنها بد نیست بلکه بهتر هم هست. به روایت ذیل توجه نمایید.

۱- ابن ابی یعفور، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اِنِّی ارید ان اتزوج امرأة وإنَّ أبوی ارادا غیرها قال: تزوج التی هوی ودع التی هوی أبواک. من می‌خواهم با زنی (که دوست دارم) ازدواج نمایم و پدر و مادرم دیگری را اراده نموده‌اند! فرمود: با زنی که دوست داری، ازدواج کن و آن را که والدینت دوست دارند، رها ساز! «۲»

۵- شتاب در ازدواج با هم کفو

اگر میوه رسیده را به موقع نچینند، فاسد می‌شود و گلها را در موقعش برندارند، پری می‌گردد و گندم را به موقع درو نکنند: از

سنبل می‌ریزد و می‌پوسد و نابود می‌شود و ...

همچنین است فرزندان رسیده و هنگام طراوت و شادابی (دختر یا پسر)، اگر به موقع به خانه بخت فرستاده نشوند، پری می‌شوند و فاسد از آب در می‌آیند!، چنان که در جوامع مختلف، به روشنی می‌بینیم و مسئله ایست غیر قابل انکار؛

استفاده بردن و بهره مند شدن از هر چیزی، باید به موقع باشد، وقتی که این گل‌های زندگی به بلوغ رسیدند، حتماً و باید مسائل زیادی را، در نظر گرفت و در صدد حل آن بر آمد و بدون بهانه جوئی و ایرادگیری و دعوی مادی و بازی بارقام، حل و فصل نمود، زیرا بی‌اعتنائی و کم توجهی به این مسائل، در زمان نه چندان دور، فاجعه بیار خواهد آورد

مگر این همه فساد و تباهی جنسی جوامع بشری از این مسیر بیار نیامده است؟ مگر فرارها و فراری‌های بی شمار از خانه و خانواده‌ها و تمرد و عاق والدینی و نافرمانی‌های فراوان و .. همه و همه ناشی از این، بی توجهی‌ها نیست! و دهها مگرها و آیاهای دیگر.

۱- أحمد بن محمد بن عیسی: از بعضی أصحابش: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: من سعادة المرء أن لا تطمئنت ابنته فی بینه. از خوشبختی مرد است که دخترش در خانه او حیض نبیند (یعنی قبل از عادت بینی و پیش از چند دست شدن، به خانه بخت فرستاده شود). «۱»

۲- محمد بن علی بن حسین گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من سعادة الرجل أن لا تحيض ابنته فی بینه. از سعادت مرد است که دختر او در خانه اش حیض نبیند

(وعادت نشود و زود هنگام راهی زندگی اش شود). «۲»

۳- بعضی از أصحاب ما (از ابي عبد الله عليه السلام) روایت کرده است: فرمود: ان الله

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۵۶

عزوجل لم يترك شيئاً مما يحتاج إليه الا وعلمه نبیة صلی الله علیه و آله و سلم، فكان من تعلیمه إياه أنه صعد المنبر ذات يوم فحمد الله و أثنى عليه، ثم قال أيها الناس ان جبرئیل أتانی عن اللطیف الخیر فقال: ان الأبكار بمنزلة الثمر على الشجر، إذا ادرك ثمارها فلم تجتن أفسدته الشمس، ونثرته الرياح، وكذلك الأبكار إذا أدركن ما تدرک النساء، فليس لهنّ دواء إلا البعولة وإلا لم يؤمن عليهنّ الفساد لأنهنّ بشر، قال: فقام إليه رجل فقال: يا رسول الله، فمن تزوج؟ فقال: الأكفاء فقال (يا رسول الله): و من الأكفاء؟ فقال: المؤمنون بعضهم أكفاء بعض، المؤمنون بعضهم أكفاء بعض. خدای عزّ وجلّ چیز مورد احتیاجی فرو نگذاشته، مگر اینکه به پیغمبرش تعلیم نموده است، از آن جمله است که (روزی) بالای منبر رفت و حمد و ثنای خدا را بجا آورد سپس فرمود: ای مردم جبرئیل از سوی خدا، پیش من آمد و گفت: همانا باکره‌ها مانند میوه (رسیده) بر درخت است اگر (بموقع) چیده نشوند، آفتاب آن را فاسد می‌نماید و بادهای آنها را پراکنده می‌کند، این چنین است باکره‌ها، وقتی درک کردند آنچه را که زنها درک می‌کنند (و به بلوغ می‌رسند) برای آنها دوائی غیر از شوهر کردن نیست و گرنه از فساد در امان نیستند، زیرا آنها بشرند؛

مردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا با که ازدواج کنند؟ فرمود: با هم کفوان (و همسنگان)، پرسید اکفاء کیانند؟! دوبار فرمود: مؤمن‌ها با همدیگر هم کفوند. «۱»

۴- ابي حيون مولى الرضا از امام رضا عليه السلام فرمود: نزل جبرئیل علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم فقال یا محمد، ربك یقرئك السلام ویقول: ان الأبكار من النساء بمنزلة الثمر على الشجر، وذكر نحوه، وزاد: ثم لم ينزل حتى زوج ضباعة بنت الزبير بن عبد المطلب المقداد بن الأسود الكندی، ثم قال: أيها الناس، انما زوجت ابنة عمی المقداد لیضع النكاح. جبرئیل به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و گفت: ای محمد خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید:

هماناباکره‌ها بمنزله میوه بر درخت است (و مانند روایت بالا- را ذکر کرد و اضافه نمود، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از منبر پایین نیامد) تا ضباعة دختر زبیر بن عبد المطلب را به مقداد بن اسود کندی تزویج نمود سپس فرمود: من دختر عمویم را به مقداد

تزوید کردم تا (مرزهای غلط جاهلی) نکاح شکسته شود (زیرا ضباعه اشراف زاده بود و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۵۷

مقداد غلام سیاه که از نظر فرهنگی آن روز و حتی امروز هم، با همدیگر قابل مقایسه نبودند). «۱»

۵- عبد الرحمن بن سیابه: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: انّ الله خلق حواء من آدم فهمة النساء الرجال فحصة نوهن في البيوت.

خداوند حوآرا از آدم آفرید پس همت زنها مردانند و آنها را در خانه‌ها نگه دارید (و مهار نمائید تا روی جامعه سالم را ببینید). «۲»

۶- واسطی: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: انّ الله خلق آدم من الماء والطين فهمة ابن آدم في الماء والطين، وخلق حواء من آدم

فهمة النساء في الرجال فحصة نوهن في البيوت. خداوند آدم را از آب و گل آفرید پس همت آدم در آب و گل است، و حوآرا از

آدم آفرید پس همت زنها مردانند و آنها را در خانه‌ها نگه دارید. «۳»

۷- ابن جمهور: از پدرش گفت: امیر مؤمنان علیه السلام در بعض سخنانش فرمود: انّ السباع همها بطونها، وإنّ النساء همهن الرجال.

همت درنده‌ها، شکم‌های آنهاست و همت زنان مردانند. «۴»

۶- معنای هم کفو بودن

از منظر عقل و دین، همطراز و هم کفو انسان، کسی است که دارای شخصیت معنوی و سلامت روح و روان و دین و دیانت باشد،

مال و منال و مقام‌های اعتباری و زیبایی و طنازی و جاه و جلالت ظاهری، همگی زود گذر و مانند چرک دست، سریعاً از بین

می‌رود، اما مقام آسمانی و خدا دادی است که: جاوید و ابدی می‌ماند؛

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۵۸

رنگ و پوست و فقر و ثروت و عرب و عجمی و شهری و دهاتی بودن، معیار انسانیت و شخصیت نیست، بلکه عیار و معدل آدمی،

میزان تقوی و پرهیزکاری و تدین اوست. «۱»

پس هنگام ازدواج به هیچ کدام از این خصوصیت‌های اعتباری فریفته نباش، تنها به میزان عقل و دین و تقوای طرف مقابل دقت

نما، زیرا تقوا و پرهیزکاریست که در خلوت و آشکار و شب و روز و شهر و روستا خلاصه در زمین و آسمان، انسان را از راه‌های

انحرافی باز می‌دارد و از ارتکاب به اعمال زشت و غیر اخلاقی، مهار می‌کند ترس از خدا و تقواست که در زندگی خیالت را

راحت می‌کند و از جهت همسرت آسوده خاطر می‌سازد، چون می‌دانی طرف مقابل، پا از جاده حق و حقیقت و عزت و شرافت،

بیرون نخواهد گذاشت و به همه مشکلات و فراز و نشیب‌های زندگی ات، صبورانه و عاشقانه تحمل می‌کند و در کنارت، احساس

آرامش و خوشبختی می‌نماید و بس؛

پس وقتی همچون شخصیت و موجود شایسته ای را پیدا کردی، مانند پیغمبر الهی حضرت شعیب علیه السلام و سایر بزرگان دین،

خود پیش قدم باش و خودت از این پسر شایسته برای دخترت خواستگاری کن و فرصت را از دست مده، به دو فصل آتی دقت

نمایید.

۱- ابی حمزة الثمالی- در ضمن حدیثی- گفت: كنت عند ابی جعفر علیه السلام فقال له رجل: إننی خطبت إلى مولاك فلان بن

ابی رافع ابنته فلانة فردنی و رغب عنی وازدرانی لدمامتی و حاجتی و غربتی، فقال أبو جعفر علیه السلام اذهب فانت رسولی إليه،

فقل له: يقول لك محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب: زوج منجیح بن ریح (رباح) مولای بنتك فلانة، ولا ترده- إلى

أن قال: ثم قال أبو جعفر علیه السلام: ان رجلاً كان من أهل اليمامة يقال له: جوبير، أتى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم منتجعاً

للإسلام فأسلم و حسن اسلامه، نزد ابی جعفر علیه السلام بودم مردی

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۵۹

به او گفت: من از دوست (یا غلام آزاد کرده ات) فلان بن ابی رافع، دخترش فلانه را خواستگاری نمودم، مرا ردّ کرد و به خاطر قد کوتاه و نداری و غریبی، از من روی گردان شد و مرا دکّ نمود (و از من دوری جست)؛ ابو جعفر علیه السلام فرمود: برو تو قاصد منی از طرف من و به او بگو محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) گفت: دخترت فلانه را به غلام من منجح بن رباح، تزویج نما و ردّش نکن راوی گوید: سپس ابو جعفر فرمود: مردی از اهل یمامه که به او جویر می گفتند، پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و مسلمان شد و اسلامش نیکو گردید؛

و کان رجلاً قصیراً دمیماً محتاجاً عاریاً، و کان من قباح السّودان- إلی أن قال: و إنّ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نظر إلی جویر ذات یوم برحمه له و رقه علیه فقال له: یا جویر لو تزوجت امرأه فعففت بها فرجک و أعانتک علی دنیاک و آخرتک، فقال له جویر: یا رسول الله بأبی أنت و أمی، من یرغب فی فو الله ما من حسب و لا- نسب و لا- مال و لا جمال، فأثیه امرأه ترغب فی و مرد کوتاه قد و بد ریخت و محتاج و لخت و از زشتان (درجه یک) سودان بود تا فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با نظر رحمت و دلسوزی به او نگریست و فرمود: ای جویر چه می شود ازدواج کنی تا به وسیله آن عفت خود را نگهداری و به دنیا و آخرت تو کمک کند (و یاری نماید)، جویر گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! پدر و مادرم فدای تو باد چه کسی به من رغبت می کند (و دختر می دهد): به خدا قسم نه حسبی دارم و نه نسبی، نه مالی دارم نه جمالی، کدام زنی به من رغبت می نماید؛

فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یا جویر انّ الله قد وضع بالإسلام من کان فی الجاهلیه شریفاً، و شرف بالإسلام من کان فی الجاهلیه و ضیعاً، و أعزّ بالإسلام من کان فی الجاهلیه ذلیلاً، و أذهب بالإسلام ما کان من نخوة الجاهلیه و تفاخرها بعشایرها و باساق أنسابها، فالناس الیوم کلهم أبيضهم و أسودهم و قرشیهم و عربیهم و عجمیهم من آدم، و إنّ آدم خلقه الله من طین، و إنّ أحبّ التّیاس إلی الله أطوعهم له و أتقاهم، و ما أعلم یا جویر لأحد من المسلمین علیک الیوم فضلاً إلا لمن کان أتقی لله منک و أطوع، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود، ای جویر خداوند باسلام کسانی را که در جاهلیت شریف بودند، پایین آورد و با اسلام به آنتهایی که در جاهلیت پایین بودند شرف داد، و با اسلام عزیزان جاهلیت را ذلیل و ذلیلان جاهلیت را عزیز گردانید، و با اسلام نخوت (و خود خواهی) و افتخارات عشایری و نسبی جاهلیت را از میان برداشت، پس همه مردم امروز: سیاه و آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۶۰

سفیدشان و قرشی و عربی و عجمی شان همگی از آدم اند، و آدم را از گل آفرید و محبوب ترین مردم نزد خدا، فرمان برداران و پرهیز کاران آنهاست، من نمی دانم ای جویر امروز برای احدی از مسلمانها، به تو برتری داشته باشد مگر کسانی که از تو فرمان بردارتر و خود مهار کننده تر باشد؛

ثم قال، انطلق یا جویر إلی زیاد بن لئید (انصاری) فانه من أشرف بنی بیاضه حسباً فیهم، فقل له: انّی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم إلیک، و هو یقول لک زوج جویراً بتک الدلفاء (الحديث) و فیه انه زوج ایتها بعد ما راجع النبی صلی الله علیه و آله و سلم، فقال له: یا زیاد، جویر مؤمن و المؤمن کفو المؤمنه، و المسلم کفو المسلمه، فزوجه یا زیاد و لا ترغب عنه. سپس فرمود: ای جویر برو به سوی زیاد بن لئید که از اشرف اولاد بنی بیاضه است از حیث حسب و نسب، به او بگو، من فرستاده رسول خدایم به سوی تو و می فرماید:

دخترت «دلفاء» را به جویر تزویج کن (تا آخر حدیث) که او بعد از مراجعه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت به او فرمود: ای زیاد جویر مؤمن است و مؤمن هم کفو مؤمنه است، و مسلمان هم کفو زن مسلمان است، پس دخترت را به او تزویج کن و از او روی برمگردان (و بی اعتنائی نکن!!) پس دخترش را به جویر تزویج نمود. «۱»

۲- أبان: از مردی و محمد بن فضیل هاشمی: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: الکفو أن یكون عقیفاً و عنده یسار. (معنای) کفو،

عقیف بودن و زندگی مناسب داشتن است. «۲»

۳- عبد الله بن جعفر در (قرب الاسناد): از عبد الله بن الحسن: از جدش علی بن جعفر: از برادرش: گفت: سألتہ إن زوج ابنتی غلام فیہ لین و أبوه لا- بأس به؟ قال: إذا لم یکن فاحشۃ فزوجہ یعنی الخنث. از او سؤال کردم همسر (خواستگار) دخترم جوانی است نرم خو و پدرش نیز ایرادی ندارد؟! فرمود: اگر (پسر) فاحشۃ نباشد تزویج کن (معنای فاحشۃ در این حدیث) لواط دهنده است. «۳»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۶۱

البته در این مورد شواهد تاریخی و روایت زیاد هست که فقط برای آوردن نمونه هائی از آنها اکتفاء نمودیم

۷- خواستگار شایسته را رد نکن!

زود شوهر دادن دختر در صورتی که خواستگار مناسب و لایق پیش آید، از سعادت مرد و سبب آرامش روح و روان خانواده است زیرا پیرامون دختر هزار جور گرفتاری و پیشامد غیر مترقبه، می چرخد و از شرّ این حوادث ناگهانی، جان سالم به در بردن و رهائی یافتن، از الطاف خداوند بر بنده گان است! بدینجهت اگر برای دختر خواستگار شایسته (از جهت ایمان و اخلاق و آبرو و وسیله زندگی و ... پیدا شد، بی درنگ موافقت کردن و پاسخ مثبت دادن، لازم و ضروری است، زیرا بزرگان دین فرموده‌اند «دختر مانند میوه درخت است اگر بموقع چیده نشود، فاسد شده و بادها خواهد پاشید...»!! «۱»

پس هیچ وقت نباید به خاطر افکار واهی و بی پایه، بهانه‌گیری کرده و معطل شوند زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این عمل نهی فرموده است به روایات آتی دقت نمایید.

۱- علی بن مهزیار گفت: کتب علی بن اسباط إلی ابي جعفر علیه السلام فی أمر بناته و أنه لا یجد أحدا مثله، فکتب إلیه أبو جعفر علیه السلام: فهمت ما ذکرک من أمر بناتک و أنك لا تجد أحدا مثلك، فلا تنظر فی ذلک رحمک الله، فإن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: إذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه و دینه فزوجوه (قلت یارسول الله! و ان کان دنیاً فی نسبه؟ قال اذا جائکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه، إلا تفعلوه تکن فتنه فی الأرض و فساد کبیر.

علی بن اسباط به ابی جعفر علیه السلام در باره دخترانش، نوشت که مانند خودش کسی را پیدا نمی‌کند (که به آنها تزویج نماید)!! ابی جعفر علیه السلام به او مرقوم فرمود: آنچه در باره دخترانت نوشته بودی و این که مثل خودت را نمی‌یابی، فهمیدم پس منتظر نباش خدایت رحمت کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی از اخلاق و دینداری آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۶۲

کسی راضی هستید، تزویج کنید، گفتم ای رسول خدا اگرچه از حیث نسب پست هم باشد؟! فرمود: اگر نکنید در زمین فتنه و فساد بزرگی می‌شود (و آبروها به خطر می‌افتد). «۱»

۲- عیسی بن عبد الله، از پدرش، از جدش، از علی (علیه السلام) فرمایش رسول خدا را، مطابق این روایت آورده است. جمله «وإن کان دنیاً فی نسبه؟» با عبارت «یاکم و خضراء الدمن قیل: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسنة فی منبت السوء. «۲»

« منافات ندارد زیرا در روایت بالا از پستی و دنائت خانواده سؤال شده است یعنی خانواده‌ای که از نظر شرافت نسب با این شخص هم طراز نیست اما از جهت دینداری و اخلاق رضایت بخش باشد، ولی در روایت اخیر از زن زیبایی که در خانواده بد و دور از ایمان و اصالت و نجابت، روئیده و پرورش یافته صحبت شده است.

۳- إبراهیم بن محمد همدانی گوید: به ابی جعفر (علیه السلام) در باره تزویج نوشتیم، نوشته آن حضرت با خط خودش برای من آمد: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم إذا جاءکم (أتاکم) من ترضون خلقه و دینه فزوجوه، إلا تفعلوه تکن فتنه فی الأرض و

فساد کبیر. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زمانی که به شما آمد کسی که به اخلاق و دینش راضی هستید (به او دخترتان را) تزویج نمایید و گرنه زمین را فتنه و فساد بزرگ فرامی‌گیرد! (زیرا بیشتر مردم برای فرو نشاندن فوران شهوت خود، به افسار گسیختگی رو آورده و به آمیزش جنسی نامشروع متوسل می‌شوند). «۳»

۴- حسین بن بشار واسطی گوید: به ابی جعفر (علیه السلام) نوشتم و از نکاح؟ سؤال نمودم (به من پاسخ داد و) نوشت: من خطب الیکم فرضیتم دینه و امانته فزوجه، إلیّ تفعلوه تکن فتنه فی الأرض و فساد کبیر. هر کس به شما برای خواستگاری آمد که به دیانت و امانت داریش راضی شدید، پس به او زن دهید و گرنه در زمین فتنه و فساد آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۶۳
بزرگ می‌شود (و به وقوع می‌پیوندد!). «۱»

۵- امام رضا علیه السلام فرمود: إن خطب إلیک رجل رضیت دینه و خلقه فزوجه، ولا یمنعک فقره وفاقته، قال الله تعالی: «وإن یتفرقا یغن الله کلاً من سعته» وقال: «إن یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم» ولا یتزوج شارب خمر فانّ من فعل فکائماً قاداتها إلی زنا. اگر مردی از تو خواستگاری نمود که به دین و اخلاقش راضی هستی، به او تزویج نما و فقر و ناداری او مانع این کار نشود، زیرا خداوند فرموده است «اگر از همدیگر جدا شدند خدا هر دو را از وسعت رزق توانگر نماید» و باز فرمود: «اگر ندار بودند آنها را از فضل خود غنی سازد و خدا وسعت دهنده و داناست» ولی به شرابخوار دختر ندهید، اگر این کار را بکنید مانند این است که آن دختر را به زنا واداشته است! «۲»

۸- خانم گردن بند مرد است

گردن بند برای بانوان، نمود زیبایی و زینت و جودی اوست که سبب جلب توجه همسر و رغبت بیشتر شوهر می‌باشد و چون گردن بند از ابزار زینتی مورد علاقه خانمهاست و به گردنش پیچیده و حلقه زده و محکم چسبیده است، نمی‌توان به سادگی از گردن او باز کرد و جدا ساخت!!

پر واضح است که خانم‌ها نیز هنگام خرید گردن بند، به تمام زوایای آن بطور کامل دقت می‌کنند تا از هر جهت مورد پسند و برای جلب توجه همسر، مفید باشد.

و برای اینکه مرد بعد از اجرای عقد بازن، زندگیشان باهم گره می‌خورد و بهم می‌پیچد و به اصطلاح، من و تو «ما» می‌شود بدینجهت به آسانی از همدیگر گشوده نمی‌گردد.

این که می‌بینیم در بعضی از روایات، زن را گردن بند مرد، نامیده با این تشبیه به اهمیت موضوع و دقت کافی در انتخاب آن، اشاره می‌نماید؛

آن گونه که خانمها برای خرید گردن بند به تمامی ابعاد آن دقت می‌نمایند، مرد هم

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۶۴

حد اقل به همان اندازه، باید در انتخاب و برگزیدن شریک زندگی اش دقیق باشد و هشیار، تا بعدها از کار خود پشیمان نشود و خود را مورد ملامت و مذمت قرار ندهد زیرا رها کردن و از گردن گشودن این گردن بند بعد ها هزاران مکافات دارد!

۱- عبد الله بن مسکان (سنان): از بعضی أصحابش گفت: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می‌فرمود: انما المرأة قلادة فانظر «ما تتقلد» الی ما تقلده قال و سمعته یقول: لیس للمرأة خطر لا لصالحتهن ولا لطالحتهن، أما صالحتهن فلیس خطرها الذّهب والفضّة، بل هی خیر من الذّهب والفضّة، واما طالحتهن فلیس التراب خطرها بل التراب خیر منها. همانا زن گردن بند است بین که را به گردن می‌آویزی، و گفت: شنیدم امام می‌فرمود: البته زن قیمت ندارد، خوبانش طلا و نقره قیمتش نمی‌شود بلکه از زر و سیم بهتر (و پر

قیمت‌تر) ند و بدانش به خاک هم نمی‌ارزد چون خاک از او بهتر است. «۱»

۲- ابراهیم کرخی به امام صادق علیه السلام گفت: می‌خواهم ازدواج کنم فرمود: أنظر أين تضع نفسك و من تشرکه فی مالک و تطلعه علی دینک و سرک فان كنت لابد فاعلاً فبکراً تنسب الی الخیر و الی حسن الخلق (هشیار باش) بین جانت را کجا می‌گذاری و که را شریک مالت کرده و او را به دینت و سرت آگاه می‌نمائی پس اگر از ازدواج ناچاری به سراغ باکره برو هم به خوبی منسوب شوی و هم به اخلاق خوب (یعنی ازدواج با دختر باکره خوبی و حسن خلق را برایت به ارمغان می‌آورد). «۲»

۳- قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: أنکحوا الأكفاء و انکحوا فیهم و اختاروا لنطفکم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با هم طرازان خود ازدواج کنید و برای آنها زن دهید و بر نطفه‌های خود (ظرف) مناسبی اختیار نمایید. «۳»

۴- باز فرمود: اختاروا لنطفکم فان الخال أحد الضّجیعین برای نطفه‌هایتان (جای) مناسب اختیار کنید زیرا دائی یکی از هم‌بستران است (یعنی بچه به دائیش

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۶۵

می‌رود. «۱»

۵- در خبر دیگر: تخیروا لنطفکم فانّ الأبناء تشبه الأحوال (مواظب باشید) به نطفه‌هایتان رحم مناسب پیدا کنید چون بچه شبیه دائی‌هایشان می‌شود. «۲»

۶- فضل بن محمد، از مجاشعی، از محمد بن جعفر، از پدرش اُبی عبدالله علیه السلام و از مجاشعی، از امام رضا علیه السلام، از پدرانش علیهم السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: النکاح رقّ، فإذا أنکح أحدکم ولیدته فقد أرقّها، فلینظر أحدکم لمن یرقّ کریمته. ازدواج نوعی بردگی است پس وقتی که یکی از شما فرزند (دختر) ش را به زنی می‌دهد، در واقع او را برده نمود، پس حتماً نگاه کند، فرزند گرامی خود را برده چه کسی قرار می‌دهد! «۳»

۹- ازدواج با دختران باکره

پر واضح است که انسان عاقل سعی و کوشش فراوان می‌کند تا برای همسری و همسری خود: فرد دست نخورده و شایسته و سر به مهری را: انتخاب نماید زیرا در این صورت است که طرفین: چشم باز می‌کنند و فقط یکدیگر را می‌بینند و بر اخلاقیات و روحیات همدیگر: عادت می‌کنند، برای اینکه قبلاً فرد دیگری را ندیده و افت و خیز نکرده‌اند اما اگر با فرد بیوه و دست خورده ازدواج نماید احتمال ندامت و پشیمانی را در آینده نزدیک یا دور در پی خواهد داشت.

البته روایات فصل‌های بعدی یک نوع راهنمایی و امتیاز دادن است نه این که بانوان بیوه یا زشت رو یا ضعیف اندام و ... در خانه بمانند و کسی با آنها ازدواج نکند.

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنید جابر بن عبدالله انصاری با زن بیوه ازدواج نموده است، فرمود: هلمّا تزوّجت بکراً (تداعبها و تداعبک «۴») تلاعبها و تلاعبک «۵» (و تضاحکها و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۶۶

تضاحکک) «۱»

چرا با دختر باکره ازدواج نکردی که، تو با او شوخی نمائی و او با تو، تو با او بازی کنی و او با تو، تو او را بخندانی و او تو را بخنداند.

۲- رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تزوّجوا الأبکار فإنهن أطیب شیئ أفاهاً. قال: (وفی حدیث آخر) وأنشفه أرحاماً، وأدرّ شیئ أخلاقاً، وأفتح شیئ أرحاماً، أما علمتم انّی اباهی بکم الأمم یوم القیامه حتی بالسقط یظلّ محببناً علی باب الجنّه، فیقول الله عزوجل: ادخل (الجنّه)، فیقول لا أدخل حتی یدخل ابوای قبلی فیقول الله تبارک و تعالی لملک من الملائکه: ائتنی بأبویه فیأمر بهما

إلى الجنة، فيقول: هذا بفضل رحمتي لك. با دختران باکره ازدواج کنید! زیرا آنها پاک دهانند و در حدیث دیگر فرمود: و نظیف ارحام و پربرار و (پرچانشینان و) باز رَحِم اند، آیا نمی‌دانید من با شما به امت‌های دیگر، مباحثات می‌کنم حتی سقط شده‌ها که در جلوی در بهشت با حال غضب می‌ایستند خدای عز و جل می‌فرماید: داخل بهشت شوید!، گویند: نه، تا پدر و مادرم داخل شوند! خدای تبارک و تعالی به فرشته‌ای از فرشتگان می‌فرماید، والدین او را بیاور و امر می‌کند داخل بهشت شوید پس به او می‌فرماید: این از فضل و رحمت من است بر تو. «۲»

۱۰- ازدواج با فراخ چشمان گندمگون و ...

در حدیث آمده است ان الله جميل يحب الجمال خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، این خصلت خدائی در بندگانش هم تبلور یافته است، انسان همیشه به مخلوق زیبا از هر جنس و هر نوع باشد، دل می‌بندد و علاقه‌مند می‌شود زیرا زیبایی یکی از نعمت‌های استثنائی خداست و یکی از سه چیز زداینده و از بین برنده: غم و اندوه است «۳»؛ آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۶۷

بدین خاطر در روایات تأکید شده است با زیبارویان، شهلا چشمان، خنده رویان، سفیداندامان، خوشبویان و مو بلندان وو ... بالأخره با خوش سیرتان و خوش صورتان، ازدواج کنید و زندگی ایده آل برای خود بسازید!! به احادیث فصل‌های بعد دقت نمائید.

۱- مالک ابن اشیم: از بعض رجالش: از ابی عبد الله علیه السلام روایت می‌کند فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: تزوجوا سمراء عیناء عجزاء مربوعه فإن کرهتها فعلی مهرها. با بانوی گندمگون و فراخ چشم و باسن درشت و میان بالا: ازدواج کنید اگر خوشت نیامد مهرش به گردن من (من مهرش را می‌پردازم). «۱»

۲- عبد الله بن المغیره گفت: شنیدم ابی الحسن علیه السلام می‌فرمود: علیکم بدوات الأوراک، فإنهن أنجب. بر شما باد بانوان درشت اندام، آن‌ها دلچسب ترند (و نجیبان). «۲»

۳- أحمد بن محمد بن عبد الله گفت: امام رضا علیه السلام به من فرمود: إذا نکحت فانکح عجزاء. زمانی که (خواستی) ازدواج کنی با زن کف پر گوشت (توپل موپل) ازدواج کن. «۳»

۴- امیر المؤمنین علیهم السلام فرمود: من أراد الباه فلیتزوج امرأة قریبه من الأرض بعیده ما بین المنکبین، سمراء اللون، فان لم یحظها فعلی مهرها هر کس اراده ازدواج نماید باخانم نزدیک به زمین (کوتاه قامت) و چهار شانه و گندمگون ازدواج کند اگر او را نپسندید مهریه‌اش به گردن من!! «۴»

۱۱- ازدواج با خوشبویان

۱- أحمد بن ابی عبد الله: عن بعض أصحابنا قال: کان النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) إذا أراد تزویج

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۶۸

امرأة بعث من ینظر إليها و قال للمبعوثه: شمی لیتها، فان طاب لیتها طاب عرفها، و انظری کعبها فإن درم کعبها عظم کعبها. اگر اراده ازدواج داشت زنی را می‌فرستاد تا زن مورد نظر را بررسی کند و می‌فرمود: پشت گردنش را بوکن اگر خوشبو باشد خودش نیز خوش بو است اگر بند یا غوزک پایش پر گوشت باشد خودش ... هم پر گوشت است. «۱»

۱۲- ازدواج با سفید اندام و ..

۱- بکر بن صالح: از بعض أصحابش: از ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: من سعادة الرجل أن یکشف الثوب عن امرأة بیضاء. از

خوش بختی مرد است لباس زن سفید را کنار زند (یعنی با زن سفید اندام ازدواج نماید). «۲»

۲- اَبی اَیوب الخَراز (الخَرَاز) از اَبی عبد الله علیه السلام قال: اَنّی جَزِیت جِواری بیضاء و ادماء فکان فیهن بون. بردگان سفید و سرخ گونه را تجربه نمودم، در آنها بود فاصله زیاد. «۳»

۳- سکونی: از اَبی عبد الله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تَرَوُجوا الزَّرَق فإِنَّ فیهنَّ الِیَمَن (فیهنَّ یُمنًا) فإِنَّ لهنَّ البرکة.

با زنان کبود چشم (زاغ چشم) ازدواج کنید در آنها یمن و برکت هست. «۴»

۱۳- ازدواج با خنده رویان موبلند!

۱- محمد بن ابی القاسم: از پدرش تا از اَبی عبد الله (علیه السلام) فرمود: المرأة الجميلة تقطع البلغم، والمرأة السوداء تهيج المرأة السوداء. زن زیبا بلغم را از بین می برد و زن سیاه صفراء سیاه را به هیجان می آورد. «۱»

۲- محمد بن عبد الحمید: از بعض اصحابش از اَبی عبد الله علیه السلام أنه شکا إليه البلغم فقال: أما لك جارة تضحك (تضحكك)؟ قال: قلت: لا، قال: فاتخذها فإن ذلك يقطع البلغم شکایت از بلغم کرد! فرمود: آیا برده (کنیز) خنده رو نداری (که ترا بخنداند)؟! گفتم:

نه، فرمود: خنده رو بگیر که بلغم را از میان بر می دارد. «۲»

۳- محمد بن علی بن حسین علیهم السلام فرمود: إذا أراد أحدکم أن یتزوج فلیسأل عن شعرها کما یسأل عن وجهها فإنَّ الشَّعر أحد الجمالین. هر وقت کسی از شما خواست ازدواج کند از مویش پرس و جو نماید چون مو یکی از دو زیبایی است (صورت و مو). «۳»

۴- عیون أخبار الرضا: از پدران بزرگوارش علیهم السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه، فإنَّ فعالهم أحرى أن یکون حسنا. خیر (و برکت) را در زیبارویان بجوید، چون رفتار آنها شایسته زیبا بودن است (و نیکو بودن را می طلبد). «۴»

۵- ابراهیم بن عبد الحمید: از اَبی الحسن اول علیه السلام فرمود: ثلاث یجلین البصر: النظر إلى الخضرة، والنظر إلى الماء الجاری، والنظر إلى الوجه الحسن. سه چیز چشم را جلا دهد،

۱- به سبزه‌ها نگریستن،

۲- نگاه به آب روان،

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۰

۳- و تماشا به روی زیبا. «۱»

توجه: در بعضی از روایات از سیاه چردگان تعریف و در این فصل از زیبارویان تمجید شده است منظور این است که سیاه صورتان ولود از زیبارویان نازا مقدم تر است و همچنین سیاه دین مدار بر زیبای بی دین مزیت و برتری دارد

۱۴- ازدواج با خانم ولود

یکی از علت‌های مهم تشکیل خانواده و ازدواج، به وجود آوردن اولاد و سوت کور نبودن خانه هاست و اینکه بقای نسل و جانشین هر آدمی از همه چیز برایش مهم تر است؛

فراوان دیده‌ایم که اگر کسی مدتی بعد از ازدواج بفهمد، بچه دار نمی شود، خود را به هر دری می زند و حتی حاضر است از

هستی اش، دست بردارد تا دارای فرزند و یادگاری از خود باشد؛

پس اولاد در زندگی حرف اول را می زند، بدینجهت است که در روایات و فرمایش بزرگان، سفارش فراوان شده است که با بانوی زاینده ازدواج شود و با بجا گذاشتن نشانه هائی از خود، به درود زندگی گفته و از این پُل عبور نماید.

۱- علاء بن رزین: از محمد بن مسلم: از ابی جعفر علیه السلام گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود تزوجوا بکراً ولوداً، ولا تزوجوا حسناء جمیلة عاقراً، فانی أباهی بکم الأمم یوم القیامة. با دختر باکره و زاینده ازدواج کنید و با زیبای نازا ازدواج نکنید من در قیامت با شما به امت‌ها مباحات می‌کنم. «۲»

۲- سلیمان بن جعفر الجعفری: از ابی الحسن الرضا علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مردی فرمود: تزوجها سوءاً ولوداً، ولا تزوجها جمیلة حسناء عاقراً، فانی مُباه بکم الأمم یوم القیامة أما علمت ان الولدان تحت العرش یستغفرون لآبائهم یحضنهم ابراهیم، و تربیهم سارة فی جبل من مسک و عنبر و زعفران. با سیاهان زاینده وصلت کن و با نازاهای زیبا وصلت ننما، من در قیامت به امت‌ها با شما افتخار می‌کنم، آیا آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۱

نمی‌دانی کودکان در زیر عرش پریدرانشان استغفار می‌کنند و ابراهیم علیه السلام آنها را سرپرستی می‌کند و سارا در کوهی از مشک و عنبر، تربیتشان می‌نماید؟! «۱»

۳- إسماعیل بن عبد الخالق: از کسی که به او گفته است گفت: شکوت إلى ابی عبد الله علیه السلام قلّة وُلدی، و أنّه لا وُلدَ لی، فقال لی: إذا أتیت العراق فتزوج امرأة، ولا علیک أن تكون سوءاً قلت: جعلت فداک، و ما السوءاء؟ قال: امرأة فیها قبح فإِنَّهن أكثر أولاداً. به ابی عبد الله علیه السلام از کمی اولادم شکایت بردم و این که بچه ندارم، فرمود: وقتی که به عراق رفتی بازنی ازدواج کن (وسعی کن) سؤ‌آباشد، گفتم: فدایت شوم سؤ‌آ چیست؟! فرمود: زنی که در او زشتی (و بدگلی باشد) چون آنها پراولادند. «۲»

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: اعلموا أنّ السوءاء اذا كانت ولوداً أحبّ الیّ من الحسناء العاقر. بدانید (اگر زن بدگل و) زشت، زاینده باشد برای من محبوب‌تر از زیبای نازاست. «۳» به فصل‌های بعد دقت فرمایید

پرهیز از وصلت چه کسانی!

اشاره

در فصل‌های گذشته کراراً گفته‌ایم و در آینده نیز به مناسبت‌هائی خواهیم گفت، هنگام ازدواج و دختر دادن و زن گرفتن، باید خیلی هشیار بود و دقت کافی به عمل آورد با چگونه شخصی زندگی خواهید کرد که بعدها گرفتار ندامت و پشیمانی نگردید

۱- عدم ازدواج باخانم نازا

در فصل قبل گفتیم: برقراری و پایداری نظام زندگی: با وجود اولاد و فرزند است:

خانه‌ای که صدای بچه‌ای (خواه گریه و خواه خنده‌اش) بلند نشود آن خانه سوت کور و خانه خاموش است، بدینجهت در روایات وارده، تأکید بر این است تا سرحد امکان با زن ولود ازدواج نمایند اگرچه بدگل و زشت رو باشد و از ازدواج با زن نازا

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۲

پرهیزند اگرچه خوشگل و زیبا باشد به دوفصل بعد توجه نمایید.

۱- عبد الله بن سنان: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: جاء رجل إلى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقال: یا نبی الله إن لی

ابنه عمّ لی قد رضیت جمالها وحسنها و دینها ولکنها عاقر؟ فقال: لا تزوّجها إنّ یوسف بن یعقوب لقی أخاه فقال: یا أخی کیف استطعت أن تزوّج النساء بعدی؟! فقال:

إنّ أبی أمرنی فقال: إن استطعت أن تكون لك ذریة تثقل الأرض بالتسیح فافعل، قال:

وجاء رجل من الغد إلى النبی صلی الله علیه و آله و سلم فقال له مثل ذلك فقال له: تزوج سوءا ولودا، فإنی مکاثر بکم الأمم یوم القیامة. قال: فقلت لأبى عبد الله علیه السلام ما السوءاء؟ قال: القبیحہ. مردی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای پیغمبر خدا من دختر عمویی دارم دارای مال و جمال و دین است اما نازا است (می‌خواهم با او ازدواج کنم؟) فرمود: با او ازدواج نکن چون یوسف بن یعقوب برادرش (بنیامین را) ملاقات کرد و گفت: چگونه دلت خواست بعد از من ازدواج کنی (و مشغول عیش و لذت شوی؟!) گفت: پدرم مرا امر کرد و فرمود: اگر می‌توانی در روی زمین ذریه‌ای داشته باشی که تسبیح خدا گوید، این کار را بکن؛

فردای آن روز نیز مردی آمد و همان را گفت، و به او نیز فرمود: زن ولود (وزاینده) بگیر من در قیامت با شما به امت‌ها مباحات می‌کنم، من از ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم «سوءاء» چیست؟ فرمود: زشت (یعنی با زن زاینده اگرچه زشت هم باشد ازدواج کنید و از زن نازای زیبا بپرهیزید). «۱»

۲- خالد بن نجیح: از ابی عبد الله علیه السلام قال: تذاکروا الشؤم عند أبی علیه السلام فقال: الشؤم فی ثلاث فی المرأة والدابة و الدار، فأما شؤم المرأة فکثرة مهرها، و عقم رحمها، در باره شومی‌ها نزد امام صادق علیه السلام گفتگو شد فرمود: شومی در سه چیز است در زن و مرکب و خانه، اما شومی زن، زیادی مهر او و نازائی رجم اوست. تا آخر روایت. «۲»

۳- محمد بن علی بن حسین گفت: امام علیه السلام فرمود: اعلّموا أن السوداء إذا کانت ولوداً أحبّ إلیّ من الحسناء العاقر. بدانید اگر زن سیاه زاینده باشد برای من دوست آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۳ داشتنی‌تر از زن زیبای نازاست. «۱»

۲- عدم ازدواج باخانم پیر

۱- محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: ثلاثة یهدمن البدن و ربما قتلن: و نکاح العجائز. سه چیز بدن را به ویرانی (وتباهی و نابودی) می‌کشد و ای بسا می‌کشد ... و ازدواج با زن پیر. «۲»

۲- أحمد بن أبی عبد الله البرقی در کتاب (المحاسن) گفت: از ابی عبد الله علیه السلام روایت شده است فرمود: ثلاثة یهزلن البدن و ربما قتلن- إلیّ أن قال: و نکاح العجائز سه چیز بدن را لاغر (وناتوان) می‌کند و ای بسا به کام مرگ می‌برد- تا اینکه گفت: و ازدواج با زنان پیر. «۳»

۳- بدترین بانوان

در فصل (بهترین زنان) روایاتی گذشت و گفتارهایی سپری شد، حالا نوبت دانستن بدترین زنان و نشانه‌های آنهاست توجه فرمائید.

۱- مسعدة بن زیاد: از جعفر بن محمد از پدرش علیهما السلام فرمود: النساء أربعة أصناف:

فمنهنّ ربیعٌ مُرَبَّعٌ، و منهنّ جامعٌ مُجمَعٌ، و منهنّ کَرْبٌ مُقَمَّعٌ و منهنّ غلٌّ قَمَلٌ. زنها چهار صنف اند؛

الف- زنی که هر وقت به او نگاه کنی شادت نماید و اگر چیزی به او دهی (کم یا زیاد باجان و دل) می‌پذیرد، (و مانند بهار، بهار آفرین و زندگی را همیشه بهار می‌کند)؛

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۴

ب- گرد آورنده و به دور خود جمع کننده و با برکت باشد (و اعضای خانواده را زیر بال و پر خود می‌گیرد)؛

ج- گرفتاری آور و ریشه برانداز باشد (همه را از دور خود فراری داده و زندگی را از هم می‌پاشد)؛

د- مانند کنه و شپش به بدن می‌چسبد (و آدمی را مثل خوره می‌خورد و از پا در آورده و فاتحه خوشی و کامیابی را می‌خواند). «۱»

۲- اَبی حمزة: از جابر بن عبد الله گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: أَلَا اخبرکم بشرار نسائکم؟ الدَّلِيلَةُ فی أهلها، العزیزة مع بعلها، العقیم الحقود التي لا تتورع من قبیح، المتبرجة إذا غاب عنها بعلها، الحصان مع ذَا حضر، لا تسمع قوله، و لا تطیع أمره، و إذا خلا بها تمتعت منه كما تمتع الصعبة عند رکوبها، و لا تقبل منه عذراً و لا تغفر له ذنباً آیا به شما خیر ندهم بدترین زنانان را؟! «۱»

۱- (زنی که) در میان خانواده‌اش ذلیل است و (در خانه) با شوهر عزیز (و فخر) فروش؛

۲- نازا و کینه توزی که از زشتی‌ها نپرهیزد؛

۳- در زمان غیبت شوهرش (آرایش کرده و پرده دری نموده و) خود را در دید (مردم) قرار دهد، و در حضور شوهرش با حجاب جلوه کند؛

۴- حرف شنو نباشد و از او فرمان نبرد؛

۵- در خلوتگاه مانند مرکب چموش، (از نزدیکی شوهر) ممانعت نماید و هیچ عذری را از او نپذیرد (و از خطایش در نگذرد). «۲»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۵

۳- سکونی: از اَبی عبد الله علیه السلام فرمود: کان من دعاء رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: أَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تَشِينِي قَبْلَ مَشِيئِي. از دعاهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود خدایا به تو پناه می‌برم از (شرّ) زنی که مرا پیش از رسیدن زمان پیری، پیرم کند (و پیری زود رس برای من تحمیل نماید و به ارمغان آورد). «۱»

۴- عبد الله بن سنان گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شرار نسائکم المقفرة الدنسة اللجوجة العاصية، الدليلة فی قومها، العزیزة فی نفسها، الحصان علی زوجها، الهلوك علی غیره. بدترین زنان، شمابایر (و خشک و بی بهره) و آلوده و لجاجز و عصیانگر است که در فامیل خود ذلیل و در خودپسندی عزیز باشد، و بر شوهرش، خود نگهدار و بر دیگران نرم (و زود تسلیم شونده شود!). «۲»

۵- اصبع بن نباتة گوید: از امیر مؤمنان (علیه السلام) شنیدم می فرمود: يظهر فی آخر الزمان واقتراب الساعة و هو شرّ الأزمنة، نسوة کاشفات عاریات متبرجات من الدین خارجات فی الفتن داخلات مائلات إلى الشهوات، مسرعات إلى اللذات، مستحلات المحرمات، فی جهنم خالدات در آخر الزمان و نزدیک قیامت که بدترین زمان هاست، ظاهر می شود زنان مکشفه و لخت و خود نشان دهنده، از دین بیرون رونده و بر فتنه‌ها داخل شونده، میل کننده به شهوترانی و سرعت گیرنده بر لذتهای (حرام) حرام‌ها را حلال و (نهایت این اعمال) در جهنم همیشه سوزان خواهند بود!. «۳»

۶- اَبی حمزه ثمالی، از اَبی جعفر علیه السلام فرمود: کان فی بنی اسرائیل رجل عاقل کثیر المال، وکان له ابن یشبهه فی الشمائل من زوجة عفیفة، وکان له ابنان من زوجة غیر عفیفة فلما حضرته الوفاة قال لهم: هذا مالی لواحد منکم، فلما توفی قال الکبیر أنا ذلک الواحد، وقال الأوسط: أنا ذلک، وقال الأصغر: أنا ذلک، در بنی اسرائیل مرد خردمند و پولداری بود و او از زن پاکدامن پسری داشت که شبیه خودش بود و دو پسر از زن ناپاک

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۶

داشت!

هنگامی که مرگش فرا رسید به آنها گفت: این مال من متعلق به یکی از شماهاست، وقتی که وفات کرد برادر بزرگ گفت: آن یکی منم و برادر وسطی گفت: منم و کوچک هم گفت: منم؛

فاختصموا إلی قاضیهم قال: لیس عندی فی أمرکم شیء انطلقوا إلی بنی غنام الإخوة الثلاث فانتھوا إلی واحد منهم فأوا شیخاً کبیراً فقال لهم: ادخلوا إلی أخی فلان فهو أكبر منی فأسألوه، فدخلوا علیه فخرج شیخ کهل فقال: سلوا أخی الأكبر منی، فدخلوا علی الثالث فإذا هو فی المنظر أصغر فسألوه أولاً عن حالهم ثم میناً (لهم) فقال: أما أخی الذی رأیتموه أولاً هو الأصغر وإن له امرأة سوء تسوؤه وقد صبر علیها مخافة أن یتلی ببلاء لا صبر له علیه فهرمه، و أما الثانی أخی فان عنده زوجة تسوؤه و تسره فهو متماسک الشباب، و أما أنا فزوجتی تسرنی ولا تسوونی لم یلزمی منها مکروه قط منذ صحبتی فشبایبی معها متماسک، پس پیش قاضی برای مرافعه رفتند، او گفت: در این باره من چیزی ندارم بگویم بروید در (طایفه) بنی اغنام پیش سه برادر (معروف)، پیش یکی رفتند دیدند پیرمرد بزرگسالی است (قضیه را گفتند) گفت: بروید پیش برادر بزرگم فلانی از او سوال کنید، رفتند پیش او دیدند مرد میانسالی بیرون آمد و گفت: بروید پیش برادر بزرگتر از من، رفتند پیش او دیدند از همه کوچکتر به نظر می آید (تعجب کردند و) اول از حال خود آنها پرسیدند که این قضیه چگونه است؟! سپس جریان خود را بیان نمودند؛

گفت: اما برادری که اول دیدید درست است او برادر کوچک ماست اما چون زن بدی دارد که با او بدرفتاری می کند و او تحملش می نماید که مبادا به بلائی بدتر از او گرفتار آید که غیر قابل تحمل باشد و او را پیرنموده (و به آن روز انداخته که دیدید)!

و برادر دومی زنی دارد که او را غمگین و خوشحال می نماید که (متعادل مانده است) ولی من زنی دارم که هیچ وقت مرا اذیت نمی کند و شاد نگه میدارد و از روزی که ازدواج کردیم، او مرا آسیبی نرسانده است و جوانی ام به خاطر او سالم مانده است!

و أما حدیثکم الذی هو حدیث، أبیکم انطلقوا أولاً وبعثوا قبره واستخرجوا عظامه وأحرقوها

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۷

ثم عودوا لأقضى بینکم. فانصرفوا فأخذ الصبی سیف أبیه وأخذ الإخوان المعاول فلما أن همّا بذلک قال لهم الصغیر: لا تبعثوا قبر أبی وأنا أدع لکما حصّتی فانصرفوا إلی القاضی فقال:

یقنعکما هذا، انتونی بالمال فقال للصغیر: خذ المال، فلو کانا ابنیه لدخلهما من الرقة کما دخل علی الصغیر. واما سرگذشت شما با پدرتان، بروید اول قبر او را بشکافید و استخوان هایش را در آورده و بسوزانید و برگردید تا در میان شما قضاوت نمایم؛

برگشتند و برادر کوچک شمشیر پدر را برداشت و آن دو برادر کلنگ برداشتند تا قبر را بشکافند، برادر کوچک گفت: قبر پدرم را نشکافید و من حق (ارث پدرم را) به شما واگذار نمودم،

به سوی قاضی برگشتند و جریان را گفتند: قاضی دستور داد مال پدر را بیاورید این قصه برای بیان حکم کافی است! به برادر کوچک گفت: مال برای توست زیرا اگر آنها هم فرزندان او بودند، مانند کوچک تر دلشان می سوخت. «۱»

۸- و فرمود علیه السلام: شرّ الأشياء المرأة السوء بدترین چیزها زن بد است! «۲»

۹- از ابی عبدالله علیه السلام فرمود: لو لا النساء لُعبد الله حقاً حقاً. اگر زنها (ی بد و منحرف) نبود، خداوند به حق پرستیده می شد.

۳»

۴- خطرناک‌ترین دشمن

خدا نکند که همسر آدم دشمنش باشد چون دشمنی که شب و روز در کنارت باشد و با هم زندگی بکند، به مراتب خطرناک‌تر از دشمنی است که دور از تو زندگی نماید زیرا از دومی همیشه در حدری و هوشیار، اگر در دور و برت دیده شود، برای دفاع از

خود آماده‌ای، اما اولی، چون در نهان و آشکار و وقت و بی وقت، با او در افت و خیزی، هر گاه بر علیه تو، تصمیم بد بگیرد، می‌تواند در اسرع وقت، اجراء نماید، بدینجهت است که در صورت اختلاف عمیق میان زن و شوهر، زن برای شوهرش بدترین و غالب‌ترین دشمن به حساب می‌آید.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۸

خداوند متعال می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَان تَعَفَوْا وَتَصَفَحُوا وَتَغْفَرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسرانتان و فرزندانان دشمنان شما هستند از آنها برحذر باشید؛ و اگر عفو کنید و چشم پوشید و ببخشید (خدا شما را می‌بخشد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است.» (۱)

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: أغلب أعداء المؤمنين زوجة السوء. پیروزترین دشمن مؤمنان همسر بد است! (۲)

۲- عبد الله بن سنان: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: أغلب الأعداء للمؤمن زوجة السوء. غالب ترین دشمن‌ها برای مؤمن، همسر بد است. (۳)

۵- بهترین و بدترین مردان!

میان بانوان و آقایان، هم خوبانی وجود دارد و هم بدانی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای شناختن آنها فرمایشاتی دارد! رسول خدا در ضمن حدیثی فرمود: ألا اخبركم بخيار رجالكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله، قال: إن من خير رجالكم التقي التقي السيمح الكفین السليم الطرفین، البر بوالديه، ولا يلجئ عياله إلى غيره، ثم قال: ألا اخبركم بشر رجالكم؟ قلنا: بلى فقال: إن من شرّ رجالكم البهات البخیل الفاحش، الأكل وحده، المانع رفته، الضارب أهله و عبده، الملجئ عياله إلى غيره، العاق بوالديه. آیا به شما خبر دهم از (صفات) بهترین مردانتان؟! گفتیم: بلی ای رسول خدا، فرمود: بهترین مردان شما، پرهیزکار و صاف و دست باز و هردو طرف سالم‌الوجود به والدین نیکوکار باشد، و عیال خود را به پناه دیگران وادار نسازد (و زیر دست قرار ندهد)؛

سپس فرمود: آیا به بدترین مردانتان خبر ندهم؟ گفتیم: بلی ای رسول خدا، فرمود:

از بدترین مردان شما، افترا گوینده و بخیل و دریده و تنها خورنده و مانع شونده از

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۷۹

خیرش (خیرش به کسی نرسد) و (کتک) زننده به زن و خدمتکارش باشد و عیال (و زیر دستان خود را) به دیگران بسپارد. (۱)

۶- کراهت ازدواج فامیلی!

در رابطه با ازدواج فامیلی، روایات دو گونه آمده است،

۱- مستحب است و خوب،

محمد بن علی بن حسین گفت: علی بن حسین سید العابدین علیهما السلام فرمود: من تزوج الله و لصله الرحم توجه الله بتاج الملك (والكرامة). هرکس به خاطر خدا و به احترام رَحِم (و خویشاوندی) ازدواج کند، خداوند با تاج ملک و کرامت او را تاجدار می‌نماید. (۲)

۲- مکروه است و ممنوع،

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لاتنكحو القرابة القرية فان الولد يخرج ضاویاً ای نحیفاً. با نزدیکترین نزدیکان ازدواج نکنید زیرا بچه ضعیف و ناتوان به دنیا می‌آید. (۳)

مضمون دو روایت بالا، هر کدام به یک بُعد زندگی نظارت دارد!

اولی: برای استحکام بخشیدن به زندگی فامیلی و اقربائی، و جلوگیری از گسستن زنجیر ایل و تباری و پاره شدن شیرازه عواطف خانوادگی می‌باشد.

دومی: برای رعایت مسائل ژنتیکی و پزشکی، و پیشگیری از پیامدهای ناگوار بعدی می‌باشد که نهایتاً به طلاق منجر می‌شود!، زیرا آزمایش‌های علمی و تجربه‌های اجتماعی، ثابت کرده است که ازدواج فامیلی در برخی از موارد، به معلول و ناقص به وجود آمدن بچه و کند ذهنی او منتهی می‌شود که در نتیجه هم والدین تا پایان عمر، گرفتار ناراحتی‌های گوناگون و هم جامعه پذیرای یک فرد معلول جامعه خواهد بود!!.

راه حل: برای اینکه ازدواج کنندگان، از این معضل رهایی یابند، پیشرفت علم و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۸۰

آزمایشات کنونی مسئله را حل نموده است؛

کسانی که دوست دارند با افراد فامیل پیوند بخورند، می‌توانند بدون دردسر، پیش از همه اقدامات، آزمایشات لازم را انجام داده و با خیال راحت به استقبال زندگی بروند، تا بعداً ندامت و پشیمانی بار نیاید.

پس اگر این مسأله از مسیر آزمایش حل شود کراهت این گونه ازدواج‌ها نیز برداشته می‌شود

۷- ندادن دختر به شرابخوار

بر هر مسلمانی لازم است به دستورات دینش پایبند و عمل کننده باشد، برای حفظ و دفاع از دینش، کمی غیرت و تعصب دینی داشته باشد، پس اگر کسی از دختر او خواستگاری کرد اما پای بند دینت و اسلامیت نباشد، با ملاحظه جهاتی نباید به او جواب مثبت دهد!، زیرا هم از جهت این که از نظر دینی در ردیف هم نیستند، و هم برابر روایات وارده، با دختر او هم کفو و هم طراز نیست و در آینده پیامدهای ناگوار بی شمار خواهد داشت، چون یک فرد مست و لایعقل، با کلید شراب خواریش درهای فسادها و شرها را بروی خود و خانواده‌اش باز نموده و با ناملایمات زندگی اش، دایم آنها را ضجر خواهد داد!

و دهها مسایل و گرفتاری‌های پیش بینی نشده دیگر که، با در نظر گرفتن این معایب، یک شخص مسلمان چگونه می‌تواند با یک فرد شراب خوار دور از دین و از خدا بی خبر، وصلت نماید.

۱- أحمد بن محمد تا از أبو عبد الله علیه السلام فرمود: من زوّج کریمته من شارب خمر فقد قطع رحمها. هر کس دخترش را به شراب خوار تزویج کند (درباره او) قطع رَحِم کرده است. «۲- ابن اَبی عمیر: از بعض اصحابش: از اَبی عبد الله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شارب الخمر لا یزوّج إذا خَطَبَ ولا یشفع اذا شفع ولا یصدق اذا حدّث ولا یعاد اذا مرض ولا یشهد جنازه و لا یؤمن علی امانه. شرابخوار تزویج کرده نمی‌شود وقتی که

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۸۱

خواستگاری نمود (یعنی اگر شارب الخمر برای خواستگاری آید به او دختر ندهید) و وساطت او پذیرفته نشود و اگر سخنی گفت تصدیق نشود و به تشییع جنازه‌ای نرود و به امانتی امین نگردد. «۱»

۳- از اَبی الزبیر از امام صادق علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من شرب الخمر بعد ما حرّمها الله علی لسانی، فلیس بأهل أن یزوّج اذا خطب و لا یشفع اذا شفع، ولا یصدق اذا حدّث و لا- عاد اذا مرض ولا یشهد جنازه و لا یؤمن علی امانه. هر کس شراب بخورد بعد از آنکه خداوند با زبان من حرام کرده است، پس اهلیت (و شایستگی)، ندارد زمانی که خواستگاری نمود، به او دختر دهند، شفاعتش را قبول نکنند و گفتارش تصدیق نشود و مریض شد عیادت نشود و به تشییع جنازه‌ای حاضر نباشد و به امانتی امین نگردد تا آخر حدیث. «۲»

۸- به بد اخلاقان دختر ندهید

اخلاق یکی از مسایل مهم کلیدی و تعیین کننده دوران زندگی است، اگر در گذران زندگی، هر دو زوج دارای خلق و خوی پسندیده باشند، آن زندگی برایشان، شیرین و گوارا خواهد بود، و اگر یکی یا هر دوی آنها دارای اخلاق بد و سیرت ناپسند باشد، صورت زندگی برایشان زشت و معنا و مفهومی نخواهد داشت، حالا- فکر کنید کدام یک از این دو حالت برایتان ایده آل و رضایت بخش است.

۱- حسین بن بشار واسطی گفت: به ابی الحسن امام رضا علیه السلام نوشتم: ان لی قرابه قد خطب الی (ابنتی) وفی خلقه سوء، قال: لا- تزوجه إن كان سیئ الخلق. بدرستی که یکی از نزدیکانم دخترم را خواستگاری نموده است اما بد اخلاق است! فرمود: اگر بد اخلاق است، به او دختر نده. «۳»

۹- بابانوان کم فهم ازدواج نکنید!!

در فصل‌های مختلف این کتاب کراراً از نظر عزیزان گذشته است که برای زندگی مادام العمر خود و برای فرزندان آینده، همسر شایسته و فهمیده و شادی آفرین انتخاب نماید که موجب ندامت و پشیمانی نشود؛

ومی دانیم که ازدواج با بانوی کم فهم و نا متعادل اخلاقی و رفتاری، از مصداق بارز ندامت در آینده خواهد بود.

۱- سکونی، از ابی عبد الله (علیه السلام) گفت: امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: ایاکم وتزویج الحمقاء فان صحبتها بلاء، وولدها ضیاع. مبادا با زنان نادان ازدواج نمایید زیرا همنشینی او بلا و فرزندانش ضایع خواهند شد! «۱»

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ایاکم وتزویج الحمقاء فان صحبتها ضیاع وولدها ضیاع.

مبادا بازن کودن ازدواج کنید همانا همنشینی او ضایع کننده و فرزندانش کفتار صفت می شوند. «۲»

۱۰- کراهت ازدواج باخانم دیوانه!

۱۰- کراهت ازدواج باخانم دیوانه! محمد بن مسلم، از ابی جعفر (علیه السلام) گفت: بعضی اصحاب ما از او سؤال نمود: از الرجل المسلم تعجبه المرأة الحسناء ایصلح له أن یتزوّجها وهی مجنونه؟ قال: لا ولكن إن كانت عنده أمة مجنونه فلا بأس بأن یتأها ولا یطلب ولدها. مرد مسلمانی که زن زیبا (ی دیوانه) او را جلب توجه (و شگفت زده) کرده است آیا مصلحت است با او ازدواج نماید؟! فرمود: نه ولی اگر پیش او برده (زرخرید و) دیوانه باشد می تواند با او هم بستر شود اما فرزند نیاورند. «۳»

۱۱- فریب مال و جمال را نخور!

۱۱- فریب مال و جمال را نخور! گروهی از انسان هاگمان می کنند زیبایی زن، یا مال و منال او و دارائی و شخصیت پدرش، خوشبختی و سعادت می آورد اگر با چنین زن یا دختری ازدواج کند، زندگی بی دغدغه و بی دردسری را، برای او به ارمغان خواهد آورد! اما تجربه و دقت در گذران جوامع و زیر نظر گرفتن این نوع خانواده‌ها، خلاف این را ثابت کرده است و دقیقاً نشان داده است که «ای بی خبران راه نه آنست ونه این» بلکه سعادت در جای دیگر است! (به روایات ذیل توجه نمائید).

۱- ابن ابی عمیر: از هشام بن حکم: از ابی عبد الله علیه السلام قال: إذا تزوّج الرجل المرأة لجمالها أو لمالها وکل إلى ذلك، وإذا تزوّجها لدینها رزقه الله المال والجمال. زمانی که مرد زنی را به خاطر زیبایی و دارائی اش بگیرد، به آن (مال و جمال) سپرده شود، (خیری نمی بیند) اما اگر برای دینداری اش ازدواج نماید، خداوند به او مال و جمال می دهد (در نظر او از همه زیباتر و داراتر جلوه

گر شود). «۱»

۲- ورام بن ابی فراس در کتابش گوید: امام علیه السلام فرمود: من تزوج امرأة لجمالها جعل الله جمالها وبألا عليه. هر کس با زنی به خاطر جمالش ازدواج کند، خداوند جمال او را برایش وبال (و مایه گرفتاری) قرار دهد. «۲»

۳- در (عقاب الأعمال): از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است، فرمود: من نکح امرأة حلالاً بمال حلال غیر آنه أراد بها (به) فخراً وریاءاً (وسمعةً) لم یزده الله بذلك إلا ذللاً و هواناً، و أقامه (الله) بقدر ما استمتع منها علی شفیر جهنم، ثم یهوی به فیها سبعین خریفاً. هر کس با زنی از طریق حلال و بامال حلال ازدواج کند (ولی از این ازدواج) جز خودنمائی و فخر فروشی اراده نکند، در این ازدواج نمی‌بیند مگر ذلت و خواری و خداوند به اندازه‌ای که از او بهره برده در کنار جهنم بازداشت می‌کند و سپس هفتاد

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۸۴

خریف (سالیان دراز) سرازیر (و معذب) می‌شود. «۱»

۴- محمد بن مسلم گفت: أبو جعفر علیه السلام فرمود: أتى رجل النبی صلی الله علیه و آله و سلم یستأمره فی النکاح، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: انکح و علیک بذات الدین تریث یداک. مردی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کار ازدواج مشورت کرد؟ فرمود: ازدواج کن و برتوباد صاحبان دین، دستانت خاک آلود شود (و خیر بیشمار بینی). «۲»

۵- إسحاق بن عمار گفت: شنیدم أبا عبد الله علیه السلام می‌فرمود: من تزوج امرأة یرید مالها ألجأه الله إلی ذلك المال. هر کس با زنی به خاطر مالش ازدواج کند خداوند او را به آن مال واگذارد. «۳»

۶- برید العجلی: از ابی جعفر علیه السلام گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من تزوج امرأة لا یتزوجها إلا لجمالها لم یر فیها ما یحب، و من تزوجها لمالها لا یتزوجها إلا له و کله الله إلیه، فعلیکم بذات الدین. هر کس با زنی به خاطر زیبایی ازدواج نماید، در او آنچه دوست دارد نمی‌بیند و اگر به خاطر مالش ازدواج کند، به آن واگذار شود، بر شما باد صاحبان دین (بازن دین مدار وصلت کنید). «۴»

۷- مروان بن مسلم: از برید: از ابی جعفر علیه السلام فرمود: جابر بن عبد الله به من حدیث کرد همانا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من تزوج امرأة لمالها و کله الله إلیه، و من تزوجها لجمالها رأی فیها ما یکره، و من تزوجها لدینها جمع الله له ذلك. هر کس با زنی به خاطر مالش ازدواج کند: خداوند به آن واگذارد و اگر به جمالش ازدواج نماید از جمال او آنچه که برایش ناخوشایند است، را می‌بیند و هر کس به خاطر دینش ازدواج کند خداوند مال و جمال را برایش جمع می‌کند. «۵»

۸- محمد بن حسین الرضی در کتاب (المجازات النبویة) گوید: و فرمود علیه السلام: تنکح

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۸۵

المرأة لمیسمها. زن به خاطر شخصیتش نکاح می‌شود. «۱»

۱۲- سبک کردن مهریه و ..

۱۲- سبک کردن مهریه و .. سبک کردن مهر یکی از سفارشات بزرگان اسلام و از صفات ممدوح در نظر شرع مقدس و عکس آن مورد ذمّ و توبیخ قرار گرفته است، زیرا کسی که تصمیم برای ادامه زندگی تا پایان عمر را دارد و بنا به مثل مشهور (با لباس سفید عروسی- به خانه شوهر می‌آید و با لباس سفید جدائی ابدی کفن- از آن خانه بیرون می‌رود)، هیچ وقت در صدد کالا قرار دادن و مانند برده‌ها، به فروش رساندن خود را ندارد؛

با تجربه هم ثابت شده است، زنی که مهریه سنگین دارد همیشه با شوهر بگو و مگو دارد و زن با اتکاء به مهریه‌اش هیچ وقت کم

نمی‌آورد و گردن خود را یک وجب بالاتر از مرد فرض می‌کند و در نهایت اکثراً به جدائی منتهی می‌شود، برعکس اگر مهر سبک باشد زن خود را در برابر بهاء قرار نمی‌دهد و به خوشی و ناخوشی زندگی خود متحمل شده و در کوران‌ها و خطرات زندگی، چتر نجات خود و فرزندان خود می‌شود، پس مهر کمتر برای زندگی آرامش بخش و از همه خیال بافی‌ها بهتر است (لطفاً به فصل‌های بعدی توجه نمایید).

۱- محمد بن مسلم: (عبدالله بن میمون) از ابي عبد الله عليه السلام (از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الشوم فی ثلاثه اشياء فی الدابة والمرأة والدار، فأما المرأة فشومها غلاء مهرها و عسر ولدها (ولادتها)، و أما الدابة فشومها كثرة علقها وسوء خلقها، وأما الدار فشومها ضيقها و خبث جيرانها. شومی (زندگی) در سه چیز است، در زن و چهار پا و خانه است!، اما شومی زن در زیادی مهرش است، و شومی چهارپا در زیادی بیماری و بد خلقی آن است، و اما شومی خانه در تنگی و همسایه بد آن می‌باشد. «۲»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۸۶

۲- سکونی: از ابي عبد الله عليه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (خير نسائکم) أفضل نساء أمتی أصبحهن (أحسنهن) وجهاً وأقلهنّ مهراً بهترین زنان امت من، زیبارویان و کم مهران آنها است. «۱»

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: من برکة المرثة خفة مؤنتها و تيسير ولادتها و من شؤمها شدة مؤنتها و تعسير (تعسير) ولادتها. از برکت زن سبکی مخارج و آسان زائی اوست و از شومی اش سختی (و زیادی) خرج و سخت زائی اوست. «۲»

۴- شیخ صدوق رضی الله عنه فرمود: وروی آن من برکة المرأة قلة مهرها، و من شؤمها كثرة مهرها و روایت شده است از برکت زن کمی مهر و شومی او در زیادی مهر اوست «۳»

۵- عمر بن یزید گوید: به ابي عبد الله عليه السلام گفتم: أخبرنی عن تزوج علی أكثر من مهر السنة أيجوز له ذلك؟ قال: إذا مهر السنة فليس هذا مهراً إنما هو نحل لأن الله يقول: (فإن آتیتم إحدیهنّ فنظراً فلا تأخذوا منه شیئاً) (إنما عنی النحل ولم یعن المهر، ألا ترى أنه إذا أمهرها ثم اختلعت كان لها أن تأخذ المهر كاملاً فما زاد علی المهر السنة فأنما هو نحل كما أخبرتك فمنّ ثمّ وجب لها مهر نسائها لعلّ من العلل قلت: كيف يعطى وكم مهر نسائها؟

قال: إن مهر (المؤمنات) خمسمائة و هو مهر السنة وقد يكون أقل من خمسمائة ولا- يكون أكثر من ذلك، و من كان مهرها ومهر نسائها أقل من خمسمائة أعطى ذلك الشيء و من فخر و بذح بالمهر فزاد علی خمسمائة ثم وجب لها مهر نسائها فی علة من العلل لم یزد علی مهر السنة خمسمائة درهم. به من خبر بده از (حکم) کسی که با بیش از مهر سنت (با زنی) ازدواج نموده است، آیا این جایز است؟! فرمود: اگر (بیش از مهر سنت) مهر قرار داده آن مهر نیست بلکه «نحل» است، زیرا خداوند می‌فرماید: «اگر به یکی از زنها، فنظار (یعنی حتی به مقدار پر از پوست گاو، زر دادید) پس چیزی از آن را نگیرید» منظور از آن نحل است نه مهر، آیا نمی‌بینی وقتی بیش از مهر (سنت) را، مهر قرار داد و سپس (طلاق) خلعی گرفت، حق زن است که همه آن را بگیرد؛

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۸۷

پس (دانستی که) بیش از مهر السنة نحل است آن طور که به تو خبر دادم (نه مهر)، بدینجهت است که در بعض موارد به میزان مهر اقوام زن، برایش مهر تعلق می‌گیرد (مثلاً اگر به دختری تجاوز نماید و ازاله بکارت کند، برایش مهر مثل واجب می‌شود)؛ گفتم: اندازه مهر زنان فامیل چه قدر است؟ فرمود: مهر زنان مؤمن پانصد درهم است و آن مهر سنت است و گاهی از مهر سنت کمتر شود و بیشتر نمی‌شود و اگر کمتر شد همان را می‌گیرند و هر که افتخاراً زیاده روی نماید و بیش از مهر پانصد درهم قرار دهد و به خاطر علتی مهر مثل برایش واجب شد همان پانصد درهم مهر سنت خواهد بود. «۱»

۱۳- ثواب بخشیدن مهر! بعضی از بانوان دوست دارند مهریه خود را به شوهرانشان ببخشند و گذشت کنند، آیا برای این کار آنها از سوی خداوند پاداشی مترتب است یا از جیششان رفته است؟ مطالب ذیل را با دقت بخوانید.

«و ان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن و قد فرضتم لهنّ فريضة فنصف ما فرضتم الا ان يعفون او يعفو الذی بيده عقدة النكاح و ان تعفوا أقرب للتقوى و لا تنسوا الفضل بينكم ان الله بما تعملون بصير». و اگر زنان را، پیش از آنکه با آنها تماس بگیریید (و آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، درحالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید نصف مهر را به آنها بدهید مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند (یا در صورتی که آنها صغیر و سفیه باشند، ولی آنها یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیز کاری نزدیک‌تر است و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. «۲»

از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ما من امرأة آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۸۸

تصدقت علی زوجها بمهرها قبل أن يدخل بها إلا كتب الله لها بكل دينار عتق رقبة، قيل: يا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فكيف الهبة بعد الدخول؟ قال: إنما ذلك من المودة والإلفة.

نیست زنی که قبل از همبستر شدن شوهرش، مهرش را به او ببخشد، مگر اینکه خداوند در برابر هر دینار آن ثواب یک برده آزاد کردن را به او می‌نویسد، گفته شد ای رسول خدا اگر بخشیدن بعد از دخول باشد چه می‌شود؟! فرمود: این کار از روی محبت و علاقه است. «۱»

۱۴- گناه ندادن مهر!

۱۴- گناه ندادن مهر! کسانی هستند که مهر را بیش از اندازه تعیین کرده و به ذمه می‌گیرند و اگر کسی هم اعتراض نمایند، پاسخ می‌دهند، ای بابا مهریه را که داده و که گرفته است! معلوم می‌شود این آقا از اول در صدد ندادن مهریه و دینی است که به گردن گرفته است، آیا حکم همچون اشخاصی چگونه خواهد شد. ... ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن «۲».

و آنان (زنان) را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را که به آنها داده‌اید (از مهر) تملک کنید (تا آخر آیه).

۱- در خبر المناهی، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است فرمود من ظلم امرأة مهرها فهو عند الله زان يقول الله عز وجل يوم القيامة: عبدی زوجتک امتی علی عهدی فلم توف بعهدی و ظلمت امتی فیؤخذ من حسناته فیدفع إلیها بقدر حقها فإذا لم تبق له حسنة أمر به إلی النار بنکته للعهد، «إنّ العهد کان مسؤلاً». هر کس در باره مهر به زنی ستم کند، این شخص پیش خداوند زنا کار (به حساب) آید، خدای عزوجل روز قیامت می‌فرماید: بنده من، کنیز خودم را با دستور خودم، به تو تزویج نمودم، به عهد من وفا نکردی و به کنیزم ستم نمودی، پس به اندازه حقش از اعمال حسنه او گرفته و به او داده می‌شود، اگر از حسناتش چیزی نماند، دستور داده شود به خاطر شکستن عهدش به آتش جهنم ببرند زیرا عهد از کارهای مورد سؤال شونده هاست. «۳»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۸۹

۲- إسماعیل بن کثیر گفت: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: السراق ثلاثة: مانع الزکاة و مستحلّ مهوور النساء و كذلك من استدان ولم ینو قضاؤه. دزدان سه گروهند.

۱- زکات ندهنده‌ها؛ ۲- مهرهای زنان را حلال داننده‌ها؛ ۳- و هر کس قرض بگیرد و نیت ادای آن را نداشته باشد. «۱»

۳- امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: *إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَافِرٌ كُلَّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ جَحَدَ مَهْرًا أَوْ اغْتَصَبَ أَجِيرًا أَوْ بَاعَ رَجُلًا حُرًّا*. همانا خدای تعالی بخشنده تمام گناهان است مگر کسی را که مهر (زنش) را انکار کند یا مزد اجیر را ندهد یا مرد آزاد را به جای برده، بفروشد. «۲»

۴- *أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ* فرمود: *أَقْدَرُ الذُّنُوبِ ثَلَاثَةٌ قَتْلُ (الْبَهِيمَةِ) وَحَبْسُ مَهْرِ الْمَرْأَةِ وَمَنْعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ*. نجس‌ترین گناهان سه چیز است، کشتن حیوانی و حبس نمودن مهریه زن و ندادن مزد کارگر. «۳»

۵- علی علیه السلام در باره گفته خداوند «*وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نَحْلَةً*» و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها پیردازید فرمود: *أَعْطَوْهُنَّ الصِّدَاقَ الَّذِي اسْتَحَلَّتُمْ بِهِ فُرُوجَهُنَّ*، فمن ظلم المرأة صدقها الذي استحلت به فرجها فقد استباح فرجها زنا. با مهری که آنها را با آن، به خود حلال کرده‌اید، پیردازید، پس هر کس به زنی در مورد مهریه‌اش ستم نماید (و ندهد او را به صورت) زنا، به خود مباح نموده است. «۴»

۱۵- حکم اختیار در تعیین مهر!

۱۵- حکم اختیار در تعیین مهر! تعیین مهر با رضایت طرفین، انجام می‌گیرد ولی در مواردی هنگام عقد ازدواج:

تعیین مقدار مهر را در اختیار زن یا مرد قرار می‌دهند: در این صورت آیا زن مجاز است هر اندازه که مهرش را تعیین نمود، مرد باید بپذیرد و تمکین دهد و بالعکس، یا در این مورد هم حد و مرزی وجود دارد؟!.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۹۰

۱- حسین بن زراره از پدرش گفت: از *أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ* سؤال کردم از رجل تزوج امرأة علی حکمها قال: فقال لا- يتجاوز بحکمها مهوآل محمد علیهم السلام اثنتا عشرة أوقیه و نش و هو وزن خمس مائة درهم من الفضة، قلت: رأيت أن تزوجها علی حکمه و رضیت بذلك، فقال: ما حکم بشئ فهو جایز علیها قليلاً كان أو كثيراً، قال: فقلت له كيف لم تجز حکمها علیه و اجزت حکمه علیها، قال: فقال لأنه حکمها فلم یکن لها أن تجوز ما سن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و تزوج علیه نساؤه فرددتها إلى السنة و اجزت حکم الرجل لأنها هی حکمت و جعلت الأمر فی المهر إليه و رضیت بحکمه فی ذلك فعليها أن تقبل حکمه فی ذلك قليلاً كان أم كثيراً. مردی با زنی ازدواج می‌کند به مهری که زن تعیین نماید، فرمود: حکم زن نباید از مهرهای آل محمد علیهم السلام (مهر سنت) بیشتر باشد، دوازده «اوقیه» و خرده‌ای و آن پانصد درهم از نقره است، گفتم: آیا جایز می‌دانید زن با مردی بدین گونه و با رضایت مرد ازدواج نماید؟، فرمود: به هر چه مرد حکم کند جایز است، کم و یا زیاد، گفتم: چگونه به مرد اجازه می‌دهید و به زن نه، فرمود:

برای اینکه زن نباید به بیش از مهر سنت حکم کند و از مهر زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تجاوز نماید، اما در صورت دومی چون زن خودش راضی به حکم مرد شده و به مرد اختیار داده است، پس باید به مهری که مرد حکم نماید، کم یا زیاد راضی شود. «۱»

در خبر دیگری روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: *أَمَّا صَارَ الصِّدَاقَ عَلَى الرَّجُلِ دُونَ الْمَرْأَةِ وَإِنْ كَانَ فَعَلَهُمَا وَاحِدًا، فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا قَضَى حَاجَتَهُ مِنْهَا قَامَ عَنْهَا وَلَمْ يَنْتَظِرْ فَرَاغَهَا فَصَارَ الصِّدَاقَ عَلَيْهِ دُونَهَا لِذَلِكَ*. محققاً مهر به گردن مرد است نه زن، اگرچه کار هر دو یکی است، مرد وقتی که احتیاجش را از زن بر طرف نمود بلند می‌شود و منتظر نمی‌ماند تا زن هم فارغ شود، پس در این صورت مهر بر او ثابت شد نه بر زن. «۲»

سؤال: ضعیفه قليلة السن را شوهر او فریفته باشد بدون اطلاع والدین او که (مهر خود را بر من حلال کن به این شرط که تو را به کربلای معلی ببرم) همچنین ابرائی صحیح است یا نه؟

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۹۱

جواب: هر گاه زوجه غیر رشیده است تصرف او در صداق صحیح نیست. و هر گاه رشیده است و ابراء را معلق به شرط کرده است ظاهر عدم برائت است هر چند شرط را به عمل آورد. چون ابراء قابل تعلیق نیست. بلی هر گاه صداق عین باشد و هبه معوضه کرده باشد و عوض هم به عمل آمده باشد: صحیح و لازم است و هم چنین هر گاه صلح کرده باشد. «۱»

آداب عروسی و ورود عروس به خانه!

اشاره

در دوران زندگی برای هر آدمی چند روز استثنائی و فراموش نشدنی وجود دارد!

۱- روزی که به دبستان یا مکتبی قدم می‌گذارد که در واقع به جهان نو با همه پیشامدهایش وارد می‌شود.

۲- روزی که به سربازی اعزام شده و درپادگانی مستقر می‌شود آن هم عالم دیگر و فراموش نشدنی دارد! خیلی از پیرمردهارا می‌بینیم که خاطرات دوران سربازیشان و هم رزمان و دوستانشان را بازگو کرده و به آن عالم برمی‌گردندند!

۳- روز و شب عروسی که واقعاً به مرحله مهمی از زندگی خود قدم می‌گذارد که در تمام مدت عمر سرگذشت‌های شیرین و احیاناً تلخ، آن روز و شب را یاد می‌کند و در ذهن خود زنده نگه میدارد؛ به قول جوان‌ها «یک شب ده شب که نمی‌شود»!

می‌دانیم برای هر یک از این دوران‌ها تشریفات خاصی نهفته است که باید انجام گیرد، از آن جمله تشریفات عروسی است که در فرهنگ هر ملت و نژاد، آداب و رسوم مخصوص به خود را دارد ولی برای همه اینها بعضی سفارش‌ها و توصیه‌ها شده است که شکی نیست باید آن را به کار گرفت و انجام داد.

و می‌دانیم در ادیان آسمانی خاصه در دین اسلام، برای هر کاری حد و مرزی قائل شده است که باید در چارچوب آن زندگی کرد؛ مخصوصاً در باره عقد و عروسی و کیفیت انجام و به کار بردن آنهاست

۱- حکم نگاه به خانم با قصد ازدواج

۱- حکم نگاه به خانم با قصد ازدواج در کتاب‌های فقهی در باره نگاه به زن با قصد ازدواج و بدون ریه: نظریه‌های مختلف بیان گردیده است که در چه حد و مرزی می‌تواند و مجاز است به طرف مقابل نگاه کند و مورد بررسی قرار دهد، زیرا شالوده زندگی مادام‌العمر با آن پی‌ریزی خواهد شد، به تعدادی از احادیث که در این باره نقطه ابهامی نگذاشته است توجه فرمایید.

۱- محمد بن مسلم گفت: سألت أبا جعفر عليه السلام عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة أينظر إليها؟ قال: نعم، إنما يشترها بأعلى الثمن. از اباجعفر علیه السلام سؤال کردم در باره مردی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند آیا می‌تواند به او نگاه کند، فرمود: بلی او را به بالاترین قیمت (عمر و وجود و مال) خریداری می‌کند (چرا نگاه نکند). «۱»

۲- حفص بن البختری از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: لا بأس بأن ينظر إلى وجهها ومعاصمها إذا أراد أن يتزوجها. اگر اراده ازدواج دارد می‌تواند به صورت و به محل دستبندها نگاه کند. «۲»

۳- حسن بن السری گفت: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجل يريد أن يتزوج المرأة، يتأملها وينظر إلى خلفها (خلفها) وإلى وجهها؟ قال: نعم لا بأس أن ينظر الرجل إلى المرأة إذا أراد أن يتزوجها، ينظر إلى خلفها (خلفها) وإلى وجهها. به ابی عبد الله علیه السلام گفتم: مردی اراده ازدواج با زنی را دارد، آیا می‌تواند در هیکل و خلقت او و به پشت سر و صورتش، نگاه کند؟! فرمود: بلی وقتی که اراده تزویج دارد، نگاهش به مورد سؤال‌ها عیب ندارد. «۳»

۴- أبان بن عثمان: از حسن بن السری: از ابی عبد الله علیه السلام أنه سأله عن الرجل، ينظر إلى المرأة قبل أن يتزوجها؟ قال: نعم فليم، يعطى ماله؟! او سؤال نمود از حکم مردی که پیش از ازدواج به زنی که (می‌خواهد با او ازدواج کند) نگاه کند؟ فرمود: بلی آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۹۳

(می‌تواند) پس چرا مالش را (بابت مهریه و خرج عروسی و غیر آن) می‌دهد. «۱»

۵- عبد الله بن الفضل: از پدرش: از مردی: به ابی عبد الله علیه السلام: گفتیم: أينظر الرجل إلى المرأة يريد تزويجها فينظر إلى شعرها ومحاسنها؟ قال: لا- بأس بذلك إذا لم يكن متلذذا. مرد به زنی که اراده تزویج با او را دارد، آیا به مویش و محل‌های زینتی او می‌تواند نگاه کند؟! فرمود: ترسی نیست اگر از روی لذت نباشد. «۲»

۶- یونس بن یعقوب گوید: به ابی عبد الله علیه السلام گفتیم: الرجل يريد أن يتزوج المرأة، يجوز له أن ينظر إليها؟ قال: نعم وترقق (و ترفق) له الثياب لأنه يريد أن يشتريها بأغلى الثمن. مردی اراده کرده با زنی ازدواج کند، آیا جایز است به او نگاه کند؟! فرمود: بلی لباسهایش را نازک می‌کند (تا خوب ببیند) زیرا می‌خواهد او را به گرانترین بها بخرد. «۳»

۷- محمد بن حسین الرضی از امام صادق علیه السلام (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) به مغیره بن شعبه که با زنی ازدواج کرده بود، فرمود: لو نظرت إليها فأنه أحرى أن يودم بينكما. کاش (قبل از عقد) به او نگاه می‌کردی زیرا آن (نگاه) سبب دوام محبت و الفت میان شما بود (چون با چشم باز باهم ازدواج می‌کردید). «۴»

۸- نوادر الراوندی: با اسناد خودش از موسی بن جعفر، از پدرانش علیهم السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إذا أراد أحدكم أن يتزوج فلا بأس أن يولج بصره فأنما هو مشتر. زمانی که یکی از شما اراده ازدواج نمود، مانعی ندارد چشمش را به او بدوزد (و دقت نماید) زیرا او مشتری است (مشتری باید از کم و کیف کالا اطلاع داشته باشد). «۵»

۹- و در روایت دیگر فرمود: فلا بأس أن ينظر إلى ما يدعوه إليه منها. پس مانعی ندارد نگاه کند به چیزی که او را وادار می‌سازد (و ضرورت دارد) از آن زن ببیند. «۶»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۹۴

۱۰- مسعدة بن اليسع، از ابی عبد الله، از پدرانش علیهم السلام امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: لا بأس بأن ينظر الرجل إلى محاسن المرأة قبل أن يتزوجها إنما هو مُسْتَتَمٌ فَإِنْ يُفْضَ أَمْرٌ يَكُنْ. مانعی ندارد مرد (قبل از ازدواج) نگاه کند به محل زینت‌های زنی که می‌خواهد با او ازدواج نماید همانا او خریدار (و بها دهنده) است اگر چیزی مقدر است، خواهد شد. «۱»

۲- اجازه عقد دست کیست!

۲- اجازه عقد دست کیست! در مورد ازدواج با دختران باکره و زنان بیوه که آیا بدون اجازه ولی می‌توان با آنها ازدواج کرد یا حتماً اجازه ولی لازم است؟! در این باره روایات گوناگون آمده است؛

الف- بدون اجازه ولی نمی‌تواند ازدواج نماید؛

۱- ابن ابی یعفور: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: لا تُنَكَحُ ذوات الآباء من الأبكار إلا باذن آبائهنَّ. با دختران باکره ازدواج نمی‌شود مگر با اجازه پدرانشان (نباید با دختران پدر دار، بدون اجازه پدر ازدواج نمود). «۲»

۲- ابن ابی عمیر: از حماد: از حلبی: از ابی عبد الله علیه السلام فی الجارية يزوجه أبوها بغير رضا منها، قال: ليس لها مع أبيها أمر إذا أنكحها جاز نكاحه وإن كانت كارهة. دختر را پدرش بدون رضایت او به شوهر می‌دهد؟ فرمود: با وجود پدر، دختری در دست ندارد و می‌تواند او را به شوهر دهد اگرچه دختر کراهت داشته باشد (و دوست ندارد). «۳»

۳- علی بن جعفر در کتابش می‌گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کردم: عن الرجل هل يصلح له أن يزوجه ابنته بغير

اذنها؟ قال: نعم ليس يكون للولد أمر إلا أن تكون امرأة قد دخل بها قبل ذلك، فتلك لا يجوز نكاحها إلا أن تستأمر. از مردی که بدون اجازه دخترش، او را به شوهر دهد؟ فرمود: بلی می‌تواند فرزند اختیاری ندارد، مگر زنی که (بیوه باشد) و قبلاً شوهر کند، در این صورت در ازدواج با او اجازه خواستن لازم آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۹۵ است. «۱»

۴- زراره گفت: شنیدم ابا جعفر علیه السلام می‌فرمود: لا ینقض النکاح إلا الأب. نکاح را نمی‌شکند (و بهم نمی‌زند) مگر پدر. «۲» ولایت جدّ مقدم بر ولایت پدر است.

۱- علی (بن جعفر)، از برادرش (امام موسی بن جعفر علیه السلام) علیه السلام گفت: سألته عن رجل أتاه رجلان یخطبان ابنته فهُوی أن یزوج أحدهما وَهُوی أبوه الآخر أیها أحق أن ینکح؟ قال: الذی هُوَ الجَدُّ لِأُتَاهَا وَأَبَاهَا لِلجَدِّ. از او (امام علیه السلام) سؤال نمودم از حکم مردی که دو نفر به خواستگاری دختر او آمده اند، او دوست دارد به یکی از آنها بدهد ولی پدرش (جدّ دختر) مایل به آن یکی است، کدامشان مقدم‌تر است؟ فرمود: آن را که جدّ دوست دارد زیرا اختیار دختر و پدرش، در دست پدر بزرگ است. «۳»

۲- در کتاب الهدایه: آمده است. ولا ولایه لأحد علی الإبنه إلا لأبیها ما دامت بکراً، فإذا صارت ثیباً فلا ولایه له علیها وهی أملك بنفسها، وإذا كانت بکراً، وكان لها أب وجد فالجد أحق بتزویجها من الأب ما دام الأب حیاً، فإذا مات الأب فلا ولایه للجد علیها لأن الجَدَّ إنما یملك أمرها فی حیاه ابنه لأنّه یملك ابنه، فإذا مات ابنه بطلت ولایته. برای احدی به دختر ولایت ندارد، مگر پدرش مادامی که باکره است، وقتی بیوه شد، پدرش هم بر او ولایت ندارد و خود مالک کار خود است؛

زمانی که باکره است و پدر دارد، پس مادام که پدر زنده است، پدر بزرگ از پدر برای تزویج مقدم‌تر است، وقتی که پدر فوت کرد پس برای پدر بزرگ ولایتی نماند؛ زیرا در حیات پدر، جدّ مالک دختر و پدر دختر است، وقتی پدر دختر مرد، ولایت پدر آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۹۶

بزرگ هم باطل شد (و از بین رفت). «۱»

ب- بدون اجازه ولی می‌توان ازدواج نمود؛

۱- صفوان: عن منصور بن حازم: از ابي عبد الله علیه السلام فرمود: تستأمر البکر و غیرها و لا تنکح إلا بأمرها. از دختران باکره و غیر باکره، باید اجازه ازدواج گرفت و بدون اجازه با آنها نباید ازدواج نمود. «۲»

۲- سعدان بن مسلم گفت: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: لا- بأس بتزویج البکر إذا رضیت بغير اذن أبیها. ازدواج با دختر باکره (بدون اذن پدر) اگر خود رضایت دهد، مانعی ندارد. «۳»

ج- اگر خود صلاح و فساد خود را تشخیص می‌دهد، می‌تواند بدون اجازه ولی ازدواج نماید و در غیر این صورت نمی‌تواند؛

۱- فضیل بن یسار و محمد بن مسلم و زراره بن أعین و برید بن معاویه از ابي جعفر (علیه السلام) فرمود: المرأة التي قد ملکت نفسها غیر السفیهة و لا الموالی علیها، ان تزویجها بغير ولی جایز. زنی که مالک (و اختیار) خود را دارد، مگر زن بی عقل و برده، ازدواج با او بدون ولی، جایز است. «۴»

۲- عبد الرحمن بن ابي عبد الله، از ابي عبد الله (علیه السلام) فرمود: تزویج المرأة من شاءت إذا كانت مالکة لأمرها فإن شاءت جعلت ولیاً. زنی که اختیار خود دارد با هر که خواست، ازدواج می‌کند اگر خواست برای خودش برای خودش، ولی (و وکیل) قرار می‌دهد. «۵»

۳- موسی بن بکر: از زراره، از ابي جعفر علیه السلام فرمود: إذا كانت المرأة مالکة أمرها تبیع و تشتري و تعتق و تشهد و تعطى من

مالها ما شاءت فانّ امرها جائز تزوّج إن شاءت بغير اذن وليها، وإن لم تكن كذلك فلا يجوز تزويجها إلا بأمر وليها. زمانی که زن مالک کار

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۹۷

خود شد می‌خرد و می‌فروشد و (برده) آزاد می‌نماید و شهادت می‌دهد و هر وقت خواست، می‌بخشد، در این صورت تصمیم او قابل اجرا است و اگر خواست می‌تواند بدون اجازه ولی ازدواج نماید، و اگر این طور نباشد (یعنی مالک کار خود نیست در این صورت) ازدواج او بدون اجازه ولی، جایز نیست. «۱»
د- بیوه می‌تواند و باکره به طور مطلق نمی‌تواند.

۱- حلبی، از ابي عبد الله (عليه السلام) او در باره زن بیوه که خواستگار برایش آید فرمود:

هي أملكك بنفسها، تولّي أمرها من شاءت إذا كان كفواً بعد أن تكون قد نكحت زوجاً قبله. او اختیار خودش را دارد و ولایت او دست خودش است، با هر که خواست ازدواج می‌نماید اگر هم‌مطراز باشد و پیش از آن، با مرد دیگری ازدواج کرده باشد (یعنی بیوه شود). «۲»

... إلا أن تكون امرأة قد دخل بها قبل ذلك، فتلك لا يجوز نكاحها إلا أن تستأمر. ... مگر زنی که (بیوه باشد) و قبلاً شوهر کند، در این صورت ازدواج با او اجازه خواستن لازم است. «۳»

فتوهای مراجع تقلید هم برابر روایات وارده، متفاوت است و هر یک، روایتی را معتبر دانسته، و مطابق آن فتوا داده اند که نمونه آن سؤال و جواب ذیل است.

سؤال: دختر بی‌اذن پدر و مادر: شوهر میتواند کرد یا نه؟، و عقد ایشان صحیح است یا شرط است رضای پدر و مادر که اگر بی رضای پدر و مادر عقد به عمل آید.

صحیح نمی‌شود؟ و اگر بفهمید که بی رضای والدین عقد صحیح است: آیا (عاق والدین) می‌شود یا نه (اعم از این که باکره باشد یا ثیب)؟.

جواب: رضای مادر مطلقاً شرط نیست و در لزوم رضای پدر در (دختر بالغه باکره خلاف است. واقوی واشهر واطهر، عدم اشتراط است پس عقد بدون اذن پدر صحیح است. و لکن احوط مراعات رضای او است. و اما هر گاه پدر غایب باشد یا در موقوف داشتن عقد بر رضای پدر حرج و عسر لازم آید: آنجا احتیاط هم ضرور نیست. و در صورت احتیاج دختر به شوهر و متضرر شدن او به ترک شوهر کردن:

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۹۸

هر گاه مخالفت بکند معلوم نیست که گناه باشد: چه جای آن که عاق باشد. بلی هر گاه دو نفر خواستگار او باشند: و [از] اختیار هر یک از آنها ضروری به دختر نمی‌رسد پس مخالفت در اینجا دور نیست که معصیت باشد. و به هر حال تحصیل رضای پدر و مادر در امور مباحه لازم است مگر این که منشأ ضرر و حرج باشد. در اینجا فرقی ما بین باکره و غیر باکره نیست. «۱»

۳- دانستنی های شب زفاف!

۳- دانستنی های شب زفاف! عزیزان عروسی که به خانه شما وارد می‌شود هدیه و امانت خداست برای شب یا روز ورود او آداب و مستحبات زیاد وارد شده است تا سرحد امکان رعایت و به کار گرفتن آنها ضرورت دارد به تعدادی از آنها ذیلاً اشاره می‌شود.

۱- وقتی که اراده تزویج کردی، استخاره نموده و از خدا طلب خیر کرده اقدام نما و دو رکعت نماز خوانده، دستها را بلند کن و بگو:

۱- اللَّهُمَّ انِّي أريدُ التَّزْوِيجَ فَسَيَهِّلْ لِي مِنَ النِّسَاءِ احْسِنَنَّ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ اعْفَهَنَّ فَرْجًا وَ احْفَظْهُنَّ نَفْسًا فِيَّ وَ فِي مَالِي وَ اكْمَلْهُنَّ جَمَالًا وَ اكْثُرْهُنَّ اَوْلَادًا. «۲» ۲- روایت شده است امام صادق علیه السلام به ابا بصیر فرمود: زمانی که یکی از شما (می خواهد) ازدواج نماید، چه می کند؟! گفتم: نمی دانم، فرمود: وقتی قصد این کار را داشت دو رکعت نماز بخواند و حمد خدای عزوجل گفته و بگوید: اللَّهُمَّ انِّي أريدُ أَنْ اتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ احْسِنَنَّ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ اعْفَهَنَّ فَرْجًا وَ احْفَظْهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَ مَالِي وَ اَوْسَعْهُنَّ رِزْقًا وَ اعْظَمْهُنَّ بَرَكَهً وَ قَدِّرْ «قَيْضُ» لِي وَ لَدَا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي. خدایا من اراده کرده‌ام ازدواج نمایم پس برایم مقدر گردان از زنها که به اندام جنسی اش عقیف تر و به نفس و مال من نگهدارنده تر و روزی اش فراوان تر و برکتش بزرگتر باشد؛ و برای من فرزند صالح، مقدر فرما تا در حیات و بعد از مرگ من، جانشین صالح شود. «۳»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۹۹

۳- یکی از دعاهائی که برای شب عروسی وارد شده است بعد از دو رکعت نماز دست به پیشانی عروس بگذارد و رو به قبله بگوید: اللَّهُمَّ عَلَي كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا، فَإِنَّ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَ لَا تَجْعَلْهُ شِرْكَ شَيْطَانٍ. خدایا با حکم کتابت (قرآن) با او ازدواج نمودم، و در امانت تو او را گرفتم، و با کلمات تو او را به خودم حلال کردم پس اگر در رجم او چیزی (بچه ای) به وجود آوردی، او را مسلمان بی عیب قرار ده او را شریک شیطان (یا شیطان را، شریک او قرار نده. «۱»)

۴- مردی پیش امیرمؤمنان علیه السلام آمد و گفت: من ازدواج کرده‌ام برای من دعا کن فرمود: بگو: اللَّهُمَّ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا، وَ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وُلُودًا وَ دُودًا لَا تَفْرِكُ، تَأْكِلُ مَا رَاحَ وَ لَا تَشَأَلُ عَمَّا سَرَخَ. «۲» ۳- پاک و با وضو بودن،

۴- بسم الله گفتن که امام صادق علیه السلام فرمود: آنه اذا أتى أحدكم أهله فليذكر الله فان لم يفعل و كان منه ولد كان شرك شيطان همانا هر کس از شما پیش همسرش آید، ذکر خدا گوید و گرنه اگر بچه‌ای به وجود آید، شریک شیطان شود! «۳»

۵- از خدا فرزند پاک و بابرکت و نجیب و سالم، در خواست نماید،

۶- موقعی که زن حامله است، بدون وضو نزدیک نشود،

۷- دو نفر با یک پارچه خود را پاک نکنند که در روایت آمده است مایه عداوت فیما بین می شود. «۴»

۸- خواستگاری کردن.

۹- استحباب خواند خطبه. علی بن رثاب، از ابي عبد الله (عليه السلام) - در ضمن حدیثی فرمود: - جماعتی پیش امیرمؤمنان علیه السلام آمدند و گفتند: ما می خواهیم فلان خانم را به فلانی تزویج کنیم و می خواهیم برای آن خطبه بخوانی و فرمود: (آن حضرت)

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۰۰

خطبه‌ای مشتمل بر سپاس خدا و وصیت به تقوی خواند و در آخر فرمود: إن فلان بن فلان ذكر فلانة بنت فلان وهو في الحسب من قد عرفتموه، وفي النسب من لا تجهلونه، وقد بذل لها من الصداق ما قد عرفتموه فردوا خيراً تحمدوا عليه وتنسبوا إليه وصلى الله على محمد وآله وسلم. همانا فلان پسر فلان دختر فلانی را یاد آوری نمود در حالی حسب او را (بخوبی) می شناسید و در نسب او هم بی اطلاع نیستید و مهریه‌ای که بذل نموده است می دانید، پس بخوبی جواب دهید که مایه تشکر و سپاس باشد و بر آن نسبت داده شوید (یعنی در صورت پاسخ خوب، هم ما تشکر کنیم و هم شما را در همه جا تعریف نمایم) درود خدا بر محمد و آل او و سلام خدا. «۱»

۱۰- ولیمه دادن به اندازه قدرت اگرچه یک من گندم یا جو باشد.

۱۱- کراهت اجراء عقد در حال بودن قمر در عقرب. «۲»

۱۲- کراهت اجرای عقد در اول هرماه، و سه روز به آخر ماه (که آن را «محاق الشَّهر» گویند)، و روز چهارشنبه و در یکی از روزهای نحس هرماه یعنی سوم و پنجم و سیزدهم و شانزدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم هرماه هر یک از این مطالب در روایات و در کتاب‌های بسیار فقهی آمده است که ذکر آن اسناد به درازا می‌کشد و طالبین به کتاب‌های حدیثی و فقهی مراجعه نمایند.

۱۳- عروسی روز جمعه باشد فی خبر الشامی أنه قال أمير المؤمنين عليه السلام: يوم الجمعة يوم خطبة ونكاح. در روایت شامی آمده است، امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: روز جمعه روز خطبه و ازدواج است. (۳)

۱۴- کراهت اجرای عقد یا مقاربت زفافی در هوای گرم!

۴- رفتن عروس به خانه شوهر در شب

۴- رفتن عروس به خانه شوهر در شب یکی از الطاف خداوند برای بندگان، وجود «شب» و تاریکی آن است، شبی که در قرآن کریم برای آشکار ساختن عظمت آن، به او سوگند یاد می‌کند «۱» و انجام خیلی از کارها را در آن قرار داده و به آن موکول نموده است که نمونه هائی را بطور اختصار ذیلًا می‌آورم و مشروح آن را به مطالعه کتاب «شب» که در باره شب و تعریف و تمجید و .. از آن، و بیان شرور شب و آیاتی که نزول بلاها و کوبیدن گناهکاران و .. را شب، در دست تألیف همین مؤلف است، ارجاع می‌دهم؛

۱- راز و نیاز با پروردگار «قم الیل الاً قلیلاً* نصفه اوانقص منه قلیلاً* أو زد علیه» شب را جز کمی بپاخیز* نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن* یا بر نصف آن بیفزای. (۲)

۲- خواندن قرآن «و رتل القرآن ترتیلاً» و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.

۳- عبادت شبانه «ان ناشئه الیل اشد وطاً و اقوم قیلاً» مسلماً نماز و عبادت شبانه پا برجا و با استقامت تر است. (۳)

۴- تسبیح گوئی شبانه «و من الیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً» و در شبانگاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی. (۴)

استغفار شبانه «کانوا قلیلاً من الیل ما یهجعون* و بالأسحار هم یتستغفرون» آنها کمی از شب را می‌خواستند و سحرگهان استغفار می‌کردند. (۵)

۵- وعده‌های ملاقات و بده و بستان‌های خود با پیامبرانش «و اذ واعدنا موسی اربعین لیلاً...» (وبه یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم.

(و او برای گرفتن فرمان‌های الاهی به میعادگاه آمد). (۶)

۶- تقدیر و تعیین سرنوشت و مبارکی در شب «انا أنزلناه فی لیلة مبارکه انا کنا

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۰۲

منذین* فیها یفرق کل امر حکیم» ما آن (قرآن) را در شبی پر برکت نازل کردیم ما همواره انذار کننده هستیم، در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد. (۱)

۷- نزول قرآن در شب «انا أنزلناه فی لیلة القدر» ما قرآن را شب قدر نازل کردیم (۲)

۸- پوشش انسان ها «و جعل اللیل لباساً» و شب را پوششی (برای شما) قرار داد. (۳) ۹- «و جعل اللیل سکناً» شب را مایه آرامش قرار داده است. (۴)

چون شب را برای حفظ آبروها و آشکار نشدن اسرار و مایه آرامش و .. قرار داده است، بدینجهت در روایات فرستادن عروس را

به خانه بخت و اطاق زفاف شب را توصیه نموده است! به روایات ذیل توجه نمائید.

۱- در روایت سکونی از امام صادق علیه السلام فرمود: زفوا عرایسکم لیلاً و أطمعوا ضحی عروس هایتان را شب هنگام به خانه شوهر بفرستید و روز اطعام نمائید. «۵»

۲- میسر بن عبد العزیز گوید: ابی جعفر علیه السلام فرمود: یا میسر تزوج باللیل فإن الله جعله سکناً، ولا تطلب حاجة باللیل فإن اللیل مظلّم، ثم قال: ان للطارق لحقاً عظیماً، وإن للصاحب لحقاً عظیماً. ای میسر شب ازدواج کن خداوند شب را مایه آرامش قرار داده است و شب پی کاری نرو زیرا شب تاریک است (و خالی از خطر نیست) سپس فرمود: همانا بروارد شونده حق بزرگیست و بر همنشین حقیست بزرگ. «۶»

۳- حسن بن علی الوشاء، گفت: شنیدم ابا الحسن الرضا علیه السلام، در باره تزویج فرمود من السیئة التزویج باللیل، لأن الله جعل اللیل سکناً، والنساء إنما هنّ سکن. از سنت است ازدواج در شب زیرا خداوند شب را مایه آرامش قرار داده است و زن هم مایه آرامش است (پس با سبب آرامش در زمان آرامش وصلت نما). «۷»

۴- سکونی، از جعفر بن محمد، از پدران ایشان علیهم السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لا- سهر إلیما فی ثلاث: متهدج بالقرآن، أو فی طلب العلم، أو عروس تهدی إلی زوجها. شب بیداری آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۰۳

(سزاوار) نیست مگر در سه چیز، در تلاوت قرآن و طلب علم یا عروسی که به شوهرش راهنمایی (و فرستاده) شود. «۱»

۵- حسن بن علی ابن بنت الیاس گفت: سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام می فرمود: إن الله جعل اللیل سکناً و جعل النساء سکناً، ومن السیئة التزویج باللیل و اطعام الطعام. همانا خداوند شب را سبب آرامش و زنان را سبب سکون قرار داده است و از سنت است ازدواج و اطعام (ولیمه) در شب انجام گیرد. «۲»
در این باره روایات زیاد است که بیش از این به طول می انجامد

۵- شادی نمودن و شعر خواندن در عروسی ها!

۵- شادی نمودن و شعر خواندن در عروسی ها! در دوران زندگی یکی از شیرین ترین روزها، روز عروسی و جشن های مربوط به آن است که الزاماً باشادی و خوشحالی عجین شده است، این روزها تغییر حالت و حال و هوای دیگری را می طلبد. باید در این ایام سعی کرد تا رضایت خداوند را از دست نداد و از منهیات شرع، پرهیز نمود مخصوصاً در استعمال آلات لهو و لعب، با این که از نظر شرع مقدس استفاده از بعض آلات شادی بخش نهی نگردیده است که از جمله آنها استفاده از دف زنی و دست افشانی مجالس زنانه برای بانوان است.

در کتاب (مولد فاطمه) درخبری از ابن بابویه آورده است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر نمود دختران بنی عبدالمطلب و زنان مهاجرین و انصار را به همراه فاطمه حرکت کنند و شادی نمایند و شعر بخوانند و تکبیر و تحمید گویند و نگویند چیزی را که خداراضی نیست؛

... بانوان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جلو (در محدوده اجازه شرع) شعر می خواندند (مانند) أم سلمة که این شعر را انشاد نمود:

سرن بعون الله جاراتی*** واشکرن فی کلّ حالات
واذکرن ما أنعم ربّ العلی*** من کشف مکروه و آفات

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۰۴

فقد هدانا بعد كفر و قد*** أنعشنا ربّ السّماوات
وسرن مع خیر نساء الوری*** تفدی بعمّات و خالات
یابنت من فضّله ذوالعلی*** بالوحی منه و الرّسالات
سپس عایشه (دختر ابی بکر زن دیگر رسول خدا این شعر را خواند و) گفت:

یانسوة أسترن بالمعاجر*** واذکرن ما یحسن فی المحاضر
واذکرن ربّ النّاس اذیخصّنا*** بدینه مع کلّ عبد شاکر
والحمد لله علی افضاله*** بدینه مع کلّ عبد شاکر
والحمد لله علی افضاله*** والشّکر لله العزیز القادر
سرن بها فا الله أعطی ذکرها*** وخصّها منه بطهر طاهر
سپس حفصه (دختر عمر زن دیگر رسول خدا انشاد کرد و) گفت:

فاطمه خیر نساء البشر*** و من لها وجه کوجه القمر
فضّلك الله علی کلّ الوری*** بفضل من خصّ بآی الزّمر
زوّجک الله فتی فاضلاً*** أعنی علیاً خیر من فی الحضرم
فسرن جاراتی بها أنّها*** کریمه بنت عظیم الخطر
سپس مادر سعد بن معاذ (یکی از بزرگان انصار خواند و) گفت:

أقول قولاً فیہ مافیہ*** و أذکر الخیر و أبدیہ
محمّد خیر بنی آدم*** مافیہ کبر و لا تیه
و نحن مع بنت نبیّ الهدی*** ذی شرف قد مکنت فیہ
فی ذروه شامخه أصلها*** فما أری شیئاً یدانیہ
و کانت النّسوة یرجعن أولّ بیت من کلّ رجز، ثمّ یکبرن و دخلن الدّار ...

و بانوان (حرم) در اول هر شعر ترجیع می نمودند و سپس تکبیر می گفتند تا وارد خانه شدند (تا آخر روایت). «۱»
ناگفته نماند در مجالس زنانه اگر خانمها مواظبت نمایند که نامحرم رفتارشان را نبیند و صدایشان را نشنود و یا از کارهای حرام پرهیز
نمایند، شادی کردن و خوشحالی نمودن یا در مجالس عروسی دف زدن و خواندن اشعار دور از ابتدال، اشکال ندارد

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۰۵

آنگونه که در اشعار بالا- بانوان حرم خوانده‌اند مشابه آن را در فارسی و ترکی و با هر زبان دیگری می توان خواند و مانعی ندارد
حتی ترجیع صوت که برابر روایت بالا بانوان حرم در عروسی دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کردند و حضرت هم مانع
نشد پس ملاک حرمت و عدم حرمت این گونه مجالس حتی مجالس عزا، رعایت کردن حلال و حرام شرع است و گرنه اسلام با
شادی و خوشحالی مشروع، مخالفتی ندارد

۶- ادای شکر خدا!

۶- ادای شکر خدا! در قرآن کریم خدای عزوجل فرموده است، «اگر (در برابر نعمت‌های خدا) شکر گزار باشید البته زیاد می کنم و
اگر ناسپاسی نمایید مجازاتم شدید است» «۱»

حالا چه نعمتی در دوران زندگی، بزرگتر از ازدواج و دارای همسر شدن و تشکیل خانواده یعنی آوردن مکمل وجود خود به خانه

و استفاده از مواهب وجودی اوست؛

۱- یار و یاور زندگی؛

۲- همدم و محرم اسرار زندگی؛

۳- کفّ نفس و حفظ خود از وسوسه‌های شیطانی؛

۴- به وجود آوردن اولاد و گل‌های زندگی؛

۵- گرم نمودن محیط و آشیانه زندگی؛

۶- شریک غم و شادی زندگی؛

۷- انیس و مونس زندگی و ...

أبی سعید خدری گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی بن ابی طالب علیه السلام وصیت کرد و فرمود: یا علی، إذا دخلت العروس بیتک فاخلع حُفَّیها حین تجلس واغسل رجلیها و صبّ الماء من باب دارک إلى أفضی دارک، فانک إذا فعلت ذلک أخرج الله من دارک سبعین ألف لون من الفقر، و أدخل فیها سبعین ألف لون من البرکة و أنزل علیک سبعین ألف رحمة ترفرف علی رأس العروس حتی تنال برکتها کل زاویة فی بیتک، و تأمن العروس من

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۰۶

الجنون والجدام و البرص أن یصیبها مادامت فی تلک الدار الحدیث.

۱- ای علی وقتی که عروس به خانه ات داخل شد، هنگامی که نشست کفش هایش را در بیاور؛

۲- و پاهایش را بشوی؛

۳- و از درخانه ات تا دورتر، آب پاش؛

پس اگر این کارها را کردی، خداوند از خانه ات هفتاد هزار نوع فقر را بیرون راند و هفتاد هزار گونه برکت را داخل نماید و هفتاد هزار رحمت را برایت نازل نماید که بالای سر عروس پر می‌زند تا در هر گوشه خانه ات، برکت آن را دریابی، و عروس از رسیدن امراض جنون و جدام و پیسی در امان باشد مادامی که در آن خانه است. «۱»
در مورد ادای شکر به چند جریان تاریخی توجه فرمائید.

۱- حنظله بن ابی عامر «غسیل الملائکة» در تواریخ اسلامی مشهور است که پدر این جوان به نام ابی عامر به اندازه ابوجهل رسول خدا را آزرده است و اوست که مسجد ضرار ساخت! اما پسرش حنظله از کسانی بود که اسلام آورد و از عاشقان جان باخته آن حضرت شد بگونه‌ای که در شب جنگ احد شب زفاف این جوان با دختر عبدالله بن ابی سلول بود و آیه ۶۲ سوره مبارکه «نور» در باره او نازل شد.

که با عروس خود در رختخواب آرمیده است، نزدیکی‌های صبح شنید منادی ندا می‌کند «ای مسلمان‌ها دستور رسول خداست بشتابید به میدان جنگ که دشمن نزدیک شده است»!

این جوان از حجله عروسی بیرون آمد و لباس رزم پوشید و اسلحه خود را برداشت و خواست حرکت کند، عروسش صدا زد حنظله کمی صبر کن، فوراً رفت چهار نفر از امصار از نزدیکان خود را صدا زد و در برابر آنها از این جوان پرسید

«حنظله» دیشب بامن همبستر شدی یانه!!؟ گفت: بلی، و آنها رتا شاهد گرفت! گفتند: عروس خجالت نکشیدی درمقابل اینها این حرف را زدی؟! گفت: چرا، ولی مجبور بودم چون «رأیت فی هذه اللیلة فی نومی کأنّ السماء قد انرجت فوق فیها حنظلة ثم انضمت فعملت أنّها الشّهادة. دیشب در خواب دیدم آسمان شکافته شد و حنظله

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۰۷

به آنجا رفت و دوباره آسمان بهم در آمد «۱» و می دانم این شهادت است (و او را که می بینم با این عشق و علاقه به میدان جنگ می رود دیگر از به خانه برگشتنش نا امیدم) و دیده شده است بعضی از جوان‌ها شب اول عروسی نمی تواند با عروسش مقاربت کند ولی این جوان بامن نزدیکی کرده بود ممکن است بچه دار شوم و به من نسبت بد دهند، بدینجهت از خود او اعتراف گرفتم تابعداً متهم نشوم!! روزی که شهدای «أحد» را با دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جمع آوری کردند، همه شهدا غرق در خون بودند جز این جوان! با تعجب گفتند: ای رسول خدا ما باچشم خود دیدیم این جوان به خون خود آغشته بود! فرمود: «رأیت الملائکة تغسل حنظله بین السماء و الارض بماء المزن فس صحائف من ذهب» (چون این جوان از حجله عروسی بیرون آمده و جنب در میدان حاضر شد و شهید گشت)، من هم باچشم خود دیدم فرشته‌ها با آب بهشتی او رامیان آسمان و زمین روی صفحه هائی از زر، با آب باران، غسل دادند.

بدین خاطر اثر خون از او برطرف شده است از آن روز مشهور شد به «حنظله غسیل الملائکة» حنظله شسته شده فرشتگان. «۲»

۲- ازدواج جویر غلام سیاه و به ظاهر زشت با بانوی زیبا به نام «ذلفاء» که از شنیدنی‌های تاریخ است.

این شخص از اصحاب «صُفَّه» بود یعنی از کسانی بود که تمام دارائی و زندگی اش روی یک حصیر بود که روی سکوی اطراف مسجدالنبی قرار داشت نه خانه و کاشانه و نه مال و منالی و نه جمال و تناسب اندامی، قد کوتاه و بد ریخت و بدهیکل و زشت رو و بدنما!

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وضع رقت بار او را دید فرمود: جویر میل به ازدواج داری؟! جویر با تعجب عرض کرد: چرا ای رسول خدا اما با کدام امکانات و باچه قیافه، که به من دختر می دهد یا کدام دختر به ازدواج با من تن در داده و راضی می شود؟!.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۰۸

فرمود: پیش زیاد بن لبید که از اشراف بنی بیاضه است، برو «۱» و از طرف من به او بگو دخترش «ذلفا» را به تو تزویج نماید!

جویر، رفت و پیغام را رسانید ولی زیاد او را تحویل نگرفت و رد کرد و برگشت، دخترش پرسید پدر که بود؟ جریان را گفت: دختر باکمال تعجب گفت: پدر پس چگونه به رسول خدا ایمان آورده‌ای که صلاح دید او را رد کردی؟!.

گفت: دخترم این کار به خاطر تو بود آخر این غلام سیاه نه خانه و کاشانه‌ای دارد و نه مالی و نه جمالی، زشت صورت، قد کوتاه، وو... و تو را خیلی‌ها از اشراف مدینه خواستگاری کردند، تو نپسندیدی وانگهی در میان هم اقران و هم سالانت چگونه سر بلند می کنی؟!.

گفت: پدر کسی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صلاح می داند من هم راضیم به امر او زیرا رضای او رضای خداست!.

زیاد پیش رسول خدا رفت و پس از گفتمانی، اعلام موافقت کرد ولی چند روزی مهلت خواست تا وسیله عروسی او را فراهم نماید.

زیاد: یک خانه مجلل با تمام لوازم و وسایلش آماده ساخت و به جویر بخشید و «ذلفا» ی زیبارا با آخرین مُتد آرایش کردند و جویر را به حمام فرستاده و تغییر لباس دادند و به حجله عروسی بردند.

جویر: وقتی که به خانه و حجله عروس وارد شد و عروس را با آن شکوه و وقار در لباس سفید عروسی و در نهایت آرایش و غرق در ناز و نعمت دید، خود را کنار کشیده مشغول عبادت شد، سه روز تمام روزها روزه و شبها تا صبح عبادت کرد، در آخر «زیاد» پدر ذلفاء به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شکایت برد ای رسول خدا! جویر که به زن احتیاج نداشت چرا به این کار واداشتی؟!.

حضرت او را احضار کرد فرمود: جویر مگر نگفتی به عیال احتیاج داری؟ عرض کرد بلی یارسول الله فرمود: پس چرا پیش

عروست نمی‌روی؟ عرض کرد ای رسول خدا من یک برده سیاهم و در دنیا دارای چیزی نبودم، وقتی که به خانه مجلل آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۰۹

اهدائی پدر زنم وارد شدم و آن همه وسایل را با آن عروس زیبا دیدم، به خود گفتم:

هان ای جویر عجله نکن و نامرد نباش اول شکر آن خدائی که این همه نعمت را به تو ارزانی داشته بجا آور و بعد ... ای رسول خدا چشم اطاعت می‌کنم: جویر هم بعد از چند روز در جنگ «أحد» به شهادت رسید رضی الله عنه. «۱»

۷- ولیمه دادن

۷- ولیمه دادن یکی از مستحبات مؤکد در عروسی، ولیمه دادن است که بسیار کار پسندیده و ممدوح و از سنت‌های انبیاء و ائمه علیهم السلام است، اگر چه یک پیمانانه جو یا گندم باشد؛

و در صورت امکان دو روز ولیمه دهد که روز اول حق عروسی و دوم کرامت و بیش از آن ریا و خود نمائی و مکروه و ناپسند است.

مستحب است این اطعام و ولیمه برای فقرا و مساکین و مؤمنان باشد.

۱- موسی بن بکر، از ابی الحسن (علیه السلام) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لا ولیمه الا فی خمس: «عرس او خرس او عذار او و کار او و رکاز؛ العرس التزوید، و الخرس النفاس والعذار الختان؛ والوکار شراء الدار؛ و الركاز العود من مکه» ولیمه نیست مگر در پنج چیز ۱ عروسی و ازدواج؛ ۲- به دنیا آمدن اولاد؛ ۳- ختنه کردن بچه؛ ۴- خرید خانه؛ ۵- و برگشتن از سفر حج. «۲»

۲- سهل بن زیاد، و حسین بن محمد، و علی بن محمد همگی، از و شاء، از ابی الحسن الرضا (علیه السلام) گفت: شنیدم می فرمود: ان النجاشی لما خطب لرسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آمنه بنت ابی سفیان فزوجها دعا بطعام ثم قال: ان من سنن المرسلین الإطعام عند التزوید. وقتی که نجاشی (پادشاه حبشه) آمنه دختر ابی سفیان را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواستگاری کرد و ازدواج نمود، طعام خواست و فرمود: همانا از

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۱۰

سنت‌های پیامبران طعام دادن در هنگام ازدواج است. «۱»

۳- ابن فضال روایت را به ابی جعفر (علیه السلام) می‌رساند فرمود: الولیمه یوم، و یومان مکرمه، و ثلاثه ایام ریا و سمعه. ولیمه یک روز است، دو روز گرامی داشت است و سه روز ریا و خود نمائی است. «۲»

۴- هشام بن سالم از ابی عبد الله (علیه السلام) فرمود: رسول خدا زمانی که با میمونۀ دختر حارث، ازدواج کرد اولم علیها و أطعم الناس الحیس. برای او ولیمه داد و به مردم خرما با روغن مخلوط نمود و اطعام کرد. «۳»

۵- سکونی، گفت: ابی عبد الله (علیه السلام) فرمود: رسول خدا فرمود: الولیمه اول یوم حق، والثانی معروف، وما زاد ریا و سمعه. ولیمه روز اول حق است و روز دوم معروف (و نیکوست) و زیادتر از آن خود نمائی و خود ستائی است. «۴»

۸- ازدواج ساده سروربانوان دو عالم علیها السلام

۸- ازدواج ساده سروربانوان دو عالم علیها السلام اسراف و تشریفات اضافی در هر کاری ناپسند و مورد نکوهش خردمندان قرار گرفته است، اگر این اخلاق و صفت زشت در جامعه‌ای حکم فرما شود، هم آن جامعه و هم خانواده‌های فراوان، گرفتار مشکلات زیاد بوده و رو به تباهی خواهند رفت؛

اما اگر اعتدال و میانه روی جای آن را بگیرد، جامعه در آرامش فکری و آسایش جسمی به سر خواهد برد؛

از جمله کارها که باید اعتدال را در آن مصداق قرار داد و پیاده کرد، مسئله ازدواج است، زیرا تمامی افراد بشر، روزی به آن نیاز خواهند داشت و گریبانگیر همه

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۱۱

خواهد بود، پس باید همگی دست به دست داده این فرهنگ میانه روی و ساده برپا داشتن ازدواج را، به مرحله عمل و اجرا برسانیم، تا جوان‌ها چه دختر یا پسر با خیال راحت به سر زندگی خود رفته و با خیال راحت شروع نمایند؛ برای نمونه به بخش کوچکی از عروسی سرور بانوان هر دو عالم دقت نمایید و اگر طالب مفصل هستید به منابع زیاد مانند کتاب بحارالأنوار ج ۴۳ و غیره مراجعه فرمائید.

۱- انس بن مالک گوید: با رسول خدا نشسته بودیم که وحی او را فرا گرفت وقتی که تمام شد فرمود: ای انس آیا می دانی جبرئیل از نزد صاحب عرش، چه آورد؟! گفتم:

خدا و رسولش می داند فرمود: مرا امر نمود فاطمه را به علی تزویج نمایم؛

برو ابابکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و به تعداد آنها از انصار دعوت نما، دعوت نمودم وقتی که نشستند حضرت شروع به خواندن خطبه عقد نمود و در آخر فرمود: من شما را شاهد می گیرم فاطمه را به علی تزویج نمودم به چهارصد مثقال نقره اگر علی راضی باشد؛

سپس رو به علی علیه السلام کرد و تبسم نمود و فرمود: یا علی ان الله أمرنی أن أزوجه فاطمة و قد زوجتکها ای علی خداوند مرا امر نمود فاطمه را به تو تزویج نمایم من او را به تو تزویج کردم آیا راضی هستی؟! عرض کرد راضیم. «۱»

به علی علیه السلام فرمود: برو درعت (لباس رزمت) را بفروش، آن را به چهار صد درهم به عثمان بن عفان فروخت و به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد، حضرت یک مشت برداشت و به ابوبکر داد و فرمود: به این درهم‌ها آنچه برای خانه فاطمه لازم است بخر و سلمان و بلال را همراه او فرستاد که کمکش کنند.

ابوبکر گوید: آن پول شصت و سه درهم بود، من یک تشک از خیش مصری که پر از پشم بود و یک فرش از پوست و پستی که پر از لیف خرما بود و یک عبای خبیریه و یک مشک آب و کوزه آب و یک آفتابه خریدیم، وقتی جلوی رسول خدا گذاشتیم فلما نظر الیه بکی و جرت دموعه، ثم رفع رأسه الی السماء و قال: اللهم بارک لقوم جلّ آئیتهم خزف. حضرت به آنها نگریست، گریست و اشکش جاری شد و سپس سرش را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا برکت بده به قومی که بیشتر ظروفش سفال است. «۲»

۲- پس حضرت، فاطمه را به پشت پرده خواند و دست او را به دست علی داد و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۱۲

دعا نمود؛ «۱»

۳- امام صادق علیه السلام می فرماید: فاطمه را به (خانه) علی آوردند از پوشش فقط یک عبا داشت و و فرششان پوست گوسفند و بالششان پوستی پر از لیف خرما بود. «۲»

موسی بن ابراهیم مروزی، از موسی بن جعفر، از پدرش، از جد بزرگوارش علیهم السلام، از جابر بن عبد الله روایت کرده است گفت: لَمَّا زَوَّجَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَتَاهُ أَنَسُ فَقَالُوا لَهُ: إِنَّكَ قَدْ زَوَّجْتَ عَلِيًّا بِمَهْرٍ خَسِيسٍ! فَقَالَ: مَا أَنَا زَوَّجْتَهُ، وَلَكِنَّ اللَّهَ زَوَّجَهُ - إِلَى أَنْ قَالَ: فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةَ الزَّفَافِ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِبَغْلَةِ الشَّهَاءِ وَتَنَّى عَلَيْهَا قَطِيفَةً، وَقَالَ لِفَاطِمَةَ: أَرَكِيبِي وَأَمْرُ سَلْمَانَ أَنْ يَقُودَهَا، وَالنَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَسُوقُهَا فَيَبِينُهَا هُوَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ إِذْ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَجِبَةً فَإِذَا بِجَبْرِئِيلَ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا وَمِائَتَيْ أَلْفٍ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا أَهْبَطَكُمْ إِلَى الْأَرْضِ؟ فَقَالُوا: جِئْنَا نَزَفَ فَاطِمَةَ إِلَى زَوْجِهَا، وَكَبُرَ جَبْرِئِيلُ وَكَبُرَ مِائَتَيْ أَلْفٍ وَكَبُرَتِ الْمَلَائِكَةُ وَكَبُرَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ

علیه و آله و سلم، فوضع التکبیر علی العرائس من تلک الیلة. زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را به علی علیه السلام تزویج نمود، مردمانی آمده و به او گفتند: تو (فاطمه را) به علی باناچیزترین مهریه، تزویج نمودی!، فرمود: من او را تزویج نکردم بلکه خداوند او را تزویج نمود- تا فرمود:- وقتی که شب زفاف رسید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استر «شها» را آورد و قطیفه روی او انداخت و به فاطمه فرمود: سوار شو و به سلمان فرمود: استر را بکشد و خود رسول خدا می راند در این مسیر ناگهان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صدای گروهی را شنید و دید جبرئیل با هفتاد هزار فرشته، و میکائیل با هفتاد هزار ملک حضور یافته‌اند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چه چیز سبب فرود آمدن شما بر زمین است؟! گفتند: آمدیم فاطمه را به زفاف شوهرش بدرقه کنیم؛ جبرئیل و میکائیل و فرشتگان و محمد صلی الله علیه و آله و سلم تکبیر گفتند: از همان شب در عروسی‌ها تکبیر گفتن مرسوم گردید. «۳»

۵- تزویج فاطمه علیها السلام در ماه رمضان و عروسی در ماه ذی الحجّة در سال دوم

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۱۳

هجرت بود. «۱»

ناگفته نماند ممکن است بعضی‌ها خیال کنند که آن زمان این گونه و این لوازم زندگی مرسوم بود، ولی این فکر اشتباه است در آن زمان هم نسبت به خود تشریفات زیاد و سنگین وجود داشت اما این رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که با آن وضع ساده دخترش را به خانه بخت فرستاد، تا زندگی ساده، برای امتش الگو شود، مگر او پیشوا و رهبر دنیا و آخرت نیست!!؟ با اینکه آن قدرت آسمانی و خدائی که داشت، می توانست با آخرین متد و آخرین مدل و با جهازیه سنگین، دخترش را به خانه علی بفرستد ولی نکرد تا من و تو یعنی ما از او زوایای انسانیت و ساده زیستن را یاد بگیریم انشاءالله

۹- کراهت ازدواج در ساعات گرم!

۹- کراهت ازدواج در ساعات گرم! در احادیث مسائل و مطالبی در شریعت مقدس اسلام آمده است که علت و حکمت آن به ما روشن نشده و بیان نگردیده است، ولی با مرور زمان علت بعضی از آنها کشف می شود؛ پس در صورت صحت اسناد حدیث، باید آن مطالب را به طور تعبد و در بست پذیرفته و قبول نماییم، از جمله آنها مطالب فصل‌های ذیل است.

ضریس بن عبد الملک گوید: به ابا جعفر (علیه السلام) گفتند: مردی در نصف روز ساعت گرمی (هوا) ازدواج کرده است فرمود: ما اراهما یتفقان فافترا. نمی بینم آن دو ادامه (زندگی) دهند، (در زمان کمی) از هم جدا شدند. «۲»
زراره، از ابی جعفر (علیه السلام) او خواست با زنی ازدواج نماید ولی پدرش خوش
آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۱۴

نداشت، گفت: رفته‌م و با آن زن ازدواج نمودم، وقتی او را زیارت کردم (و دیدم) چیزی که از او خوشم بیاید، ندیدم، بلند شدم برگردم، بر من پیش دستی کرد که در را به روی من ببندد! گفتم: نبند، هرچه خواستی برای تو (می دهم)؛
پیش پدرم برگشتم و جریان را شرح دادم، فرمود: بر تو چیزی نیست مگر نصف مهر و فرمود: أنت تزوّجتها فی ساعة حارة. تو با او
در ساعت گرم ازدواج کردی. «۱»

۱۰- کراهت زفاف در شب چهارشنبه!

۱۰- کراهت زفاف در شب چهارشنبه! عیید بن زراره و ابی العباس هر دو گفتند: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: لیس للرجل أن

یدخل بامرأة ليلة الأربعاء. برای مرد (صلاح) نیست با زنی، شب چهارشنبه همبستر شود. «۲»

۱۱- استحباب خواندن خطبه!

۱۱- استحباب خواندن خطبه! ۱- عبيد بن زراره گفت: از ابا عبد الله (عليه السلام) از حکم تزویج بدون خواندن خطبه سؤال نمودم؟ فرمود: أو ليس عامه ما تزوج فتياتنا ونحن نتعرق الطعام على الخوان نقول: يا فلان زوج فلانا فلانه، فيقول: قد فعلت. آیا نبود ما جوانانمان را تزویج می کردیم در حالی که گوشت استخوان (ولیمه) را در سفره می خوردیم و می گفتیم ای فلانی، فلانه را به فلانی تزویج کن او هم می گفت: کردم (و با این وضع ازدواج بدون خطبه انجام می گرفت). «۳»

۲- عبد الله بن ميمون قداح، از ابي عبد الله (عليه السلام) فرمود: إن علي بن الحسين عليه السلام كان يتزوج وهو يتعرق عرقاً يأكل ما يزيد علي أن يقول: ثم قال علي بن الحسين عليه السلام: إذا حمد الله فقد خطب. علي بن حسين عليهما السلام ازدواج می کرد در حالی که گوشت استخوان (ولیمه) را می خورد و بیش از این نمی فرمود: الحمد لله، وصلى الله على محمد وآله ونستغفر الله، وقد زوجناك على شرط الله، سپس فرمود: علي بن

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۱۵

حسين عليهما السلام وقتی حمد خدا را می کرد (در واقع) خطبه می خواند. «۱»

۱۲- استحباب اعلان عقد!

۱۲- استحباب اعلان عقد! در زمان‌های قدیم و قبل از ایجاد دفاتر رسمی، استشهاد و اعلان برای ازدواج، به خاطر این بود که نسب‌ها قاطی و اولاد مخلوط یا انکار شده نباشد، اما در این ازمه این کارها ضرورت ندارد زیرا ازدواج رسمی در دفاتر ازدواج مسئله را حل نموده است و کتباً شاهد و از طرفین امضاء می گیرند. روایات ذیل را در این مورد تیمناً می آوریم.

۱- زراره بن أعین گفت: از ابي عبد الله (عليه السلام) سؤال نمودند از حکم مردی که بدون شهود ازدواج کند فرمود: لا بأس بتزويج البتة فيما بينه وبين الله، انما جعل الشهود في تزويج البتة من أجل الولد، لو لا ذلك لم يكن به بأس. عیب ندارد ازدواج ابتدائی بین الله بین او، و شهود در تزویج به خاطر اولاد است اگر این نبود (ازدواج بدون شاهد) عیبی نداشت. «۲»

۲- حفص بن بختري، از ابي عبد الله عليه السلام در حکم مردی که بدون شاهد ازدواج نماید فرمود: لا بأس. عیبی ندارد. «۳»

۳- محمد بن الفضيل گفت: أبو الحسن موسى عليه السلام به ابي يوسف قاضي فرمود: ان الله أمر في كتابه بالطلاق وأكّد فيه بشاهدين ولم يرض بهما إلا عدلين وأمر في كتابه بالتزويج فأهمله بلا شهود، فأثبتم شاهدين فيما أهمل، وأبطلتم الشاهدين فيما أكد. خداوند در کتابش (قرآن کریم) به طلاق امر فرموده و آن را با دو شاهد تأکید (و محکم کاری) کرده است و به تزویج امر نموده و آن را بدون شاهد آسان گرفته است (ولی) شما دو شاهد برای چیزی که خدا بی اعتنائی کرده، ثابت کردید و باطل نمودید اهمیت دو شاهد را که خداوند تأکید نموده است. «۴»

۱۳- حکم ازدواج با دختر کم سن و سال!

۱۳- حکم ازدواج با دختر کم سن و سال! ازدواج با دختران کم سن و سال اگر کمتر از ۹ یا ۱۰ سال باشد و او را معیوب (و افضاء) نماید باید علاوه بر دیه آن، مادام العمر خرج او را بدهد! زیرا او را از شوهر نمودن، محروم ساخته است، و اگر بعد از بلوغ مسئله افضاء یعنی به هم پیوستن عقب و جلو، پیش آید، حکم فرق می کند، به روایات زیر توجه نمایید.

۱- حلبی، از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: إن من دخل بامرأة قبل أن تبلغ تسع سنين فأصابها عيب فهو ضامن. هر کس به زنی پیش

از نه سالش داخل شود و عیبی به او برسد، ضامن است. «۱»

۲- حمران، از ابی عبد الله علیه السلام سؤال کردند از حکم مردی که با دختر باکره به بلوغ نرسیده، نزدیکی نموده و او را افضاء نموده است فرمود: إن كان دخل بها حين دخل بها ولها تسع سنين فلا شيء عليه، وإن كانت لم تبلغ تسع سنين أو كان لها أقل من ذلك بقليل حين دخل بها فاقترضها فإنه قد أفسدها و عطلها على الأزواج فعلى الإمام أن يغرمه ديتها، وإن أمسكها ولم يطلقها حتى تموت فلا شيء عليه. اگر هنگام همبستر شدن به نه سال رسیده است، چیزی بر او نیست و اگر پیش از نه سال یا کمی کمتر باشد و او را افضاء (پاره) نموده است، چون (آن زن) را فاسد و برای شوهر کردن تعطیل نموده است، پس برای حاکم (شرع) است که او را به دیه محکوم نماید و اگر نگهداشت و تا دم مرگ طلاق نداد، چیزی بر او نیست. «۲»

۳- هشام بن حکم، به ابی عبد الله علیه السلام یا ابی الحسن علیهما السلام گفته شد: أتانزوج صبيانا وهم صغار فقال: إذا زوجوا هم صغار لم يكادوا أن يأتلفوا. ما بچه هایمان را در کوچکی تزویج می کنیم، فرمود: اگر در کوچکی ازدواج نمایند، معلوم نیست باهم انس بگیرند (و کنار بیایند). «۳»

۴- ابی بصیر گفت: شنیدم ابا جعفر علیه السلام می فرمود: لا تدخل المرأة على زوجها حتى آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۱۷

یآتی لها تسع سنين أم عشر. زن به شوهرش داخل نشود تا سنش به نه یا ده سال برسد. «۱»

۵- حلبی، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: إذا تزوج الرجل بالجارية وهي صغيرة فلا يدخل بها حتى يكون لها تسع سنين زمانی که مرد با دختر کوچکی ازدواج نمود، با او نزدیکی نکند تا نه سال داشته باشد. «۲»

۳- زراره، از ابی جعفر علیه السلام فرمود: لا يدخل بالجارية حتى يأتی لها تسع سنين أو عشر. به دختر (یا کنیز) نزدیکی نشود تا نه یا ده سالش تمام شود. «۳»

۱۴- عروس این چیزها را نخورد

۱۴- عروس این چیزها را نخورد از نظر پزشکی مصرف بعضی از خوردنی‌ها برای عروس مجاز نمی‌باشد و در آینده به مضرات آن گرفتار خواهد شد!، به حدیث زیر توجه فرمائید.

۱- ابی سعید خدری در وصیت نبی صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: وامنع العروس فی اسبوعك (اسبوعها) من الألبان «۴» و الخلّ و الكزبرة و التفاح الحامض من هذه الأربعة الأشياء، فقال علی علیه السلام: یا رسول الله و لأیّ شیء أمنعها من هذه الأشياء الأربعة؟ قال: لأنّ الرّحم يعقم و يبرد من هذه الأشياء الأربعة عن الولد و لحصير فی ناحية البيت خیر من امرأة لا تلد، فقال علی علیه السلام: یا رسول الله، ما بال الخلّ تمنع منه؟ قال: إذا حاضت علی الخلّ لم تطهر أبداً بتمام، و الكزبرة تُثیر الحيض فی بطنها و تشدّد علیها الولادة، و التفاح الحامض یقطع حیضها فیصیر داءً علیها. و عروس را در هفته اول از خوردن کندر و سرکه و گشنیز و سیب ترش از این چهار چیز منع کنید، علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا به چه علت از این چهار چیز منع نمایم؟ فرمود: برای اینکه این چیزها رحم را عقیم و سرد کرده (و نازا) می‌کند و البته حصیری در گوشه خانه، بهتر از زن نازا است، علی علیه السلام

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۱۸

گفت: ای رسول خدا چرا از سرکه منع می‌کنی؟ فرمود: زمانی که زن روی سرکه حیض شد، به تمام معنی پاک نمی‌شود، و گشنیز حیض را در باطن زن به فوران می‌آورد و ولادت (و زایمان را) برای زن تشدید می‌کند، و سیب ترش حیض او را قطع می‌کند و بر او مرض می‌شود. «۱»

۱۵- تفاوت غرایز جنسی زن و مرد!

۱۵- تفاوت غرایز جنسی زن و مرد! خداوند با حکمت متعالیه خود: در وجود بانوان و ساختمان جسمی و روانی آنها، مختصات و امتیازات متعددی: نسبت به آقایان قرار داده است: تا کانون زندگی همیشه گرم و برقرار و پابرجا بماند و از هم نپاشد: مانند عواطف سرشار و صبر فوق العاده و گذشت بی شمار و حیای زیاد و ...

همچنین است در مورد غریزه جنسی و هوس جسمی و نیاز طبیعی در وجود بانوان چندین برابر آقایان نهفته است که اگر صبر و حیای آنها آن را مهار نمی کرد کار به جاهای باریک کشیده می شد (به چند روایت توجه نمایید).

۱- اصبع بن نباته گفت: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خلق الله عزوجل الشهوة عشرة أجزاء فجعل تسعة أجزاء فی النساء، وجزءاً واحداً فی الرجال، ولو لا ما جعل الله عزوجل فیهن من الحياء علی قدر أجزاء الشهوة لكان لكل رجل تسع نسوة متعلقات به. خدای عزّ و جلّ:

شهوة را ده جزء آفریده است پس نه جزء آن را در زنها قرار داده و یک جزء در مردان، و اگر نبود آن حیائی که خدای عزّ و جلّ به تعداد شهوت: در زنها قرار داده است، البتّه بر هر مرد نه زن در می آویخت. «۲»

۲- ضریس گفت شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام: می فرمود: ان النساء أعطین بضع اثنی عشر، و صبر اثنی عشر. همانا به زنها دوازده (قسمت) هوس جماع داده شده و (درمقابل) دوازده قسمت هم صبر داده شده اند! «۳»

۳- إسحاق بن عمار گفت: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: انّ الله عزّوجلّ: جعل للمرأة صبر

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۱۹

عشرة رجال فإذا هاجت كانت لها قوة شهوة عشرة رجال. خدای عزّ و جلّ برای زن صبر ده مرد را داده است وقتی که به هیجان آمد قدرت ده مرد نیز در او پیدا شود. «۱»

۴- سماعة بن مهران: از ابی بصیر: گفت: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می گفت: فُضِّلَت المرأة علی الرجل بتسعة وتسعين من اللذة ولكنّ الله ألقى علیها الحياء. زن با نود و نه برابر لذت بر مرد، برتری داده شده است و لکن خداوند برای زن حیا را انداخت (و در آن پیچید). «۲»

۵- مسعدة بن صدقة از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: انّ الله جعل للمرأة أن تصبر صبر عشرة رجال، فإذا حصلت زادا قوة عشرة رجال. خداوند قرار داده است زن به اندازه ده مرد شکبیا باشد، وقتی که (شهوت جنسی به هیجان آمد و) حاصل شد، قدرت ده مرد را نیز، اضافه می کند. «۳»

۱۶- کثرت هم بستری

۱۶- کثرت هم بستری فرو نشانیدن آتش غریزه جنسی مخصوصاً در دوران جوانی از خواسته های طبیعی هر ذی حیات بویژه انسان است، زیرا این اسب چموش و غول سرکش تا آرام نگیرد، سر به بیابان ها نهد و آدمی را به پرتگاه های خطرناک می افکند، بدینجهت برای این که انسان از این نیاز جنسی سیر شده و آرام گیرد، درپاره ای از روایات برای مقابرت زیاد با همسر خود، تشویق و باین عمل، نفس بی مهار و سر به هوا را، مهار نماید.

۱- معمر بن خلاد گفت: شنیدم علی بن موسی الرضا علیه السلام می گفت ثلاث من سنن المرسلین: العطر، وأخذ (إحفاء) الشعر، وكثرة الطروقة. سه چیز از سنت های پیامبران علیهم السلام است عطر زدن و تراشیدن مو و مقابرت زیاد. «۴»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۲۰

۲- بهلول: از مردی از ابی جعفر علیه السلام فرمود: خیر النساء التي إذا دخلت مع زوجها فخلعت الدرع خلعت معه الحياء، وإذا لبست

الدَّرْع لبست معه الحياء. بهترین زنان زنی است وقتی با شوهرش داخل (رختخواب) شد (اسلحه و) لباسش را در آورد پرده حیا را از خود خلع نماید (و دور سازد) و وقتی که لباس پوشید همراه آن لباس حیا را هم بپوشد. «۱»

۳- اَبی بصیر: از اَبی عبد الله علیه السلام فرمود: خیر نسائکم التي إذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحياء، «۲» و إذا لبست لبست معه درع الحياء. بهترین زنان شما زنی است وقتی با شوهرش خلوت نمود (اسلحه و) پرده حیا را از خود برکند (و دور سازد) و وقتی که لباس پوشید همراه آن لباس حیا را هم بپوشد. «۳»

۱۷- قَلت هم بستری!

۱۷- قَلت هم بستری! افراط در هر کاری حتی در عبادت، انسان را به بیراهه می برد و در نهایت به مرز نابودی می کشاند، در قرآن مجید هم وقتی که صفات بندگان خالص خدا را می شمارد و بیان می کند، در باره انفاق و احسان می فرماید: «و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند». «۴»

در راهنمایی پیامبر گرامی، می فرماید: «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشا، که مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرو مانی». «۵»

پس در هیچ کاری نباید از میانه روی و اعتدال بیرون رفت، از این رو از نظر پزشکی هم افراط در مقاربت و کثرت مجامعت، برای بدن آدمی، ضرر کلی دارد پس در

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۲۱

هر چیز حفظ اعتدال شرط سلامت است و در ساختمان وجودی انسانها نیز تفاوت کلی دارد، برای بعضی ها اثر نمی گذارد ولی بعضی را از پا در می آورد.

۱- باسناد سه گانه، از امام رضا، از پدران بزرگوارشان علیهم السلام علی علیه السلام فرمود: من أراد البقاء ولا بقاء فلیباکر الغداء ویجید الحذاء ویخفف الرداء ولیقلّ غشیان النساء. هر کس اراده بقاء (وسلامت زیستن) دارد که بقاء (وابدیتی وجود ندارد)، اول صبح، صبحانه بخورد و کفش خوب (وزیبا) بپوشد و لباسش را سبک نماید و نزدیکی با زنان را کم کند. «۱»

ممکن است چنین به نظر آید که این سخن با سخن فصل قبلی تضاد دارد و همخوان نیست، در آنجا به کثرت همبستری و در اینجا به قَلت آن تشویق و ترغیب می کند.

راه حل: در هر دو فصل انسان را برای زیست سالم و عاقلانه، رهنمون می شود، در آنجا برای این که انسان پشت سر نامحرمان و حرام نگردد و به انحراف کشیده نشود و وجودش کشش آن را دارد، به مقاربت زیاد توصیه شده است، ولی در اینجا برای جلوگیری از افتادن به ورطه هلاکت و نارسائی بدن و ضعف بنیه، راهنمایی نموده است در هر حال افراط و تفریط را از خود دور نماید و اعتدال و میانه روی را سرمشق خود قرار دهد

۱۸- مقاربت در حال میل بانوان!

۱۸- مقاربت در حال میل بانوان! در بعضی اوقات ممکن است بانوان بنا به عللی، نیاز به مسئله جنسی داشته باشند ولی آقایان هم بنا به بعضی مسائل، بی اعتنا به این نیاز از کنار آن رد شوند؛

البته در کل این اخلاق خوبی نیست، باید مرد به همسر و شریک زندگی اش بیشتر توجه داشته باشد و احتیاجات او را بر طرف نماید بخصوص در مراحل مختلف جنسی که بیشتر اختلاف ها از این مسیر پیش می آید به روایت ذیل دقت نمائید.

۱- عبد الله بن القداح، از اَبی عبد الله علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (روز جمعه) به مردی فرمود:

أصبحت صائماً؟ فقال: لا، (قال: فعدت مريضاً؟ قال: لا، قال: فاتبع جنازة؟)

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۲۲

قال: فأطعمت مسكيناً؟ قال: لا، قال: فارجع إلى أهلک فأنه منك عليهم صدقة

(فارجع إلى أهلک فأصبهم) «۱» (قال له قم فأصب من أهلک فأنه منك صدقة عليها).

آیا روزه‌ای؟ گفت: نه،

مريضی را عیادت کرده‌ای؟ نه،

به تشییع جنازه رفته‌ای؟ نه،

مسکینی را اطعام نموده‌ای؟، گفت: نه

فرمود: پس برگرد پیش اهل و عیالت، این برگشت از تو برای آنها صدقه است (برگرد به سوی اهل و عیالت و به آنها اصابت نما (و برس و در آویز).

(در روایت دیگر) فرمود: برگرد به سوی عیالت و با او نزدیکی کن این کار از تو صدقه است برای او. «۲»

۲- إسحاق بن إبراهيم جعفی گفت: شنیدم أبا عبد الله عليه السلام می فرمود: ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم دخل بيت ام

سلمة فشم ريحاً طيبة، فقال: أتتكم الحولاء فقال: هوذا هي تشكو زوجها فخرجت عليه الحولاء فقالت: بأبي أنت وامي ان زوجي

عنى معرض، فقال: زيدية يا حولاء، فقالت: لا أترك شيئاً طيباً مما أتطيب له به وهو معرض، فقال: أما لو يدرى ماله باقباله عليك،

قالت: و ماله باقباله علي؟! فقال: أما انه إذا أقبل اكتفه ملكان و كان كالشاهر سيفه فى سبيل الله، فإذا هو جامع تحات عنه الذنوب كما

يتحات ورق الشجر، فإذا هو اغتسل انسلخ من الذنوب.

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به خانه‌ام سلمه داخل شد و بوی خوش استشمام نمود فرمود:

حولاء «۳» پیش شما آمده بود؟ عرض کرد او اینجاست برای شکایت از شوهرش آمده است!؛

پس حولاء بیرون آمد و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، شوهرم از من رو گردان شده است! فرمود: (به خودت بیشتر برس و

خوشبوئیت را) بیشتر کن ای حولاء، گفت:

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۲۳

چیزی از خوشبوئی برایش کم نگذاشته‌ام و باز رو گردان است!، فرمود: آگاه باش، کاش او می دانست در توجه به تو چه برایش

هست (و چه چیزهایی به او داده می شود)؛

گفت: با رو کردن او به من برایش چه می دهند؟! فرمود: آگاه باش وقتی که به سویت می آید، دو فرشته او را در میان گرفته

(وبغل می کنند) و مانند کسی است که در راه خدا، شمشیر کشد (وجهاد نماید)، زمانی که نزدیکی کرد، گناهان او می ریزد

آنگونه که برگ درختان می ریزد، هرگاه غسل کرد از گناهان بیرون می آید. «۱»

بخش ۲ رفتار در خانواده!

راهنمایی‌های رفتار در خانواده

اشاره

در این بخش علاوه بر مطالب گذشته تعدادی، از روایات راهنمایی‌هایی را می آوریم که به کار گرفتن آنها، ضرورت و لوازم

زندگی سالم است

۱- عشق و علاقه ات را اظهار کن!

۱- عشق و علاقه ات را اظهار کن! داستان شیرین دوران بردگی لقمان را فراموش نکرده‌اید که روزی یک میهمان عزیز برای مولایش آمد و او به لقمان دستور داد حیوانی را ذبح نماید و بهترین عضو بدن آن حیوان را کباب کرده و برای میهمان عزیزش بیاورد، او دستور را اجرا کرد و زبان آن حیوان را کباب کرد و جلوی میهمان گذاشت، دوباره آقايش گفت: حیوان دیگری را بکشد و بدترین اعضای آن را کباب کرده و بیاورد، باز زبان را آورد؛

مولایش بر آشفت با اینکه می‌دانست لقمان کار بیهوده انجام نمی‌دهد علت این کار را از او پرسید او گفت: آقا «زبان» هم بهترین عضو هم بدترین عضو بدن است!؛ زیرا زبان است انسان را به چاه سرازیر می‌کند و از چاه بیرون می‌کشد، زبان است که به کشتن دهد و از کشتن نجات دهد، زبان آدمی را به زندان افکند و رها سازد، زبان زندگی را شیرین و یاتلخ و زهرمار می‌کند و ...

کسانی هستند با زبان بازی ولو غیر واقعی، کارهای خود را روبراه کرده و فیصله می‌دهند و طرف مقابل را شیفته خود می‌سازند، و کسانی هم پیدا می‌شوند با این که از ته دل کسی را دوست می‌دارد مخصوصاً به اهل و عیال خود، علاقه زیاد دارند و به آنها عشق می‌ورزند: اما از بازگو کردن آن، کوتاهی می‌کنند مخصوصاً در باره بانوانشان، او را در حد پرستش دوست دارند، اما نمی‌خواهند به زبان آورده و علاقه درونی خود را برایش آشکار سازند و به همسرش آرامش روحی و جسمی ارزانی دارند با اینکه عقل و شرع به او دستور می‌دهد آنچه که از عشق و علاقه در دلت انباشته است بیرون بریز و ابراز علاقه کن چون با گفتار عاشقانه، خیلی از مشکلات حل می‌شود و خستگی را از تن طرف مقابل می‌زداید: یک جمله

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۲۸

(دوستت دارم) و (زندگی بی تو برایم مفهومی ندارد) (تو عشق منی تو تمام آرزوی منی) و مانند این گفتارها، خیلی از کارهای بغرنج و حل نشدنی راحل می‌کند و رشته زندگی را از هم گسیختن و متلاشی شدن، نجات می‌دهد.

۱- عمرو بن جمیع: از ابي عبد الله عليه السلام گفت: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: قول الرجل للمرأة إني أحبك لا يذهب من قلبها أبداً. گفتن مرد بر زن، دوستت دارم، ابدأً از دل او نمی‌رود (و برای همیشه باقی می‌ماند). «۱»

۲- تأکید به دوست داشتن همسر

۲- تأکید به دوست داشتن همسر زندگی شیرین و ایده آل، بر محور محبت و علاقه و حسن خلق و دوستی، دور می‌زند اگر خانه و خانواده‌ای از این خصلت‌های انسانی و رحمانی محروم و خالی شود، دیگر آن خانه سوت کور و آن زندگی معنا و مفهومی نخواهد داشت:

مخصوصاً با یک همسفر مادام‌العمر و رفیق دائمی خوشی‌ها و ناخوشی‌ها و همسر و همسر و همراز خستگی‌ناپذیری که فقط در انتظار کمترین دوست داشتن و صمیمیت نشسته و به تمامی فراز و نشیب‌ها و کوران‌ها و طوفان‌های زندگی، تن در داده و صبورانه، دست و پنجه نرم می‌کند و تحمل می‌نماید؛

بدینجهت، در ادیان آسمانی بالأخص در دین مبین اسلام روی این مسئله، تأکید زیاد شده و دستورهای اکید بر همسر دوستی و اخلاق خوب خانوادگی و تأمین زندگی مرفه و ... داده شده است.

چنانکه در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وعاشروهنَّ بالمعروف» با آنها به خوبی معاشرت (ورفتار) نمایید. «۲»

۱- ابن ابي عمير: از إسحاق بن عمار: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: من أخلاق الأنبياء حبّ النساء. از اخلاق انبياء دوست داشتن زنان است. «۳»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۲۹

۲- أبی العباس گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: العبد کَلِمًا ازداد للنساء حَبًّا ازداد فی الإیمان فضلاً. بنده (خدا) زنان (و همسران) را هرچه زیاد دوست دارد، فضیلت ایمانش زیاد شود (و از مواهب زندگی، بیشتر بهره‌مند می شود). «۱»

۳- ابی عبدالله علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جُعِلَ قَرَّةٌ عینی فی الصَّیْلَةِ، و لَدَتی فی النَّسَاءِ. روشنی چشم من در نماز و لذت در (وجود) زنان قرار داده شده است. «۲»

۴- یونس بن یعقوب: از کسی که از ابا عبد الله علیه السلام شنیده می فرمود: أَكثَرُ الخیر فی النساء. بیشترین خیر در (وجود) بانوان است. «۳»

۵- محمد بن إدريس در آخر (السراير): بنقل از کتاب روایه ابن قولویه از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: کَلَّ من اشتدَّ لنا حَبًّا اشتدَّ للنساء حَبًّا وللحواء. همه آنان که ما را به شدت دوست دارند زنان و حوا را نیز زیاد دوست می دارند. «۴»

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: استوصوا (اتقوا فی) بالنساء خیراً فانَّهنَّ عندکم عوار لا یملکن لأنفسهنَّ شیئاً و انما اتَّخذتموهنَّ بأمانه الله و استحلتم فروجهنَّ بکلمه الله «و لهنَّ علیکم کسوتهنَّ بالمعروف». در باره زنان (بترسید) سفارش نیکو بکنید (و با آنها خوش رفتار باشید) زیرا آنان نزد شما عاریه (و دست خالی) هستند، برای خود چیزی را مالک نیستند، و آنها را به امانت خدا گرفته‌اید و اندام جنسی آنها را با کلمه (و دستور) خدا بر خود حلال نموده‌اید و بر شماست پوشاک آنها بطور مناسب (پس آنها را قدر بدانید و ارزش قایل شوید). «۵»

۷- امیرمؤمنان فرمود: فداروهنَّ علی کُلِّ حال، و أحسنوا لهنَّ المقال، لعلهنَّ یحسنَّ الفعّال. در هر حال با آنها (زنان) مدارا کنید و گفتار را زیبا نمایید شاید آنها هم رفتار خوبی داشته باشند. «۶»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳۰

۸- هارون، از ابن صدقه، از امام صادق، از پدرش علیهما السلام فرمود: من اتَّخذ امرأه فلیکرهما فإنما امرأه أحدکم لبعبه. هر کس زن گرفت، گرامی بدارد همانا زن هریک از شما وسیله بازی (و سرگرمی) اوست. «۱»

۹- ابن علوان، از امام صادق، از پدر بزرگوارش علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اتَّقوا الله اتَّقوا الله فی الضَّعیفین: الیتیم والمرأه، فانَّ خیارکم خیارکم لأهله. از خدا بترسید از خدا بترسید، در باره دو ناتوان، یتیم و زن، همانا بهترین شما نیکویان شماست به اهل (و عیالش). «۲»

۳- شوهر دوستی!

۳- شوهر دوستی! شیرینی زندگی در دنیا به محبت و علاقه متقابل بستگی دارد مخصوصاً برای زوجین که از من و تو «ما» شده‌اند یعنی زن و شوهر همدیگر را درک کنند و به یکدیگر علاقه‌مند شوند بگونه‌ای که سالهای متمادی عمر را با خوشی و خرمی، سپری کرده و در نهایت با عشق و علاقه از هم جدا شده و برای رفتن به جهان ابدیت، از همدیگر خدا حافظی نمایند.

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: انصرف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من سریه کان اصیب فیها ناس کثیر من المسلمین فاستقبله النساء یسئلن عن قتلاهن فذنت منه امرأه. فقالت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما فعل فلان؟ قال: وما هو منک؟ فقالت: أخی فقال: احمدی الله واسترجعی فقد استشهد ففعلت ذلک، ثم قالت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما فعل فلان؟ فقال: وما هو منک؟ قالت:

زوجی فقال: احمدی الله واسترجعی فقد استشهد فقالت: (واویلی) واذلّاه، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما کنت أظن أن المرأة تجد بزوجهما هذا کلّه حتی رأیت هذه المرأة. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از (جنگ و) پیکاری برگشت که مردان

زیادی از مسلمان‌ها در آن، کشته یا زخمی شده بودند، خانم‌ها به استقبال آمدند و از کشته شدگان‌شان می پرسیدند (در این حال) بانویی به حضرت نزدیک شد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فلانی چه کرد؟

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳۱

فرمود: او چه نسبتی با تو داشت؟ عرض کرد: برادرم بود، فرمود خدا را سپاس گزار و استرجاع کن، او شهید شد، آن بانو حمد نمود و انا الله گفت، سپس پرسید ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فلانی چه کرد فرمود: چه کس تو بود؟ گفت: شوهرم بود، فرمود: حمد خدا کن و انا الله بگو او هم شهید گشت آن زن گفت: وای بر من، وای بر ذلیلی من، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من گمان نمی کردم زنی برای از دست دادن شوهرش این همه (ناراحتی و تأثر) داشته باشد تا این خانم را دیدم. «۱»

۲- معمر بن خلاد گوید: شنیدم اباالحسن علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دختر جحش فرمود: قُتِلَ خالک حمزه، فاسترجعت، و قالت أحتسبه عند الله، ثم قال لها قتل زوجک، فوضعت یدها علی رأسها و صرخت، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما یعدل الزوج عند المرأة شیئی. دائیت حمزه کشته شد، استرجاع نمود و گفت: پیش خدا حساب می کنم (یعنی اجریم را درباره او از خدا می گیرم)، فرمود: برادرت (نیز) کشته شد! استرجاع کرد و گفت: پیش خدا حساب می کنم، فرمود: شوهرت (هم) به قتل رسید، (مرگ شوهر را که شنید دستش را به سر گذاشت و ناله بلند سرداد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پیش زن هیچ چیز با شوهر برابری نمی کند!

۴- شوهر آزاری!

۴- شوهر آزاری! ۱- امام صادق علیه السلام فرمود: ملعونه ملعونه امرئه تؤذی زوجها و تغمه، و سعیده سعیده امرئه تکرّم زوجها ولا تؤذیه و تطیعه فی جمیع أحواله. از رحمت خدا دور و ملعونه است زنی که شوهر خود را اذیت کرده و غمگین نماید، و خوشبخت و سعادت‌مند است زنی که شوهرش را گرمی دارد و او را اذیت نکند و در هر حال فرمانبردار او باشد. «۲»

۲- أیما امرأة آذت زوجها بلسانها لم یقبل الله منها صرفاً ولا عدلاً ولا حسنة من عملها

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳۲

حتی ترضیه، وإن صامت نهارها وقامت لیلها وأعتقت الرقاب وحملت علی جیاد الخیل فی سبیل الله وکانت فی أول من ترد النار، وكذلك الرجل إذا کان لها ظالماً، ثم قال: ألا وأیما امرأة لم ترفق بزوجها وحملته علی ما لا یقدر علیه وما لا یطیق لم یقبل الله منها حسنة وتلقى الله وهو علیها غضبان. امام- علیه السلام فرمود:

هر زنی شوهر خود را با زبانش اذیت نماید، خداوند از او نمی پذیرد صرف و عدل (کوچک و بزرگ عملی) و حسنه‌ای را، تا او را از خود راضی نماید اگرچه روزها روزه و شبها عبادت نماید و برده‌ها آزاد کند و با بهترین اسبها، در راه خدا (آنچه را خدا راضی است را) حمل نماید و اول کسی باشد که به آتش وارد شود، و همچنین است اگر بر زن ستم نماید.

سپس فرمود: آگاه باش هر زنی با شوهرش مدارا نکند و او را بر چیزی که قدرت و طاقت آن را ندارد، وادار سازد، از او حسنه‌ای قبول نمی شود و خدا را ملاقات نماید در حالی که بر او غضبناک است. «۱»

۳- محمد بن علی بن حسین در کتاب (عقاب الاعمال): در عیادت مریض از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من کان له امرأة تؤذیه لم یقبل الله صلاتها ولا حسنة من عملها حتی تعینه و ترضیه وان صامت الدهر وقامت وأعتقت الرقاب وانفقت الاموال فی سبیل الله وکانت أول من ترد النار، ثم قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: وعلی الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا کان لها مؤذياً ظالماً ومن صبر علی سوء خلق امرأته واحتسبه أعطاه الله (بکل مرة) یصبر علیها من الثواب مثل ما أعطی ایوب علی

بلائه و كان عليها من الوزر في كل يوم وليلة مثل رمل عالج فان مات قبل ان تعقبه وقبل ان يرضى عنها حشرت يوم القيامة منكوسة مع المنافقين في الدرك الأسفل من النار، ومن كانت له امرأة ولم توافقه ولم تصبر على ما رزقه الله وشقت عليه وحملته ما لم يقدر عليه لم يقبل الله لها حسنة تتقى بها النار وغضب الله عليها ما دامت كذلك. هر کس زنی دارد که او را اذیت می‌کند، خداوند نماز و کارهای خیر او را قبول نمی‌کند تا بر او کمک کرده و راضی اش نماید، اگرچه یک روزگار روزه بگیرد و برده‌ها آزاد کند و اموالش را در راه خدا انفاق نماید و اول کسی باشد که به آتش وارد می‌شود!

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳۳

سپس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وعین این وزر و عذاب، بر مرد هم هست، اگر زن را اذیت و ستم نماید، و هر کس بر اخلاق بد زنش صبر کند و امید اجر داشته باشد، خداوند به هر مرتبه آن که صبر می‌کند، ثواب عطا فرماید به اندازه‌ای که به ایوب علیه السلام داده در مقابل صبر بر بلاهایش؛

و برای زن در مقابل هر روز (از بد اخلاقی اش) به تعداد ریگ بیابان «عالج»، وزر و وبال می‌باشد، پس اگر پیش از راضی نمودن همسر، بمیرد، روز قیامت، وارونه آویخته می‌شود با منافقین در پائین‌ترین طبقه جهنم از آتش؛

و هر کس همسری دارد با شوهرش موافقت نداشته باشد و به روزی خدا دادی صبر ننماید و بر شوهر سخت بگیرد و وادارش کند بر چیزی که طاقت آن را ندارد، خداوند اعمال خوب او را که از آتش نگهدارد، قبول نمی‌کند و غضب خدا بر او خواهد بود مادامی این گونه باشد. «۱»

۴- علی (بن جعفر) عن أخيه عليه السلام قال: سألته عن المرأة العاصية لزوجها هل لها صلاة وما حالها؟ قال: لا تزال عاصية حتى يرضى عنها. علی (بن جعفر) از برادرش (موسی بن جعفر) علیهما السلام گفت: از او از حکم زنی پرسیدم که به شوهرش نافرمانی می‌کند آیا نمازش درست است و حالش چگونه خواهد بود؟! فرمود: او مدام نافرمان (و عصیانگر) به حساب می‌آید تا شوهرش از او راضی شود. «۲»

۵- جهاد بانوان

۵- جهاد بانوان روزی ام سلمه (یکی از زنان پیامبر) عرض کرد ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: همه ثواب‌های جهاد و شهادت و کارهای فی سبیل الله مخصوص مردان است و زن‌ها از این همه ثواب‌ها محرومند و دست خالی؟! حضرت در فرمایش مفصلی ثواب دوران حاملگی و بچه داری و شیر دادن و بچه بزرگ کردن و غیره که به جای عبادت و شهادت و ثواب‌های تسبیح است را شرح داد و از جمله فرمود: جهاد زن، خوب

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳۴

شوهر داری اوست. «۱»

۱- موسی بن بکر: از ابی‌ابراهیم علیه السلام فرمود: جهاد المرأة حسن التبعل. جهاد زن:

خوب شوهرداری اوست. «۲»

۲- امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: كتب الله الجهاد على الرجال والنساء فجهاد الرجل بذل ماله ونفسه حتى يقتل في سبيل الله، و جهاد المرأة أن تصبر على ماترى من أذى زوجها وغيرته.

خداوند جهاد را بر مرد و زن واجب نموده است!؛ پس جهاد مرد بخشیدن جان و مال خود است تا در راه خدا شهید شود؛ و جهاد زن این است که به آزار و اذیت شوهر و (از نا روائی‌های شوهر از جهت) غیرت (و بد بینی که به او متوجه می‌شود) صبر نماید. «۳»

۶- پاداش خدمت به شوهر

۶- پاداش خدمت به شوهر ارزش خدمات بانوان به اعضای خانواده بخصوص به همسرش را غیر از خدا، کسی نمی‌تواند تعیین نماید و بها دهد زیرا این خدمات عاشقانه توأم با از خود گذشتگی، مخصوص این قشر خاص است که مادام‌العمر در پای آن نشسته و ایثار می‌نمایند و از هیچ گونه فداکاری دریغ نمی‌ورزند در این زمینه به روایت‌های بعدی توجه فرمائید.

۱- ورام بن اُبی فراس در کتابش گفت: قال علیه السلام المرأة الصالحة خير من ألف رجل غير صالح و أيما امرأة خدمت زوجها سبعة أيام أغلق الله عنها سبعة أبواب النار و فتح لها ثمانية أبواب الجنة تدخل من أيها شاءت. امام علیه السلام فرمود: یک زن صالحه بهتر است از هزار

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳۵

مرد نا صالح، هر زنی یک هفته به مرد خودش خدمت نماید، خداوند هفت در جهنم را به روی او می‌بندد و هشت در بهشت را به روی او می‌گشاید که از هر کدام دلخواهش است وارد شود. «۱»

۲- قال: و قال علیه السلام: ما من امرأة تسقى زوجها شربة من ماء إلا كان خيراً لها من عبادة سنة صيام نهارها و قيام ليلها و بيني الله لها بكل شربة تسقى زوجها مدينة في الجنة و غفر لها ستين خطيئة. و باز فرمود: نیست زنی که شوهر خود را از آب سیراب نماید، مگر این که برایش از ثواب عبادت یک سال بهتر است که روزها روزه گیرد و شبها تا صبح نماز بخواند، و خداوند برایش به هر آشامیدن آب که شوهرش را سیراب نماید، شهری در بهشت بنا کند و از شصت گناه او در گذرد. «۲»

۳- جماعتی از اُبی المفضل سندش را رسانده از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند فرمود: سألت ام سلمة رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم عن فضل النساء في خدمة أزواجهن فقال: أيما امرأة رفعت من بيت زوجها شيئاً من موضع إلى موضع تريد به صلاحاً إلا- نظر الله إليها و من نظر الله إليه لم يعدّبه. فقالت ام سلمة رضی الله عنها: زدني في النساء المساكين من ثواب بأبي أنت و اُمی فقال صلى الله عليه و آله و سلم: يا ام سلمة إن المرأة إذا حملت كان لها من الأجر كمن جاهد بنفسه و ماله في سبيل الله عز و جل، فإذا وضعت قيل لها قد غفر لك ذنبك فاستأنفى العمل، فإذا أرضعت فلها بكل رضة تحرير رقبة من ولد إسماعيل. ام سلمه (زن پیامبر) از رسول خدا سؤال نمود از فضیلت خدمت زنها به شوهرانشان، فرمود: هر زنی از خانه شوهر چیزی را بردارد و جای دیگر بگذارد که اراده اصلاح نمودن (و جابجا کردن دارد) مگر اینکه خداوند براو نظر نماید و به هر کس خداوند نظر کند دیگر او را عذاب ننماید؛

ام سلمه گفت: بیشتر بفرما ای رسول خدا پدر و مادرم فدای تو باد، برای زنهای بیچاره از ثواب، فرمود: ای ام سلمه همانا زنی که حامله شد اجر او مانند کسی است که با مال و جان خود در راه خدای عز و جل جهاد نماید، وقتی که وضع حمل نمود به او گفته می‌شود، گناهانت بخشوده شد اعمال را دوباره از سر بگیر، هر گاه بچه را شیر داد به هر شیر دادن ثواب برده آزاد کردن از اولاد اسماعیل را، می‌دهند. «۳»

۷- خوش رفتاری در خانواده

۷- خوش رفتاری در خانواده هنگامی که عاقد میان دو زوج جوان و غیر جوان عقد جاری می‌کند، معنا و مفهوم آن، این است که ما دونفر تا دم مرگ به همدیگر یار و یاور وفا دار خواهیم بود، و بنیان زندگی خود را با عشق و علاقه بنا کرده و به همدیگر، گره می‌زنیم و عقد می‌بندیم؛

اساساً معنای واژه «عقد» در عربی، به معنای گره و عاقد گره دهنده و معقود گره شونده است، پس با بستن این پیمان محکم و قول‌های مستحکم و سستی‌ناپذیر، وارد معرکه، تلخ و شیرین، و فراز و نشیب زندگی می‌شویم، آیا واقعاً کار درست و منصفانه است

که هنوز مرگب امضاء و اثر انگشت در دفاتر ازدواج، خشک نشده راهی امضاء نمودن دفتر طلاق و جدائی باشیم!!
آخر چرا مردم این قدر پیمان شکن و سست گفتار و بد کردار و زشت رفتار شده‌اند، آیا شنیده‌اید در روزگاران قدیم که نه دفتر دستکی بود و نه سند رسمی ازدواج و مواد دوازده گانه دفتر ازدواج، برای نمونه، به خیال یک زن و یا مردی: مسئله طلاق و جدائی
خطور کند؟! و یا اصلاً یکی از این اتفاقات بیفتد!!!

اگر در قبیله و ایل و تباری این مسائل حتی برای یک بار هم شده، پیش می‌آمد و اتفاق می‌افتاد، مانند صدای بمب اتم در همه جا می‌پیچید و دیگر کسی با آن قبیله وصلت نمی‌کرد و دختر نمی‌داد و نمی‌گرفت و برای همیشه، بد نام گشته و منزوی می‌شدند!!
آخر ما چه قدر عمر داریم و چند سال زندگی خواهیم کرد که این همه مشکلات را برای خود فراهم می‌کنیم و پیش می‌آوریم، بیایید این خصلت‌های شیطانی و خصومت‌های غیر انسانی را کنار گذاشته، با کسی که پیمان زناشوئی و عقد همسری بسته‌ایم، وفادار بمانیم و با مختصرگذشتی، کینه توزی و خود خوری و صفات ناپسند و اعصاب خراب کن را، کنار گذاشته و فاتحه بد رفتاری و بد اخلاقی و ... را بخوانیم انشاءالله.

ببینیم خردمندان عالم و بزرگان دین در این باره، چه توصیه‌ها و سفارشهایی را

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳۷

کرده‌اند.

۱- قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: خیرکم خیرکم لأهله (لنساءه) وأنا خیرکم لأهلی (لنسائی). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بهترین شما کسی است که با خانواده اش: بهتر (و خوش رفتار) باشد و من بهترین شما نسبت به اهل (و عیالم) هستم. «۱»

۲- و قال صلی الله علیه و آله و سلم: عیال الرجل اسراؤه وأحب العباد إلى الله عزوجل أحسنهم صنعاً إلى أسرائه. و فرمود: عیالات مرد اسیران اویند و بنده دوست داشتنی تر در پیش خدای عزوجل کسانی اند که با اسیران خود: خوش رفتار باشد. «۲»
۳- و قال أبو الحسن علیه السلام: عیال الرجل اسراؤه فمن أنعم الله علیه بنعمة فلیوسع علی اسرائه، فان لم یفعل أوشک أن تزول تلک النعمة. ابو الحسن علیه السلام فرمود: خانواده مرد اسیران اویند! پس هر کس را خداوند توانائی نعمت داده به اسراء (و عیالات) خود گشایش دهد: و هر کس این را نکند: نابود شدن نعمتش نزدیک است! «۳»

۴- و قال صلی الله علیه و آله و سلم: ألا خیرکم خیرکم لنساءه وأنا خیرکم لنسائی. باز آن حضرت فرمود: آگاه باشید بهترین شما آن است که با خانواده اش: بهتر (و خوش رفتار) باشد و من بهترین شما نسبت به اهل (و عیالم) هستم. «۴»

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: انما المرئة لعبه الرجل من اتخذها فلا یضیعها. زن اسباب بازی مرد است، هر کس او را می‌گیرد (و امام باقر فرمود: او ازدواج می‌کند) او را ضایع نماید. «۵»

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: أكثر أهل الجنة من المستضعفين النساء علم الله ضعفهن فرحمهن. بیشترین اهل بهشت از ناتوانان زنان هستند، خداوند ناتوانی آنها را دانست و به آنان رحم نمود. «۶»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳۸

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اتقوا الله فی الضعیفین الیتیم والمرئة! درباره دو ضعیف از خدا بترسید، یتیم و زن! «۱»

۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ملعون ملعون من ضیع من یعول. ملعون است ملعون است کسی که زیردستانش را ضایع نماید. «۲»

۹- محمد بن علی بن حسین در کتاب (عقاب الاعمال): در عیادت مریض از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من کان

له امرأة تؤذیه لم یقبل الله صلاتها ولا حسنه من عملها ... ثم قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: وعلى الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا كان لها مؤذيا ظالماً ومن صبر على سوء خلق امرأته واحتسبه أعطاه الله (بكل مرة) (يوم و ليلة) يصبر عليها من الثواب مثل ما أعطى أيوب على بلائه ...

هر زنی شوهر خود را اذیت نماید: خداوند نماز و حسنات او را قبول نمی کند

سپس گفت: رسول خدا فرمود: و مانند این وزر و عذاب ها برای مرد هم هست اگر عیالش را از روی ستم: اذیت نماید؛ و هر کس به بد اخلاقی زنش صبر نماید و برای رضای خدا (تحمّل کند) خداوند به هر مرتبه و هر شب و روزش، مانند ثواب (حضرت) ایوب علیه السلام عطا نماید ... «۳»

۸- پاداش تأمین معاش

۸- پاداش تأمین معاش هر کسی موظف است معاش زیردستان خود را، تأمین نماید، و به هر وسیله‌ای، رفاه و آسایش زندگی آنان را فراهم آورد و آنان را از محتاج به دیگران و چشم داشتن در زندگی سایرین، به دور سازد، زیرا افراد تحت تکفل هر کسی، برای بزرگ خانواده واجب التّفقه است و خداوند در ازای انجام این وظیفه، پاداش و اجر اخروی فراوانی را هم به او وعده کرده و قرار داده است که تا بادلگرمی به تکاپو و فعالیتش ادامه دهد.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۳۹

۱- امام رضا علیه السلام، از پدر بزرگوارش از جدّش علیهم السلام فرمود: مرّ جعفر علیه السلام بصیّاد فقال: یا صیّاد أی شیء أكثر ما یقع فی شبکتک؟ قال: الطیر الزاق قال: فمّرّ و هو یقول: هلک صاحب العیال هلک صاحب العیال. امام صادق علیه السلام از کنار صیّادی گذشت و فرمود: ای صیّاد به تورت بیشتر چه چیزی می افتد؟! گفت: پرنده «زاق» (حضرت) گذشت در حالی که می فرمود: هلاک شد عیالبارها هلاک شد، صاحبان عیال. «۱»

۲- عالم علیه السلام: ضمنت لمن اقتصد أن لا یفتقر، و اعلم أن نفقتک علی نفسک و عیالک صدقه، و الکاذ علی عیاله من حلّ، کالمجاهد فی سبیل الله. ضامن شدم به کسی که (در زندگی اش میانه رو باشد) این که فقیر (وندار) نباشد، و بدان مخارج تو، به خودت و عیالت، صدقه است (و ثواب آن را می بری)، و تلاش کننده از حلال، در راه عیالش، مانند جهاد کننده در راه خداست. «۲»

۳- ابن عباس گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: من دخل السوق فاشتری تحفة فحملها إلى عیاله کان کحامل صدقه إلى قوم محاوّج، ولیبدأ بالأناث قبل الذکور، فانّ من فرّح ابنه فکأنما أعتق رقبه من ولد إسماعیل، ومن أقرّ. بعین ابن فکأنما بکی من خشیه الله عزوجل، ومن بکی من خشیه الله عزوجل ادخل جنات النعیم. هر کس داخل بازار شود و تحفه‌ای خریده به اهل و عیالش ببرد، (ثوابش) مانند کسی است به نیازمندان صدقه حمل کند، (وقتی که به خانه رسید) پیش از مردان، اول از زنان شروع نماید، پس هر کس دختری را خوش حال نماید مانند آنست که برده‌ای را از اولاد اسماعیل آزاد نماید، و هر کس چشم پسری را روشن کند مانند کسی است که از ترس خداوند گریه نماید و هر کس از ترس خدا بگرید به جنّات نعیم (بهشت‌های پر نعمت) داخل می نماید. «۳»

۹- کمک به اندازه خرج

۹- کمک به اندازه خرج در روایات اسلامی آمده است که کمک‌های آسمانی به اندازه مخارج هر کس، نازل می شود اگر زیاد باشد زیاد، و اگر کم باشد کم، البته این به آن معنا نیست که انسان اسراف در خرج نماید بلکه با تقدیر و تدبیر صحیح، زندگی

خود را بچرخاند در عین

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۴۰

اینکه، از بخل و رزی و سخت‌گیری در معیشت را، رها سازد.

۱- امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: تنزل المعونة علی قدر المؤمنة. کمک (خداوند) به اندازه خرج نازل می‌شود. «۱»

۲- ابن علوان، از امام صادق، از پدر بزرگوارش علیهما السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ

تَعَالَى يَنْزِلُ الْمَعُونَةَ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْمِنَةِ، وَ يَنْزِلُ الصَّبْرَ عَلَى قَدْرِ شِدَّةِ الْبَلَاءِ. همانا خدای تبارک و تعالی کمک (به خرج زندگی را) به

قدر هزینه (زندگی) فرود آورد و صبر را به اندازه شدت بلا نازل نماید. «۲»

۱۰- تقدیر المعیشة

۱۰- تقدیر المعیشة تقدیر معیشت و اندازه‌گیری خرج زندگی، یکی از کارهای کلیدی زندگانی است هر کس در دوران عمر خود

این خصلت را برای خود، سرمشق قرار دهد، دست خالی نمانده و پشیمان و محتاج دیگران نخواهد شد.

۱- امیر مؤمنان علیه السلام به بعضی از اصحابش فرمود: لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شِغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَوَلَدِكَ فَانْ يَكُنْ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ،

فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَوْلِيَاءَهُ، وَإِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَما هَمَّكَ وَ شِغْلَكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ. مشغله خود را زیاد به اهل و اولادت قرار نده (خود را

درباره آنها بیش از حد گرفتار نکن زیرا) اگر آنها، دوست خدایند، خداوند آنها را ضایع نمی‌کند (و رها نمی‌سازد) و اگر دشمن

خدا هستند چرا همت و شغل خود را در باره دشمن خدا، قرار می‌دهی! «۳»

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ، وَ حَسَنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ، وَ التَّقْدِيرُ فِي النَّفَقَةِ

نِصْفُ الْعَيْشِ. دوستی با مردم نصف عقل است و سؤال (از استاد) نصف علم است و تقدیر در مخارج نصف زندگی است. «۴»

۳- و در خبر دیگر فرمود: التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ. اندازه نگهداشتن نصف معیشت

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۴۱

است. «۱»

۴- امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: مَا عَالَ امْرَأٌ اقْتَصَدَ. به سختی (زندگی) نیفتاد کسی که میانه رو باشد. «۲»

۵- موسی از او علیه السلام، فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ، وَ الزَّفَقُ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ، وَ

مَا عَالَ امْرَأٌ فِي اقْتِصَادٍ. دوستی با مردم نصف عقل است و مدارا (با آنها) نصف معیشت است، و مرد به تنگی (زندگی) نیفتاد در

میانه روی. «۳»

۱۱- میوه برای خانواده

۱۱- میوه برای خانواده توسعه در زندگی خانواده از صفات پسندیده انسانی است که تا می‌تواند در دوران زندگی سعی و کوشش

نماید تا نیاز همه جانبه آنها را بر طرف سازد و نگذارد چشم به دیگران دوخته و آه سوزان از دل برکشند، در صورت امکان اهل و

عیال خود را از خوردنیها و آشامیدنیهای حلال، سیر و بی‌نیاز سازد و تا آنجا که در توان دارد و برایش مقدور است، آنان را از

مواهب زندگی، خاصه از میوه‌های گوناگون، برخوردار نماید تا خداوند نیز به او با دیده رحمت بنگرد.

۱- امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: أَطْرَفُوا أَهْلِيكُمْ فِي كُلِّ جَمْعَةٍ بَشْيٍ مِنَ الْفَاكِهِةِ كِي يَفْرَحُوا بِالْجَمْعَةِ. در هر جمعه به (زندگی) اهل

و عیال خود با چیزی از میوه، تنوع بخشید تا به آمدن جمعه خوشحال شوند. «۴»

۲- اَبِي حَمْزَةَ الشَّامِي، از علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحْسَنُكُمْ عَمَلًا، وَإِنَّ أَعْظَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

عملاً اعظمکم فیما عنده رغبه، وإن أنجاکم من عذاب الله أشدکم خشیه الله، وإن أقربکم من الله أوسعکم خلقاً، وإن أرضاکم عند الله أسبغکم علی عیاله، وإن أکرمکم عند الله أتقاکم. همانا محبوب‌ترین شما به خدای عزوجل، زیبا عملانند و بزرگترین صاحب عمل شما نزد خداوند، راغب‌ترین شما

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۴۲

بر آنچه که نزد خداست و نجات بخش‌ترین شما از عذاب خدا، ترسان‌ترین شماست (از خدا) و نزدیک‌ترین شما از خدا، خوش اخلاق‌ترین شماست و رضایت بخش‌ترین شما نزد خداوند، دست و دل بازترین شما به عیالش است، و گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیز کارترین شماست. «۱»

۱۲- کمی اولاد!

۱۲- کمی اولاد! تربیت و نگهداری و بزرگ کردن اولاد، یکی از معضلات زندگی است، به قول امروزی‌ها (اولاد کمتر زندگی بهتر).

پیش از آنکه اولاد را به دنیا آورد، باید در فکر زوایای زندگی و مسئولیت‌های فراوان خود، در برابر آنها باشد، درست است روزی دهنده خداست، اما تنها روزی نیست بلکه وظائف هزاران مسائل دیگر در باره اولاد در دوش آدمی است که چگونه این بار سنگین را به سر منزل مقصود برساند، البته اگر کسی بتواند، این بار سنگین (تربیت و مراقبت و تأمین مخارج) را به سر منزل مقصود برساند، آن وقت است که مشمول فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم «تناکحوا تناسلوا انی أباهی بکم الأمم» خواهد بود.

۱- عبد العظیم الحسنی، از ابی جعفر الثانی، از پدران بزرگوارش، از امیر مؤمنان علیهم السلام فرمود: قَلَّ العیال أحد الیسارین. کمی عیال یکی از دو آسان (زندگی کردن) است. «۲»

۲- امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: الفقر هو الموت الأ-کبر و قلبه العیال أحد الیسارین، التقدیر نصف العیش، ما عال امرؤ اقتصد. نداری مرگ سرخ است و کمی عیال (و اولاد) یکی از دو آسان است، تقدیر (در معیشت) نصف عیش (و خوشی) است، گرفتار نشد

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۴۳

مردی که با اقتصاد (و میانه روی) زندگی نماید. «۱»

۱۳- خوشا به حال دخترداران!

۱۳- خوشا به حال دخترداران! از قدیم‌الایام، در میان اقوام مختلف، داشتن دختر سبب سرافکندگی در میان خویش و اقوام بوده و هست منتهی با تفاوت و شدت و ضعف، از زنده بگور کردن گرفته تا مسایل دیگر؛

با این فرهنگ و روحیه، تربیت و بزرگ کردن و شوهر دادن و .. مادام العمر برای پدر و مادر، از مشکلات کمر شکن دوران عمر است، با اینکه دین مقدس اسلام برای احیاء و شخصیت دادن به دختر و زن، دستورات و فرامین استثنائی و اختصاصی دارد، اما باز این مشکلات و بار سنگین در گرده والدین، سایه افکننده است، بدینجهت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمایشاتی دارد که ذیلًا مختصری از آنها را می‌خوانید.

۱- أبان بن تغلب، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: البنات حسنات والبنون نعمه والحسنات یتاب علیها والنعمه یسأل عنها. دختران حسناتند و پسران نعمت، به حسنات ثواب می‌دهند و از نعمت سؤال می‌شود. «۲»

۲- به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (تولد) دختری را مژده دادند (حضرت به روهای اصحاب نگرست) و نا راحتی را در سیمای

آنان دید پس فرمود: مالکم؟ ریحانه اشّمها ورزقها علی الله عزوجل. چه شده برایتان (چرا ناراحت شدید) ریحانه ایست می‌بویم او را و روزی اش هم برخدای عز و جلّ است. «۳»

۳- حمزه بن حمران، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: مردی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و نزد او مرد (دیگری) بود، او را به مولودی خبر دادند، رنگ آن مرد تغییر یافت! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: مالک؟ قال: خیر قال: قل، قال: خرجت والمرأة تمتخص

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۴۴

فأخبرت أنّها ولدت جارية، فقال له النبي صلی الله علیه و آله و سلم: الأرض تقلّها والسماء تظّلّها و الله يرزقها، وهی ریحانه تشمّها، ثمّ أقبل علی أصحابه فقال من كانت له ابنة فهو مقروح، ومن كانت له ابنتان فیا غوثاه ومن كانت له ثلاث بنات وضع عنه الجهاد وكلّ مکروه، و من كانت له أربع بنات فیا عباد الله أعینوه، یا عباد الله أقرضوه، یا عباد الله ارحموه. چه شد برایت؟! گفت:

خیر است، فرمود: بگو گفت: هنگام بیرون آمدن من، زخم را درد زایمان گرفته بود (که الان) خبر دادند دختر زائیده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زمین او را بر می‌دارد و آسمان بر او، سایه می‌افکند و خدا روزی اش را می‌دهد و او ریحانه ایست که می‌بوئی (تو چرا نا راحتی؟! سپس رو به اصحاب کرد و فرمود: هر کس یک دختر دارد، زخم‌دار است، و هر کس دو تا دختر دارد، واغوثاه، و هر کس سه دختر دارد، تکلیف جهاد و همه کارهای ناخوشایند، از او برداشته شده است و هر کس چهار دختر دارد ای بندگان خدا به او کمک کنید، ای بندگان خدا به او قرض دهید، ای بندگان خدا به او رحم نمایید!! «۱»

۴- روایت یکی از صادقین علیهما السلام است فرمود: إذا أصاب الرجل ابنة بعث الله إليها ملكاً فأمر جناحه علی رأسها و صدرها و قال: ضعيفه خلقت من ضعف، المنفق عليها معانٍ إلى يوم القيامة. زمانی که مردی دارای دختری شد، خداوند فرشته‌ای را به آن دختر می‌فرستد و بال هایش را به و سر و سینه آن دختر می‌کشد و می‌گوید:

ناتوانیست از ناتوانی آفریده شده است، خرج دهنده او، کمک کرده می‌شود تا روز قیامت. «۲»

۵- یحیی بن المساور، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: موسی بن عمران گفت: یا رب أي الأعمال أفضل عندک؟ فقال: حبّ الأطفال فإنّ فطرتهم علی توحیدی فإنّ أمّتهم أدخلهم برحمتی جنّتی. پروردگارا کدام عمل پیش تو بهتر است؟ فرمود: دوست داشتن خردسالان زیرا فطرت آنها بر توحید من است اگر آنها را میراندم به بهشتم داخل می‌نمایم. «۳»

حقوق متقابل زن و شوهر

۱- حقوق مرد بر خانم

۱- حقوق مرد بر خانم هریک از زن و مرد بر ذمه دیگری حقوق متقابل دارند و باید آن حقوق را مدّ نظر قرار داده و به وظایف خود عمل نمایند که تعدادی از روایات آنها را در دو فصل بعدی می‌آوریم.

۱- حسین بن زید، از امام صادق، از پدران بزرگوارش علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم- در حدیث مناهی- فرمود: ونهی أن تخرج المرأة من بیتها بغیر اذن زوجها، فإن خرجت لعنها کلّ ملک فی السماء و کلّ شیء تمّر علیه من الجنّ والإنس حتی ترجع إلى بیتها، ونهی أن تتزین لغیر زوجها، فان فعلت كان حقاً علی الله عزوجل أن يحرقها بالنار، ونهی أن تتکلم المرأة عند غیر زوجها و غیر ذی محرم منها أكثر من خمس کلمات مما لا- بدّ لها منه، و نهی أن تباشر المرأة المرأة و لیس بینهما ثوب، ونهی أن تحدّث المرأة المرأة بما تخلو به مع زوجها- إلى أن قال: وقال علیه السلام: أیما امرأة آذت زوجها بلسانها لم يقبل الله منها صرفاً ولا عدلاً ولا حسنةً من عملها حتی ترضیه، وإن صامت نهارها وقامت ليلها وأعتقت الرقاب وحملت علی جیاد الخیل فی سبیل الله و كانت

فی أول من ترد النار، وكذلك الرجل إذا كان لها ظالماً، ثم قال: ألا وأیما امرأة لم تفرق بزوجها وحملته علی ما لا یقدر علیه وما لا یطیق لم یقبل الله منها حسنة وتلقى الله وهو علیها غضبان.

و نهی نموده است که، زن از خانه‌اش بی اجازه شوهر، بیرون رود، چنانچه خارج شود، بر او لعنت فرستند، فرشتگان و تمامی چیزهایی که از کنار آن بگذرد از جن و انس تا به خانه‌اش برگردد، و اگر این کار را بکند، خداوند حق دارد او را با آتش بسوزاند.

و نهی نمود: اینکه زن بیش از پنج کلمه نزد غیر شوهرش با نامحرم حرف بزند که ناچار از آن حرف زدن باشد؛ و نهی فرمود: زن با زن دیگر مباشرت داشته باشد (زیر یک لحاف بخوابند) که میان آنها لباسی نباشد؛ و نهی فرمود: زن آنچه که میان او و شوهرش می‌گذرد، به دیگران بازگو نماید- تا آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۴۶

اینکه گفت: امام- علیه السلام فرمود: هر زنی شوهر خود را با زبانش اذیت نماید، خداوند از او نمی‌پذیرد صرف و عدل (بزرگ و کوچک عملی) و حسنه ای را، تا او را از خود راضی نماید اگرچه روزها روزه و شبها عبادت نماید و برده‌ها آزاد کند و با بهترین اسبها، در راه خدا (آنچه را خدا راضی است را) حمل نماید و اول کسی باشد که به آتش وارد شود، و همچنین است مرد اگر بر زن ستم نماید، سپس فرمود: هر زنی که با شوهرش مدارا ننماید و او را بر آنچه توان آن را ندارد، وادار کند، خداوند عمل خوبی از او نمی‌پذیرد و خدا را ملاقات کند در حالی که بر او غضبناک است. «۱»

۲- محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام فرمود: زنی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: یا رسول الله ما حق الزوج علی المرأة؟ فقال لها: تطیعه ولا تعصیه ولا تصدق من بیته بشیء إلا باذنه ولا تمنعه نفسها وإن کانت علی ظهر قتب، ولا- تخرج من بیته إلا باذنه، فان خرجت بغير إذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتی ترجع إلی بیته. فقالت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: من أعظم الناس حقاً علی الرجل؟ قال: والده قالت: فمن أعظم الناس حقاً علی المرأة؟ قال:

زوجها، قالت فما لی علیه من الحق مثل ما له علی؟ قال: لا ولا من کل مائة واحد، فقالت:

والذی بعثک بالحق لا یملک ربیتی رجل أبدا. ای رسول خدا! حق شوهر بر گردن زن چیست؟! فرمود:

۱- او را اطاعت نمائی و نافرمانی نکنید؛ ید

۲- و از خانه او بدون اجازه، چیزی تصدق نکنید؛

۳- و روزه مستحبی نگیرد، مگر با اجازه او؛

۴- و او را از خود مانع نشو اگرچه در بالای کوهان شتر باشد؛

۵- و از خانه بدون اجازه بیرون نروی، اگر بیرون رود، فرشته‌های آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت، بر او لعنت نمایند تا به خانه برگردد؛

گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای مرد چه کسی حقش بر او بزرگتر است؟ فرمود:

پدرش، گفت: برای زن چه کسی، بزرگترین حق را دارد؟! فرمود: شوهرش، گفت: آیا من هم به او حقی دارم آن گونه که او دارد؟! فرمود: نه و نه یک صدم! زن گفت:

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۴۷

سوگند به آن که ترا به حق فرستاده است مردی مالک گردن من نخواهد شد ابداً (و هیچ وقت ازدواج نخواهم کرد). «۱»

۲- حقوق خانمها بر آقایان در فصل‌های مختلف این کتاب راجع به حقوق مرد روایات زیاد آورده شده است؛ اما نسبت به حقوق خانمها در گردن آقایان علاوه بر محتوای بعضی از فصل‌های پیشین به مطالب ذیل توجه فرمایید.

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: «ولهنّ مثل الذی علیهنّ» و برای زنان هم مانند آنچه که بر علیه آنان است، هست. «۲»

۱- و من حقّها علیہ، أن یشبعها و أن یکسوها و أن یغفر لها إذا جهلت. و از حق زن بر مرد، او را سیر نماید و بپوشاند و اگر از او نادانی دید، او را ببخشد (و گذشت نماید). «۳»

۲- از امام صادق علیه السلام فرمود: زنی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و از حق مرد بر زن پرسید و جواب داد، گفت: حق زن بر مرد چیست؟ فرمود: یکسوها من العری و یطعمها من الجوع و اذا أذنبت غفر لها، قالت فلیس لها علیہ شیء غیر هذا؟ قال: لا قالت:

لا- و الله لا- تزوّجت أبداً ثمّ ولّت فقال النبی ارجعی فرجعت فقال انّ الله عزّوجلّ یقول: «وان یتعففن خیر لهنّ». او را از برهنگی بپوشاند، و از گرسنگی برهاند، و اگر گناهی سر زد ببخشاید، گفت: جز اینها برای زن چیزی در گردن مرد نیست؟! فرمود: نه گفت:

نه به خدا قسم ابدا ازدواج نمی‌کنم، سپس برگشت برود پیامبر فرمود: برگرد، برگشت، فرمود: خدای عز و جل فرمود: اگر عفاف داشته باشند، برایشان بهتر است (یعنی اگر ازدواج نکردی، عفاف داشته باش). «۴»

۳- ولا یقبحها و جهأ. به او ترش روئی نکند. «۵»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۴۸

۴- امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث مفصلی به پسرش محمد حنفیه نوشت: المرثة ریحانة و لیست بقهرمانه... فدارها علی کلّ حال و أحسن الصّحبة لها لیصفوا عیشک. همانا زن (گل) ریحان است نه قهرمان .. پس با او در هر حال مدارا کن و صحبت با او را نیکو گردان تا زندگی ات صاف (و شفاف) باشد «۱».

۵- رحم الله عبداً أحسن فیما بینہ و بین زوجته خدا رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و همسرش را اصلاح (و خوش رفتاری) نماید. «۲»

۶- عمرو بن ابی المقدام از ابی جعفر علیه السلام و عبدالرحمن بن کثیر از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام نوشت: لا تملک المرأة من الأمر ما یجاوز نفسها فانّ ذلک أنعم لحالها و أرخی لبالها و أدوم لجمالها فانّ المرأة ریحانة ولیست بقهرمانه ولا تعد بکرامتها نفسها و اغضض بصرها بسترک و اکففها بحجابک ولا تطمعها ان تشفع لغيرها فیمیل من شفعت له علیک معها و استبق من نفسك بقيّة فانّ امساکک عنهنّ و هنّ یرین أنّک ذو اقتدار خیر من ان یرین حالک علی انکسار. زن را بیش از توانش به کار وامدار چون این روش (مناسب و) بهتر به حال و آرامش خاطر و دوام زیبایی اوست، همانا زن (مانند گل) ریحانه است نه قهرمانه، و با گرامی داشتن فوق (العاده و پرداختن زیاد) او را از حد خود بالاتر نبر (و پر رو نکن)، و چشم او را با پوشاندن (و تقوای) خود، فرو ببند، و با حجاب خود، او را (از حرام) بازدار، و (راه او را برای شفاعت به دیگران، باز مگذار) و به طمع نینداز که (روزی) شفاعت شوند بر علیه تو، میل نماید (و با او هم دست شود) و برای خودت چیزی (از قدرت) خود نگهدار زیرا خود داری تو از همه خواسته‌های آنها در حالی که آنان تو را قدرتمند ببینند، برایت بهتر است از این که حال تو را شکسته (و ناتوان ببینند). «۳»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۴۹

۷- إسحاق بن عمار گوید: به ابی عبد الله علیه السلام گفتم: ما حق المرأة علی زوجها الذی إذا فعله کان محسناً؟ قال: یشبعها

ویکسوها وان جهلت غفر لها. حق زن بر شوهرش چیست که اگر آن را انجام دهد از نیکوکاران به شمار آید؟! فرمود: شکم او را سیر نماید و او را بپوشاند و اگر نادانی کرد، او را ببخشد. «۱»

۸- أبو عبد الله علیه السلام فرمود: کانت امرأه عند أبي عليه السلام تؤذيه فيغفر لها. زنی نزد پدرم علیه السلام بود و او را اذیت می کرد (پدرم) آن زن را می بخشید. «۲»

۹- سماعة بن مهران، از أبي عبد الله علیه السلام فرمود: اتقوا الله في الضعيفين يعني بذلك اليتيم والنساء وأما هنّ عورةٌ دربارہ دو ناتوان (یعنی یتیم و زن‌ها)، از خدا بترسید همانا آنها عورت (و شایسته پرهیزند). «۳»

۱۰- یونس بن عمار گوید: أبو عبد الله علیه السلام کنیز فرزندش إسماعیل را به من تزویج نمود و فرمود: به او نیکی کن، گفتم: نیکی چیست فرمود: اشبع بطنها واكس جنبها واغفر ذنبها، ثم قال: اذهبي وسطك الله ماله. شکمش را سیر نما و اندامش را بپوشان و گناهش را ببخش سپس به کنیز فرمود: برو خداوند آنچه او از خیر دارد (یا مالش را بر تو ارزانی دارد). «۴»

۱۱- محمد بن مسلم، از أبي عبد الله علیه السلام گفت: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: أوصاني جبرئيل بالمرأة حتى ظننت أنه لا ينبغي طلاقها إلا من فاحشئ مبيئئ. جبرئیل آن قدر درباره زن، به من سفارش نمود، خیال کردم او را نمی شود طلاق داد مگر در فاحشه گی آشکار. «۵»

۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: رحم الله عبداً أحسن فيما بينه وبين زوجته فإن الله عزوجل قد ملكه ناصيتها وجعله القيم عليها. خدا رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۵۰

زنش را نیکو نماید چون خدای عزوجل جان او را به او تملیک نموده و او را بر او سرپرست قرار داده است. «۱»

۱۳- از أبي الحسن موسى عليه السلام فرمود: إذا وعدتم الصغار فأوفوا لهم، فإنهم يرون أنكم أنتم الذين ترزقونهم، وإن الله لا يغضب بشئ كغضبه للنساء والصبيان. هروقت به بچه‌ها وعده‌ای دادید، وفا کنید زیرا آنها گمان می کنند که روزی آنها را می دهید و خداوند بر هیچ چیزی مانند (مظلومان) زنان و بچه‌ها غضب نمی کند. «۲»

۱۴- رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در حدیث مناهی فرمود: زن بی اجازه شوهر بیرون رود ...

اول کسی باشد که به آتش وارد می شود و فرمود: وكذلك الرجل إذا كان لها ظالماً و مرد هم این طور است (اول کسی که به آتش وارد می شود) اگر به زن ظلم نماید. «۳»

۱۵- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: وعلى الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا كان لها مؤذيا ظالما ومن صبر على سوء خلق امرأته واحتسبه أعطاه الله (بكل مرة) يصبر عليها من الثواب مثل ما أعطى ايوب على بلائه ... رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: وعین این وزر و عذاب، (که در روایت قبلی گفته شد) بر مرد هم هست، اگر زن را اذیت و ستم نماید، و هر کس بر اخلاق بد زنش صبر کند و امید اجر داشته باشد، خداوند به هر مرتبه آن که صبر می کند، ثواب عطا فرماید به اندازه‌ای که به ایوب علیه السلام داده در مقابل صبر بر بلاها (و گرفتاری ها) یش. «۴»

۳- ثواب صبر به اخلاق بد همسر!

۳- ثواب صبر به اخلاق بد همسر! اعضای خانواده در گرو رفتار بزرگ خانواده اند که آنها را چگونه بار آورد و تربیت نماید و به جامعه تحویل دهد، اگر در فضای خانه و خانواده محبت و علاقه و رفاقت و دوستی حکم فرما شود: زندگی شیرین و صمیمی خواهد شد و گرنه خشونت و اخلاق ناپسند جای آنها را خواهد گرفت؛

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۵۱

بدین خاطر در دین اسلام دستورات اکید آمده است که سرپرست خانه با برخوردهای زیبا و خوب، اعضای خانواده را به زندگی، دل بسته و وابسته نماید و امید را در دلشان زنده کند و از هرگونه برخورد زشت و نگران کننده بپرهیزد که عواقب خطرناک و وخیمی در پی خواهد داشت که آن سرش ناپیدا.

در روایات و اخبار فراوان نیز، به رفتار زیبا و اخلاق نیکو مخصوصاً با اعضای خانواده، تشویق و ترغیب زیاد آمده است، زیرا قوام زندگی و موفقیت و کامیابی مرهون این خصلت و صفت پسندیده و انسانی است. به چند روایت توجه فرمایید.

۱- إسحاق بن عمار: از ابي عبد الله عليه السلام رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: *إنما مثل المرأة مثل الضلع المعوج إن تركته انتفعت به وإن أقمته كسرتة. وفي حديث آخر استمتعت به. همانا مثل زن مانند دنده کج است اگر به حال خود واگذاری بهره مند شوی و اگر راستش کنی می شکند، و در حدیث دیگر به جای «انتفعت، استمتعت» آمده است. «۱»*

۲- محمد واسطی گفت: *أبو عبد الله عليه السلام فرمود: إن إبراهيم شكوا إلى الله ما يلقي من سوء خلق ساره فأوحى الله إليه: انما مثل المرأة مثل الضلع المعوج ان أقمته كسرتة و ان تركته استمتعت به اصبر عليها. حضرت ابراهیم از بدی اخلاق سارا به خدا شکایت نمود، خداوند به او وحی نمود، همانا مثل زن مانند دنده کج است اگر به حال خود واگذاری بهره مند شوی و اگر راستش کنی می شکند، به (بد اخلاقی او) صبر کن. «۲»*

۳- حسین بن زید: از امام صادق: از پدرانش عليهم السلام- در حدیث المناهی- از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم- فرمود: *(ألا) و من صبر على خلق امرأة سيئة الخلق واحتسب في ذلك الأجر أعطاه الله ثواب الشاكرين (في الآخرة). آگاه باش هر کس به خاطر خدا به اخلاق زن بد اخلاق، صبر نماید خداوند در آخرت اجر شکر گذاران را به او عطا فرماید. «۳»*

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: *من صبر على سوء خلق امرأته أعطاه (الله) من الأجر ما أعطاه داود عليه السلام على بلائه، ومن صبرت على سوء خلق زوجها أعطاه مثل*

(ثواب) آسیه بنت مزاحم. هر (مردی) به اخلاق بد همسرش صبر نماید خداوند از اجر عطا نماید آنچه را که در صبر به بلا، برای داود عطا نموده است، و هر (زنی) به

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۵۲

اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند مانند ثواب آسیه دختر مزاحم (زن فرعون) را به او عطا نماید. «۱»

۵- ألا- و من صبر على خلق امرأة سيئة الخلق واحتسب في ذلك الأجر أعطاه الله ثواب الشاكرين في الآخرة، ألا وأيما امرأة لم ترفق بزوجها وحملته على ما لا يقدر عليه وما لا يطيق لم تقبل منها حسنة وتلقى الله (وهو) عليها غضبان. (حضرت فرمود): آگاه باش هر کس به اخلاق زن بد اخلاق، صبر نماید و در این صبر پاداش خدا را در نظر گیرد، خداوند برای او ثواب شکر گزاران را در آخرت عطا نماید،

آگاه باش هر زنی با شوهرش مدارا نکند و او را بر چیزی که قدرت و طاقت آن را ندارد، وادار سازد، از او حسنه‌ای قبول نمی شود و خدا را ملاقات نماید در حالی بر او غضبناک است. «۲»

۶- جابر (بن یزید جعفی)، از ابي عبد الله (عليه السلام) فرمود: *إن الله كتب على الرجال الجهاد و على النساء الجهاد فجهاد الرجل ان يبذل ماله ودمه حتى يقتل في سبيل الله، و جهاد المرأة ان تصبر على ما ترى من اذى زوجها وغيرته. خداوند بر مردان و زنان، جهاد را نوشته (و واجب نموده) است، پس جهاد مرد بذل مال و جان است تا در راه خدا کشته شود، و جهاد زن آن است که بر اذیت و غیرت (و سختگیری) شوهرش، صبر نماید. «۳»*

۴- بیرون رفتن خانم بی اجازه شوهر!

۴- بیرون رفتن خانم بی اجازه شوهر! زن از نظر روحی و جسمی، لطیف و تأثیرپذیر است لذا در شرایع آسمانی مخصوصاً در شریعت اسلام از حضور این قشر از جامعه را، در محافل عمومی و جوامع همگانی حتی برای نماز جمعه و عید فطر و عید قربان هم «۴»، بنا به عللی، ممانعت

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۵۳

به عمل آورده است؛

۱- جلوگیری از متلاشی شدن خانواده‌ها! زیرا بانوان اگر در جامعه مانند مردان ظاهر شوند و خود نمائی نمایند، یا خود منحرف می‌شوند و یا مردان را با جلوه گری احیاناً با عشوه گری خود به انحراف می‌کشانند؛

۲- حضورشان در اجتماع و صحبت با هم جنسان خود، بتدریج متأثر شده دچار افسردگی و یا بد رفتاری با شوهر خود خواهند شد؛

۳- در اثر این ممارست‌ها به طور ناخواسته به منجلاب و تباهی گرفتار خواهند شد.

۴- چیزهای خانمانسوز و خانه بر انداز را، از همنشینان و همنوعان خود یاد گرفته و در موقعیت‌های مناسب، اجرا می‌کند.

وعلل زیادی که با کمی تفکر، برای هرکسی روشن می‌شود، و برای این که شوهران صلاحیت حضور در این گونه جاها را خوب تشخیص می‌دهد، بدینجهت در این باره فرمایشاتی دارند که نمونه هائی از آن را می‌آوریم.

۱- عبد الملک بن عمیر، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: أربعة لا تقبل لهم الصلاة الامام الجائر، والرجل يؤم القوم وهم له کارهون، والعبد الابق من موالیه من غیر ضروره، والمرأة تخرج من بیت زوجها بغیر اذنه. چهار گروهند که نمازشان قبول نمی‌شود!؛ الف- رهبر ستمگر؛

بمردی که به قومی امامت نماید که آنها او را دوست ندارند؛

ج- بنده‌ای که از موالیان خود بدون ضرورت، بگریزد؛

د- و زنی که بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود. «۱»

۲- حسین بن زید، از امام صادق، از پدران بزرگوارش علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم- در حدیث مناهی- فرمود: ونهی أن تخرج المرأة من بیتها بغیر اذن زوجها، فإن خرجت لعنها کل ملک فی السماء وکل شیء تمر علیه من الجن والانس حتی ترجع إلی بیتها ... ونهی نموده است که، زن از خانه‌اش بی اجازه شوهر، بیرون رود، چنانچه خارج

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۵۴

شود، بر او لعنت فرستند، فرشتگان و تمامی چیزهائی که از کنار آن بگذرند از جن و انس تا به خانه‌اش برگردد. «۱»

۳- و از او علیه السلام سؤال نمودم عن المرأة لها أن تخرج من بیت زوجها بغیر اذنه؟ قال: لا. از زن آیا می‌تواند بی اجازه شوهر از خانه‌اش بیرون رود؟! فرمود: نه. «۲»

۴- محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام فرمود: زنی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت:

یا رسول الله ما حق الزوج علی المرأة؟ فقال لها: ... ولا تخرج من بیته إلا باذنه، فان خرجت بغیر اذنه لعنتها ملائكة السماء وملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتی ترجع إلی بیتها. حق مرد برگردن زن چیست؟! فرمود: ... و از خانه بدون اجازه بیرون نرود، اگر بیرون رود، فرشته‌های آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت، بر او لعنت نماید تا به خانه برگردد. «۳»

۵- ولید بن صبیح، از ابی عبد الله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أیه امرأة تطیبت ثم خرجت من بیتها فهی تلعن حتی ترجع إلی بیتها متی رجعت. هر زنی خود را خوشبو نموده و از خانه خود بیرون رود، لعنت کرده می‌شود تا به خانه برگردد. «۴»

۵- غیرت زنانه! در دوران زندگی زن و شوهر، مراحل گوناگون وجود دارد، بعضی از اوقات زن به خاطر علاقه زیاد به شوهرش او را تحت نظر دارد که مبادا زن دیگری، بر زندگی او وارد شود! و گاهی زن به اندازه‌ای به شوهر فشار می‌آورد که او را از راه مستقیم منحرف کرده و از خود دور می‌سازد؛ روایت در باره اولی از فرط محبت و دوست داشتن تلقی و دومی را زاییده کفر می‌داند توجه کنید.

۱- صفوان، از اسحاق بن عمار گفت: به ابا عبد الله علیه السلام گفتم: المرأة تغار علی الرجل

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۵۵

تؤذیه قال: ذاک من الحبّ. زن برای مردش غیرت ورزیده اذیتش می‌کند، فرمود: آن از دوست داشتن است. «۱»

۲- امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: غیرة المرأة کفر و غیرة الرجل ایمان. غیرت زن (در بد رفتاری بامرد) کفر است و غیرت مرد ایمان! «۲»

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الغيرة من الإيمان والبذاء من الجفاء. غیرت از (گروه) ایمان و بد دهنی از (دسته) ستم است. «۳»

۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کتب الله الجهاد علی رجال امتی والغیره علی نساء امتی فمن صبر منهم واحتسب أعطاه أجر شهید. خداوند جهاد را به مردان امت من نوشته و غیرت را برای زنان امتم، پس هر کس به (غیرت) آنها صبر نماید، (خداوند) اجر شهید بر او عطا فرماید. «۴»

۶- حسادت چه کارها که نکند!!

۶- حسادت چه کارها که نکند!! انسان در گذران عمر باید هشیار و آگاهانه زندگی نماید، تا با کوچک‌ترین غفلت، خود را به درد سر نینداخته و آبروی خود را به باد ندهد؛

مراقب اعمال و رفتار خود باشد مبادا، با کمترین بی توجهی بنیان خانه و خانواده‌اش را متزلزل ساخته و بر اندازد؛ مخصوصاً مواظب باشد حس حسادت همسرش را تحریک و بیدار نکند، زیرا حسد از صفات مذمومه و ناپسندی است که پیامدهای خطرناک و بدبخت کننده دارد به طوری که در قرآن کریم خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: بنام بخشاینده مهربان: بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح از شر هر آفریده‌ای و از شر تاریکی‌ها وقتی که جهان را فرا گیرد و از شر زنهای افسونگر وقتی که به گره می‌دمد

(و بر آن افسون می‌خواند) و از شرّ حسودان هنگامی که حسد می‌ورزند. «۵»

پس وقتی آتش حسد آدمی را فراگیرد و غلیان کند و در دل زبانه کشد، از هیچ گونه

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۵۶

رسوایی و جنایت و خیانت و... فروگذار نخواهد شد، پناه بر خدا!! به روایت ذیل دقت نمائید.

۱- ابن ابی عمیر: از عبد الرحمن بن حجاج گوید: بینما رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قاعد إذ جاءت امرأة عریانة حتی قامت بین یدیه فقالت: یا رسول الله، انّی فجرت فطهرنی، قال: و جاء رجل یعدو فی اثرها فألقى علیها ثوباً، فقال ما هی [منک]؟ قال: صاحبتی یا رسول الله خلوت بجاریتی فصنعت ما تری قال: ضَمَّها إِلَیک، ثم قال: انّ الغیراء لا تبصر أعلى الوادی من أسفله. (روزی) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود، زن لخت و عریان آمد و پیش روی آن حضرت ایستاد و گفت: ای رسول خدا من زنا کرده‌ام مرا پاک کن (سنگ سارم نما چون شوهر دارم!) و مردی پشت سر او می‌دوید و آمد لباسی روی آن زن انداخت،

حضرت پرسید او با تو چه نسبتی دارد؟ عرض کرد: ای رسول خدا زن من است، من با کنیزم خلوت کرده بودم (و او آمد و ما را دید) دست به این کار زد که دیدی، فرمود: او را بردار (وبیر) زن غیرت دار (در حسادت زنانگی) بالای وادی را از پایینش نمی‌بیند (و تشخیص نمی‌دهد). «۱»

۲- یونس بن یعقوب: از سعیده گفت: بعثتی أبو الحسن علیه السلام إلى امرأة من آل الزبير لأنظر إليها أراد أن يتزوجها- إلى ان قالت: فتزوجها فلما بلغ ذلك جواريه جعلن يأخذن بأردانه وثيابه وهو ساكت يضحك لا يقول لهن شيئاً، فذكر أنه قال: ما شيء مثل الحرائر. ابوالحسن علیه السلام مرا برای پسندیدن زنی از آل زبیر فرستاد که اراده ازدواج با او را داشت، و با او ازدواج نمود وقتی که کنیزان آن حضرت از قضیه با خبر شدند دامن و لباس آن حضرت را می‌گرفتند (که ماهستیم زن دیگر چرا؟!) و حضرت ساکت بود و می‌خندید و چیزی به آنها نمی‌گفت و یادش آمد که می‌فرمود: هیچ چیز (از نظر شخصیت و متانت و دوست داشتنی‌تر) مانند زنان آزاد نمی‌شود. «۲»

۷- اگر سجده به غیر خدا جایز بود ...

۷- اگر سجده به غیر خدا جایز بود ... در شریعت اسلام برای استحکام بخشیدن به بنیان زندگی خانوادگی، به اطاعت بانوان از همسرانشان: در حد بالا و فوق تصور: سفارش شده است بگونه‌ای که اگر سجده به غیر خدا جایز بود، به خانم‌ها دستور می‌دادند که به شوهرانشان سجده نمایند و از آنها فرمان برداری کنند! زیرا بانوانند که به کانون خانواده گرمیت می‌بخشند و با عواطف سرشار وجودی خود، افراد خانواده را، دور هم جمع می‌نمایند و مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوند می‌دهند و چشم و چراغ زندگی هستند؛

در روایت آمده است بانویی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و از حق شوهر برای زن سؤال نمود و حضرت تعدادی از آن حقوق را بیان نمود، زن پس از شنیدن این حقوق، عرض کرد ای رسول خدا من از این ساعت مردان را بر خود حرام کردم و تصمیم گرفتم که دیگر ازدواج نکنم و زیر این همه مسئولیت نروم چون من توانایی به جا آوردن آنها را ندارم.

۱- سلیمان بن خالد: از ابي عبد الله علیه السلام فرمود: ان قوماً أتوا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقالوا: يا رسول الله إنا رأينا أناساً يسجد بعضهم لبعض فقال: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لو أمرت أحداً أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها. گروهی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: ای رسول خدا ما کسانی را دیدیم بعضی به بعضی دیگر سجده می‌کرد؟! فرمود: اگر من امر می‌کردم کسی به کسی سجده کند، امر می‌نمودم زن به شوهرش سجده نماید. «۱»

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لا یصلح لبشر أن یسجد لبشر و لو صلح لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها، ... صلاحیت ندارد (و جایز نیست) بشر برای بشر دیگر سجده کند، اگر (چنین چیزی)

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۵۸

جایز بود، البته امر می‌کردم زن به شوهرش سجده نماید ... «۱»

۳- علی بن حسان از عمویش عبد الرحمن، از ابي عبد الله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لو أمرت أحداً أن یسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها. اگر امر می‌نمودم کسی بر کسی سجده کند، البته امر می‌کردم زن بر شوهرش سجده نماید. «۲»

۸- تقسیم وظایف

۸- تقسیم وظایف زن موجودی است بنا به روایات که خداوند آنها را از باقیمانده خمیره یا از دنده چپ، آدم آفرید تا انیس مرد و

مونس شوهر شود و همگام با او برای چرخش زندگی و تربیت فرزندان و دهها مسائل دیگر: یاری رساند؛

البته از نظر اسلام، برای بانوان الزام آور نیست که این کارها را انجام دهند بلکه نوعی مساعدت به شوهران و برداشتن بار از دوش همسرانشان می‌باشد؛

و از آنجائی که باید زندگی برای طرفین شیرین و دوست داشتنی شود: خیلی‌ها وظایف و کارهای مربوط به زندگی مشترک را میان خود و همسرانشان تقسیم می‌کنند تا سنگینی بار زندگی در دوش هر دوی زوجین باشد و باهم همکاری نمایند، تا با خوشی و خرمی به سر منزل مقصود برسند و واقعاً کار پسندیده ایست و مورد قبول خردمندان جهان.

۱- اَبی البختری: از اَبی عبد الله علیه السلام: از پدر بزرگوارش علیه السلام فرمود تقاضی علی و فاطمه اِلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی الخدمه ففرضی علی فاطمه علیها السلام بخدمتها ما دون الباب، وقضی علی علی علیه السلام بما خلفه قال: فقالت فاطمه: فلا یعلم ما دخلنی من السرور إلا الله باکفائی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تحمل أرقاب الرجال. علی و فاطمه علیهما السلام برای تعیین (و تقسیم کار) به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند، فرمود: کارهای پشت در (داخل خانه) با فاطمه و بیرون در باعلی باشد، فاطمه فرمود: کسی غیر از خدا ندانست که چقدر از

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۵۹

این حکم خوشحال شدم، از این که رسول خدا (کارهای سخت را) به گردن مردان گذاشت (و مرا از کار بیرون، معاف داشت و راحت نمود). «۱»

۲- نجم از امام باقر علیه السلام فرمود: ان فاطمه علیها السلام ضمنت لعلی علیه السلام عمل البيت والخبز وقم البيت، وضمن لها علی علیه السلام ماکان خلف الباب نقل الحطب و ان یجیء بالطعام. همانا فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام کار خانه و خمیر و نان پختن و جارو کردن (کارهای داخل خانه) را ضمانت کرد و علی علیه السلام هم کارهای بیرون از خانه، حمل هیزم و طعام آوردن را ضامن شد! «۲»

۹- وجوب اطاعت خانم از شوهر

۹- وجوب اطاعت خانم از شوهر با تجربه ثابت شده است که از هم گسیختگی و متلاشی شدن یک اجتماع یا یک خانواده در اثر گردن فرازی و نافرمانی افراد آن جامعه و خانواده، به فرمان روا و بزرگ خانواده است، بدین منظور و برای اینکه نظم خانواده و جامعه از هم نگسلد و فرو نپاشد دستور داده‌اند از بزرگان اطاعت شود بخصوص بانوان از شوهران خود اطاعت و فرمان برداری نمایند.

۱- عبد الله بن سنان: از اَبی عبد الله علیه السلام فرمود: ان رجلا من الأنصار علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خرج فی بعض حوائجه فعهد اِلی امرأته عهداً ان لا تخرج من بیتها حتی یقدم، قال: و ان اباهما قد مرض فبعثت المرأه اِلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تستأذنه ان تعود فقال: لا اجلسی فی بیتک واطیعی زوجک قال: فتقل فأرسلت اِلیه ثانیاً بذلک فقال: اجلسی فی بیتک واطیعی زوجک قال: فمات أبوها فبعثت اِلیه ان اِصلی علیه فقال: لا، اجلسی فی بیتک واطیعی زوجک قال: فدفن الرجل فبعثت اِلیها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

ان الله قد غفر لك ولأبيک بطاعتک لزوجک. مردی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای بعضی از نیازمندی هایش بیرون رفت و به زن خود سفارش کرد تا برگشتنش از خانه

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۰

بیرون نرود، (درطول سفر تا بازگشت شوهر)، پدر زن مریض شد، زن کسی را پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد

اجازه عیادت از پدر را خواست، فرمود: نه، در خانه ات بنشین و از شوهرت اطاعت نما؛ بیماری پدر سنگین شد دوباره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اجازه خواست؟ فرمود: در خانه بنشین و از شوهرت اطاعت کن! پدرش فوت کرد سومین بار به سوی رسول خدا کسی را فرستاد که اجازه حضور در نماز میت پدر را خواستار شد؟ فرمود: نه، در خانه ات بنشین و از شوهرت فرمان بر؛ پدر دفن شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سوی آن زن کسی را فرستاد و فرمود: همانا خداوند به خاطر اطاعت از شوهرت، هم تورا بخشید و هم پدرت را. «۱»

۱۰- مراقبت بر آزادی خانم‌ها!

۱۰- مراقبت بر آزادی خانم‌ها! آزادی زنان یکی از مسائل بحث‌انگیز و مورد اظهار نظرهای گوناگون و تلاقی افکار مختلف، می‌باشد.

یکی مدافع آزادی کامل و دیگری خواهان اعتدال و سومی سختگیر و خشن وو ..؛

ولی اگر منصفانه قضاوت کنیم و با وجدان خود به حل و فصل قضیه پردازیم، وجداناً می‌پذیریم از آن روز که بانوان قدم به عرصه گشت و گذار و کسب و کار و اشتغال گوناگون، گذاشتند، کنترل اوضاع از دست خارج شده و جامعه رو به تباهی و انحطاط اخلاقی و غیره، می‌رود، زیرا خداوند برای بقای نسل و استمرار تولید آن جذابیت و کشش دو جنس مخالف را، در روح و روان آنها متمرکز ساخته است، اگر رادع و مهار کننده‌ای در میان نباشد، آرامش و اطمینان و خوشبختی و سعادت، خانواده‌ها از میان برداشته خواهد شد؛

این را نیز می‌دانیم که خداوند، مادر بزرگمان «حوّا» را از زیادی گل یا از دنده پدر بزرگ مان «آدم» آفرید یعنی زن در واقع جزء بدن مرد و مکمل وجود اوست، بدین سبب مرد مورد علاقه زن و آرامش بخش وجود اوست، اگر حفظ شرافت و اصالت خانوادگی و مراقبت از شخصیت خود نشود و بالاتر از همه اینها اگر از نظر ایمان کم بهره و خدا ترسی اش ضعیف باشد، در هر موقعیتی که پیش آید و (مقتضی موجود

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۱

و مانع مفقود) باشد، به هر مردی برسد خود را تسلیم نموده و آماده کامجویی خواهد بود؛

بدین خاطر زیاد سفارش شده است، زنان را رها نساخته و برایشان آزادی کامل داده نشود تا خدای نکرده به پرتگاه خطرناک شهوات نفسانی، سقوط نمایند.

بدینجهت است که شرایع آسمانی بالأخص شریعت اسلام در این باره، دستورات و فرمان‌های زیاد صادر کرده است؛

الف- دختر و پسر که به سن بلوغ رسیدند، فوراً ازدواج نمایند، مخصوصاً در اوان بلوغ و پیش از آنکه به اصطلاح چشمشان باز شود؛

ب- تعیین تکالیف و تقسیم وظایف نموده و زن و مرد را برای عمل به آن، فراخوانده است، بانوان کارهای داخل خانه و آقایان بیرون از خانه را انجام دهند؛

ج- برای هر دو قشر اکیداً دستور داده است که حجاب خود را حفظ نمایند و از حرام بپرهیزند و چشمان خود را از نامحرم بپوشانند؛

د- تأمین خوراک و پوشاک و مسکن را به عهده مردان گذاشته است تا آنان در بیرون تکاپو نموده و به تلاش خود ادامه دهند و وظیفه مادری و تربیت و بزرگ نمودن اطفال را بر عهده بانوان گذاشته است تامی توانند از خود نمائی و ظاهر شدن در بیرون، بپرهیزند؛

در واقع کشش ساختمان وجودی زن و مرد را در نظر گرفته و کارهای سخت و جنگ و ساخت و ساز جامعه را بر گرده آقایان و مشغله‌های وقت گیر و سر و کله زدن با گلهای زندگی و پخت و پز وو .. را به عهده بانوان گذارده تا تعادل زندگی بهم نخورد و هرکس پی کار خود باشد؛

و نیز از ظهور بانوان در مجامع عمومی و محافل همگانی جلوگیری به عمل آید مگر در موارد ضروری.
به روایاتی در این مورد توجه فرمائید.

۱- فاطمه دختر امام حسین، از پدر بزرگوارش، از علی بن ابی طالب علیهم السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: النساء عی و عورات فداوا و عینهن بالسکوت و عوراتهن بالبیوت. زنها عاجز و واجب الستر هستند پس ناتوانی آنها را با سکوت (در برابر آنها) و پوشیده

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۲

ماندنشان را در خانه‌ها مداوا کنید. «۱»

۲- علی بن عیسی در کتاب (کشف الغمّه) از کتاب أخبار فاطمه علیها السلام ابن بابویه از علی علیه السلام فرمود: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم فرمود: أخبرونی أی شیء خیر للنساء؟

فعیننا بذلك کلنا حتی تفرّقنا، فرجعت إلی فاطمه علیها السلام فأخبرتها بالذی قال لنا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ولیس أحد منا علمه ولا عرفه، فقالت: ولکنی أعرفه خیر للنساء أن لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال، فرجعت إلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقلت: یا رسول الله سألتنا أی شیء خیر للنساء خیر لهنّ أن لا یرین الرجال ولا یراهنّ الرجال، فقال: من أخبرک، فلم تعلمه وأنت عندی؟ قلت: فاطمه، فأعجب ذلك رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و قال: انّ فاطمه بضعة منی. به من خبر دهید چه چیز برای زنها بهتر؟! پس همه ما و اماندیم (نتوانستیم جواب دهیم) همگی متفرق شدیم، من به سوی فاطمه علیها السلام برگشتم و جریان را گفتم: فرمود من می‌دانم: بهترین کار برای زنان آنست که نه زنها مردان (نامحرم) را و نه مردها زنان (نامحرم) را ببینند؛ پس به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برگشتم و گفتم: ای رسول خدا سؤالی که از ما پرسیدی چه چیز برای زنها بهتر؟! (جوابش این است)، بهترین کار برای زنان آنست که نه زنها مردان (نامحرم) را و نه مردها زنان (نامحرم) را ببینند؛ فرمود: که به تو خبر داد (و یاد داد؟! عرض کردم فاطمه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تعجب کرد و فرمود: همانا فاطمه پاره‌ای از من است. «۲»

۳- وهب، از ابی عبد الله (علیه السلام) فرمود: قال أمير المؤمنين عليه السلام: خلق الرجال من الأرض وإتّما همّهم فی الأرض، وخلقّت المرأة من الرجال وإتّما همّهم فی الرجال فاحبسوا نساءکم یا معاشر الرجال امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: مردان از زمین آفریده شده‌اند (بدینجهت) همت آنها در زمین (وبه‌ر برداری از آن) است و زنها از مردان به وجود آمده‌اند و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۳

همت آنان در مردان است، پس زنان تان را حبس نمائید (و از آنها مراقبت کنید) ای گروه مردان. «۱»

۴- غیاث بن إبراهیم، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: إنّ المرأة خلقت من الرجل وإتّما همّتها فی الرجال فأحبّوا نساءکم، وإنّ الرجل خلق من الأرض فأنّما همّته فی الأرض. همانا زن از مرد آفریده شده است، و به یقین همت آنها در مردان است، پس زنانتان را دوست بدارید و مرد از زمین خلق شده و همت او در زمین است. «۲»

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ضمن بیاناتی فرمود: ... فقصّروا أجنحة نساءکم ولا تطولوها فإنّ فی تقصیر أجنحتها رضی و سروراً ودخول الجنة بغير حساب، احفظوا وصیتی فی أمر نساءکم حتی تنجوا من شدة الحساب، ومن لم یحفظ وصیتی فما أسوء حاله بین یدی الله و قال علیه السلام: النساء حبال الشیطان. پس بال‌های زنانتان را کوتاه نمایید و آن را بلند نکنید، زیرا در کوتاه

کردن بالهای آنها، رضایت و شادی و وارد شدن در بهشت است بدون حساب.

وصیت مرا در باره زنانان حفظ کنید، تا از شدت حساب (قیامت) نجات یابید، و هر کس وصیت مرا حفظ ننماید، پس چقدر حال او بد خواهد شد در پیشگاه خدا، و باز فرمود: زنها دام‌های شیطانند (به هر کس این دام گسترده شود در آن دام افتاده و تباہ خواهد شد)!. (۳)

۶- فرمود: إِنَّ فَاطِمَةَ دَخَلَ عَلَيْهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِهِ كَأَبَةٌ شَدِيدَةٌ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ مَا هَذِهِ الْكَأَبَةُ؟ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ؟ فَقَالَتْ عَوْرَةٌ، فَقَالَ فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا؟ فَلَمْ نَدِرْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ لَعَلِّي عَلَيْهَا السَّلَامُ:

ارجع إليه فأعلمه أن أدنى ما تكون من ربها أن تلزم قعر بيتها، فانطلق فأخبر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما قالت فاطمة عليها السلام، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إن فاطمة بضعة مني. همانا علی بن ابی طالب علیهما السلام به (منزل) فاطمه داخل شد و در او غمگینی (و خستگی) شدید دیده می‌شد، پس فاطمه علیها السلام گفت ای علی این چه ناراحتی است (در سیمای تو؟!،) علی علیه السلام گفت: رسول خدا از ما در باره زن سؤال نمود که چیست او

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۴

(یعنی زن)؟ گفتیم: عورت است، فرمود: کی به خدا نزدیک تر می‌شود؟! ما (هیچکدام نفهمیدیم و) درک نکردیم فاطمه به علی گفت: برگرد خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اعلام کن (زن) زمانی به خدا نزدیک می‌شود که در توی خانه‌اش (بنشیند و) ملازم آن باشد؛

پس رفت و به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد آنچه که فاطمه علیها السلام گفته بود فرمود: فاطمه پاره‌ای از من است. (۱)

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: النساء عورة احبسوهن فی البيوت واستعينوا عليهن بالعري. زنها عورت هستند آنها را در خانه حبس نمائید (و بازدارید) و بر آنها یاری رسانید با بی بهره و محروم کردن از بیرون رفتن (یا با برهنگی یعنی به آنها از نظر پوشاک، زیاد نپردازید تا هوس بیرون رفتن را ننمایند). (۲)

۸- ابي هريرة، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يدع حليلته تخرج إلى الحمام. هر کس به خدا و قیامت ایمان آورده است، پس ننگذارد خانمش به حمام (عمومی) برود، (زیرا حمام محل لخت شدن و اعضای زیرین آشکار و عیبها روشن شدن و مرکز تلاقی افکار زنانه و صحبت‌های ناگوار و .. است). (۳)

۹- سکونی، از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام فرمود: قال علی علیه السلام: من أطاع امرأته فی أربعة أشياء أکبه الله علی منخریه فی النار قیل وما هی؟ قال: فی الثیاب الرقاق والحمامات والعرسات والنایحات. علی علیه السلام فرمود: هر کس در چهار چیز به زنش اطاعت نماید، خداوند او را به دودماغ (یعنی به رو) به آتش اندازد، گفتند: آن چهار چیست؟! فرمود: در لباس نازک و حمام‌ها و عروسی‌ها و نوحه خوانی‌ها. (۴)

۱۰- عبد الرحمن بن کثیر، از ابي عبد الله (علیه السلام) فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام در نامه‌ای که به امام حسن علیه السلام فرمود: إياك ومشاورة النساء فإن رأيهن إلى الإيفن، وعزمهن إلى الوهن، واكفف عليهن من أبصارهن بحجابك أيهن فان شدة الحجاب خير لك ولهن من

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۵

الإرتياب، وليس خروجهن بأسد من دخول من لا- يوثق به عليهن، فإن استطعت أن لا- يعرفن غيرك من الرجال فافعل. مبدا با زنان مشورت نمائی، زیرا رأی آنها به ضعف و قصدشان به سستی است، و ببند چشمانشان را با حجاب خود بر آنها، همانا سخت گیری

در حجاب، برای تو و آنها بهتر است از هوسرانی (و به انحراف کشیده شدن)؛ بیرون رفتن آنها (از خانه) مطمئن تر از ورود اشخاص بی اطمینان بر آنان، (و خطرش کمتر و بازدارنده تر) نیست، اگر می توانی (کاری کنی که همسرانت) مردی را جز تو نشناسند، (این کار را) بکن. «۱»

۱۱- حکم زدن خانم!

۱۱- حکم زدن خانم! واژه «ضَرْب» «زدن» از لغات مشترک است و معنای متفاوت دارد، زدن فیزیکی، اخلاقی، روانی و .. در اصطلاح و محاورات روزانه هم فرق می کند، من تو را می زنم (در بیکار نمودن کسی را از کار)، مخ او را زدم، خود را این طرف و آن طرف زدم (تغلا نمودم)، طوری او را زدم که حالا حالاها نمی تواند، به کارش ادامه دهد یا بلند شود و به معنای تنبیه و یازدن واقعی هم آمده است و از این قبیل.

در آیات و روایات هم معنای گوناگون دارد که با دقت در مطالب ذیل، روشن می شود.

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: *إِنِّي أتعجب ممن يضرب امرأته وهو بالضرب أولى منها، لا تضربوا نساءكم بالخشب فإن فيه القصاص، ولكن اضربوهن بالجوع والعري حتى تريحوا في الدنيا والاخرة ... من تعجب می کنم از کسی زنش را می زند در حالی که خودش به زده شدن اولی تر است، زنانان را با چوب نزنید چون در آن قصاص هست و لکن آنها را با گرسنگی و لختی بزنید تا در دنیا و آخرت راحت شوید (در این روایت از تنبیه آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۶ اخلاقی به زدن تعبیر فرموده است. «۱»*

علی علیه السلام فرمود: مردی از انصار دخترش را پیش پیامبر صلی الله علیه و آله، آورد و گفت: یا رسول الله إن زوجها فلان بن فلان الأنصاری فضربها فأثر فی وجهها فأقیده لها؟

فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لك ذلك فأنزل الله تعالى قوله: «الرجال قوامون على النساء» الاية فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: أردتُ أمراً وأراد الله تعالى غيره. ای رسول خدا شوهر او فلان پسر فلان انصاری او را طوری زده است که در صورت او اثر گذاشته است (و کبود یا سیاه و یا زخمی شده است) آیا من هم او را بزنم (و با او مقابله به مثل نمایم) فرمود: این حق تو است، در این بین خدای تعالی این آیه را نازل نمود «مردان سر پرست و نگهبان زنانند به خاطر برتری هائی خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی قرار داده است»؛

حضرت فرمود: من چیزی را اراده نمودم و خداتعالی غیر آن را. «۲»

۲- موسی بن جعفر، از پدران علیهم السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اضربوا النساء على تعليم الخیر. زنان را برای تعلیم خیر بزنید (یعنی در صورت سرپیچی زنان از فراگرفتن علم و راه و رسم خوبیها، آنان را برای فرا گرفتن آنها وادار نمایند). «۳»

۴- امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با تعجب فرمود: *أيضرب أحدكم المرءة ثم يظلل معانقها؟! آیا یکی از شما زن را می زند سپس با او هم آغوش می شود؟! «۴»*

۱۲- مشاوره بابانوان!

۱۲- مشاوره بابانوان! مطلبی را همیشه در نظر داشته و به خاطر بسپارید در خلال مطالعه این کتاب به مطالبی بر می خورید که به ظاهر نشانه عقب گردی یا توهین به بانوان است مانند اینکه، با آنها مشورت کنید و مخالفت نمائید؛ یا آنها را بزنید، یا در خلاف

نظر و رأی

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۷

آنها برکت هست؛ و امثال این مطالب، ولی منظور از این تعبیرها چیز دیگری است؛

اولاً- باید اسناد این روایات بررسی شود، در صورت صحت آن مطلب زیر را مد نظر قرار دهید؛

و ثانیاً- منظور روایات همه بانوان نیست بلکه بانوانی که از جهت عقل و فکر و سواد و تجربه، کم بهره و یا بی بهره هستند یا زیاد طلب و کله شق و خود خواهند، چون مسلم است نظربانویی که با این صفات متصف باشد، رأی و نظراو مورد قبول نبوده و بی پایه خواهد بود؛

در طول تاریخ بانوان بزرگ و بزرگوار فراوان داریم که با صلاح دید آنها، کارها پیش می رفته و می رود و حتی برای اداره یک کشور و یک وزارتخانه مهم شایستگی دارند، پس نباید بی آنکه مفاد روایت را در صورت درست بودن آن، بفهمیم، بلافاصله در صدد تخریب دین و یا مسائل دیگر برآئیم، به روایت یکم دقت بفرمائید و بعدی‌ها را مطالعه نمایید.

۱- امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: إِيَّاكَ وَمَشَاوِرَةَ النِّسَاءِ إِلَّا مِنْ جَرِيَّتِ بَكْمَالِ عَقْلِ، فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ يَجِرُّ إِلَى الْإِفْنِ، وَ عَزْمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ ... مبادا با زنان مشورت نمائی مگر با بانوانی که کمال عقل او را تجربه کرده باشی، زیرا رأی آنها به تباهی می کشد و عزم آنها بر سستی ... «۱»

در این روایت امیر مؤمنان: علیه السلام بانوانی را که بکمال عقل و دور اندیشی و صاحب تجربه در کارها هستند را، استثنا نموده و مشاوره با آنها را، مجاز دانسته است.

و تمام مطالب بیان شده در باره مشاوره با بانوان را در محور دین، روشن می سازد زیرا بانویی که صاحب خرد و فکر درست و پخته است، چرا طرف مشورت قرار نگیرد و از تجربیاتش استفاده نشود!.

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله إذا أَرَادَ الْحَرْبَ دَعَا نِسَاءَهُ فَاسْتَشَارَهُنَّ ثُمَّ خَالَفَهُنَّ هَرَوَقْتَ أَرَادَهُ جَنْكَ دَاخِلَ خَانِمَاهِشِ فَرَأَى خَوَانَهُ وَ بَا أَنْهَا مَشُورَتِ مِي نَمُودَ وَ سِيسَ بِرْ خَلَاْفِ رَأْيِ أَنْهَا عَمَلِ مِي كَرْدَ. «۲»

زیرا آنها از جنگ اطلاعی نداشتند و به رموز حرب نابلد بودند و روی عواطف نظر

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۸

می دادند، پس مخالفت حضرت با آنها روی حساب درست بود.

۲- ابن فضال، از امام صادق، از پدرش و از پدران بزرگوارش علیهم السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شاوروا النساء و خالفوهن فانّ خلافهن برکة. با زنها مشورت کرده و با آنها مخالفت نمایید زیرا در خلاف آنها برکت هست. «۱»

۳- امام علیه السلام فرمود: فی خلافهن البرکة. در خلاف آنها برکت هست. «۲»

۴- در وصیت امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمود: إِيَّاكَ وَمَشَاوِرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أْفْنٍ، وَ عَزْمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ ... مبادا با زنان مشاوره نمایی، چون رأی آنها بی پایه و عزمشان بر سستی است. «۳» این گونه روایات را در بالا معنا کردیم

۱۳- اطاعت از بانوان!

۱۳- اطاعت از بانوان! در تعدادی از روایات، اطاعت از زنان و همسران، تقبیح و مورد مذمت قرار گرفته! و به رو به آتش انداخته خواهد شد!!.

حالا ببینیم اطاعت از همه خواسته‌ها و دستورهای آنهاست یا موارد خاصی در نظر گرفته شده است، به متون روایات دقت نمائید که خود مسئله را روشن می نماید.

۱- از اَبی عبد الله علیه السلام از پدراننش علیهم السلام فرمود: در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من أطاع امرأته أکبه الله علی وجهه فی النار قال: وما تلك الطاعة؟ قال: تطلب إليه الذهاب إلى الحمامات والعرسات والعيادات والنايحات والثياب الرقاق فيجيبها. هرکس از زنش اطاعت نماید خداوند او را به رو به آتش اندازد! گفت: کدام اطاعت؟ فرمود: از شوهرش رفتن به حمام‌ها و عروسی‌ها و عید دیدنی‌ها و نوحه گری‌ها و لباس نازک بخواهد او نیز موافقت نماید. «۴»

۲- سکونی، از امام صادق علیه السلام از پدراننش علیهم السلام فرمود: قال علی علیه السلام: من أطاع امرأته أکبه الله علی وجهه فی النار، قيل: وما تلك الطاعة؟ قال: تطلب إليه أن تذهب إلى الحمامات
آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۶۹

وإلى العرسات وإلى النايحات والثياب الرقاق فيجيبها. هرکس از زنش فرمان برد، خداوند او را به رو به آتش اندازد! گفته شد: کدام اطاعت؟ فرمود: از شوهر در خواست نماید رفتن به حمام‌ها و عروسی‌ها و نوحه گری‌ها و لباس نازک و او هم قبول نماید. «۱»

۳- و فرمود: علیه السلام: طاعة المرأة ندامة. اطاعت از زن (نادان) پشیمانی است «۲»

۴- علی علیه السلام فرمود: کل امرئ تدبره امرأة فهو ملعون. کار هر مردی را زن (ناپخته) تدبیر (و تنظیم) کند، او ملعون است! «۳»

۱۴- احسان خانم از مال شوهر

۱۴- احسان خانم از مال شوهر خانم‌ها معمولاً از خانه و مال شوهر، برای مصارفی خرج می‌کنند آیا این گونه هزینه‌ها جنبه شرعی دارد و می‌تواند یانه؟

۱- ابن بکیر، گوید: از ابا عبد الله علیه السلام سؤال نمودم: عما يحل للمرأة أن تتصدق من بيت زوجها بغير إذنه؟ قال: المأدوم. از آنچه که به زن حلال است از خانه شوهرش بی اجازه شوهر، تصدق نماید؟ فرمود: غذا. «۴»

۲- علی (بن جعفر)، از برادرش (موسی بن جعفر) علیهما السلام سؤال نمود: از زن هل لها أن تعطى من بيت زوجها بغير إذنه؟ قال: لا إلا أن يحللها (يحللها). آیا حق دارد از خانه شوهرش بدون اجازه او چیزی عطا نماید؟ فرمود: نه؛ مگر اینکه بر او حلال نماید (و اجازه دهد). «۵»

۳- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام ... ولا تتصدق من بيته بشئ إلا باذنه ... و از خانه شوهر تصدق نکند مگر با اجازه او. «۶»

۱۵- اشتغال بانوان!

۱۵- اشتغال بانوان! در فصل‌های گذشته از معایب و خطرات حضور بانوان در مجامع عمومی مطالبی گفته شد و در این فصل درباره اشتغال و در آمد زندگی آنها، صحبتی داریم؛

می‌دانیم که در شریعت اسلام تأمین خوراک و پوشاک و مسکن بانوان را، بر ذمه مردان گذاشته شده است باید به هر طریقی، به وظایف شرعی و شوهری خود عمل نماید، در غیر این صورت از سوی حاکم شرع برای عمل به این وظیفه، ملزم می‌شود، مگر اینکه توانائی جسمی یا روحی نداشته باشد در این صورت هزینه زندگی او از بیت المال تأمین خواهد شد؛

بلی اگر بانوئی بیوه باشد و نان آور خود را از دست داده باشد و از طرف حکومت مخارج او فراهم نگردد و در منزل امکان اشتغال و در آمد برایش میسر نباشد، می‌تواند به کارهای بیرون از منزل با رعایت حجاب و سایر دستورات دینی، اشتغال ورزیده و زندگی

خود را بچرخاند.

۱- ابن اسباط، از عمویش سند را رسانده به علی علیه السلام گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نعم اللّٰهُ المغزل للمرأة الصالحة. چه سرگرمی خوبیست نخ ریسی (و بافتنی) برای زن صالحه. «۱»

۲- واز امام صادق علیه السلام است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لا- تنزلوا النساء الغرف ولا- تعلموهنّ الكتابة وأموهنّ بالمغزل و علموهنّ سورة النور. زنان را در غرفه (وبالآخانه‌ها) منزل ندهید (که در معرض دید قرار گیرند) و نوشتن را برای آنان یاد ندهید (تا با نا اهلان و نامردان ارتباط برقرار نمایند) آنها را امر کنید به نخ ریسی (و بافتنی) و خواندن سوره نور (که درباره تکالیف زن و مرد سخن گفته است).

پیرامون این روایت بعداً مطلبی خواهیم داشت ولی (اگر سند روایت اشکال نداشته باشد) آنچه که مسلم است، منظور روایت زنانی است قابل که اطمینان نباشد و گرنه دین مبین اسلام که آخرین ادیان و باید تا انقراض عالم، کره زمین را آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۷۱

اداره نماید، چگونه می‌تواند با بی سواد نگهداشتن نیمی از انسان‌ها (قشر زنان) را، به این مدیریت دست یابد و جهان را زیر بال و پر خود گرفته و به سرمنزل مقصود برساند؟

در حالی که از بزرگان دین خاصه شخص رسول گرامی دستورات اکید به فراگیری علم و دانش صادر شده است، فرمود:

«أطلبوا العلم من المهد الى اللحد» زگهواره تا گور، دانش بجوی؛

و «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة» فراگرفتن دانش بر هر مسلمان، زن و مرد، واجب است.

پس از پایان جنگ بدر و دستگیری گروهی از اسراء، شرط آزادی آنهایی که سواد داشتند را، باسواد نمودن چند نفر از مسلمان‌ها قرار داد.

در قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید: «أما يخشى الله من عباده العلماء محققاً از میان بندگان خدا تنها، دانشمندان از خدا می‌ترسند» «يرفع الله الذين آمنوا و الذين أتوا العلم درجات خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی که علم به او داده شده است، درجات عظیمی می‌بخشد».

«قل هل يستوي الذين يعلمون و الذين لا يعلمون بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، یکسانند». «۱»

می‌بینیم در هیچکدام از آیات و اخبار فوق که برای رعایت اختصار، یک دهم آن را نیاوردیم، زنان را استثناء نکرده است.

پس ما نمی‌توانیم با روایت فوق، از آن همه دستورات دینی برای تشویق به فراگرفتن علم و دانش و ارزش و بها دادن به علم و عالم وو... دست برداریم.

در باره علم و نظر اسلام در آن، صدها بلکه هزاران کتاب و مقالات نوشته شده است که صاحبان علم، از گوشه‌ای از آنها اطلاع دارند؛

مگر در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام و بزرگان دین در هر عصر و زمانی مکتب‌های قرآن و تدریس آن وجود نداشت و یا دختران آن بزرگان در مدینه و کوفه و سایر بلاد اسلامی مانند حضرت زینب علیها السلام، تفسیر قرآن نمی‌گفتند؛

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۷۲

مگر قابل قبول است که آخرین دین آسمانی نیمی از اقشار جامعه را در جهالت نگهدارد، مگر عاقلانه است که از این همه پیشرفت‌های علمی در هر زمینه و در هر مقوله، بانوان اسلام کور و نابینا و از همه مواهب زندگی، بی اطلاع و بی بهره بمانند.

در این باره مطالبی در بخش ۴ فصل (احکام خاص بانوان) خواهد آمد.

۳- عبد الله بن سلیمان، از اَبی عبد الله علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: لیأتین علی الناس زمان یظرف فیہ الفاجر و یقرب فیہ الماجن، و یضعف فیہ المنصف، قال: فقیل له متى یا امیر المؤمنین؟ فقال: إذا اتَّخَذت الأمانة مغنماً، والزکاة مغرماً، والعبادة استطلاةً والصلوة متاً، فقیل: متى ذلك یا امیر المؤمنین؟ فقال: إذا تسلَّطن النساء وتسلَّطن الإمام وأمر الصبیان. البته بر مردم می آید زمانی که در آن، دریدها به کار گرفته شوند، و بیهوده‌ها نزدیک (و کارها را قبضه نمایند) و با انصاف‌ها تضعیف می گردند، گفته شد (این کارها) کی خواهد شد ای امیر مؤمنان؟! فرمود: زمانی که امانتها غنیمت و زکات غرامت شمرده شود و عبادت برای خود بزرگ بینی انجام گرفت و احسان به کسی منت گذاری گردد، پرسیدند کی خواهد شد ای امیر مؤمنان؟! فرمود: زمانی که زنها مسلط شوند (و کارها را به دست گیرند!) و کنیزان قدرت پیدا کردند، و بچه‌ها فرمان روا شدند. «۱»

۱۶- نسبت زنا بر خانم!!

۱۶- نسبت زنا بر خانم!! در بعضی موارد، شوهران برای مقاصد شوم و یا زهر چشم گرفتن و یا خلاص شدن از دست همسر یا روی بدبینی یا اشتباه و... خانم‌های خود را نسبت زنا می دهند و دامن او را با تهمت نا روا، آلوده می سازند و از افترا گفتن نمی ترسند و باید برای دریافت پیامدها و عواقب ناگوار دنیا و آخرت آن، آماده باشند.

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من قذف امرأته بالزنا خرج من حسناته کما تخرج الحیة من جلدها، و کتب له بکل شعرة علی بدنه ألف خطیئة. هر کس همسر خود را نسبت زنا دهد، از اعمال خیر خود، بیرون رود (و محروم ماند) مانند بیرون رفتن مار از پوست خود، و بر تعداد هر موی بدنش هزار خطا (و گناه بر او نوشته شود). «۱»

۲- و امام علیه السلام فرمود: لا تقذفوا نساءکم بالزنا فإنه شبه بالطلاق، وإیاکم والغیبة فإنها شبهة بالكفر، واعلموا أن القذف والغیبة یهدمان عمل مائة سنة. زنان خود را نسبت زنا ندهید،

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۷۳

زیرا آن مانند طلاق دادن است، و مبدا غیبت بکنید، چون آن شبیه کفر است، و بدانید نسبت ناروای زنا و غیبت، عمل یک صد سال را، ویران می کنند. «۱» ۳- و او علیه السلام فرمود: من قذف امرأته بالزنا نزلت علیه اللعنة و لا یقبل منه صرف و لا عدل. هر کس زن خود را نسبت زنا دهد، بر او (از آسمان) لعنت نازل شود و از او هصچ عملی، کوچک و بزرگ، پذیرفته نمی شود. «۴» و باز امام علیه السلام فرمود: لا یقذف امرأته إلا ملعون أو قال: منافق، فإن القذف من الکفر و الکفر فی النار، لا تقذفوا نساءکم فإن فی قذفهن ندامةً طویلةً و عقوبةً شدیدةً. به زن خود نسبت زنا ندهد، مگر ملعون یا فرمود: منافق، زیرا نسبت نا روای زنا از کفر و کفر هم در آتش است زنان خود را نسبت زنا ندهید چون در این نسبت، پشیمانی طولانی و عقوبت شدید، در پی خواهد داشت. «۳»

۱۷- بی غیرتان!

۱۷- بی غیرتان! در هر زمانی مخصوصاً در زمان ما، کسانی پیدا می شوند که از غیرت مردانگی و شرف انسایت، به اندازه پر پشه در وجود او پیدا نمی شود بلکه به این صفت غیر انسانی و دور از شرافت، افتخار می کند و می بالد!

زیاد دیده‌ایم و می بینیم گروهی را که با زنان آرایش کرده و دلربای خود، دست بهم داده و دوش به دوش، در خیابانها و بازارها و در مجامع عمومی و در برابر چشمان جوانهای مجرد و متأهل، ظاهر می شوند و قدم زده و خود نمائی می نمایند و اگر کسی هم مانند آنها نباشد، امل و بی فرهنگ و عقب افتاده و یا مرد عصر حجری نثار می کنند و می گذرند!!

واقعاً جای بسی تأسف است که از وجود این گونه افراد یا خانواده، یا جامعه، مفهوم غیرت و معنای شرافت، رخت بر بسته و به سفر

بی پایان رفته است!! به امید روزی که این نوع اشخاص به خود برگشته و خود را دریابند و سبب تباهی جامعه و از هم آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۷۴
پاشیدن خانواده ها نشوند انشاءالله.

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث مفصل - مناهی:

وَأَيُّمَا رَجُلٍ تَزَيَّنَّ امْرَأَتُهُ وَ تَخْرَجَ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهُوَ دَيُّوثٌ وَ لَا يَأْتِمُ مِنْ يَسْمِيَةِ دَيُّوثًا، وَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مَتَزَيَّنَّتْهُ مَتَعَطَّرَةٌ وَ الزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ يَبْنِي لَزَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ بَيْتٍ فِي النَّارِ .. وَ هَرِ مَرْدٍ زَنْشِ آرَائِشِ كَرْدَةٍ وَ از درِ خانِه‌اش بیرون رود، پس او دَیُّوث است و هر کس او را دَیُّوث بنامد، گناه نکرده است!!؛

و زن زمانی که از درِ خانه‌اش، آرایش کرده و خوشبو بیرون رود و شوهرش هم بر آن، راضی شود، بهر قدمی که زن برمی دارد برای شوهرش، خانه‌ای در آتش، بنا خواهد شد. «۱»

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: أَيْمًا رَجُلٍ رَأَى فِي مَنزِلِهِ شَيْئًا مِنَ الْفَجْرِ فَلَمْ يَغْيِرْ، بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى طَيْرًا أبيضَ يَطَّلُ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَيَقُولُ كُلَّمَا دَخَلَ وَ خَرَجَ غَيَّرَ غَيَّرَ فَإِنْ غَيَّرَ وَ إِلَّا مَسَحَ رَأْسَهُ بِجَنَاحِهِ عَلَى عَيْنَيْهِ، فَإِنْ رَأَى حَسَنًا لَمْ يَسْتَحْسِنْهُ وَ إِنْ يَرَى قَبِيحًا لَمْ يَنْكَرْهُ. هر مردی در منزلش کار زشت ببیند و غیرت نشان ندهد، خدای تعالی، پرنده سفیدی را می‌فرستد، چهل روز بر او سایه افکند و در هر داخل و خارج شدن به او می‌گوید: غیرت نشان ده غیرت نشان ده، پس اگر غیرت نشان داد (فبها)، و گرنه، دوبالش را به سر و چشمان او می‌کشد، (بعد از آن چیز خوبی را ببیند خوب نمی‌شمارد و قبیح (و زشتی) را ببیند، بدش نمی‌آید (و دیگر توفیق ایمان از او سلب گردد). «۲»

۳- امام (علیه السلام) فرمود: إِنَّ الْجَنَّةَ لِيُوجَدُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسَمِائَةِ عَامٍ وَ لَا- يَجِدُهَا عَاقٌ وَ لَا دَيُّوثٌ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا الدَيُّوثُ؟ قَالَ: الَّذِي تَزَنَّى امْرَأَتَهُ وَ هُوَ يَعْلَمُ بِهَا. همانا بوی بهشت از پانصد سال راه پیدا (و استشمام می‌شود) آن را عاق والدین و دَیُّوث در نمی‌یابد، گفته شد ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دَیُّوث چیست؟! فرمود: کسی که زنش زنا می‌دهد و او می‌داند، (اما حرفی نمی‌زند). «۳»

۱۸- ضایع کردن خانواده حرام است

۱۸- ضایع کردن خانواده حرام است مواقعی پیش می‌آید که بزرگ خانواده، افراد تحت تکفل خود را در جمع یا در میان دوست و آشنا و محیط خانه: تحقیر می‌کند و توسری می‌زند، و یا در مقابل مسؤلیت‌هایی که دارد بی‌اعتنا و از هر جهت، چه تربیتی و آموزشی و غیره حقوق آنها را نادیده گرفته و خود را کنار کشیده و به امان خدا، رهامی سازد، در این صورت است که مشمول لعن و نفرین می‌گردد.

۱- قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ملعون ملعون من ضیع من یعول. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
ملعون است ملعون است هر کس عیالات خود را ضایع نماید. «۱»

۱۹- کراهت خوابیدن دور از خانه

۱۹- کراهت خوابیدن دور از خانه در اجتماع اشخاصی پیدا می‌شود که، فقط خود را می‌بیند و به زندگی خود فکر می‌کند و از دیگران غافل و حقوق آنها را پایمال و نادیده می‌گیرد، مانند معتادها و قمار باز و مشروب‌بی‌ها، در جائی گردهم آمده و سرگرم اعمال نامشروع خود می‌باشند و دور از اهل و عیال خود شب را سپری می‌کنند، و یا اصلاً اهل این کارها هم نیستند ولی در اثر بی‌مسئولیتی، مجلس بزم و عیشی، فراهم می‌کنند و پس از گذشت پاسی از شب، تنبلی کرده، از فکر برگشتن به خانه منصرف می‌شوند

و یا به زن و بچه خود بی میل شده وقت گذرانی می‌نمایند و زن و بچه را چشم براه و منتظر می‌گذارند که همه این اعمال در شأن یک انسان سالم و خدا شناس نیست.

۱- قال: وقال عليه السلام: هلک بذی المروءة ان بییت الرجل عن منزله بالمصر الذی فیہ أهله. و فرمود: صاحب مروءت به هلاکت رسید اینکه (اگر) دور از خانه خود بخوابد در شهری که اهل و عیالش در آن شهر زندگی می‌کنند (با بهانه های گوناگون از آمدن به خانه خود داری می‌نماید و یا با دوستان و رفیقان بد، شب گذرانی کند و خانواده خود را منتظر می‌گذارد). «۲»

بخش ۳ آداب معاشرت و مباشرت!

راهنمایی‌های معاشرت در خانواده

۱- آداب خانوادگی

۱- آداب خانوادگی «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثٌ مَرَّاتٍ مِّنْ قَبْلِ صِيَلَةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صِيَلَةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثٌ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

«و إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

«وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».

«۱» ای کسانی که ایمان آورده‌اید باید بردگان شما و همچنین کودکان که به حد بلوغ نرسیده‌اند (برای ورود به خوابگاه شما) در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر، و در نیم روز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی شما است؛ اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آنها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر طواف کنید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمائید) این گونه خداوند آیات را برای شما تبیین می‌کند و خداوند عالم و حکیم است.

و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همانگونه که

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۷۸

اشخاصی پیش از آنها بودند اجازه می‌گرفتند، این چنین خداوند آیاتش را برای شما تبیین می‌کند و خدا عالم و حکیم است. و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند گناهی بر آنها نیست که لباسهای (روئین) خود را بر زمین بگذارند به شرط اینکه در برابر مردم خود آرائی نکنند و اگر خود را بپوشانند برای آنها بهتر است و خداوند شنوا و دانا است. «۱»

در آیات قرآن اهمیت زیادی به پیوند خانوادگی: و احترام و اکرام پدر و مادر: و نیز توجه به تربیت فرزندان: داده شده است، که در آیات فوق به قسمتی از آن اشاره شده است: این بخاطر آن است که جامعه بزرگ انسانی از واحدهای کوچکتری به نام خانواده تشکیل می‌شود: همانگونه که یک ساختمان بزرگ از غرفه‌ها و سپس از سنگ‌ها و آجرها تشکیل می‌گردد.

بدیهی است هر قدر این واحدهای کوچک از انسجام و استحکام بیشتری برخوردار باشد استحکام اساس جامعه بیشتر خواهد بود: و یکی از علل نابسامانی‌های اجتماعی جوامع صنعتی عصر ما متلاشی شدن نظام خانوادگی است که نه احترامی از سوی فرزندان وجود دارد: نه محبتی از سوی پدران و مادران: و نه پیوند مهر و عاطفه‌ای از سوی همسران.

منظره دردناک آسایشگاه‌های بزرگسالان در جوامع صنعتی امروز که مرکز پدران و مادران ناتوانی است که از کار افتاده‌اند و از خانواده طرد شده‌اند شاهد بسیار گویایی برای این حقیقت تلخ است.

مردان و زنانی که بعد از یک عمر خدمت: و تحویل فرزندان متعدد به جامعه در ایامی که نیاز شدیدی به عواطف فرزندان: و کمکهای آنها دارند: به کلی رانده می‌شوند: و در آنجا در انتظار مرگ، روز شماری می‌کنند: و چشم به در دوخته‌اند که آشنائی از در آید: انتظاری که شاید در سال یک یا دو بار بیشتر یا اساساً تکرار نمی‌شود! به راستی تصور چنین حالتی زندگی را برای انسان از همان آغازش تلخ می‌کند و این است راه و رسم دنیای مادی و تمدن منهای ایمان و مذهب.

(در آیه دیگر) جمله «أعمل صالحا ترضاه» بیانگر این واقعیت است که عمل

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۷۹

صالح چیزی است که موجب خشنودی خدا می‌شود: و تعبیر «أحسن ما عملوا»

(بهترین کاری که انجام دادند) که در آیات متعددی از قرآن مجید آمده: بیانگر فضل بی حساب خداوند است که در مقام اجر و پاداش بندگان: بهترین اعمال آنها را معیار قرار می‌دهد و همه را به حساب آن می‌پذیرد. «۱»

۲- آداب ورود به جایگاه خصوصی والدین

۲- آداب ورود به جایگاه خصوصی والدین مهمترین مسأله ای که در آیات فصل قبل «۲»، تعقیب شده مسأله عفت عمومی و مبارزه با هر گونه آلودگی جنسی است که در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته و به اموری که با این مسأله ارتباط دارد پرداخته و خصوصیات آن را تشریح می‌کند و آن مسأله اذن گرفتن کودکان بالغ و نابالغ به هنگام ورود به اطاقهایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند.

نخست می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید باید مملوکهای شما (بردگانتان) و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مَرَات». قبل از نماز فجر و در نیم روز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء «من قبل صلوة الفجر و حین تضعون ثيابکم من الظهيرة و من بعد صلوة العشاء».

ظهیره چنانکه راغب در مفردات و فیروزآبادی در قاموس می‌گویند: به معنی نیم روز و حدود ظهر است که مردم در این موقع معمولاً لباسهای روئی خود را در می‌آورند و گاه مرد و زن با هم خلوت می‌کنند.

این سه وقت: سه وقت پنهانی و خصوصی برای شما است (ثلاث عورات لکم) عورت در اصل از ماده عار به معنی عیب است و از آنجا که آشکار شدن اندام جنسی مایه عیب و عار است در لغت عرب به آن عورت اطلاق شده.

کلمه عوره گاه به معنی شکاف در دیوار و لباس و مانند آن نیز آمده است و گاه به

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۰

معنی مطلق عیب می‌باشد: و به هر حال اطلاق کلمه عورت بر این اوقات سه گانه به خاطر آن است که مردم در این اوقات خود را زیاد مقید به پوشانیدن خویش مانند سایر اوقات نمی‌کنند و یک حالت خصوصی دارند.

بدیهی است این دستور متوجه اولیای اطفال است که آنها را وادار به انجام این برنامه کنند: چرا که آنها هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند تا مشمول تکالیف الهی باشند:

و به همین دلیل مخاطب در اینجا اولیاء هستند.

ضمناً اطلاق آیه هم شامل کودکان پسر و هم کودکان دختر می‌شود و کلمه الذین که برای جمع مذکر است مانع از عمومیت مفهوم آیه نیست: زیرا در بسیاری از موارد این تعبیر به عنوان تغلیب بر مجموع اطلاق می‌گردد همانگونه که در آیه وجوب روزه

تعبیر به الذین شده و منظور عموم مسلمانان است. «۱»

ذکر این نکته نیز لازم است که آیه از کودکانی سخن می‌گوید که به حد تمیز رسیده‌اند و مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تشخیص می‌دهند: زیرا دستور اذن گرفتن خود دلیل بر این است که این اندازه می‌فهمند که اذن گرفتن یعنی چه و تعبیر به ثلاث عورات شاهد دیگری بر این معنی است.

اما اینکه این حکم در مورد بردگان مرد است یا کنیزان را نیز شامل می‌شود روایات مختلفی وارد شده هر چند ظاهر عام است و شامل هر دو گروه می‌شود و به همین دلیل روایت موافق ظاهر را می‌توان ترجیح داد.

در پایان آیه می‌فرماید: بر شما و بر آنها گناهی نیست که بعد از این سه وقت بدون اذن وارد شوند: و بعضی به دیگری خدمت کنند و گرد هم (با صفا و صمیمیت) بگردند (لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهن طوافون علیکم بعضکم علی بعض).

آری این چنین خداوند آیات را برای شما تبیین می‌کند و خدا عالم و حکیم است (کذلک بین الله لکم الايات و الله علیم حکیم) و از طوافون در اصل از ماده طواف به معنی چرخیدن به دور چیزی است: و چون به صورت صیغه مبالغه آمده به معنی کثرت در این امر می‌باشد: و با توجه به اینکه بعد از آن بعضکم علی بعض

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۱

آمده مفهوم جمله این می‌شود که در غیر این سه وقت شما مجاز هستید بر گرد یکدیگر بگردید و رفت و آمد داشته باشید و به هم خدمت کنید.

و به گفته فاضل مقداد در کنز العرفان این تعبیر در حقیقت به منزله بیان دلیل برای عدم لزوم اجازه گرفتن در سائر اوقات است: چرا که اگر بخواهند مرتباً رفت و آمد داشته باشند و در هر بار اذن دخول بخواهند کار مشکل می‌شود.

در آیه بعد حکم بالغان را بیان کرده: می‌گوید: هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید در همه اوقات اجازه بگیرند: همانگونه که اشخاصی که قبل از آنها بودند اجازه می‌گرفتند (و اذا بلغ الأطفال منکم الحُلُم فلیستأذنا کما استأذن الذین من قبلهم). و از حُلُم (بر وزن کُتُب) به معنی عقل آمده است و کنایه از بلوغ است که معمولاً - با یک جهش عقلی و فکری توأم است: و گاه گفته‌اند حلم به معنی رؤیا و خواب دیدن است: و چون جوانان: مقارن بلوغ: صحنه‌هایی در خواب می‌بینند که سبب احتلام آنها می‌شود این واژه به عنوان کنایه در معنی بلوغ به کار رفته است.

به هر حال از آیه فوق چنین استفاده می‌شود که حکم بالغان با اطفال نابالغ متفاوت است: زیرا کودکان نابالغ طبق آیه قبل، تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند: چون زندگی آنها با زندگی پدران و مادران آنقدر آمیخته است که اگر بخواهند در همه حال اجازه بگیرند مشکل خواهد بود: و از این گذشته احساسات جنسی آنها هنوز به طور کامل بیدار نشده: ولی نوجوانان بالغ طبق این آیه که اذن گرفتن را به طور مطلق برای آنها واجب دانسته موظفند در همه حال به هنگام ورود بر پدر و مادر اذن بطلبند. این حکم مخصوص به مکانی است که پدر و مادر در آنجا استراحت می‌کنند و گرنه وارد شدن در اطاق عمومی (اگر اطاق عمومی داشته باشند) مخصوصاً به هنگامی که دیگران هم در آنجا حاضرند: و هیچ گونه مانع و رادعی در کار نیست اجازه گرفتن لزومی ندارد.

ذکر این نکته نیز لازم است که جمله «کما استأذن الذین من قبلهم» اشاره به بزرگسالان است که در همه حال به هنگام وارد شدن در اطاق موظف به اجازه گرفتن از پدران و مادران بودند: در این آیه افرادی را که تازه به حد بلوغ رسیده‌اند

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۲

همردیف بزرگسالان قرار داده که موظف به استیذان بودند.

در پایان آیه برای تأکید و توجه بیشتر می‌فرماید: این گونه خداوند آیاتش را برای شما تبیین می‌کند و خداوند عالم و حکیم است «کذلک بین الله لکم آیاته و الله علیم حکیم».

این همان تعبیری است که در ذیل آیه قبل بود بدون هیچگونه تغییر جز اینکه در آن آیه الایات بود و در اینجا آیات که از نظر معنی تفاوت چندانی ندارد.

در آخرین آیه مورد بحث استثنائی برای حکم حجاب زنان بیان می‌کند و زنان پیر و سالخورده را از این حکم مستثنی می‌شمرد و می‌گوید: زنان از کار افتاده‌ای که امیدی به ازدواج ندارند گناهی بر آنان نیست که لباسهای (روئین) خود را بر زمین بگذارند در حالی که در برابر مردم خود آرائی نکنند (و القواعد من النساء اللّاتی لا- یرجون نکاحاً فلیس علیهن جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر متبرّجات بزینة).

در واقع برای این استثناء دو شرط وجود دارد: نخست اینکه به سن و سالی برسند که معمولاً- امیدی به ازدواج ندارند: و به تعبیر دیگر جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده‌اند.

دیگر اینکه در حال بر داشتن حجاب خود را زینت ننمایند.

روشن است که با این دو قید مفسد کشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همین دلیل اسلام این حکم را از آنان برداشته است.

این نکته نیز روشن است که منظور برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباسها نیست بلکه تنها کنار گذاشتن لباسهای رو است که بعضی روایات از آن تعبیر به چادر و روسری کرده است (الجلباب و الخمار در حدیثی از امام صادق علیه السلام در ذیل همین آیه می‌خوانیم که فرمود: الخمار و الجلباب، قلت بین یدی من کان؟ قال: بین یدی من کان غیر متبرجة بزینة: منظور روسری و چادر است: راوی می‌گوید از امام پرسیدم در برابر هر کس که باشد؟ فرمود: در برابر هر کس باشد اما خود آرائی و زینت نکند.

روایات دیگری نیز به همین مضمون یا نزدیک به آن از ائمه اهلبیت علیه السلام نقل شده است که تعدادی از آن در بخش ۴ در فصل «حدود نگاه به نامحرم» خواهد آمد.

در پایان آیه اضافه می‌کند که با همه احوال اگر آنها تعفف کنند و خویشان را بپوشانند برای آنها بهتر است (و ان یتعففن خیرٌ لهنّ).

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۳

چرا که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و حجاب را رعایت کند پسندیده‌تر و به تقوا و پاکی نزدیکتر است.

و از آنجا که ممکن است بعضی از زنان سالخورده از این آزادی حساب شده و مشروع سوء استفاده کنند: و احیاناً با مردان به گفتگوهای نامناسب پردازند و یا طرفین در دل افکار آلوده‌ای داشته باشند در آخر آیه به عنوان یک اخطار می‌فرماید خداوند شنوا و دانا است (و الله سمیع علیم).

آنچه را می‌گوئید می‌شنود و آنچه را در دل دارید و یا در سر می‌پرورانید می‌دان

۳- ورود به خلوتگاه والدین و ..!

۳- ورود به خلوتگاه والدین و ..! این مطلب قابل قبول تمام فرقه‌ها و نژادها و اقوام گوناگون جوامع بشری است که، انسان نباید بدون اجازه، به خلوت خانه کسی وارد شود، بخصوص از نظر اسلام در این موارد دقت زیاد شده و مورد توجه بیشتر بزرگان دین قرار گرفته است؛

فرق نمی‌کند پدر و مادر و خواهر و برادر و به طور خلاصه اقوام نزدیک و دور و حتی بیگانه: باید این آداب و رسوم را رعایت نماید.

از جمله آدابی که نشان دهنده شخصیت و حسن ادب آدمی است و آبروی خانوادگی را محفوظ می‌دارد، رعایت حرمت‌های

خانوادگی و بها دادن به همدیگر است که مصداق بارز آنها اجازه خواستن در ورود و خروج به خلوت گاه والدین و محارم دیگر (دختر و پسر و عمه و خاله و غیره) است.

۱- ابن محبوب از ابی ایوب الخراز: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: یستأذن الرجل إذا دخل علی ابیه و لا یستأذن الأب علی الابن، الحدیث. حتماً وقتی که مرد به خدمت پدر می‌رسد، اجازه بخواهد ولی اجازه خواستن پدر لزومی ندارد (لحن حدیث استیذان فرزند، در مواقع زندگی طبیعی است، زیرا پدر هم مجاز نیست، سرزده به خلوتگاه فرزند وارد شود). «۱»

۲- محمد بن علی الحلبي گوید: به ابی عبد الله علیه السلام گفتم: الرجل یستأذن علی ابیه؟

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۴

فقال: نعم قد كنت أستأذن علی ابی ولیست امی عنده إنما هی امرأة ابی تُوفیت امی وأنا غلام، وقد یكون من خلوتهما مالا أحب أن أفجاهما علیه، ولا یحبان ذلك منی والسلام أحسن وأصوب. آیا مرد برای ورود به خدمت پدر اجازه می‌خواهد؟ فرمود: بلی، من برای ورود به پدرم اجازه می‌خواستم در حالی که مادرم پیشش نبود، او زن پدرم بود، من جوان بودم که مادرم وفات یافت ای بسا در محل خلوت آنها چیزی باشد که من دوست نداشتم، ناگهانی (و سرزده) با آن روبرو شوم و آنها نیز این کار را، دوست نداشتند، و سالم بودن (از این کارها) زیبا و مقرون به حقیقت است. «۱»

۳- ابن محبوب: از ابی ایوب الخراز: از ابی عبد الله علیه السلام- در حدیثی- فرمود: و یستأذن الرجل علی ابنته و أخته إذا كانتا متزوجتین. مرد برای ورود به منزل دختر و خواهرش، اجازه بخواهد اگر ازدواج کرده‌اند. «۲»

۴- جراح المدائنی: از ابی عبد الله علیه السلام- در حدیثی- فرمود: و من بلغ الحلم فلا یلج علی امه و لا علی اخته و لا علی خالته و لا علی سوی ذلك إلا باذن، و لا تأذنوا حتی یسلموا (یسلم)، والسلام طاعة لله عزوجل. هر کس به حد بلوغ رسیده است نباید سر زده به مادر و خواهر و خاله وارد شود و نه دیگران، مگر با اذن: و اجازه (ورود ندهید) تا سلام کنند، سلام اطاعت از خدای عز و جل است. «۳»

۵- محمد بن قیس: از ابی جعفر علیه السلام- در حدیثی- فرمود: و من بلغ الحلم منكم فلا یلج علی امه و لا علی اخته و لا علی ابنته و لا علی من سوی ذلك إلا باذن، و لا یؤذن لأحد حتی یسلم، فانّ السلام طاعة الرحمن. هر کس به حد بلوغ رسیده است نباید سر زده به مادر و خاله و خواهر وارد شود و نه دیگران، مگر با اذن (و اجازه)، و اجازه (ورود ندهید) تا سلام کنند، سلام اطاعت از خدای رحمان است. «۴»

۶- علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امی استأذن علیها؟ قال: نعم، قال: ولم ینزل رسول الله؟ قال: أیسرک أن تراها عریانة؟ قال: لا قال: فاستأذن. از مادرم (برای ورود به

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۵

خانه) اجازه بخواهم؟ فرمود: بلی، گفت چرا ای رسول خدا، فرمود: آیا خوش است می‌آید مادرت را لخت ببینی؟! گفت: نه، فرمود پس اذن بخواه. «۱»

۷- علی علیه السلام فرمود: مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: ای رسول خدا! اختی تکشف شعرها بین یدی؟ قال: لا إتی أخاف إذا أبدت شیئا من محاسنها و من شعرها و معصمها أن توقعها. خواهرم مویش را پیش من باز می‌کند؟ (آیا اشکال دارد) فرمود: نه (نباید این کار را بکند)، زیرا می‌ترسم هر گاه چیزی از آرایشش و مویش و محل زینتش را باز کند، تورا (وسوسه کند و) با او در آمیزی (و زنا کنی). «۲»

۸- فرمود: نهی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أن یدخل علی النساء إلا باذن الأولیاء. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود: از اینکه بر زنان داخل شوند مگر با اجازه اولیاء (و صاحبان آنها). «۳»

۹- جعفر بن عمر از ابی عبدالله علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی آن یدخل الرجال علی النساء الا باذنهن نهی نمود که مردان بر (منزل) بانوان داخل شوند مگر با اجازه آنها. «۴»

۴- استیذان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دخترش

۴- استیذان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دخترش رعایت این دستورها از همه مطلوب و از بزرگان و رهبران دین که عمل آنها، سرمشق و الگوی دیگران می‌باشد مطلوب‌تر است: بدینجهت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای ورود به خانه دخترش فاطمه علیها السلام اجازه می‌خواست و بدون اجازه وارد نمی‌شد!

۱- عمرو بن شمر از ابی جعفر علیه السلام: از جابر بن عبد الله انصاری گفت: خرج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یرید فاطمه و أنا معه، فلما انتهینا إلى الباب وضع یده علیه فدفعه ثم قال: السلام علیکم، فقالت فاطمة علیها السلام: وعلیک السلام یا رسول الله، قال: أدخل؟ قالت: أدخل یا رسول الله، قال: أدخل أنا ومن معی؟ قالت: لیس علی قناع، فقال: یا فاطمة خدی فضل ملحفتک ففنی به رأسک ففعلت ثم قال: السلام علیک، فقالت: وعلیک السلام یا رسول الله قال:

ادخل؟ قالت: نعم یا رسول الله، قال: أنا ومن معی؟ قالت: ومن معک، قال جابر: فدخل رسول

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۶

الله صلی الله علیه و آله و سلم ودخلت و إذا وجه فاطمة علیها السلام اصفر كأنه بطن جراد، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: مالی أری وجهک اصفر، قالت: یا رسول الله، الجوع، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: اللهم مشبع الجوعه ودافع الضیعه اشبع فاطمه بنت محمد، قال جابر: فوالله ل نظرت إلى الدم يتحدر من قصاصها حتى عاد وجهها احمر فما جاعت بعد ذلك الیوم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون رفت و اراده داشت فاطمه را ببیند و من هم با او بودم؛ وقتی که به کنار در رسیدیم، دست روی در گذاشت و (کمی) هل داد و فرمود: سلام بر شما باد، فاطمه علیها السلام گفت: و بر تو باد سلام ای رسول خدا؛

فرمود: آیا داخل شوم؟ گفت: داخل شو، فرمود: آیا با همراهم داخل شوم؟ عرض کرد مقنعه ندارم، فرمود: ای فاطمه زیادی ملافه را بگیر و بر خود مقنعه (و حجاب) قرار داده و سرت را بپوشان، (فاطمه) این کار را کرد؛

سپس فرمود: سلام بر تو باد و او نیز گفت: و بر تو باد سلام ای رسول خدا، فرمود:

داخل شوم (خودترا جمع و جور کردی)؟ گفت: بلی ای رسول خدا (داخل شو)؛ فرمود: من و همراهم؟ عرض کرد بلی و هر که با تو است؛

جابر گوید: پس من با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل شدیم، ناگهان روی فاطمه را مانند شکم ملخ، زرد رنگ دیدیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (ای فاطمه) چرا صورتت را زرد می‌بینم؟ گفت: ای رسول خدا، گرسنگی (سبب زردی رنگ من است)!!؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (دست به دعا برداشت و) گفت خدایا ای سیر کننده گرسنگان و دفاع کننده از ضایع شوندگان، فاطمه بنت محمد را نیز سیر نما؛ جابر گوید: به خدا قسم دیدم خون به پوست صورت فاطمه سرازیر شد تا به حالت سرخ گونه (وعادی)، برگشت که بعد از آن روز فاطمه هیچ وقت گرسنه نشد. «۱»

۵- فلسفه استیذان و مفاسد عدم رعایت آن

۵- فلسفه استیذان و مفاسد عدم رعایت آن برای ریشه کن ساختن یک مفسده اجتماعی مانند اعمال منافی عفت، تنها توسل به

اجرای حدود و تازیانه زدن منحرفان کافی نیست: در هیچ یک از مسائل اجتماعی

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۷

چنین برخوردی نتیجه مطلوب را نداده و نخواهد داد: بلکه باید مجموعه‌ای ترتیب داد از آموزش فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی: و همچنین آموزشهای صحیح اسلامی: و ایجاد یک محیط اجتماعی سالم: سپس مجازات را به عنوان یک عامل بازدارنده در کنار این عوامل در نظر گرفت.

به همین دلیل در سوره نور که در واقع سوره عفت است از مجازات تازیانه مردان و زنان زناکار شروع می‌کند و به مسائل دیگر مانند فراهم آوردن وسائل ازدواج سالم رعایت حجاب اسلامی، نهی از چشم‌چرانی، تحریم متهم ساختن افراد به آلودگی ناموسی، و بالأخره اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به خلوتگاه پدران و مادران گسترش می‌دهد.

این نشان می‌دهد که اسلام از هیچ یک از ریزه کاریهای مربوط به این مسأله غفلت نکرده است.

خدمتکاران موظفند به هنگام ورود در اطاقی که دو همسر قرار دارند اجازه بگیرند.

کودکان بالغ نیز موظفند در هر وقت بدون اجازه وارد نشوند، حتی کودکان نابالغ که مرتباً نزد پدر و مادر هستند نیز آموزش داده شوند که لااقل در سه وقت (قبل از نماز صبح و بعد از نماز عشاء و هنگام ظهر که پدران و مادران به استراحت می‌پردازند) بدون اجازه وارد نشوند.

این یک نوع ادب اسلامی است هر چند متأسفانه امروز کمتر رعایت می‌شود و با اینکه قرآن صریحاً آن را (در آیات ۵۸۵۹۶۰ سوره نور که (در فصل اول این بخش گذشت) بیان کرده است: در نوشته‌ها و سخنرانی‌ها و بیان احکام نیز کمتر دیده می‌شود که پیرامون این حکم اسلامی و فلسفه آن بحث شود: و معلوم نیست به چه دلیل این حکم قطعی قرآن مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته؟! گرچه ظاهر آیه وجوب رعایت این حکم است حتی اگر فرضاً آن را مستحب بدانیم باز باید از آن سخن گفته شود: و جزئیات آن مورد بحث قرار گیرد، بر خلاف آنچه بعضی از ساده‌اندیشان فکر می‌کنند که کودکان سر از این مسائل در نمی‌آورند و خدمتکاران نیز در این امور باریک نمی‌شوند ثابت شده است که کودکان (تا چه رسد به بزرگسالان) روی این مسأله فوق العاده حساسیت دارند: و گاه می‌شود سهل‌انگاری پدران و مادران و بر خورد کودکان به منظره‌هایی که نمی‌بایست آن را ببینند

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۸

سرچشمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماری‌های روانی شده است.

ما خود با افرادی بر خورد کردیم که به اعتراف خودشان بر اثر بی‌توجهی پدران و مادران به این امر و مشاهده آنان در حال آمیزش جنسی یا مقدمات آن به مرحله‌ای از تحریک جنسی و عقده روانی رسیده بودند که عداوت شدید پدر و مادر در سر حد قتل! در دل آنها پیدا شده بود: و خود آنها نیز شاید تا مرز انتحار پیش رفته بودند! اینجا است که ارزش و عظمت این حکم اسلامی آشکار می‌شود که مسائلی را که دانشمندان امروز به آن رسیده‌اند از چهارده قرن پیش در احکام خود پیش بینی کرده است.

و نیز در همین جا لازم می‌دانیم به پدران و مادران توصیه کنیم که این مسائل را جدی بگیرند: و فرزندان خود را عادت به گرفتن اجازه ورود بدهند: و همچنین از کارهای دیگری که سبب تحریک فرزندان می‌گردد از جمله خوابیدن زن و مرد در اطاقی که بچه‌های ممیز می‌خواهند تا آنجا که امکان دارد پرهیز کنند: و بدانند این امور از نظر تربیتی فوق العاده در سرنوشت آنها مؤثر است.

جالب اینکه در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم که فرمود: ایتاکم و ان یجامع الرجل امرئته و الصبی فی المهد ینظر الیهما: مبادا در حالی که کودکی در گهواره به شما می‌نگرد آمیزش جنسی کنید! «۱»

در بخش ۴ فصل پرهیز از (مقاربت در حضور بچه) روایاتش مشروحاً خواهد آمد

۶- آرایش خانم و آقابرای همدیگر آرایش و تمیزی و نظافت، برای زن و مرد، از ضروریات و شرط ادامه و شیرینی زندگی است، مخصوصاً برای بانوان که بیشتر مورد توجه آقایان و برای جلوگیری کردن از انحرافات آنها است؛ در روایات متعدد آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک سوم نقدینگی خود را به خوشبوئی و عطریات هزینه می‌کرد و سفارش اکید در نظافت و تمیزی، داشت به

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۸۹

طوری که آن را جزء ایمان قرار داد «۱» و در بیان احکام خاص بانوان به مطالب ذیل عنایت داشت، به طور خلاصه نظافت و آرایش برای زن و مرد لازم الاجراست و شکی در مطلوبیت آن نیست.

۱- محمد بن مسلم، از ابی جعفر (علیه السلام) فرمود: لا ینبغی للمرأة ان تعطل نفسها ولو ان تعلق فی عنقها قلادة ولا ینبغی ان تدع یدها من الخضاب ولو ان تمسحها مسحاً بالحناء وان کانت مسنة. سزاوار نیست زن خود را (از زینت محروم و) معطل نماید اگرچه قلاده‌ای به گردن آویزد، و شایسته نیست دستانش را از خضاب رها سازد اگرچه با حنا آن را مس نماید و اگرچه زن مسن (و پیر باشد). «۲»

۲- ولا يجوز للمرأة أن تعطل نفسها ولو أن تعلق فی عنقها خیطاً، ولا يجوز أن تری أظافیرها بیضاء ولو أن (تمسحها بالحناء مساً) (تمسحها بالحناء مسحاً)، ولا تخضب یدها فی حیضها، لأنه یخاف علیها الشیطان، ... و يجوز للمرأة لبس الدیباچ والحریر فی غیر صلاة وإحرام، و حرّم ذلك علی الرجال إلا- فی الجهاد و يجوز أن تتختم بالذهب وتصلی فیها، و حرّم ذلك علی الرجال، و جایز نیست بر زن که خود را معطل نماید (و از زینت و آرایش دست بکشد و خود را محروم کند) اگرچه با آویختن نخ‌ی برگردن باشد و جایز نیست انگشتانش سفید دیده شود اگر چه (لا اقل) با حنا خود را مس کند (ورنگین نماید)،

و در ایام حیض خود را خضاب نکند، زیرا برای او از (صدمات) شیطان ترسیده می‌شود،

و برای زن پوشیدن لباس دیباچ و حریر در غیر نماز و احرام، جایز است، اما این‌ها برای مردان حرام است مگر در جهاد،

و جایز است زنها با انگشتر طلا نماز بخواند و لی برای مردان حرام است. «۳»

۳- سعد بن سعد: از حسن بن الجهم گفت: رأیت أبا الحسن علیه السلام اختضب، فقلت: جعلت فداک اختضبت؟ فقال: نعم إنّ التهیئة ممّا یزید فی عفة النساء، ولقد ترک النساء العفة بترک

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۹۰

أزواجهنّ التهیئة، ثم قال: أیسرک أن تراها علی ما تراک علیه إذا کنت علی غیر تهیئة؟ قلت:

لا، قال: فهو ذاک، ثم قال: من أخلاق الأنبیاء التّظف والتّطیب و حلق الشعر و کثرة الطروقة، الحدیث. دیدم ابوالحسن علیه السلام خضاب گذاشته گفتم: فدایت شوم خضاب گذاشتی؟! فرمود: بلی همانا آماده شدن (مرد با آرایش) عفت زنها را زیاد می‌کند، زنها عفاف را ترک نمودند با ترک شوهرانشان آمادگی (و زینت) را، سپس فرمود: آیا دوست داری زن را در آن حالت که تو هستی (از بی نظمی و بهم ریختگی و وضع چندش آور) ببینی؟!، گفتم: نه، فرمود: پس او هم همان طور سپس فرمود: از اخلاق انبیاء است نظافت کردن و خود را خوشبو ساختن و تراشیدن مو و زیاد همبستر شدن ... تا آخر حدیث. «۱»

۴- امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: لتطیب المرأة المسلمة لزوجها. زن مسلمان حتماً خود را برای همسرش خوشبو کند. «۲»

۵- محمد بن مسلم، از یکی از صادقین علیهما السلام از استعمال طلا برای زنها سؤال کردند؟ فرمود: لیس به بأس. ولا ینبغی للمرأة أن تعطل نفسها ولو أن تعلق فی عنقها قلادة. ولا ینبغی لها أن تدع یدها من الخضاب ولو أن تمسحها بالحناء مسحاً ولو کانت مسنة. عیب ندارد و سزاوار نیست برای زن خود را از آرایش کردن تعطیل نماید، اگرچه با آویختن یک قلاده باشد، و شایسته نیست بر او

دستش را از حنا گذاشتن، رها سازد اگرچه با مالیدن دست بر حنا اگرچه سالخورده و پیر باشد. «۳»

۶- در کتاب الغایات: شیخ جعفر بن أحمد القمی آمده است امام علیه السلام فرمود: إني لأبغض من النساء السلطاء والمرهء، فالسلطاء التي لا تختضب، والمرهء التي لا تكتحل. من زنان سلطاء و مرهء را دوست ندارم سلطاء زنی که خضاب نمی‌کند و مرهء زنی که سرمه نمی‌کشد (بطور کلی از زنان بی آرایش خوشم نمی‌آید). «۴»

۷- روایت حفظ زیبایی!

۷- روایت حفظ زیبایی! در جامعه دیده شده است کسانی که، به پیری زود رس و یا از دست دادن نشاط و نمای جوانی زود هنگام، گرفتار می‌شوند و از نظر سنی جوان و در منظر و رؤیت پیر هستند! البته این گونه اشخاص بنا به عللی (غم و غصه و فقر و ننداری و فشارهای روحی و حسادت و کینه و دهها مسائل دیگر از جمله پر خوری) به این روز می‌افتند؛ پس هرکسی باید علت این گرفتاری را در خودش، پیدا کند و در صدد معالجه‌اش بر آید.

۱- عمر بن علی، از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مرّ أخی عیسی بمدینة و فیها رجل وامرأة یتصایحان فقال: ما شأنكما؟ قال: یا نبی الله هذه امرأتی ولیس بها بأس صالحه ولکنی احبّ فراقها قال: فأخبرنی علی کل حال ما شأنها؟ قال: هی خلقه الوجه من غیر کبر. قال لها: یا امرأة أتحبّین أن یعود ماء وجهک طریاً؟ قالت: نعم قال لها: إذا أکلت فایاک أن تشبعی لأنّ الطعام إذا تکاثر علی الصّیدر فزاد فی القدر، ذهب ماء الوجه ففعلت ذلك فعاد وجهها طریاً. برادرم عیسی به شهری گذشت و دید مردی با زنی، به رویهم فریاد می‌کشند پرسید: چه شده؟ گفت ای پیامبر خدا! این همسر من است و اشکالی هم در او نیست و زن صالحه است، ولی من دوست دارم از او جدا شوم! فرمود: خلاصه جریانتان را به من بگویید (علت این نفرت از چیست)؟ گفت: این زن در جوانی بدگل شده (با اینکه سنی از او نگذشته زشت رو شده است) فرمود: ای زن دوست می‌داری زیبایی و آب رویت برگردد؟! گفت: بلی، فرمود: هرگاه غذا خوردی، سیر نخور زیرا غذا وقتی که در سینه زیاد شد و بیش از قدر معمول شد، آب رو را می‌برد (وزشت می‌شود)، آن زن به این دستور عمل کرد و رویش تر و تازه شد (وزیبایش برگشت!). «۱»

۸- زینت برای نابینایان!

۸- زینت برای نابینایان! در فصل پیشین تشریح گردید که زن و مرد برای همدیگر آرایش نمایند و خود را زیبا جلوه گر نمایند، آیا برای نابینایان چه کنند؟!
۱- سکونی از امام صادق علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال نمودند زینت زن برای نابینا چگونه است؟ فرمود: الطّیب و الخضاب فأنه من طیب النّسمه. (استعمال) بوی خوش و خضاب کردن که آن از پاکی زن است. «۱»
زیرا استشمام بوی خوش و بوی خضاب نیازی به دیدن و چشم ندارد و با قوه شامه می‌تواند آن را درک می‌نماید

۹- حکم وصل مو برای زیبایی

۹- حکم وصل مو برای زیبایی از زمان قدیم: آرایش برای جنس زن و مرد با مدل‌ها و متدهای گوناگون در هر جامعه ای متداول و جا افتاده بود در فصل‌های قبل هم متذکر شدیم که باید هم این گونه باشد ولی در این مورد این سؤال مطرح است که آیا محدودیتی در این باره وجود دارد یا نه؟!.

۱- حسن بن فضل طبرسی در (مکارم الأخلاق): از سلیمان بن خالد گفت: قلت له المرأة تجعل في رأسها القرامل، قال: يصلح له الصوف وما كان من شعر المرأة نفسها، وكره أن يوصل شعر المرأة من شعر غيرها، فإن وصلت شعرها بصوف أو شعر نفسها فلا بأس به. به امام علیه السلام گفتم: زن در سرش موی بند می‌زند (و مو وصل می‌کند و برای زیبایی تغییر حالت می‌دهد)؟ فرمود: اگر این کار را از پشم و یا موی خود انجام می‌دهد جایز است ولی از موی زن دیگر باشد مکروه است، پس اگر از موی خود و یا پشم (وموی حیوانات حلال گوشت باشد) مانعی ندارد. «۳»

۲- عمار الساباطی گفت: به ابی عبد الله علیه السلام گفتم: إن الناس يروون: أن رسول الله آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۹۳

صلی الله علیه و آله و سلم لعن الواصلة والموصولة، قال: فقال: نعم، قلت: التي تمتشط وتجعل في الشعر القرامل؟ قال: فقال لي: ليس بهذا بأس، قلت: فما الواصلة والموصولة؟ قال: الفاجرة والقوادة. مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کنند که به زن وصل دهنده و وصل شونده، لعنت نموده است؟! فرمود: بلی، گفتم: زنی که شانه می‌زند و در مویش موبند می‌زند؟ فرمود: نه، آن مانعی ندارد گفتم: پس واصله و موصوله چیست؟

فرمود: دونفر را (برای زنا) به هم رساننده و میانجی گری را گویند. «۱»

۳- ابراهیم ابن زیاد الکرخی گوید: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می‌فرمود: لعن الله الواصلة والمتوصلة یعنی الزانية والقوادة. خدا لعنت کرده بر واصله و موصوله یعنی زناکار و دو بهم رسان. «۲»

۴- زید بن علی، از پدرانش از علی علیهم السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال. خدا لعنت کند بر مردانی که خود را، بر زنان و بر زنانی که خود را بر مردان، تشبیه نمایند. «۳»

۱۰- حکم چیدن موی صورت

۱۰- حکم چیدن موی صورت ۱- ابی بصیر گفت: از امام علیه السلام پرسیدم عن قصة النواصي تريد المرأة الزينة لزوجها، و عن الحفّ والقرامل والصوف و ما أشبه ذلك؟ قال: لا بأس بذلك كله. از حکم زن کوتاه کننده موی پیشانی که برای شوهرش زینت می‌کند و از چیدن مو و موی بند زدن و با پشم دیگر وصل می‌کند و مانند اینها را انجام دادن؟ فرمود: در همه اینها مانعی نیست. «۴»

۲- علی بن جعفر در کتابش می‌گوید: به برادرش موسی علیه السلام عرض کرد: سألت عن المرأة، أتحف الشعر عن وجهها؟ قال: لا بأس. از او سؤال نمودم از زنی که موی صورت آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۹۴ خود را می‌چیند؟ فرمود: ترسی نیست (و مانعی ندارد). «۱»

۱۱- بلند گذاشتن ناخن!

۱۱- بلند گذاشتن ناخن! امروزها میان بانوان و دوشیزگان مرسوم است که ناخن‌های خود را برای زیبایی بلند می‌کنند و رنگ می‌زنند، این جریان برای خانمها به صورت یک فرهنگ درآمده است.

حالا سؤال این است که آیا این کار از نظر اسلام چه حکمی دارد، پر واضح است اگر بانوان مسائل شرعی خود را رعایت نمایند و در اوقات نماز، رنگ ناخن‌ها را پاک نمایند که مانع از نفوذ آب وضو یا غسل به ناخن‌ها نشود، مانعی ندارد اما حکم خود بلند کردن ناخن چیست؟! به روایت ذیل توجه فرمائید.

سکونی از امام صادق علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مردان فرمود: قَصُوا أَظْفِيرَكُمْ و لِلنِّسَاءِ أَتْرُكْنَ مِنْ أَظْفَارِكُنَّ (أَظْفِيرِكُنَّ) فَانَّهُ أَزِين لِكُنَّ. ناخن هایتان را کوتاه کنید و به زنان فرمود: (چیدن) ناخن هایتان را ترک کنید (ونگیرید تا بلند شود) زیرا آن برایتان زینت بخش تر است. «۲»

۱۲- از کیفیت موی خانم بپرسید!

۱۲- از کیفیت موی خانم بپرسید! ریخت و هیکل بانوان، کلاً جذابیت خاص خود را دارد اما بعضی از اندام هایش بیشتر مورد توجه است که یکی از آنها، موی بانوان است که باید برای نمای آن اهمیت زیاد قائل شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ فليَسْأَلْ عَنْ شَعْرِهَا كَمَا يَسْأَلُ عَنْ وَجْهِهَا، فَإِنَّ الشَّعْرَ أَحَدُ الْجَمَالَيْنِ. هروقت یکی از شما خواست با زنی ازدواج نماید، از (کیفیت) مویش بپرسد آنگونه که از رویش می پرسد، زیرا، موی یکی از آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۱۹۵ جمالین (و یکی از بیائست). «۱»

۱۳- احترام به داماد!!

۱۳- احترام به داماد!! در روایت آمده است که امام سجّاد علیه السلام به احترام داماد بلند می شد و عبایش را زیر او پهن می کرد! از امام در این باره سؤال نمودند (و یا خرده گرفتند) فرمود: او آبروی مرا حفظ کرده (و خیالم را از جهت دخترم یا خواهرم راحت نموده) و خرجم را کم کرده است روی این فلسفه داماد برای همه لازم الإحترام است؛ و دیگر اینکه اگر به داماد احترام گذاشته شود: او هم با عیالش رفتار مشابهی خواهد داشت، مگر اینکه مانند بعضی ها از طبیعت و نهاد، آدم پست و دنی باشد که از احترام خانواده عیال سوءاستفاده کرده و برداشت منفی نماید

۱- نوح بن شعیب تا أبو عبد الله علیه السلام آن حضرت فرمود: كان علي بن الحسين عليه السلام إذا أتاه ختنه علي ابنته أو علي اخته بسط له رداء ثم أجلسه ثم يقول: مرحباً بمن كفى المؤنة و ستر العورة. وقتی که داماد دختری یا خواهری امام علی بن حسین علیهما السلام، می آمد ردایش را زیر او پهن می کرد و روی آن می نشاند سپس می فرمود: خوش آمد کسی که خرج را عهده دار و آبرو را پوشانید. «۲»

بخش ۴ قسمتی از منہیات

مکروهات مقاربت

اشاره

در این بخش روایات بعضی از کارهای ممنوعه بیان می شود، با اینکه در بخش های گذشته نیز مطالبی بدین مناسبت از نظر مبارک خوانندگان گرامی گذشت و در آخر کتاب روایت دستورات کلی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواهد آمد که با این بخش، مکمل یکدیگرند.

۱- همبستری با زوجه در کشتی مکروه است؛

۲- و مکروه است رو به قبله و پشت به قبله همبستر شدن؛

- ۳- در میان راه عبوری مردم؛
- ۴- لخت و عریان مادر زاد؛
- ۵- بعد از احتلام قبل از غسل؛
- ۶- هنگام زرد شدن آفتاب در طلوع و غروب؛
- ۷- جماع با انگشتر آیه دار؛
- ۸- در ایام بارداری؛
- ۹- در حال خضاب؛
- ۱۰- مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب؛
- ۱۱- هنگام غروب آفتاب تا غروب شفق
- ۱۲- در روز ماه گرفتگی.
- ۱۳- روز آفتاب گرفتگی.
- ۱۴- در روز یا شب وزیدن باد سیاه و باد سرخ و باد زرد.
- ۱۵- در اوقات زلزله.
- ۱۶- بعد از غسل میت.
- ۱۷- مقاربت با معده پر!.

روایات مکروهات بالا و علاوه بر آن ها را، در فصل‌های آتی مطالعه بفرمائی

۱- هنگام وزیدن باد سیاه و ..

۱- هنگام وزیدن باد سیاه و .. عبد الرحمن ابن سالم، از پدرش گفت: به ابی جعفر علیه السلام گفتم: هل یکره الجماع فی وقت من الاوقات وإن کان حلالاً؟ قال: نعم ما بین طلوع الفجر إلى طلوع الشمس ومن مغیب الشمس إلى مغیب الشفق، وفي اليوم الذی تنکسف فیہ الشمس، وفي الیلة الذی ینکسف فیها القمر، وفي اليوم والیلة الذی تكون فیها الريح السوداء و الريح الحمراء، والريح الصفراء، وفي اليوم والیلة الذی تكون فیها الزلزلة. ولقد بات رسول الله صلی الله علیه وآله عند بعض نساءه فی لیلة انکسف فیها القمر فلم یکن فی تلك الیلة ما یكون منه فی غیرها حتی أصبح، فقالت له: یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم البغض هذا منك فی هذه الیلة؟ قال: لا ولكن هذه الایة ظهرت فی هذه الیلة فکرهت أن أتلذذ وألهو فیها، وقد عبر الله أقواماً فی کتابه فقال:

(«وإن یروا کسفاً من السماء ساقطاً یقولوا سحاب مرکوم* فذرهم حتی یلاقوا یومهم الذی فیہ یصعقون» ثم قال أبو جعفر علیه السلام: وأیم الله لا- یجامع أحد فیرزق ولداً فیری فی ولده ذلک ما یحب. آیا جماع در وقتی از اوقات کراهت دارد اگرچه حلال باشد؟ فرمود: بلی، مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب، و از غروب آفتاب تا غایب شدن (سرخ) شفق، و روز آفتاب گرفتگی، و شب ماه گرفتگی، و در شب و روزی که در آن باد سیاه و باد سرخ و باد زرد، بوزد، شبی که در آن زلزله باشد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شبی که ماه گرفته بود، نزد یکی از زنهایش خوابید و در آن شب، کاری که معمولاً می‌شد، نشد تا صبح فرا رسید، خانمش گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیا سبب این روگردانی در این شب از ناراحتی (از من) بود؟! فرمود: نه، ولكن این نشانه امشب ظاهر گشت من خوش نداشتم مشغول لذت و خوش گذرانی باشم در حالی که خداوند اقوامی را در کتابش (قرآن) در این باره مذمت نموده است «و آنها

(چنان لجوجند) اگر ببینند قطعه سنگی (یا پاره‌ای) از آسمان (برای عذابشان) سقوط می‌کند، می‌گویند: این ابر متراکمی است، حال

که چنین است پس آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات نمایند».

سپس ابوجعفر علیه السلام فرمود: و به خدا سوگند (اگر کسی در این روزهایی که رسول خدا نهی نموده و این خبر هم به او رسیده است) جماع نماید و دارای فرزند شود، آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۰۰ در این فرزندش آنچه دوست دارد، نمی‌بیند. «۱»

۲- ترک مقاربت بیش از چهار ماه!

۲- ترک مقاربت بیش از چهار ماه! در شریعت اسلام، مرد باید در هر چهار ماه با خانمش، آمیزش جنسی داشته باشد یعنی این حق شرعی خانمهاست اگر شوهر از انجام و ادای این حق سرپیچی کند، خانم می‌تواند به حاکم شرع شکایت نماید و حق خود را بخواهد، مقاربت، یا طلاق!، مگر این که خانم خودش نخواهد و از حق خودش صرف نظر نماید.

صفوان بن یحیی، از ابی الحسن الرضا (علیه السلام)، انه سأله عن الرجل تكون عنده المرأة الشابة فيمسك عنها الأشهر والسنة لا يقربها ليس يريد الإضرار بها يكون لهم مصيبة يكون في ذلك آثماً؟! او سؤال نمود: از حکم مردی که زن جوانی دارد و ماهها (بلکه) سالی با او مقاربت نمی‌کند و قصد ضرر زدن به او را ندارد بلکه مصیبتی برای آنها وارد شده است، آیا با این کار گناهکار است؟ فرمود: إذا تركها أربعة أشهر كان آثماً بعد ذلك. «إلا ان يكون باذنهما» هرگاه چهار ماه او را ترک نماید، گناه کار می‌شود مگر با اجازه خود زن. «۲»

۳- گناه بی توجهی به همسر!

۳- گناه بی توجهی به همسر! در کشورهای عربی هنوز هم مرسوم است، گروهی از مردان برای خود حرمسرا آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۰۱ تشکیل داده و حد اقل چهار زن دائمی برای خود، می‌آورند، اگر در این میان مرد به یکی از آنها بی توجهی کند و آن خانم به معصیت بیفتد، حکمش چیست؟!.

۱- از ابی عبد الله (علیه السلام) فرمود: من جمع من النساء ما لا ينكح فزني منهنّ شيء فالإثم عليه. هرکس زنانی گرد آورد و با آنها عمل جنسی انجام ندهد و یکی از آنها زنا کند، پس گنااهش بر (گردن) اوست. «۱»

۲- زید بن علی، از پدرش از جدش از علی علیه السلام فرمود: عذاب القبر يكون من النمیمة والبول و عذب الرجل عن أهله. عذاب قبر از سخن چینی و (ایستاده) بول کردن و از دوری جستن مرد از زنش، می‌باشد. «۲»

۴- خطر نزدیکی باشکم پُر!

۴- خطر نزدیکی باشکم پُر! ۱- محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: ثلاثة يهدمن البدن و ربما قتلن: دخول الحمام على البطن، والغشيان على الإمتلاء، و نکاح العجائز. سه چیز بدن را به ویرانی (وتباهی و نابودی) می‌کشد و ای بسا می‌کشد،

۱- باشکم پر حمام کردن،

۲- باشکم پر نزدیکی کردن،

۳- ازدواج با زن پیر. «۳»

۲- أحمد بن أبي عبد الله البرقي در (المحاسن) گفت: از ابی عبد الله علیه السلام روایت شده است فرمود: ثلاثة يهزلن البدن و ربما

قتلن دخول الحمام على البطنه، و الغشيان على الامتلاء، و نکاح العجائز. سه چیز بدن را لاغر (وناتوان) می‌کند و ای بسا به کام مرگ می‌برد الف- با شکم پر حمام کردن، ب- با شکم پر نزدیکی کردن، ج- و ازدواج با زنان پیر. «۴»

۳- از ابی عبد الله علیه السلام روایت شده است: ثلاث يهدمن البدن و ربما قتلن: أكل القديد الغاب، و دخول الحمام على البطنه، و نکاح العجائز.

و زاد فيه أبو إسحاق النهاوندى، و غشيان النساء على الامتلاء. سه چیز بدن را از بین

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۰۲

می‌برد و ای بسا نابود می‌کند، خوردن گوشت بوگرفته و مانده، با شکم پر به حمام رفتن، و با زن پیر ازدواج نمودن (ابو اسحاق نهاوندى اضافه کرده است) و مقاربت با زنان باشکم پر. «۱»

۵- بهانه گیری برای عدم تمکین

اربت با زنان باشکم پر. «۱»

۵- بهانه گیری برای عدم تمکین بعضی وقت‌ها بانوان در اثر بی میلی به شوهر و یا خشکه مقدسی، خواندن نماز را بهانه قرار داده و طول می‌دهند، و یا وقت گذرانی می‌کنند تا از مقاربت شوهر ممانعت به عمل آورند، در این صورت است که به سبب این کار و نارضایتی زوج، مورد مذمت و توبیخ قرار می‌گیرند.

۱- ابی بصیر: از ابی جعفر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم للنساء: لا- تطولن صلاتكن لتمنعن أزواجكن. به زنها فرمود: نماز را طول ندهید تا از (نزدیکی) شوهرانتان ممانعت به عمل آورید. «۲»

۲- از ضریس الکناسی، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: ان امرأة أتت رسول الله (صلى الله عليه وآله) لبعض الحاجة فقال لها: لعلك من المسوفات، قالت: و ما المسوفات يا رسول الله؟ قال: المرأة التي يدعوها زوجها لبعض الحاجة فلا تزال تسوفه حتى ينعس زوجها فينام فتلك التي لا- تزال الملائكة تلعنها حتى يستيقظ زوجها. همانا زنی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای بعضی حاجتش آمد، به آن زن فرمود: شاید تو از «مسوفاتی» عرض کرد مسوفات چیست ای رسول خدا، فرمود: زنی که شوهرش او را به بعضی کار (آمیزش جنسی و غیر آن) بخواند و او هی بگوید حالا- حالا- (و به پشت گوش بیندازد) تا مرد را خواب ببرد (و نیازش برطرف نشود) پس او زنیست که مدام فرشتگان او را لعن می‌کنند تا شوهرش از خواب بیدار شود! «۳»

۶- کراهت حرف زدن هنگام مقاربت!

۶- کراهت حرف زدن هنگام مقاربت! علت و حکمت خیلی چیزهاییان نشده و از آن بی خبریم، از جمله آنها حرف زدن زیاد هنگام همبستری است که در بعض روایات مطرح شده است، اگر اسناد آن روایت‌ها مخدوش نباشد و در آن حال نطفه منعقد گردد، ممکن است در اثر فعل و انفعالات فیزیکی، روی جنین اثر بگذارد ولی در این زمان‌ها که با وسایل گوناگون از انعقاد نطفه جلوگیری می‌کنند و بطور یقین بچه دار نخواهند شد، این کراهت هم منتفی است و جای نگرانی نیست، بلی اگر جلوگیری ننمایند باید جانب احتیاط را رعایت کنند.

در این مورد به احادیث ذیل توجه فرمایید.

۱- عبد الله بن سنان گفت: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: اتقوا الكلام عند ملتقى الختانين فإنه يورث الخرس. پرهیزید از حرف زدن موقع نزدیکی با زن چون باعث لالی (بچه) می‌شود! «۱»

۲- حسین بن زید: از امام صادق: از پدرانش علیهم السلام- در حدیث المناهی- فرمود:

نهی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أن یكثر الکلام عند المجمعۃ، و قال یكون منه خرس الولد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهی نمود از زیاد حرف زدن موقع مقاربت و فرمود: از آن کار بچه لال می شود. (۲)

۳- و باسندش از اَبی سعید خدری در وصیت نبی صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: یا علی لا تتکلم عند الجماع فانه إن قضی بینکما ولد لا یؤمن أن یكون اخرس. ای علی هنگام جماع حرف نزن که اگر (از آن نطفه) بچه دار شوید: از لال بودن (بچه) در امان نیستید! (۳) ۴- شیخ صدوق در خصال باسندش از علی علیه السلام- در حدیث الأربعمائه- فرمود إذا

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۰۴

أتی أحدکم زوجته فلیقلّ الکلام فإنّ الکلام عند ذلک یورث الخرس، لا یظنن أحدکم إلی باطن فرج امرأته فلعله یری ما یکره و یورث العمی. هر وقت یکی از شما به نزد خانمش رفت (که همبستر شود): کم حرف زدن زیرا در آن هنگام حرف زدن سبب لالی (بچه) می شود: به باطن اندام جنسی خانم نگاه نکند: ای بسا آنچه را که دوست ندارد: می بیند و سبب نابینائی می گردد. (۱)

۷- نزدیکی در حال خضاب

۷- نزدیکی در حال خضاب مردی که سر و ریش خود را خضاب می کند، مکروه است با عیال خویش مقاربت نماید چون در این صورت اگر بچه‌ای از آن مقاربت متولد شود، هم مورد آزار و اذیت جنیان قرار می گیرد و هم خود فروش بیار آید! ولی اگر با بستن لوله و غیره از به وجود آمدن بچه جلوگیری شود جای نگرانی نیست.

۱- مسمع بن عبد الملک گفت: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می فرمود: لا یجامع المختضب قلت: جعلت فداک لم لا یجامع المختضب؟ قال: لأنه محتضر. مرد خضاب دار (و حناگذار با همسرش) نزدیکی نکند! گفتم: فدایت شوم چرا؟ فرمود: چون او در خطر آفت (جنیان و پریان) است. (۲) ۲- اَبان از مسمع بن عبد الملک گفت: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می فرمود: لا یجامع المختضب، قلت: لا یجامع المختضب! فقال: لا. خضاب دار (بازن خود) نزدیکی نکند! (با تعجب) پرسیدم: خضاب کننده جماع نکند! فرمود: نه. (۳) ۳- إسماعیل بن اَبی زینب از اَبی عبد الله علیه السلام آن حضرت به مردی از دوستانش فرمود: لا تجامع أهلک وأنت مختضب فإنک ان رزقت ولدأ کان مختبأ. هنگام خضاب گذاشتن، با همسرت نزدیکی نکن زیرا اگر بچه‌ای به وجود آید خود فروش (و لواط

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۰۵

دهنده) می شود. (۱) ۴- در ضمن حدیثی فرمود: .. ولکن لا یجامع الرجل مختضباً، ولا تجامع امرأه مختضبةً ولکن مرد و زن در حال خضاب با همدیگر، جماع نمایند. (۲)

۸- مقاربت در حضور بچه

۸- مقاربت در حضور بچه نگاه بچه اگر چه خیلی کوچک هم باشد، نافذ و هر چه را ببیند در لوح دل و زوایای مغزش متمرکز و ثبت می نماید که بعدها، پس از بزرگ شدن، در زندگی و اخلاقیات او اثر گذار و تأثیر مهمی خواهد داشت، بدین جهت در دستورات اسلام اکیداً برای پرهیز از رفتارهای جنسی و آمیزشی در برابر چشمان بچه، روایات متعدد، وارد شده است.

۱- ابن راشد از پدرش گفت: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می فرمود: لا یجامع الرجل امرأته و لا جاریته و فی البیت صبی فإنّ ذلک مما یورث الزنا. مرد در حالی که بچه‌ای در خانه باشد با زن و کنیز خود نزدیکی نکند چون این عمل باعث زنا کاری (آن بچه در آینده) می شود. (۳) ۲- حسین بن زید: از پدرش: از اَبی عبد الله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود والذی نفسی بیده لو ان رجلاً غشی امرأته و فی البیت صبی مستقیظ یراهما ویسمع کلامهما و نفسهما ما أفلح ابداً ان کان غلاماً کان

زانیاً او جاریه‌ی کانت زانیه، و کان علی بن الحسین علیهما السلام إذا أراد ان یغشی أهله أغلق الباب وأرخى السیور وأخرج الخدم. سوگند به کسی که جان من در دست (قدرت) اوست نجات نمی‌یابد مردی که با همسرش نزدیکی نماید درحالی که بچه‌ای بیدار باشد و آن دو را ببیند و سخن گفتن (و گفتارهای عاشقانه) و نفس نفس زدنشان را بشنود، اگر پسر باشد زنا کننده و اگر آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۰۶

دختر باشد زنا دهنده شود، علی بن حسین (امام زین العابدین) علیهما السلام هر وقت اراده مقاربت با همسر داشت در را بسته و پرده‌ها را افکنده و خدمتکاران را (بابهانه‌ای) بیرون می‌کرد. «۱» ۳- محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: تعلموا من الغراب ثلاث خصال: استتاره بالسفاد، و بکوره فی طلب الرزق، و حذره. سه خصلت را از کلاغ یاد بگیرید، مجامعت پنهانی، و صبح خیزی در طلب رزق، و هوشیاری را. «۲» ۴- سکونی گوید: انّ علیاً علیه السلام مرّ علی بهیمه وفحل یسفدها علی ظهر الطریق فأعرض عنه بوجهه فقيل له: لم فعلت ذلك یا امیر المؤمنین؟ فقال: انه لا ینبغی ان تصنعوا ما یصنعون و هو من المنکر، الا أن تواروه حیث لا- یراه رجل و لا- امرأه. همانا علی علیه السلام به راهی گذر کرد که دو حیوان (نر و ماده با هم) جفت‌گیری می‌کردند، (یا برای جفت‌گیری بهم رسانیده بودند) حضرت روی خود را گرداند، گفتند: ای امیر مؤمنان چرا این کار را کردی؟! فرمود: سزاوار نیست مانند آنها کاری انجام دهید چون این کار از منکرات است مگر اینکه در جایی بپوشانید که مرد و زنی آن را نبیند (تا سبب تحریک آنها گردد). «۳» ۵- سلیمان بن جعفر الجعفری: از امام رضا: از پدرانش علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تعلموا من الغراب ثلاثاً: استتاره بالسفاد، و بکوره فی طلب الرزق، و حذره. سه خصلت را از کلاغ یاد بگیرید، مجامعت پنهانی، و صبح خیزی در طلب رزق، و هوشیاری (و رعایت جانب احتیاط را). «۴» ۶- حنان بن سدیر: از پدرش گفت: شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: لا- یجامع الرجل امرأته ولا جاریته و فی البیت صبئاً، فانّ ذلك مما یورث الزنا. مرد در حالی که بچه‌ای در خانه باشد با زن و کنیز خود نزدیکی نکند چون این عمل باعث زنا کاری (آن بچه در آینده) خواهد شد. «۵» آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۰۷

۷- جابر گوید: أبو جعفر علیه السلام فرمود: ایتاک و الجماع حیث یراک صبئاً یحسن أن یصف حالک قلت: یا ابن رسول الله کراهة الشنعة؟ قال: لا- فانّک ان رزقت ولداً کان شهرةً علماً فی الفسق و الفجور. مبدا در مقابل بچه‌ای که (چیز فهم است و) می‌تواند احوالات تو را بیان نماید، جماع نماید گفتم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کراهت بدی (وحرام) است؟! فرمود: نه بلکه اگر فرزندی به وجود آید در فسق و فجور مشهور (و انگشت نما) می‌گردد. «۱» ۸- ابی بصیر: عن ابی عبد الله علیه السلام آن حضرت فرمود: ایتاک ان تجامع أهلک و صبئاً ینظر الیک فانّ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کان یکره ذلك اشد کراهیه. مبدا با عیالت نزدیکی کنی که بچه‌ای به شما نگاه می‌کند چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شدت از این کار کراهت داشت. «۲» ۹- در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم که فرمود: ایتاکم و ان یجامع الرجل امرئته و الصبی فی المهد ینظر الیهما: مبدا در حالی که کودکی در گهواره به شما می‌نگرد آمیزش جنسی کنید!. «۳»

۹- در کشتی

۹- در کشتی اگر در کشتی جای خلوتی باشد که آمیزش جنسی امکان دارد، انجام این عمل مکروه است زیرا پیامدش مشکلاتی دارد از قبیل غسل کردن و غیره اما اگر جای مناسبی وجود ندارد، اساساً صحبتش خنده دار است عملش که هیچ!!
۱- رسول خدا فرمود: ولا تجامع فی السفینه، و در کشتی جماع نکن. «۴»

۱۰- مقاربت بعد از احتلام!

۱۰- مقاربت بعد از احتلام! بعد از احتلام و پیش از غسل کردن، با عیال خود همبستر شدن مکروه است مگر اینکه: حد اقل ادرار نموده و خود را بشوید.

۱- محمد بن الحسن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: و یکره ان یغشی الرجل المرأة و قد احتلم حتی یغتسل من احتلامه الذی رأى فان فعل فخرج الولد مجنوناً فلا یلومنّ إلا نفسه. و مکروه است مرد بعد از احتلام و قبل از غسل کردن، با زن خود جماع نماید، اگر این کار را کرد و بچه دیوانه بیرون آید، جز خود کسی را مذمت (و توبیخ) ننماید. «۱» ۲- حماد بن عمرو از جعفر بن محمد از پدرش از جدش از علی بن ابی طالب علیه السلام، در حدیث طولانی که وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می‌کرد: فرمود: کره ... أن یأتی الرجل أهله و قد احتلم حتی یغتسل من الإحتلام، فان فعل ذلک و خرج الولد مجنوناً فلا یلومنّ إلا نفسه. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کراهت داشت بعد از محتلم شدن و (قبل از غسل کردن) بازن خود نزدیکی نماید اگر (کسی) این کار را کرد و بچه دیوانه به وجود آمد، کسی را غیر از خود ملامت نکند. «۲»

۱۱- نزدیکی با انگشتر آیه دار

۱۱- نزدیکی با انگشتر آیه دار اگر هنگام جماع یا توالی رفتن، قرآن یا انگشتر آیه دار و اسماء متبرکه همراه باشد: در صورتی که کم احترامی به آنها نباشد و در دست راست باشد مکروه است و گرنه جایز نیست.

۱- علی بن جعفر در کتابش از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام گفت: سألته عن الرجل یجامع أو یدخل الکنیف و علیه خاتم فیه ذکر الله أو شیء من القرآن یصلح ذلک؟ قال لا. از آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۰۹

برادرم پرسیدم از مردی که با انگشتر آیه دار و یا نامی از خدا در آن باشد، (بازن خود) جماع نماید و یا به توالی برود آیا مصلحت (و جایز) است؟! فرمود: نه. «۱»

۱۲- هنگام زرد شدن و طلوع آفتاب

۱۲- هنگام زرد شدن و طلوع آفتاب عبید الله بن علی الحلبي، از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: انی لأکره الجنابۃ حین تصفرّ الشمس و حین تطلع و هی صفراء. من کراهت دارم هنگام زرد شدن و موقع طلوع آفتاب در حال زردی آن، جنب شوم. «۲»

۱۳- بازن باردار

۱۳- بازن باردار مقاربت در ایام بار داری بانوان را، مکروه دانسته‌اند مگر این که مرد با وضو باشد و مراقب حال جنین باشد که صدمه‌ای به او نرسد!

امام رضا از پدرانش علیهم السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله نهی فرمود: از وطی الحبالی حتی یضعن. نزدیکی زن باردار تا وضع حمل نماید (مکروه است). «۳»

۱۴- مقاربت در جای نبود آب!

۱۴- مقاربت در جای نبود آب! إسحاق بن عمار گوید: از ابی عبد الله (علیه السلام) سؤال نمودم از حکم مردی که با عیالش، در مسافرتی است که آب پیدا نمی‌شود آیا می‌تواند با عیالش عمل جنسی انجام دهد؟ فرمود: دوست ندارم این کار را بکنند مگر اینکه برای خودش بترسد قلت:

فیطلب بذلك اللذة أو يكون شبقاً إلى النساء، فقال: ان الشبق يخاف على نفسه، قال: قلت:

طلب بذلك اللذة، قال: هو حلال، قلت: فانه يروى عن النبي صلى الله عليه و آله و سلم أن أبا ذر سأله عن هذا

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱۰

فقال: ائت أهلك توجر، فقال: يا رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم آتيتهم و اوجر؟ فقال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: كما انك إذا أتيت الحرام ازرت، و كذلك إذا أتيت الحلال اجرت، فقال أبو عبد الله عليه السلام: ألا ترى أنه إذا خاف على نفسه فأنتي الحلال اجر؟ گفتیم با این لذت می‌خواهد یا هوس سخت به عمل جنسی با زنان دارد؟! فرمود: این به خودش هم ترس (از ضرر) دارد، گفتیم: با این حال لذت می‌جوید؟، فرمود: حلال است، گفتیم: از پیامبر صلى الله عليه و آله و سلم روایت شده است اباذر از این مسئله سؤال نمود: فرمود: برو پیش عیالت ثواب دارد!، عرض کرد: مقاربت نمایم و اجر هم دارد؟!، فرمود: آن گونه که اگر به حرام بیفتی گناه دارد همان گونه به حلال اقدام نمائی، ثواب دارد، پس ابو عبد الله عليه السلام فرمود: آیا نمی‌بینی هرگاه به خودش بترسد و به حلال رو آورد، (ثواب دارد و) مأجور است. «۱»

۱۵- با غسل مس میت

۱۵- با غسل مس میت اگر کسی غسل مس میت دارد و بخواهد با عیال خود هم مقاربت نماید تا دو غسل را یکی کند، از نظر شرع مانعی ندارد و فقط مکروه دانسته‌اند آن هم با گرفتن وضو بر طرف می‌شود. امام ضا علیه السلام فرمود: إذا أردت الجماع بعد غسلک المیت من قبل أن تغتسل من غسله فتوضأ ثم جامع. هرگاه خواستی بعد از شستن میت و پیش از غسل مس میت، جماع نمائی، پس وضو بگیر و سپس نزدیکی بنما. «۲»

۱۶- حکم عزل!

۱۶- حکم عزل! لغت عزل: در فقه یعنی ریختن «منی» به بیرون و جلو گیری از انزال به اندام جنسی زن، آیا این عمل از نظر شرع جایز است یا مکروه؟ مورد بحث است؛ برای هر دو نظر روایاتی داریم که به بعضی از آنها اشاره می‌نمائیم. برای جواز.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱۱

۱- محمد بن مسلم گوید: از ابا عبد الله (علیه السلام) از حکم «عزل» سؤال نمودم پس فرمود: ذاک إلى الرجل یصرفه حیث شاء. آن در اختیار مرد است هر جا خواست مصرف می‌نماید. «۱» ۲- عبد الرحمن بن ابي عبد الله گوید: از ابا عبد الله (علیه السلام) از حکم عزل پرسیدم؟

فرمود: ذاک إلى الرجل. اختیار آن برای مرد است. «۲» ۳- محمد بن مسلم، از ابي جعفر (علیه السلام) فرمود: لا بأس بالعزل عن المرأة الحرة ان أحب صاحبها وان کرهت لیس لها من الأمر شیء. عزل کردن از زن آزاد ترسی ندارد اگر صاحب نطفه دوست داشته باشد و اگر زن هم نخواهد، در این کار برای او اختیاری نیست. «۳» ۴- محمد بن مسلم گفت: به ابي جعفر (علیه السلام): گفتیم: الرجل تکون تحته الحرة أيعزل عنها؟ قال: ذاک إليه ان شاء عزل وان شاء لم یعزل. مردی زن آزاد دارد: آیا می‌تواند از او عزل نماید؟ فرمود: آن حق اوست اگر خواست عزل می‌کند و اگر خواست عزل نمی‌نماید. «۴» برای کراهت:

۱- محمد بن مسلم، از یکی از صادقین (علیهما السلام)، از حکم عزل سؤال شد فرمود: اما الأمة فلا بأس، فأما الحرة فأتی اکره ذلک إلا ان یشرط علیها حین یتزوجها. اما برده مانعی ندارد و اما زن آزاد، من خوش ندارم مگر اینکه هنگام ازدواج با او شرط کرده

باشد. «۵» ۲- محمد بن مسلم، از ابی جعفر (علیه السلام) مانند پرسش قبل نمودند، و در پاسخ فرمود: «ألا أن ترضی أو یشرط ذلك علیها حین یتزوجها. مگر اینکه زن خود راضی شود یا موقع ازدواج با او شرط (عزل) نماید. «۶» ۳- یعقوب جعفی گفت: شنیدم أبا الحسن (علیه السلام) می فرمود: لا بأس بالعزل فی ستة

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱۲

وجوه: المرأة التي تیقت أنها لا تلد والمسنة والمرأة السلیطة والبذیة، والمرأة التي لا ترضع ولدها، والأمة.

در شش مورد، مانعی بر عزل نیست، زنی که یقین باردار نمی شود، و زن سالخورده و زن سلیطه و بد دهن، و زنی که فرزندش را شیر ندهد و امه (زن برده). «۱»

۱۷- محرمات جماع

۱۷- محرمات جماع احکام حرمت جماع در موارد گوناگون، در کتاب‌های مفصل فقهی مشروحاً بیان گردیده است که در این مختصر به آوردن همه آنها، نیازی نیست فقط به بعضی از آنها اشاره می شود و از آوردن روایاتش هم، صرف نظر کردیم که، طالبین به آن منابع مراجعه نمایند و در آخر این کتاب نیز لازم است به روایت دستورات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مراجعه فرمائید.

۱- در روزهای ماه مبارک رمضان از اذان صبح تا اذان مغرب؛

۲- در لباس احرام، وقتی برای احرام عمره یا حج، محرم شد، تا پایان اعمال، همبستری و مقاربت با زوجه حرام است؛

۳- اگر برای حرام نمودن زنش، پشت او را به پشت مادرش تشبیه نماید، این را در قرآن به «ظهار» «۲»

تعبیر فرموده است در این صورت زنش به او حرام است و چهار ماه فرصت دارد کفاره این سوگندش که کفاره ماه رمضان است، را بدهد تا زنش حلال شود و اگر نکند، زن به حاکم شرع شکایت می کند و حاکم او را به پرداخت کفاره یا طلاق الزام می کند چون زن نمی شود بلا تکلیف بماند؛

اگر برای فرار از کفاره، بخواهد طلاق دهد و دوباره ازدواج کند، نمی تواند، زیرا در آن صورت باید کفاره را بدهد تا بتواند دوباره ازدواج کند.

۴- اگر برای حرام کردن زن برای خودش، قسم شرعی یاد کند که دیگر با تو مقاربت

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱۳

نخواهم کرد که آن را «ایلاء» «۱»

، نامیده است، حکم این نیز عیناً حکم ظهار است؛

۵ در روزهای زایمان که آن را «نفاس» گویند؛

۶- روزهای عادت ماهانه که آن را «حیض» گویند؛

حماد بن عمرو از جعفر بن محمد، از پدر و جدش از علی بن ابی طالب در حدیث طولانی که در آن وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ذکر می کرد و در آن می گفت: «إن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کره أن یغشی الرجل امرأته وهی حائض، فان فعل وخرج الولد مجذوماً أو به برص فلا یلومن إلاً نفسه، ... همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کراهت داشت که مرد با زنش در حال حیض، نزدیکی کند، پس اگر این کار را کرد و بچه، جذامی بیرون آمد، (کسی را) ملامت نکند مگر خود را .. «۲» فقهاء و مراجع: در این روایت کراهت را در حال حیض به معنای حرام دانسته‌اند.

۷- رو به قبله و پشت به قبله، دستشوئی کردن حرام است و شایسته است، برای حفظ حرمت کعبه هنگام همبستری نیز، رو به قبله

نباشد که مکروه است.

۱- رسول خدا فرمود: ولا تجامع مستقبل القبلة ولا تستدبرها. و روبه قبله و پشت به قبله مقاربت منما؛ «۳»

۲- غیاث بن ابراهیم: از ابي عبد الله عليه السلام: انه كره ان يجامع الرجل مقابل القبلة. همانا او دوست نداشت کسی رو به قبله جماع کند. «۴»

۳- ابي البختری از جعفر: از پدرش: از علی علیهما السلام: انه كره ان يجامع الرجل مما يلي القبلة. همانا مکروه است کسی رو به قبله جماع نماید. «۵»

۱۸- مسائلی چند!

۱۸- مسائلی چند! ۱

اصحاب و حاشیه نشینان: از امامان بزرگوار علیهم السلام راجع به مسائل (زنا شوئی) و کارهای زیر لحافی و رفتارهای محرک زوجین، سؤال هائی نموده و بدون رو درباستی: کنجکاوی کرده‌اند تا از احکام آنها سر درآورده و مطلع شوند، زیرا کسی که به عقاید مذهبی خود احترام قائل و پای بند اوامر و نواهی آن است، باید با پرس و جو از خواسته و نخواست‌های آن با خبر گردند.

البته می‌دانیم که دانستن احکام این مسائل که، مورد ابتلاء و خواست دوران جوانی است و از ما که یک مبلغ دینی هستیم، مردم کراراً این مسائل را می‌پرسند و دوست دارند از شرعیت آن، سر درآورند تا مورد مؤاخذه خداوند قرار نگیرند، بدینجهت برای آگاهی از حکم بعضی از آنها (با کمال شرمندگی و معذرت) مسائل آتی و روایاتش را می‌آورم امیدوارم در ذکر این احکام به این حقیر، خرده نگیرید که بنا به مثل مشهور «در بیان شرع شرم نیست».

حالت فارغ شدن چند ثانیه بیش نیست: آنچه که طرفین را آماده کامجویی کند، و آرامش دهد، مقدمات آن است: مانند شوخی و سخنان تحریک کننده و بازی‌های متنوع به گونه ای که طرف مقابل هم برای فارغ شدن مهیا شده و خود را تخلیه نماید در غیر این صورت: زن و مرد سر خورده و نادم و ناراحت و عصبی و سرافکننده برخاسته و گرفتار پیامدهای آن مانند عصبانیت و بیماری های روحی و جسمی و افسردگی و پژمردگی، خواهد بود؛

بدین سبب در دستورات دینی به این قسمت زندگی اهمیت زیاد داده و سفارش های اکید دارد!

۱- محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: ان أحدکم لیأتی أهله فتخرج من تحته، فلو أصابت زنجياً لتشبثت به فإذا أتى أحدکم أهله فلیکن بینهما مداعبة فأنه أطیب للأمر. همانا کسانی از شما با عیال خود مقاربت می کنند (و زود فارغ شده و خود را خلاص می‌نمایند ولی در آن حال اگر زن) از او جدا شود حتی یک سیاه

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱۵

زنگی را هم ببیند به او در آویزد! (چون هنوز تخلیه نشده و در حال ولع می‌باشد)؛

پس وقتی که می‌خواهید نزدیکی کنید در میان شما بازی و شوخی باشد که این پسندیده ترین کار است. «۱»

۲- ابي بصیر: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: لیس شیئی تحضره الملائكة إلا- الزهان و ملاعبة الرجل أهله. چیزی نیست که فرشتگان در کنار آن حضور پیدا کنند، مگر دو چیز، در مسابقات و هنگام بازی مرد با هم سرش. «۲»

دقت کنید مقدمات کار با چه تعبیر هائی مورد، تشویق قرار گرفته است!.

۳- علی بن إسماعیل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ارموا وارکبوا وان ترموا أحب إلی من أن ترکیوا، ثم قال: کلّ لهو المؤمن باطل إلا- فی ثلاث: فی تأدیبه الفرس، و رمیه عن القوس، و ملاعبته امرأته فأنهن حق. (در مسابقات) تیر اندازی کنید و

اسب سواری نمایند ولی اگر تیر اندازی کنید از اسب دوانی بیشتر دوست دارم! سپس فرمود: تمامی لهویات مؤمن باطل است (و خوشایند نیست) مگر در سه چیز: تمرین اسبش و تیر اندازی و بازی مرد با عیال خود که آنها همگی حق است (و مورد تأیید). «۳»

۴- ابی‌البختری از ابی‌عبدالله علیه السلام: از پدرش علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ثلاثه من الجفا: أن یصحب الرجل الرجل فلا یسأله عن اسمه و کنیته، و أن یدعی الرجل إلی طعام فلا یجیب و ان یجیب فلا یأکل، و مواقعه الرجل أهله قبل الملاءمة. سه چیز از جفا است؛

الف- کسی با کسی هم سفر شود: اما از نام و فامیل او سؤال نکند!

ب- مرد به طعام (و میهمانی) دعوت شود اما نپذیرد یا بپذیرد و چیزی نخورد؛

ج- نزدیکی مرد با همسرش پیش از بازی (و آمادگی او). «۴»

۵- عبد الله بن حسین بن زید العلوی: از پدرش: از جعفر بن محمد: از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إذا تجامع الرجل والمرأة فلا- یتعزبان فعل الحمارین فإن الملائکة تخرج من بینهما إذا فعلا ذلک. زمانی که زن و مرد مقاربت می کنند روباز و مانند الاغها کار انجام ندهند که اگر این گونه کنند: فرشتگان از میان آنها بیرون روند

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱۶

(و رخت بر می بندند). «۱»

۲

مکمل شماره ۲- به طور کلی شتاب زدگی در هر کاری: پیامدهای ناگوار و ندامت و پشیمانی در پی خواهد داشت: در تصمیم گیری‌ها و اقدام‌ها: نباید عجله کرد چون فرموده اند العجله من الشیطان شتابزدگی از شیطان است؛ پس نباید در کارها شتاب کرد و عجله نمود.

یکی از مصادیق بارز آن شتاب کردن و زود فارغ شدن هنگام هم بستری است که اخلاقاً پسندیده نیست و خواسته‌های درونی و نیازهای جنسی طرفین، اشباع نخواهد شد بدین خاطر سفارش شده از مقاربت با همسر مانند پرندگان و حیوانات دیگر: پرهیزند.

۱- ابن القداح: از ابی‌عبدالله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إذا جامع أحدکم أهله فلا یأتیهنّ کما یأتی الطیر لیمکث و لیلث قال بعضهم: ولیلث. وقتی که یکی از شماها می خواهد با اهلش نزدیکی نماید مانند پرنده (سریع و شتابان) نکند بلکه آرام و با تأنی (و فراهم ساختن آمادگی روحی و جسمی همدیگر) به پایان رساند. «۲»

۲- علی علیه السلام- در حدیث الاربعمأة- فرمود: إذا أراد أحدکم أن یأتی زوجته فلا یعجلها فإن للنساء حوائج (جوائح). هروقت خواستید به اهل خود نزدیک شوید زن را شتاب زده ننمایید زیرا آنها کارهای (مقدماتی) دارند که باید انجام دهند (از قبیل رسیدن به خود و استعمال عطر و آرایش کردن و غیره). «۳»

۳- از مسمع: از ابی‌عبدالله علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إذا أراد أحدکم أن یأتی أهله فلا یعجلها. هروقت کسی خواست به اهلش نزدیکی کند: زن را شتاب زده ننماید. «۴»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱۷

۳

نگاه کردن به اعضای بدن همسر یکی از کارهای محرک و مشوق برای ارضای غریزه جنسی است در این صورت سؤالی پیش می‌آید که آیا برای این نگاه کردن حد و مرزی وجود دارد یا خیر؟! به روایات ذیل دقت نمایید.

۱- إسحاق بن عمار: از ابی‌عبدالله علیه السلام فی الرجل ینظر إلی امرأته وهی عریانه، قال: لا بأس بذلک، وهل اللذة إلا ذلک؟! در باره مردی که به زن خود در حال لخت و عریان نگاه کند سؤال نمود؟! فرمود: عیب ندارد آیا لذت جز این است؟! «۱»

۲- اَبی حمزه گفت: از اَبَا عبد الله عليه السلام سؤال کردم اینظر الرجل إلى فرج امرأته وهو يجمعها؟ قال: لا بأس. آیا مرد در حال مقاربت: می تواند به اندام جنسی زن خود نگاه کند؟! فرمود: مانعی ندارد. «۲»

۳- محمد بن علی بن حسین گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

الخيرات الحسان من نساء أهل الدنيا وهن أجمل من الحور العين، ولا بأس أن ينظر الرجل إلى امرأته وهي عريانة. زنان بابرکت و زیبای اهل دنیا: بهتر از حورعین (بهشت) است و عیبی ندارد که مرد به زن لخت خود، نگاه کند. «۳»

۴

بعضی از کارها ممکن است ابتدائاً و در بدو نظر چیزی به نظر نیاید اما با مرور زمان اثرات خود را ظاهر نماید: مانند تأثیر ازدواج فامیلی در بچه ها و خوردن میوه های خوشگل در زیبایی اولاد و اثر ناگوار جرو بحث های والدین، در جنین و روحیات فرزند و غیره؛

یکی از این موارد، نگاه مرد به پایین تنه همسر است: درست است که از جهت حکم حرام نیست و به ظاهر هم چیزی به نظر نمی آید اما اگر از نطفه آن لحظه بچه منعقد

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱۸

شود، شاید در بعضی ها با گذشت زمان عوارض جانبی و اثرات خود را در روی جنین بگذارد و سبب نابینائی و کوری بچه شود، و همچنین حرف زدن زیاد حین عمل جنسی (اگر از آن نطفه بچه منعقد شود) احتمالاً سبب لالی فرزند شود مگر از موانع بچه دار شدن استفاده نکرده باشد، مانند بستن لوله رجم و خوردن قرصهای ضد بارداری و غیره که در این صورت ها کراهتش منتفی است، به روایات ذیل و مطلب بعد از آن دقت بفرمائید.

۱- سماعه گفت: (از ابا عبد الله عليه السلام) سؤال کردم مردی، اینظر فی فرج المرأة وهو يجمعها؟ قال: لا بأس به إلا أنه يورث العمى (فی الولد). مرد در حال مقاربت به عورت همسرش نگاه کند؟! فرمود: ترسی نیست (عیب ندارد) مگر این که سبب کوری در فرزند می شود. «۱»

۲- باسند خود از اَبی سعید خدری- در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: ولا ينظر أحد إلى فرج امرأته، وليغض بصره عند الجماع فإنَّ النظر إلى الفرج يورث العمى فی الولد. کسی در حال نزدیکی به پایین تنه همسرش نگاه نکند و چشمش را بپوشاند زیرا (در آن حال) نگاه بر عورت زن: سبب نابینائی در فرزند می شود. «۲»

۳- عبد الله بن حسین بن زید بن علی بن اَبی طالب: از پدرش: از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم- در حدیثی- فرمود: وكره النظر إلى فروج النساء، وقال: إنه يورث العمى، وكره الكلام عند الجماع. و قال: إنه يورث الخرس، وكره المجامعة تحت السماء. مکروه است نظر به اندام های جنسی زنان چون سبب کوری (بچه) می شود: سخن گفتن در حال همبستری سبب لالی می شود! و مقاربت در زیر آسمان (و در فضای باز) را خوش نداشت!. «۳»

۴- جعفر بن محمد: از پدرانش علیهم السلام- در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام- فرمود: یا علی کره الله لأمتی العبث فی الصلاة والمن فی الصدقة، وإتيان المساجد جنباً،

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۱۹

والضحك بين القبور، والتطلع فی الدور، والنظر إلى فروج النساء لأنه يورث العمى، وكره الكلام عند الجماع لأنه يورث الخرس. ای علی خداوند به امت من چند چیز را دوست ندارد: بازی در نماز و منت در صدقه دادن و جنب به مسجد آمدن و میان قبرها خندیدن و کنجکاوای خانه ها و نگاه نمودن به اندام های جنسی بانوان: زیرا سبب کوری (بچه) شود و موقع نزدیکی با همسر، حرف زدن را دوست نداشت که سبب لالی فرزند می گردد!. «۱»

۵- اَبی البختری: از جعفر: از پدرش: از علی علیهم السلام وابن عباس هردو گفتند: النظر إلى الفرج عند الجماع يورث العمى. نگاه به پایین تنه زن هنگام مقاربت، سبب کوری (بچه) می‌شود! (۲)

۵

ممکن است بعضی‌ها در اثر ناتوانی جسمی و پیری و یا به علت بیماریها و خوردن داروهای گوناگون، و عوامل دیگر، به ناتوانی جنسی گرفتار آید و نتواند از طریق معمول همسر خود را ارضاء نماید، آیا شرعاً می‌تواند برای ارضاء همسرش، با راه‌های دیگر اقدام کند یا نه؟!.

۱- عیید بن زرارۀ گوید: کان لنا جار شیخ له جاریۀ فارهه قد أعطی بها ثلاثین ألف درهم، و کان لا یبلغ منها ما یرید و کانت تقول: اجعل یدک کذا بین شُفْرَی فإنی أجد لذلك لذۀ، و کان یکره أن یفعل ذلك فقال لزرارة: سل أبا عبد الله علیه السلام عن هذا؟ فسأله فقال: لا بأس أن یستعین بكل شیء من جسده علیها، ولكن لا یستعین بغير جسده علیها. ما همسایه ای پیر (و بی حالی) داشتیم: کنیز سرحال (وزیبائی) داشت که به سی هزار درهم خریده بود ولی نمی‌توانست با او مقاربت نماید و کنیز هم به او می‌گفت: (اقلاً) دستانت را میان اندام من قرار ده (یعنی با پائین تنه من بازی کن) من لذت ببرم (و خود را آرام نمایم!) آن مرد (به گمان اینکه این رفتار شرعاً اشکال دارد) از این کار کراهت داشت: به زرارۀ گفت، از امام صادق علیه السلام از حکم این کار بپرسد او هم سؤال کرد (حضرت) فرمود: با هر شرایط از بدن خود با آن (کنیز) بازی کند: عیب ندارد و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۰

لکن با (لوازم و وسایل دیگر) خارج از بدن خود انجام ندهد. (۱)

۲- عیید بن زرارۀ گفت: قلت لأبی عبد الله علیه السلام: الرجل یكون عنده جوار فلا یقدر علی أن یطأهن یعمل لهنّ شیئا یلذّهنّ به قال: أما ما کان من جسده فلا بأس به. به ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: مردی کنیزان زیادی دارد و نمی‌تواند با آنها نزدیکی کند و (آن‌ها را ارضاء نماید) ولی کارهایی می‌کند که از آن‌ها لذت می‌برند؟! فرمود: اگر با اعضای بدن خود باشد: عیب ندارد. (۲)

۶

بعضی‌ها مایلند از اندام جنسی دوم بانوان استفاده کنند!! آیا جایز است یا نه؟!.

در این باره روایات دو گونه آمده است، گروه زیادی آن را تجویز نموده و حتی در کتاب جواهرالکلام: ج ۲۹ ص ۱۰۳ ادعای اجماع کرده است؛

و عده‌ای هم تحریم نموده‌اند و دسته‌ای نیز برای حل روایات زیاد، جایز دانسته‌اند اما با کراهت شدید!!، بنا براین برای روشن شدن مطلب چند نمونه از روایات متقابل را می‌آوریم و حکم مسئله را به فتوای مرجع تقلید هر کس، واگذار می‌نماییم. نمونه‌هایی از روایات دسته اول:

۱- در روایت صحیح صفوان آمده است به امام رضا علیه السلام گفت: مردی از دوستان مرا امر کرد مسئله‌ای را از شما سؤال نمایم که خودش از هیبت شما حیا کرد بپرسد، فرمود: آن چیست؟! گفتم: مردی از پشت با عیالش مقاربت نموده است!! فرمود:

این (حق) برای اوست، گفتم: شما خود این کار را می‌کنی؟! فرمود: ما این کار را نمی‌کنیم. (۳)

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۱

۲- ابن یغفور گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم از (حکم) مردی که از پشت همسرش نزدیکی کرده! فرمود: آن، یکی از دو محل مجاز مقاربت است. (۱)

ابن اَبی یغفور گوید: از ابا عبد الله (علیه السلام) از حکم مردی از اندام جنسی دوم سؤال نمود؟! فرمود: لا بأس به. عیب ندارد. (۲)

۳- یونس بن عمار گوید: به ابی عبد الله یا ابی الحسن (علیهما السلام) گفتم: ائی ربما أتیت الجاریة من خلفها- یعنی دبرها- ونذرت فجعلت علی نفسی إن عدت إلی امرأه هكذا فعلی صدقة درهم وقد ثقل ذلك علی قال: لیس علیک شیء و ذلك لک. من بعضی وقت‌ها با کنیزم- از پشت مقاربت می‌نمایم- ونذر کرده‌ام اگر این کار را تکرار کنم، یک درهم صدقه دهم و این برایم سنگینی می‌کند؟ فرمود: چیزی برایت نیست و این برای توست. «۳»

۴- از ابن ابی یغفور نقل شده او گفت: از ابا عبد الله علیه السلام از حکم مقاربت از عقب زنان سؤال نمودم فرمود: لا بأس به، ثم تلا هذه الآية (نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم أنى شئتم) قال: حیث شاء. عیب ندارد و این آیه را تلاوت نمود، «زنان شما محل بذر افشانی شما هستند پس هر زمان که خواستید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید» فرمود: هر طور خواست. «۴»

نمونه هائی از روایات دسته دوم:

۱- سدید گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دُبُرُ (یعنی اندام جنسی دوم) زن‌ها برای امت من حرام است؛ و در خبر دیگر فرمود: دبر زنان اَمّت

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۲

من به مردان اَمّت حرام است. «۱»

۲- ابان از امام صادق علیه السلام سؤال کردم از (حکم) مقاربت زنان از پشت؟ فرمود: او وسیله بازی توست، اذیتش نکن. «۲»

۳- علی بن ابراهیم در (تفسیرش): امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه: «فأتوا حرثکم أنى شئتم» فرمود: اى متى شئتم فى الفرج والدلیل علی قوله فى الفرج قوله تعالى: «نساؤکم حرث لکم» فالحرث الزرع فى الفرج فى موضع الولد. یعنی هر وقت خواستید از جلو و دلیل بر اینکه منظور آیه قسمت جلو است، فرمایش خدای تعالی «نساءکم حرث لکم» است زیرا کشت و زرع در فرج در محل فرزند است. «۳»

۴- زید بن ثابت گوید: مردی از امیر مؤمنان (علیه السلام) سؤال نمود: أتوتى النساء فى أذربهن؟ فقال: سفلت سفل الله بك أما سمعت يقول الله: «أتأتون الفاحشة ما سبقکم بها من أحد من العالمین». «۴»

آیا مقاربت زنان از عقب جایز است؟ فرمود: خودت

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۳

را پست کردی خداوند ترا پست نماید، آیا نشنیده‌ای خدا می‌فرماید: «آیا کار بدی را می‌آورید که پیش از شما کسی از عالمیان، آن را نیاورده است».

با توجه به این روایات، فتواها هم بر دو گونه صادر شده است.

راه حل: برای حل این مسئله می‌توان اینگونه نظر داد، اگر زن خود به این کار رضایت دهد جایز و در صورت ممانعت و عدم رضایت جایز نمی‌شود زیرا این موضع دوم مانند موضع اول نیست اگر زن رضایت هم ندهد، او را به نزدیکی از جلو می‌شود مجبور نمود اما از پشت اجبار جایز نیست چنانکه در روایتی.

ابی یغفور گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم مردی با همسرش از پشت (آمیزش جنسی دارد) و مقاربت نموده، فرمود: اگر خود زن راضی باشد مانعی ندارد «۱»

اکیداً توصیه می‌شود در این گونه موارد، هر کس به فتوای مرجع تقلید خود رجوع نماید و به آن عمل کند.

۱- مرد بامرد (لواط یا همجنس بازی)!!

۲- زن با زن (مساحقه)!!

۳- مرد با زن مشروع و با ازدواج خود.

۴- بدون ازدواج و نا مشروع.

۵- بصورت جلق (یا استمناء).

۶- انسان با حیوان.

تمامی صورت‌های فوق بجز ازدواج مشروع، حرام و از نظر شرایع آسمانی مردود و ناپسند و برخلاف مسیر درست می باشد!! علاوه بر نادرست بودن آنها برای جلوگیری و مهار نمودن آنها، مجازات‌های سنگین و کیفرهای سخت تعیین گردیده است؛ صورت اول: اگر عاملین آن تا رسیدن به محاکم قضائی، توبه نکنند، باید با یکی از راههای ذیل، اعدام و نابود شوند؛ الف: با آتش سوزانده شوند.

ب: سنگسار شوند؛

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۴

ج: دست و پایشان را ببندند و از مکان مرتفع رها سازند تا تکه تکه شوند؛

د: به دار آویخته و نابود گردند؛

صورت دوم: اگر زن شوهردار با زن شوهردار، مرتکب این اعمال شوند، بی چون و چرا سنگسار و اعدام یا سوزانده خواهند شد، اگر دو زن یا دختر بی شوهر این عمل را انجام دهند، در مرحله نخست، برای هر یک در ملاء عام یکصد تازیانه می زنند همچنین در مرتبه دوم و سوم، اگر توبه نکردند در مرتبه سوم اعدام می شوند و اگر یکی از آنها با شوهر و دیگری بی شوهر باشند، شوهردار در مرحله اول و بی شوهر در مرحله سوم نابود می گردند.

صورت سوم: اگر با ازدواج مشروع باشد (موقت یا دائم) که مورد پسند خداوند و برای این گونه آمیزش تشویق زیاد و ثواب بیشتر معین شده است،

صورت چهارم: اگر نوع نامشروع و زنا باشد، حکم آن هم مانند مساحقه می باشد، مرد زن دار با زن شوهر دار زنا نمایند، سنگسار و اعدام، مرد بی زن با زن بی شوهر در مرتبه سوم یا چهارم اعدام و اگر یکی بی زن و دیگری شوهردار یا برعکس باشد حکمش در مساحقه بیان گردید.

صورت پنجم: برای عاملین و مرتکبین این عمل هم با صلاحدید حاکم شرع تازیانه تعیین گردیده است «۱»

صورت ششم: اگر با حیوان حلال گوشت باشد علاوه بر اینکه باید قیمت آن را به صاحب مال پرداخت نماید، باید آن حیوان سربریده و سوزانده شود، و اگر با حیوان حرام گوشت باشد، آن حیوان نفی بلد می شود یعنی باید به محل دیگر برده و بفروش برسانند، و برای عامل این عمل هم، مجازات‌های سنگین، پیش بینی شده و تعیین گردیده است. و باید توجه داشت که احکام مربوط به این اعمال در کتاب‌های فقهی مشروحاً بیان گردیده و فتاوا هم متفاوت است، برای اطلاع بیشتر به آن منابع مراجعه شود فقط در میان صورتهای فوق در مورد «مساحقه» که با

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۵

موضوع کتاب ترتبات دارد، به چند روایت توجه نمایید.

۱- یعقوبن جعفر گوید: مردی از امام صادق علیه السلام یا امام موسی کاظم علیه السلام سؤال نمود از حکم زنی که با زن دیگر «مساحقه» نماید!! حضرت تکیه داده بود (با شنیدن این سؤال با عصبانیت) نشست و فرمود: ملعونه ملعونه الزاکبه و المرکوبه ملعونه

حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ أَثْوَابِهَا، فَإِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأُولِيَاءَهُ يَلْعَنُونَهَا أَنَا وَمَنْ بَقِيَ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ، فَهُوَ وَاللَّهُ الزَّانَا الْأَكْبَرُ، وَلَا وَاللَّهِ مَا لَهِنَّ تَوْبَةٌ قَاتِلَ اللَّهِ الْأَقْبَسِ بِنْتِ ابْلِيسَ مَاذَا جَاءَتْ بِهِ، فَقَالَ الرَّجُلُ هَذَا مَا جَاءَ بِهِ أَهْلُ الْعِرَاقِ، فَقَالَ وَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ الْعِرَاقُ. از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است سوارشونده و سوار شده تا از رختخوابش بیرون آید، همانا خدا و فرشتگان و دوستانش او را لعنت می‌کنند من و هر کس در صلب‌های مردان و رحم‌های زنان باقی مانده است پس به خدا سوگند آن «مساحقه» زناي بزرگ است!، نه به خدا سوگند برای آنها، توبه نیست! لعنت خدا براقیس دختر شیطان، چه آورد او، یعنی بنیان گذار مساحقه دختر ابلیس بود؛

مرد گفت: این کار را عراقی‌ها آورد!، فرمود: به خدا قسم در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم بود که عراقی وجود نداشت. «۱»

البته اگر پیش از رسیدن به محاکم قضائی، توبه نمایند، حد ساقط می‌شود و توبه شان نیز قبول می‌گردد و گرنه باید حد جاری شود.

۲- و فیهنَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَعْنُ اللَّهِ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ هُمُ الْمُخْتَنُونَ وَ اللَّاتِي يَنْكَحْنَ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا. در باره این‌زنها، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدا لعنت کند به مردانی که خود را تشبیه کننده به زنان و تشبیه کنندگان زن خود را بر مردان، آن مردانند لواط دهنده و آن زنانند که بعضی بعضی را، نکاح می‌کنند. «۲»

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: السَّحْقُ فِي النِّسَاءِ بِمَنْزِلَةِ اللُّوَاطِ فِي الرِّجَالِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ شَيْئًا فَاقْتُلُوهُمَا ثُمَّ اقْتُلُوهُمَا. به همدیگر مالیدن در زنان مانند لواط در مردان است،

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۶

هر کس این را کرد، هر دوی آنان را بکشید (و بدون گذشت) بکشید. «۱»

۴- محمد بن ابی حمزه و هشام و حفص همگی از امام صادق علیه السلام زنانی بر او داخل شدند و از آن حضرت از (حکم) «سحق» سؤال نمودند؟! فرمود: حَدَّهَا حَدَّ الزَّانِي فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ مَا ذَكَرَ ذَلِكَ فِي الْقُرْآنِ! فَقَالَ بَلَى، قَالَ فَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ هُنَّ أَصْحَابُ الرِّسِّ. حَدَّ أَنْ حَدَّ زَانِكُنْده است، زن گفت: این در قرآن ذکر نشده است؟! فرمود:

بلی (آمده است) گفت: در کجای (قرآن) فرمود: آنها اصحاب رس است. «۲»

۵- سيف تمار از امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: أُنْتِي أَمِيرَةُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَمْرَاتَيْنِ وَجَدْتَا فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ وَ قَامَتَا عَلَيْهِمَا الْبَيْتَةُ أَنَّهُمَا كَانَتَا تَسَاحِقَانِ فَدَعَا بِالنَّطْعِ ثُمَّ أَحْرَقْتَا بِالنَّارِ!. دو زن را پیش امیر مؤمنان علیه السلام آوردند که در زیر یک لِحاف بودند و شاهد هم اقامه شد بر اینکه آنها، مساحقه می‌کردند، پوست (زیر انداز) خواست و سپس هر دو با آتش سوزانده شدند. «۳»

۶- در خبر المناهی- فرمود: نَهَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَبَاشِرَ الْمَرْءُ الْمَرْأَةَ لَيْسَ بَيْنَهُمَا ثَوْبٌ.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نهی نمود زن به زن مباشرت کند که میانها پرده‌ای نباشد. «۴»

۷- ابی هاشم، از ابی خدیجه، از بعض صادقین علیهما السلام فرمود: لَيْسَ لِامْرَأَتَيْنِ أَنْ تَبْتَئَا فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا حَاجِزٌ، فَانْ فَعَلْتَا نَهَيْتَا عَنْ ذَلِكَ، فَانْ وَجَدْتَا مَعَ النَّهْيِ جِلْدَتَا كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا حَدًّا، فَانْ وَجَدْتَا أَيْضًا فِي لِحَافٍ جِلْدَتَا، فَانْ وَجَدْتَا الثَّلَاثَةَ قَتَلْتَا. نباید دو زن زیر یک لِحاف بخوابد، مگر اینکه میان آنها پرده ای باشد، اگر خوابیدند، نهی شوند اگر باز بعد از نهی (زیر یک لِحاف) پیدا شدند، تازیانه زده می‌شوند، باز پیدا شدند باز تازیانه، اگر سومین بار پیدا شدند کشته می‌شوند. «۵»

توضیح اینکه ممکن است، این حکم در باره دختران یا زنان مجرد (و غیر محصنه)

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۷

باشد اما زنان شوهردار (ومحصنه) پس ثبوت مساحقه شان در وحله نخست، اعدام می‌شوند، آنگونه که امیرمؤمنان علیه السلام در باره دوزن انجام داد زیرا برابر روایات وارده مساحقه مانند زنا است و در حکم آن.

۸- از امام صادق، از پدراناش علیهم السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: لا یبأشر الرجل الرجل إلا و بینهما ثوب ولا تبأشر المرأة المرأة إلا و بینهما ثوب. مرد با مرد زن با زن با همدیگر مباشرت نداشته باشند، مگر اینکه میان آنها لباس (یا پرده) باشد. «۱»

۹- واز او علیه السلام فرمود: لا تبیت المراتان فی ثوب واحد إلا أن تضطرّاً إلیه. دوزن در زیریک لباس (لحاف) نخوابند مگر اینکه ناچار باشند. «۲»

۱۹- خطرات همنشینی با نامحرم

۱۹- خطرات همنشینی با نامحرم در روایت آمده است که ابلیس به خدمت تعدادی از انبیاء مانند حضرات نوح و موسی و یحیی علیهم السلام شرفیاب می‌شد و صحبت می‌کرد!! روزی به خدمت حضرت موسی علیه السلام آمد و گفت: ای موسی وقتی که مناجات را با خدا تمام کردی این درخواست مرا به او برسان و بگو: خدایا حالا که از زمان آدم خیلی گذشته است چه می‌شود که مرا بیخشی و از گناه من در گذری!!

سفارش ابلیس را به خدا عرضه داشت، خطاب آمد ای موسی به او بگو اگر می‌خواهی ترا ببخشم برو به قبر آدم سجده کن! ابلیس که قضیه را شنید پوز خندی زد و گفت: من به آدم زنده سجده نکردم به مرده‌اش سجده کنم هیئات!! ولی ای موسی به خاطر رساندن سفارش من، من هم چند چیز را به تو سفارش می‌کنم مواظب باشی!!

۱- متکبر نباش مرا تکبر بیچاره‌ام کرد اگر تکبر نمی‌کردم و به آدم سجده می‌نمودم آن همه عبادات و مقام والای خود را از دست نداده و به این روز نمی‌افتادم.

۲- در هیچ چیز طمع و حرص نداشته باش، طمع نزدیک شدن به شجره منهیه، سبب رانده شدن آدم از بهشت گردید.

۳- حسود نباش، زیرا حسادت باعث شد قایل برادرش هابیل را بکشد و لعین دنیا و آخرت گردد.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۸

۴- هیچ وقت با زن نامحرم در جای خلوت ننشین، بدانکه نفر سوم من خواهم بود و شما را از راه ایمان بدر خواهم برد! اقلاً در را باز گذارید یا بچه ممیز کنارتان باشد. «۱»

۱- دَرَسْتُ (راوی) از کسی که به او گفته است از امامان علیهم السلام فرمود: ابلیس به موسی علیه السلام گفت: یا موسی لا تخل بامرأة لا تحلّ لك فأنه لا یخلو رجل بامرأة لا تحلّ له إلا كنت صاحبه دون أصحابی. ای موسی با زنی که بر تو حلال نیست، خلوت نکن، به یقین مرد با زن نامحرمی خلوت نکرد، مگر اینکه من بدون یارانم با او خواهم بود (یعنی خودم سریع، دست بکار می‌شوم و منتظر بچه هایم نمی‌باشم. «۲»

سعدان، از ابي عبد الله عليه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانند آن را، روایت کرده است.

۲- نوادر راوندی: باسند خود از موسی بن جعفر از پدراناش علیهم السلام گفت: علی فرمود:

ثلاث من حفظهن كان معصوماً من الشيطان الرجيم ومن كل بلیه، من لم یخل بامرأة لیس یملك منها شیئاً، ولم یدخل علی سلطان، ولم یعن صاحب بدعة بیدعته. سه چیز است هرکس آن را حفظ نماید، از (خطرات و وسوسه‌های) شیطان رجیم و از همه بلاها معصوم (و مصون) می‌شود، هرکس با زنی که مالک آن نیست، خلوت نماید، و برسلطانی داخل نشود (و به دربار او رفت و آمد

نکند) و بریدعت صاحب بدعتی، یاری نرساند. «۳»

۳- مسمع بن اُبی سيار گوید: اُبی عبد الله عليه السلام فرمود: فيما أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم البيعة على النساء، أن لا يحتببن «۴» ولا يقعدن مع الرجال في الخلاء. در ضمن چیزهائی که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در هنگام بیعت گرفتن از زنها، سفارش کرد این بود که دست‌ها را در زانو حلقه زده (چمباتمه) نزنید و در خلوت با مردان (نامحرم) ننشینید. «۵»

۴- موسی بن ابراهیم: از موسی بن جعفر: از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا بيت في موضع يسمع نفس امرأة ليست له

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۲۹

بمحرم. هر کس به خدا و قیامت ایمان آورده است شب نکند در جائی که نفس زنی شنیده شود که به او محرم نیست. «۱»

۵- حسن بن فضل طبرسی در کتاب (مکارم الاخلاق): از امام صادق علیه السلام فرمود:

أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم على النساء أن لا ينحن ولا يخمشن ولا يقعدن مع الرجال في الخلاء. از جمله شرایط بیعت گرفتن از زنها این بود که نوحه گری نکنند و روی خود را در مصائب نخرانند و بانامحرمان در خلوت همنشین نشوند. «۲»

۶- شیخ مفید باسند خود گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: أربعة مفسدة للقلوب: الخلوۃ بالنساء والإستمتاع منهن والأخذ برأيهن ومجالسة الموتى فقيل: يا رسول الله وما مجالسة الموتى؟ قال: مجالسة كل ضال عن الايمان وجائر عن الأحكام. چهار چیز دل را به فساد کشد،

۱- خلوت کردن با زنان؛

۲- بهره برداری (از حرام) آنها؛

۳- پذیرفتن رأی آنها؛

۴- هم نشینی با مردگان، گفته شد ای رسول خدا با مردگان نشستن چیست؟! فرمود: همنشینی با گمراهان دور از ایمان و ستمگران در حکم دادن. «۳»

۲۰- دید زدن به خانه همسایه

۲۰- دید زدن به خانه همسایه در روایات آمده است که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: جبرئیل آن قدر حقوق همسایه‌ها را بیان کرد من خیال کردم دستور خواهد داد که همسایه‌ها از همدیگر ارث ببرند؛

تعداد سی و پنج حق برای همسایه در گردن یکدیگر تعیین گردیده است!؛ بدینجهت باید حقوق یکدیگر را رعایت نمایند و آبروی هم را نگهدارند چون همسایه قهراً از اسرار همسایه‌اش، آگاه خواهد شد، پس نباید در صدد دید زدن به

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۰

خانه همسایه باشد حتی اگر کسی بخواهد به زندگی و اسرار همسایه خود، دید بزند و دزدکی نگاه کند: آن یکی همسایه حق دارد در آن حال بزند و چشم او را در آورد و کور نماید مسئولیت شرعی و دیه هم ندارد!؛

روی این اصل نباید کسی برای پی بردن و اطلاع یافتن از اسرار درونی همسایه کنجکاوی نماید و به کشف اسرار او پردازد.

۱- (عقاب الأعمال): از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: من اطلع في بيت جاره فنظر إلى عورة رجل أو شعر امرأة أو شيء من جسدها كان حقاً على الله أن يدخله النار مع المنافقين الذين كانوا يتبعون عورات النساء في الدنيا، ولا يخرج من الدنيا حتى يفضحه الله، ويبدى للناس عورته في الآخرة، و من ملأ عينيه من امرأة حراماً حشاهما الله يوم القيامة بمسامير من نار، وحشاهما ناراً حتى يقضى بين الناس، ثم يؤمر به إلى النار. هر کس به خانه همسایه دید بزند و چشمش به عورت مرد یا موی زنی یا به چیزی از

اعضای او بیفتد، برای خدا حق است که او را با منافقین به آتش داخل کند، کسانی که در دنیا به عورات زنها تبعیت (و پیگیری) می‌شوند، از دنیا بیرون نمی‌روند مگر اینکه خداوند او را رسوایی نماید و در آخرت آبروی او را می‌ریزد و هر کس چشمهایش را از نگاه کردن به زن نامحرم پر نماید، خداوند هر دو چشم او را در روز قیامت از میخ‌های آتشین پر نماید و پر از آتش کند، تا از قضاوت میان مردم فارغ شود، و سپس دستور دهد تا او را به سوی آتش بکشند. «۱»

۲۱- لعنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۲۱- لعنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا در باره سه کس لعنت نموده است.

۱- کسی که به عورت زن حرام نگاه کند.

۲- مردی که به ناموس برادر و دوستش خیانت کند.

۳- کسی که مردم به کمک او احتیاج داشته باشند: او از آنها رشوه درخواست نماید.

۱- جابر: از ابی جعفر علیه السلام فرمود: لعن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رجلاً ينظر إلى فرج امرأة لا تحل

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۱

له، و رجلاً خان آخاه فی امرأته، و رجلاً يحتاج الناس إلى نفعه فيسألهم الرشوة. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لعنت کرد به کسی که به عورت زنی نگاه کند که برایش حلال نیست، و مردی که به برادرش در مورد زنش خیانت نماید، و مردی که مردم به منفعت (و کمک) او نیاز داشته باشند، از آنها، درخواست رشوه نماید. «۱»

۲۲- دیگر تکرار نکن!!

۲۲- دیگر تکرار نکن!! امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: اتقوا معاصی الله فی الخلووات فإن الشاهد هو الحاكم از معصیت‌های پنهانی پرهیزید: زیرا (فردای قیامت) شاهد (یعنی خداوند) خود حکم کننده خواهد بود!

با توجه به مفاد این روایت نباید در جاهای خلوت: حد و مرز را شکست و نافرمانی کرد زیرا برای خدا خلوتی وجود ندارد همه جهان آفرینش: محضر خداست هیچ عملی ریز یا درشت: از منظر خدا پنهان نیست و باید حیا کرد.

۱- سعید بن هبه الله راوندی در (الخراج والخراج) از ابی کهمس گفت: كنت نازلًا فی المدینة وکان فیها وصیفه وکانت تعجبنی فانصرفت لیلئ ممسیاً فافتتحت الباب ففتحت لی فقبضت علی ثدیها (فمددت یدی فقبضت علی یدها)، فلما کان من الغد دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام فقال: تب إلى الله مما صنعت البارحة. من در مدینه (در منزلی) نزول کرده بودم و در آن کنیزی بود که از او خوشم می‌آمد (و فکر مرا به خود مشغول ساخته بود)، شبی در را زدم که باز کند او هم در را گشود، و دستم را دراز کرده پستانهای او را گرفته (و دستم را بردم و دستش را گرفتم)؛

فردا که به خدمت امام صادق علیه السلام وارد شدم فرمود: از کاری که دیشب کردی، به خدا توبه کن (و دیگر تکرار نکن). «۲»

۲- مهزم الاسدی گفت: کنا بالمدینة وکانت جاریة صاحب الدار تعجبنی وینی أتیت الباب فاستفتحت الجاریة فغمزت ثدیها، فلما کان من الغد دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام فقال: این

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۲

أقصى أثرک؟ قلت: ما برحت بالمسجد (المسجد)، فقال: أما تعلم أن أمرنا (هذا لا يتم) (هنا لا ينال) إلا بالورع. ما در مدینه بودیم و کنیز صاحب خانه مرا به شگفتی واداشته (و به خود مشغول ساخته بود)، به دم در آمده و در را زدم و او بیرون آمد من پستانهای او را فشردم، فردا که به محضر امام صادق علیه السلام داخل شدم فرمود: دورترین آثار کجاست (دیشب چکار کردی)؟ گفتم:

دیشب در مسجد بودم فرمود: آیا نمی‌دانی این قبول (ولایت ما) تمام نمی‌شود (و به کمال نمی‌رسد) مگر باورع (و تقوی). «۱»
 ۳- ابی بصیر: گفت: کنت أقرئ امرأة کنت أعلمها القرآن فمأزحتها بشيء، فقدمت علی ابی جعفر علیه السلام فقال لی: أئی شیء قلت للمرأة؟ (فغطیت وجهی) (و غطی وجهه) فقال: لا- تعودن إلیها. به زنی درس قرآن می‌دادم، پس با او با چیزی شوخی کردم، به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم فرمود: به زن چه گفتی؟! (از خجالت) رویم را پوشاندم، فرمود: دیگر تکرار نکن. «۲»

۲۳- شوخی و گفتگو با نامحرم

۲۳- شوخی و گفتگو با نامحرم در روایت وارد شده است هرکس با زن نامحرم بیش از ضرورت گفتگو نماید برای هر کلمه آن گفتار به سختی معذب خواهد شد و در روز قیامت برای هر کلمه آن: هزار سال در آتش خواهد سوخت. «۳» و برده‌ها و لجام خواهند زد به روایت ذیل و روایت فصل بعد دقت فرمائید.

۱- حسین بن زید، از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم- در حدیث المناهی- فرمود: ونهی أن تتکلم المرأة عند غیر زوجها و غیر ذی محرم منها أكثر من خمس کلمات ممّا لا بدّ لها منه. ونهی فرمود که زن، با نامحرم و جز شوهر خودش، بیش از پنج کلمه که ناچار است، حرفی بزند (و سخنی بگوید). «۴»
 مسعده بن صدقه: از جعفر بن محمد: از پدرش علیهما السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
 أربع یمتن القلب: الذنب علی الذنب، و کثرة مناقشة النساء یعنی محادثه‌تن، و مماراة
 آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۳

الأحمق یقول و تقول و لا- (یؤول) (یرجع) إلی خیر أبدأ، و مجالسة الموتی، قیل (یا رسول الله): و ما الموتی؟ قال: کلّ غنی مترف.
 چهار چیز دل را می‌میراند،
 ۱- گناه روی گناه کردن،
 ۲- بازنه‌ها زیاد حرف زدن،
 ۳- با احمق‌ها دهن به دهن گذاشتن هرچه بگوئی و در او تأثیر نداشته باشد (و به خرجش نرود)،
 ۴- و مجالست با مردگان، پرسیدند ای رسول خدا مردگان کیانند؟! فرمود: همه غنی‌های در رفاه کامل (که از خدا و احوال فقراء بی خبر باشند). «۱»

۲۴- دست دادن با خانم نامحرم

۲۴- دست دادن با خانم نامحرم هرکس با زن حرام دست دهد و مصافحه نماید: در روز قیامت دست بسته و به گردن آویخته می‌آورند و به آتش می‌اندازند!
 مگر در حال ضرورت، با دستکش یا با لباس دست دهند.

۱- مسعده بن صدقه: از جعفر بن محمد: از پدرش علیهما السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: و من صافح امرأة حراماً جاء یوم القيامة مغلولاً ثم یؤمر به إلی النار، و من فاکه امرأة لا یملکها (حبسه الله) (حبس) بکلّ کلمة کلمها فی الدنیا ألف عام. و هرکس با زن نامحرم دست دهد، روز قیامت به زنجیر کشیده شده می‌آید و دستور داده می‌شود که به آتش اندازند، و هرکس با زنی که در اختیارش نیست (زوجه یا کنیز) سخن گوید، خداوند در برابر هر کلمه گفتار که در دنیا با نامحرم گفته است، هزار سال زندانی نماید. «۲»

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من صافح امرأة تحرم علیه فقد باء بسخط من الله، ومن التزم امرأة حراما قرن فی سلسله من نار مع الشیطان فیقذفان فی النار. هر کس با زنی که برایش حرام است، دست دهد، محققاً خود را با غضب خدا مواجه کرده است، و هر کس زن حرام را به آغوش کشد، با شیطان در یک زنجیر آتشین کشیده شده، با هم آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۴
به آتش اندازند. «۱»

۳- أبو بصیر از ابا عبد الله علیه السلام پرسید: هل یصافح الرجل المرأة لیست بذی محرم؟ قال: لا إلا من وراء الثوب. آیا مرد با زن نامحرم، می‌تواند دست دهد؟! فرمود: نه مگر از پشت لباس. «۲»

۴- جابر بن یزید جعفری از ابی جعفر علیه السلام ... و لا- يجوز للمرأة أن تصافح غیر ذی محرم إلا- من وراء ثوبها، ... جایز نیست با نامحرم دست دهد مگر از پشت لباس زن. «۳»

۵- سماعه بن مهران گفت: از ابا عبد الله علیه السلام از دست دادن زن و مرد سؤال نمودم؟ فرمود: حلال نیست مرد با زن دست دهد مگر با زنی که ازدواج او برایش حرام است، خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر یا مانند اینها، اما زنی که ازدواج با او برایش حلال باشد فلا یصافحها الا من وراء الثوب و لا یغمز کفها با او مصافحه نکند مگر از پشت لباس و دستش را فشار ندهد. «۴»

۲۵- نگاه تیری از تیرهای شیطان!

۲۵- نگاه تیری از تیرهای شیطان! در عالم مادیات، برای گشودن هر در بسته‌ای، باید کلیدی باشد تا آن در گشوده شود، و در معنویات نیز همانگونه است مثلاً در روایات آمده است که کلید بهشت رضایت والدین است، اگر فلان عمل را به جا بیاوری، همه درهای بهشت، به رویت گشوده می‌شود، در قسمت منفی هم به همان سیاق است، مثلاً شراب کلید تمام شرهاست و کلید همه نا موفقیت‌ها، سستی و تنبلی است و کلید تمام گرفتاری‌های جنسی و پیامدهای ناگوار آن، نگاه کردن به نامحرم است؛ در روایات هم آمده است «النظره سهم من سهام الشیطان» نگاه کردن (و دید زدن) تیری از تیرهای شیطان است. آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۵

ابلیس نیز خود می‌گوید: النساء سهامی لمن رميته أصبته زنها تیرهای من هستند به هر هدفی شلیک کنم می‌زنمش (و خطا نمی‌رود).

در روایت آمده است «النساء جائل الشيطان» زنها دام‌های شیطانند (برای هر کس بگستراند، به تور می‌اندازد).

۱- علی بن عقبه: از پدرش گفت: شنیدم ابی عبد الله علیه السلام می‌فرمود: النظره سهم من سهام ابلیس مسموم، و کم من نظره أورث حسره طویله. نگاه (به زن نامحرم) تیری از تیرهای مسموم ابلیس است، و چه نگاههایی که حسرت طولانی برای آدمی بیار می‌آورد. «۱»

۲- هشام بن سالم از عقبه از پدرش گفت: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: النظره سهم من سهام ابلیس مسموم، من ترکها لله عزوجل لا لغيره أعقبه الله أمناً و ایماناً یجد طعمه. نگاه به (زن نامحرم) تیری از تیرهای مسموم ابلیس است، هر کس آن را به خاطر خدای عز و جل ترک نماید، نه برای دیگری، خداوند پیامد امن و ایمان برای او ارزانی داشته و مزه آن را خواهد چشید. «۲»

۳- ابن ابی عمیر: از الکاهلی گفت: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: النظره بعد النظره تزرع فی القلب الشهوة و کفی بها لصاحبها فتنه. نگاه پشت سر هم در دل شهوت (وهوسرانی را) می‌کارد و برای به فتنه انداختن صاحب آن، کفایت می‌کند. «۳»

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: من نظر إلى امرأة فرفع بصره إلى السماء أو غمض بصره لم یرتد إليه بصره حتی یزوجه الله من

الحوار العین. هر کس به زنی نگاه کند و سرش را بالا گرفته و به آسمان بنگرد، یا چشمش را فروبندد، چشمش را نگشوده خداوند به او از حورالعین بهشتی تزویج نماید. «۴»

وفی خبر آخر: لم یرتدّ إلیه طرفه حتی یعقبه الله ایماناً یجد طعمه. در خبر دیگر است که آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۶

چشمش را باز نکند تا خداوند ایمانی به او عنایت می کند که (فوراً) مزه‌اش را بچشد. «۱»

۵- ابن ابی نجران: از کسی که به او گفته از ابی عبد الله علیه السلام: از ابی جمیل: از ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام فرمودند: ما من أحد الّما و هو یصیب حظاً من الزّنا، فزنا العینین النظر، وزنا الفم القبلة، و زنا الیدین اللّمس، صدق الفرج ذلک أو کذب. نیست کسی مگر اینکه او را سهمی از زنا اصابت نماید، پس زنا چشمان نگاه (به زن نامحرم است) و زنا لبها بوسیدن او است، و زنا دستها، لمس است، (بعد از این مقدمات) نر و مادگی آنها را تصدیق نماید (و به زنا عملی مشغول شوند) یا تکذیب نموده و پرهیز می نمایند. «۲»

۶- امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: من أطلق ناظره أتعب حاضره، من تتابعت لحظاته دامت حسراته. هر کس (عضو) نگاه کننده‌اش را رها سازد، خود را به زحمت انداخته است، و هر کس نگاهش پشت سرهم شود، حسرت هایش ادامه خواهد یافت. «۳»

۷- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: النظر سهم مسموم من سهام إبلیس، فمن ترکها خوفاً من الله أعطاه الله إیماناً یجد حلاوته فی قلبه. نگاه تیر زهر آگین از تیرهای ابلیس است پس هر کس آن را از ترس خدا ترک نماید، خداوند برایش ایمانی عطا فرماید که شیرینی آن را در دلش پیدا خواهد نمود. «۴»

۸- و فرمود: لكل عضو من ابن آدم حظ من الزنا فالعین زناه النظر، و اللسان زناه الكلام والأذنان زناهما السمع والیدان زناهما البطش، والرجلان زناهما المشی، والفرج یرصد ذلک و یکذبه. بر تمام اعضای فرزند آدم، نصیبی از زناست، پس چشم زناش نگاه است، و زبان زناش گفتار (حرام) است، و گوشها زناشان شنیدن (صداها و کلمات حرام) است و دستان، زناش فشار آوردن (و زدن) است و پاها زنایشان رفتن (به جاهای حرام) است و اندام جنسی آنها را تصدیق و تکذیب می نماید. «۵»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۷

۹- در کتاب «زهد النبی» صلی الله علیه و آله و سلم شیخ جعفر بن أحمد قمی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اشتد غضب الله علی امرأه ذات بعل ملأت عینها من غیر زوجها. شدید شد غضب خداوند بر زن شوهرداری که چشمانش را از غیر شوهرش پر نماید. «۱»

۱۰- حسین بن زید از جعفر بن محمد، از پدرانش علیهم السلام- در حدیث المناهی فرمود: ومن ملأ عینیه من حرام ملأ الله عینیه یوم القیامه من النار إلا أن یتوب و یرجع. و هر کس چشمانش را از حرام پر نماید، خداوند روز قیامت چشمانش را از آتش پر می نماید مگر توبه کرده و برگردد. «۲»

۱۱- سکونی، از امام صادق، از پدرش علیهما السلام گفت: رسول خدا

فرمود: کلّ عین باکیه یوم القیامه إلا ثلاثه أعین: عین بکت من خشیه الله، و عین غضت عن محارم الله، و عین باتت ساهره فی سبیل الله. تمام چشمها روز قیامت می‌گیرند مگر سه چشم، چشمی که از ترس خدا بگریزد، و چشمی که از حرام‌های خداوند، پوشیده شود، و چشمی که در راه خدا شب را بیدار بماند. «۳»

۱۲- امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: لیس فی البدن شیء أقلّ شکرًا من العین، فلا تعطوها سؤلها فتشغلکم عن ذکر الله عزوجل. در بدن کم شکرتر از چشم نیست، پس خواسته هایش را به او ندهید تا شما را از ذکر خدا مشغول نسازد. «۴»

۱۳- سیف بن عمیره: از سعد الاسکاف: از ابی جعفر علیه السلام فرمود: استقبل شاب من الأنصار امرأه بالمدينة و كان النساء یتقنن

خلف آذانهن، فنظر إليها وهي مقبله، فلما جازت نظر إليها ودخل في زقاق قد سمّاه بنى فلان فجعل ينظر خلفها واعترض وجهه عظم في الحائط أو زجاجه فشق وجهه، فلما مضت المرأة نظر فإذا الدماء تسيل على ثوبه و صدره، فقال: و الله لآتين رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و لأخبرته، فأتاه، فلما رآه رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قال: ما هذا؟

فأخبره فهبط جبرئيل عليه السلام بهذه الآية: (قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك أزكى لهم ان الله خبير بما يصنعون). جوانی از طایفه انصار در مدینه با زنی روبرو آمد و زنها مقنعه را در پشت گوششان می‌بستند جوان در حالی که او می‌آمد به او

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۸

نگاه می‌کرد تا اینکه رد شده وارد کوچه‌ای گشت که به بنی فلان نامیده شده بود، پس مرتب به او نگاه می‌کرد و (بیخود شده و محو تماشای جمال او بود ناگهان سرش به دیوار خورد و) استخوان یا شیشه‌ای از دیوار به روی او اصابت نمود و رویش پاره شد و خون جاری گشت؛

زن عبور نمود (و گذشت اما جوان تازه متوجه شده بود که) خون به لباس و سینه‌اش جاری است، گفت: به خدا این قضیه را برای رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم خبر داده (ومی‌رسانم تا فکری در باره این زنه‌ای رو برهنه و آرایش کرده بنماید که جوانان را به بیراهه نکشند) پیش رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم آمد قضیه را گفت، در این حال جبرئیل نازل شده و این آیات را آورد «به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تاسینه و گردن با آن پوشانده شود) تا آخر آیه.» (۱)

۲۶- نگاه اولیة

۲۶- نگاه اولیة در دوران زندگی خیلی پیش می‌آید که آدمی بطور ناخواسته چشمش به زن زیبا می‌افتد که او را به اعجاب و شگفتی وا می‌دارد و از آن خوشش می‌آید، در این صورت چه باید کرد آیا او را بپاید و زُر بزند یا بر خود مسلط شود و رو به سوی خدا برگرداند!

۱- از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: اذا نظر أحدكم الى المرأة الحسنة فليأت أهله فانّ الذی معها مثل الذی مع تلک، فقام رجل فقال يا رسول الله فان لم یکن له أهل فما یصنع؟! قال فلیرفع نظره الى السماء و لیراقبه و لیسأله من فضله. زمانی که یکی تان به زن زیبایی نگاه کرد، پس به پیش همسرش در آید زیرا آنچه که آن دارد مانند آن را این هم دارد، مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا اگر همسر نداشته باشد

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۳۹

چه کند؟! فرمود: نگاهش را به سوی آسمان بلند نماید و بدوزد و از فضل خدا درخواست کند. (۱)

۲- امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث اربعمأة فرمود: اذا رأى أحدكم امرأة تعجبه فليأت أهله فانّ عنده مثل مارأى فلا يجعلنّ للشيطان على قلبه سبيلاً لیصرف بصره عنها فاذا لم یکن له زوجة فلیصل رکعتین و یحمد الله كثيراً و لیصل على النبى صلى الله عليه و آله و سلم ثم یسأل الله من فضله فانّ ینتج (یبیح- یتیح) له من رأفته ما یغنیه. هرگاه یکی از شما زنی را دید و خوشش آمد پس به پیش همسرش برود همانا در او مانند همان است که دیده، پس شیطان را بردلش راه ندهد و حتماً چشمش را از او برگیرد، اگر همسر ندارد دورکعت نماز خوانده و ستایش خدا را زیاد بجا آورد و بر پیغمبر صلوات بفرستد و سپس از فضل خدا سؤال نماید چون او از

رفت خود به او نتیجه داده (و فضل خود را به او مباح و عطا فرموده) و بی نیاز می گرداند. «۲»

۳- سید رضی در نهج البلاغه آورده است، امیرمؤمنان علیه السلام با اصحابش نشسته بود زنی زیبا بر آنها گذشت که آنها به او چشم دوختند حضرت فرمود: انّ عیون هذه الفحول طوامح و انّ ذلك سبب هبابها فاذا نظر أحد کم امرأة تعجبه فلیلامس أهله، فانّما هی امرأة کامرأته فقال رجل من الخوارج، قاتله الله کافراً ما أفقهه فوثب القوم لیقتلوه فقال علیه السلام رویداً فانّما هو سبّ بسبّ أو عفو عن ذنب. همانا چشمان این نرها حریص است و این سبب تحریک آنهاست، پس وقتی که یکی تان به زنی نگاه کرد که او را به تعجب وادشت (و از او خوشش آمد)، همسر خود را لمس نماید (و با او آمیزش جنسی داشته باشد) زیرا آن زنی مانند زن خودش است، یکی از خوارج گفت: خداوند او (یعنی امیرمؤمنان علیه السلام) را با کفر بمیراند!! (ببینید) چقدر آموزنده تر حرف زد، پس اصحاب خیز برداشتند که آن مرد را بکشند امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: آرام باشید، همانا پاسخ آن سخن زشت، مقابله بمثل است یا گذشت کردن

(شایسته گی و اخلاق علی هم گذشت است نه انتقام!!). «۳»

۴- حمادبن عثمان از امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنی را دید که آن

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴۰

حضرت را به اعجاب واداشت، به ام سلمه داخل شد و با او همبستر شد چون روز نوبت او بود و در حالی که آب (غسل) از سرش می چکید به سوی مردم بیرون آمد و فرمود: ای مردم بتحقیق نگاه (ناصواب) از شیطان است، پس برای هرکس همچون کاری پیش آمد به پیش همسر خود برود. «۱»

۲۷- حدود نگاه به نامحرم

۲۷- حدود نگاه به نامحرم بعضی ها خیال می کنند که دستورات بازدارنده اسلام در مورد حجاب و پرهیز از خودنمایی و سوسه انگیز: نوعی خشونت و عقب گرد به عهد عتیق و بربریت و وحشیت عهد بوق است!؛

اما خودمانیم بیایید منصفانه و بدون تقلید از غرب و پیروی از هوای نفس: کلاهمان را قاضی کنیم اگر بانوان عزیز که خداوند آنها را برای آرامش روح و آسایش جسم و جان مردان آفریده و مورد توجه جنس مخالف خود قرار داده است: خود را در منظر نامحرم قرار نمی دادند و در مجامع عمومی و محافل خصوصی: با آرایش های فریبنده گوناگون ظاهر نمی شدند؛

آیا این همه فساد و تباهی و سردرگمی و خانمان های برباد رفته و ویران گشته: بر جوامع و اقشار مختلف مخصوصاً طبقه جوان که در بحران بلوغ و غیره با این مسایل دست و پنجه نرم می کنند: حکم فرما می شد؟!.

آیا این گریز پایی ها و وحشت از اندرون نشستن قسمتی از بانوان و دختران و سر به بیابان و خیابان گذاشتن ها و از خانه فرار کردن ها و .. محصول بدحجابی و بی حجابی نیست؟!؛

آیا اطاعت از دستورات آیات سوره مبارکه «نور» و پرهیز از منهیات آن: جوامع را به ساحل نجات و زندگی ایده آل و روح آرام نمی رسانید؟!؛

صدها آیا و مگرهای دیگر که شما بهتر از من می دانید. خدایا به احترام مقربین در گاهت: تمام اقشار مختلف مخصوصاً طبقه جوان ما را از شرور شیاطین جن و

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴۱

انس و حوادث خانمانسوز محفوظ بدار و آنها را به زندگی آرام و بی دغدغه و دور از ناراحتی های روحی و جسمی: برسان و خودت دست آنها را بگیر و به ساحل نجات برسان آمین.

در سوره مبارکه نور در آیات ۳۰ و ۳۱ حد و مرز حجاب را مشروحاً بیان فرموده است و در روایات فراوان نیز حدود نگاه به نامحرم، با تفاوت‌هایی بیان گردیده است که برای رعایت اختصار فقط تعدادی از آنها را ذیلاً می آوریم.

۱- زراة، از ابی عبد الله (علیه السلام) در باره آیه «و لا یُبدینَ زینتهنَّ إِلَّا ما ظهر منها» و زینت‌های خود را (جز آن مقدار که نمایان است) آشکار نمایند مگر آنچه که ظاهر است» منظور این آیه چیست؟ فرمود: الزینة الظاهرة الکحل والخاتم. زینت ظاهره سرمه و انگشتر است. «۱»

۲- باز در باره آیه فوق از ابی عبد الله علیه السلام «إلا ما ظهر منها» فرمود: الوجه والذراعان رو و دو ذراع (بازو). «۲»

۳- ابی بصیر گوید: از ابی عبد الله (علیه السلام)، درباره آیه «ولا یبدین زینتهن إلا ما ظهر منها» پرسیدم؟ فرمود: الخاتم والمسکة وهی القلب انگشتر و مسکه که آن محل دستبند است. «۳»

۴- مروک بن عبید، از بعض اصحاب ما، از ابی عبد الله (علیه السلام) گفت: به او گفتم ما یحل للرجل أن یری من المرأة إذا لم یکن محرماً؟ قال: الوجه والکفان والقدمان برای مرد از زن نامحرم چه چیزهایی دیدنش حلال است؟! فرمود: رو و کف دستان و قدمها. «۴»

۵- علی بن جعفر از امام موسی کاظم علیهما السلام در باره زن نامحرم که برای مرد نامحرم چه چیزهایی نگاه کردنش حلال است سؤال نمود؟ فرمود: الوجه والکف وموضع السوار. رو و کف و محل انگو (یعنی مچ دستها). «۵»

۶- علی علیه السلام- در حدیث الأربعمائه- فرمود: لکم أول نظرة إلى المرأة فلا تتبعوها

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴۲

بنظرة اخرى واحذروا الفتنة. نگاه اول برای شماست، نگاه دیگری پشت سرش نکنید و از فتنه در حذر باشید. «۱»

۷- تمیمی از امام رضا، از پدرانش علیهم السلام.

از رسول خدا فرمود: لا تتبع النظرة فلینس لك إلا أول النظرة نگاه پشت نگاه نکن، نیست برای تو مگر نگاه اول. «۲»

۸- سکونی: از امام صادق علیه السلام: أول نظرة لك والثانية عليك ولا لك، والثالثة فيها الهلاك نگاه نخست برای توست، و دومی به ضرر توست نه به خیر تو، و سومی در آن است هلاکت (و نابود شدن). «۳»

۹- عبدالرحمن بن الحجاج گوید: از ابا عبد الله علیه السلام پرسیدم دختری که به بلوغ نرسیده است کی سرش را از نامحرم و برای نماز بپوشاند؟ فرمود: لا- تغطی رأسها حتی تحرم علیها الصلاة. سرش را بپوشاند تا نماز برایش حرام شود (حیض ببیند و به بلوغ برسد). «۴»

۱۰- بزنی، از امام رضا علیه السلام فرمود: لا تغطی المرأة رأسها من الغلام حتی یبلغ الغلام زن از پسر (نامحرم) سرش را بپوشاند تا بالغ شود. «۵»

در مورد حدود پوشش زنان سالخورده به فصل بعد دقت نمائید

۲۸- حکم حجاب بانوان سالخورده

۲۸- حکم حجاب بانوان سالخورده قال الله عزّ وجلّ «والقواعد من النساء اللّتی لا یرجون نکاحاً فلیس علینّ جناحٌ أن یضعنّ ثیابهنّ غیر متبرّجاتٍ بزینةٍ و أن یتعففنّ خیر لهنّ و الله سمیعٌ

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴۳

علیم» «۱»

وزنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط این

که در برابر مردم، خود آرایی نکنند؛ و اگر خود را بیوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و دانا است.

در باره اصل استثنای حکم حجاب برای زنان سالخورده در میان علمای اسلام محل بحث و گفتگو نیست؛ چرا که قرآن ناطق به آن است؛ ولی در خصوصیات آن گفتگوهائی وجود دارد از جمله اینکه: در مورد سن این زنان و این که تا چه حد برسند حکم قواعد را دارند گفتگو است در بعضی از روایات اسلامی تعبیر به مُسنّه شده (زنان سالخورده).

در حالی که در بعضی دیگر تعبیر به قعود از نکاح (بازنشستگی از ازدواج) آمده اما جمعی از فقهاء و مفسرین: آن را به معنی پایان دوران قاعدگی و رسیدن به حد نازائی و عدم رغبت کسی به ازدواج با آنها دانسته‌اند.

ولی ظاهر این است که همه این تعبیرات به یک واقعیت اشاره می‌کند و آن اینکه به سن و سالی برسند که معمولاً در آن سن و سال کسی ازدواج نمی‌کند: هر چند ممکن است به طور نادر چنین زنانی اقدام به ازدواج بنمایند.

و نیز در مورد مقداری از بدن که جایز است آنها آشکار کنند: در احادیث اسلامی تعبیرات مختلفی آمده: در حالی که قرآن به طور سر بسته گفته است مانعی ندارد که لباسهای خود را فرو نهند که البته این تعبیر ظاهر در لباس رو است.

در بعضی از روایات در پاسخ این سؤال که کدامیک از لباسهایشان را می‌توانند فرو نهند؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: الجلباب (چادر) در حالی که در روایت دیگری تعبیر به جلباب و خمار شده است (خمار به معنی روسری است).

ولی ظاهر این است که این گونه احادیث نیز با هم منافاتی ندارند: منظور این است که مانعی ندارد آنها سر خود را برهنه کنند و موها و گردن و صورت خود را بیوشانند و حتی در بعضی از احادیث و کلمات فقهاء: میج دستها نیز استثناء شده است: اما

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴۴

بیش از این مقدار: دلیلی درباره استثناء آن نداریم.

و به هر حال همه اینها در صورتی است که آنها خود آرائی نکنند

(غیر متبرجات بزینة) و زینتهای پنهانی خود را که دیگران هم واجب است بیوشانند باید مستور دارند: و همچنین لباسهای زینتی که جلب توجه می‌کند در تن نکنند و به تعبیر دیگر آنها مجازند بدون چادر و روسری با لباس ساده و بدون آرایش بیرون آیند اما با همه اینها این یک حکم الزامی نیست: بلکه اگر آنها مانند زنان دیگر پوشش را رعایت کنند ترجیح دارد: چنانکه در ذیل آیه فوق صریحاً آمده است: زیرا به هر حال احتمال لغزش - هر چند به صورت نادر - در مورد این گونه افراد نیز هست. «۱»

۱- محمد بن مسلم، از ابی عبد الله (علیه السلام) در منظور از آیه «والقواعد من النساء اللاتی لا یرجون نکاحا» چیست که از لباسهایشان را به زمین بگذارند؟ فرمود جلباب. «۲»

در روایت دیگر از حلبی از ابی عبد الله (علیه السلام) منظور از (أن یضعن ثیابهن؟) فرمود:

الخمار والجلباب روسری و چادر، گفتم در پیش چه کسانی (می‌تواند خمار و جلباب را) بردارد؟ فرمود: جلوی کسانی که نباید زینتشان را در برابر آنها آشکار نماید و اگر نکند برایش بهتر است. «۳»

۲- از حریر بن عبدالله، از ابی عبد الله (علیه السلام) او خواند (أن یضعن من ثیابهن) فرمود:

الجلباب والخمار إذا كانت المرأة مسنة (منظور) چادر و روسری است اگر زن سالخورده باشد. «۴»

۳- علی بن احمد بن یونس گوید: حسین می‌گفت به او (امام علیه السلام) نوشت و سؤال نمود از حد زنانی که به چه سنی رسید جایز است سرو بازوانش را باز نماید؟

در جواب نوشت: وقتی که از نکاح نشستند (یعنی پیر شده و از ازدواج افتادند). «۵»

۴- ابی الصباح الکنانی گفت: از ابی عبد الله (علیه السلام) سؤال نمودم از «القواعد من النساء» کدام لباسشان را صلاح است به زمین گذارند؟ پس فرمود: الجلباب إلا أن تكون أمة فلیس علیها جناح أن تضع خمارها. چادر است مگر اینکه کنیز برده باشد که در این

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴۵

صورت خمارش را هم باز می‌کند. «۱»

۲۹- نگاه پشت سر نامحرم

۲۹- نگاه پشت سر نامحرم تماشا کردن به پشت سر نامحرم حرام و نشانه پستی صاحب آن عمل است زیرا آن گونه که اوراضی نیست کسی به زن و خواهر و مادر او دید بزنند: نباید پشت سر نوامیس مردم زُر زده و تماشا نماید.

۱- هشام و حفص و حماد بن عثمان همگی از ابی عبد الله (علیه السلام) فرمود: ما یأمن الذین ینظرون فی أدبار النساء أن ینظر (أن یبتلوا) بذلک فی نساءهم. آنانکه پشت سر زنان (نامحرم) نگاه می‌کنند از ابتلاء به مانند آن در زندهای خودشان، در امان نیستند (از مکافات عمل نباید غافل شد). «۲»

۲- صفوان بن یحیی: از ابی الحسن علیه السلام در باره گفته خدای عزّ وجلّ «یا أبت استأجره إن خیر من استأجرت القوی الامین» قال: قال لها شعیب: یا بنیه هذا قوی برفع الصخره، الامین من این عرفتی؟ قالت: یا أبت انی مشیت قدّامه، فقال: إمشی من خلفی فان ضللتُ فارشدینی إلى الطريق، فانّا قومٌ لا ننظر إلى (فی) أدبار النساء.

(یکی از آن دو دختر حضرت شعیب علیه السلام به پدرش گفت: پدر او (یعنی موسی) را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که استخدام کنی اوست که قوی و امین است؛

شعیب به دختر گفت: دخترم این (جوان) برای برداشتن صخره نیرومند است، امانتش را از کجا دانستی؟، گفت: پدر من جلوی او راه می‌رفتم، گفت: پشت سر من بیا اگر بیراهه رفتم مرا (بازبان) راهنمائیم کن (زیرا) ما گروهی هستیم به پشت سر زنها نگاه نمی‌کنیم. «۳»

۳- ابی بصیر: به امام صادق علیه السلام گفت: الرجل تمرّ به المرأة فینظر إلى خلفها، قال: أیسرّ

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴۶

أحدکم أن ینظر إلى أهله و ذات قرابته؟ قلت: لا، قال: فارض للناس ما ترضاه لنفسک زنی از جلوی مرد عبور می‌کند و او پشت سر او نگاه می‌کند؟ فرمود: آیا از شما کسی خوشحال می‌شود پشت سر زن خود و زنان خویشانش، نگاه کند؟! گفتم: نه، فرمود: پس آنچه را که به خود راضی هستی به مردم نیز راضی باش. «۱»

۴- هشام بن سالم: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: أما یخشی الذین ینظرون فی أدبار النساء أن یبتلوا بذلک فی نساءهم؟! آیا نمی‌ترسند آنان که پشت سر زنان (دیگران) نگاه می‌کنند، خود نیز در زانانشان به این عمل گرفتار شوند؟! «۲»

۵- یونس بن عبد الرحمن، گفت: أبو عبد الله علیه السلام فرمود: من تأمل خلف امرأة فلا صلاة له، قال یونس: إذا کان فی الصلاة. هرکس پشت سر زن دقت نماید، برایش نماز نیست، (نمازش باطل است) یونس گفت: یعنی در نماز. «۳»

۳۰- حکم نگاه به خواهر زن

۳۰- حکم نگاه به خواهر زن بعضی‌ها خیال می‌کنند که خواهر زن، مانند خواهر خودش محرم است، در حالی که این طور نیست او هم مانند دیگر بانوان نامحرم است زیرا اگر همسرش را طلاق دهد و یا بمیرد: می‌تواند با او ازدواج نماید پس با زنی که می‌توان ازدواج نمود، نگاه کردن به او، حرام است مگر حدودی در شرع معین گردیده است که تعدادی از آن روایات در فصل شماره ۲۸ «حدود نگاه به نامحرم» همین بخش گذشت.

۱- أحمد بن محمد بن ابی نصر گفت: از امام رضا علیه السلام: سؤال کردم: آیا برای مرد حلال است؟ أن ینظر إلى شعر أخت

امراته؟ فقال: لا إله إلا أن تكون من القواعد، قلت له:

أخت امرأته و الغريبة سواء؟ قال: نعم، ... اینکه به موی خواهر زنش نگاه کند؟ فرمود:

نه، مگر اینکه پیر شود، گفتم: خواهر زن مانند غریبه است؟! فرمود: بلی، ... «۴»

۳۱- گریه شدید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۳۱- گریه شدید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱- عبد العظیم بن عبد الله الحسنی: از محمد بن علی الرضا از پدرانش از علی علیهم السلام فرمود: دخلت أنا و فاطمة علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فوجدته يبکی بكاءً شديداً، فقلت له: فداك أبي و أمی یا رسول الله ما الذی أبکاک؟ فقال: یا علی لیلئ اسری بی إلى السماء رأیت نساء من أمتی فی عذاب شدید فأنکرت شأنهن فبکیت لما رأیت من شدة عذابهن، ثم ذکر حالهن - إلى أن قال: فقالت فاطمة: حبیبی و قره عینی أخبرنی ما کان عملهن، فقال: أما المعلقة بشعرها فأنها كانت لا تغطي شعرها من الرجال، و أما المعلقة بلسانها فأنها كانت تؤذی زوجها، و أما المعلقة بثديها فأنها كانت ترضع أولاد غیر زوجها بغير اذنه، و أما المعلقة برجلها فأنها كانت تخرج من بيتها بغير اذن زوجها، و أما التي كانت تأكل لحم جسدها فأنها كانت تزین بدنہا للناس، و أما التي تشد يداها إلى رجليها و تسلط عليها الحيات و العقارب فأنها كانت قادرة الوضوء و الثياب، و كانت لا تغتسل من الجنابة و الحيض و لا تتنظف، و كانت تستهين بالصلاة، و أما العمياء الصماء الخرساء فأنها كانت تلد من الزنا فتعلقه فی عنق زوجها، و أما التي كانت تقرض لحمها بالمقاريض فأنها كانت تعرض نفسها على الرجال، و أما التي كانت تحرق وجهها و بدنہا و هي تجر أمعاءها فأنها كانت قوادة، و أما التي كان رأسها رأس خنزير و بدنہا بدن الحمار فأنها كانت نمامة كذابة، و أما التي كانت على صورة الكلب و النار تدخل فی دبرها و تخرج من فيها فأنها كانت قنية نواحة حاسدة، ثم قال علی السلام: ويل لأمرأة أغضبت زوجها و طوبى لإمرأة رضى عنها زوجها. من و فاطمه به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل شدیم او را در حال گریه شدید یافتیم، به او گفتم:

پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا چه چیز ترا می گریاند (سبب گریه ات چیست)؟ فرمود: ای علی شبی که مرا به معراج بردند، از اتم زنانی را در عذاب سخت دیدم، پس گرفتاری آنها را خوش نداشتم و بر سختی عذاب آنها گریستم سپس حضرت احوال آنها را بیان نمود- فاطمه پرسید حبیب و روشنی چشم من (بابا) به من خبر بده اعمال آنها چه بود؟!؛

فرمود: اما آنکه از مویش آویخته شده بود، موی خود را از نا محرم نمی پوشانید، و اما آویخته شدگان از زبان، شوهران خود را با زبانشان اذیت می کرده اند، و اما از

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴۸

پستانها آویزان شده‌ها، بچه‌های دیگران را بدون اجازه شوهر، شیر می دادند، و اما آویزانان از پاها، از خانه بیرون شدگان بدون اذن شوهر بودند، آنانکه گوشت جسد خود را می خوردند، زنانی بودند که برای مردم آرایش می کردند، و اما آنان که دستهایشان بسته به پایشان بود و مارها و عقرب‌ها به آنها مسلط شده بود، زنان کثیف بدن و لباس و غسل نکنندگان از جنابت و حیض بودند و نظافت نمی کردند و به خواندن نماز بی اعتنا بودند، و اما کوران و کران و لالان، زنانی بودند که از زنا زائیده و بچه را به گردن شوهرانشان می انداختند و اما آنهایی که گوشت بدنشان را با مقراض‌ها می بردند، زنانی بودند که خود را به مردان عرضه می داشتند، و اما زنانی که رو و بدنشان می سوخت و روده هایشان را می کشیدند، زنان دو بهم رسان بودند، و اما زنانی که سرشان سر خوک و بدنشان بدن خر بود، زنان سخن چین و دروغ گویان بودند، و اما آنان که به صورت سگ بودند و آتش از پشتشان داخل و از دهانشان خارج می شد، زنان خواننده و نوحه گر و حسود بودند، سپس فرمود: وای بر زنی که شوهرش را به غضب در آورد و پاکی و طوبی بر زنی که شوهرش از او راضی شود. «۱»

۳۲- شش ساله‌ها را نبوسید

۳۲- شش ساله‌ها را نبوسید بیش از هزار و چهارصد سال پیش روایاتی صادر شده است که از بوسیدن شش ساله‌ها و هفت ساله‌ها (ی بچه‌های بیگانه) پرهیز شود: در زمانی که بچه‌ها در سادگی و خامی مطلق فرو رفته بودند و از چیزی سر در نمی‌آوردند: حال که بایشرفت اختراعات و صنایع و علوم و فنون و ارتباطات گوناگون و سی دی‌ها و فیلمها و انواع نمایش‌های گمراه کننده تلویزیون و عنقریباً تلفن تصویردار وو ...

آگاهی کوچولوها از مسایل جنسی و راز و رمز و پیچ و خم آن از بزرگترها زیاد نباشد کم نیست: بدینجهت باید از بوسیدن اطفال بیگانه در سن کوچک‌تر از آن هم پرهیز کرد و کنار رفت.

حتی برای بوسیدن محارم هم حد و مرزی تعیین گردیده است نه هر طور که

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۴۹

دلخواهش باشد، مانند روایت ذیل.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: إِذَا قَبِلَ أَحَدُكُمْ ذَاتَ مُحْرَمٍ قَدْ حَاضَتْ: أَخْتَهُ أَوْ عَمَّتَهُ أَوْ خَالَتَهُ فَلْيَقْبَلْ بَيْنَ عَيْنَيْهَا وَرَأْسِهَا وَلْيَكْفَ عَنْ خَدَّيْهَا وَعَنْ فِيهَا هِرْغَاهٍ مِنْ مُحْرَمَانِ خَوْضَ بَيْنِهَا، خَوَاهِرٍ، يَأْخُذُهَا، يَأْخُذُهَا، يَأْخُذُهَا، (اگر خواست او را ببوسد) میان دوچشمانش و سرش را ببوسد و از بوسیدن رو و لب آنها، خود داری نماید. «۱»

در این روایت هنگام حیض بودن محارم را اختصاص داده ولی در روایات دیگر، به طور مطلق پرهیز از بوسیدن لبهای محارم جز همسر و بچه کوچک را به میان آورده که در محلش مشروحاً بیان گردیده است!

۱- زكريا المؤمن از ابی عبدالله عليه السلام فرمود: اذا بلغت الجارية سنّ سنين فلا يقبلها الغلام، و الغلام لا يقبل المرأة اذا جاز سبع سنين. وقتی که دختر به شش سالگی رسید پسر او را نبوسد، و پسر از هفت سال که گذشت زن را نبوسد. «۲»

۲- عبدالرحمن بن بحر از زراره از ابی عبدالله عليه السلام فرمود: اذا بلغت الجارية سنّ سنين فلا- ینبغی لک أن تقبلها. زمانی که دختر به سن شش سال رسید، سزاوار نیست، او را ببوسی. «۳»

۳۳- حرمت نگاه به نامحرم نابینا!

۳۳- حرمت نگاه به نامحرم نابینا! شاید بعضی ها خیال کنند که نابینا جایی و یا کسی را نمی‌بیند، پس نگاه کردن به آنها چه اشکال دارد و چرا پرهیز نمود!!

۱- أحمد بن أبي عبد الله گفت: استأذن ابن ام مكتوم على النبي صلى الله عليه و آله و سلم و عنده عائشة و حفصة فقال لهما: قوما فادخلا البيت، فقالتا: إنه أعمى فقال: إن لم يركم فأنكما تريانه. ابن ام مكتوم (نابینا)، اجازه خواست به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شود و نزد او عایشه و حفصه بودند، حضرت به آنها فرمود: بلند شده و داخل خانه شوید، گفتند: او نابینا است! فرمود: اگر او شما را نمی‌بیند، شما که او را می‌بینید. «۴»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵۰

۲- قال النبي صلى الله عليه و آله و سلم: اشتد غضب الله على امرأة ذات بعل ملأت عينها من غير زوجها أو غير ذي محرم منها، فأنها إن فعلت ذلك أحبط الله عزوجل كل عمل عملته فان أوطت فراشه

(فراش) غیره کان حقاً على الله أن يحرقها بالنار بعد أن يعدّها في قبرها. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: غضب خداوند شدت گرفت بر زن شوهرداری که چشمانش را از غیر شوهر و از نامحرم، پر نماید، اگر او این کار را کرد، خداوند تمام اعمال او

را مهر می‌کند!، پس اگر غیر از شوهرش کسی به رختخواب او رود، خداوند حق دارد او را با آتش جهنم بسوزاند بعد از آنکه در قبر عذابش نمود. «۱»

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ان فاطمة قالت له فی حدیث: خیر للنساء ان لا یرین الرجال، و لا یراهن الرجال، فقال صلی الله علیه و آله و سلم: فاطمة متی. وقتی فاطمه در گفتگویی به پدر گفت: برای زنان بهتر است که نه مردها آنها را ببینند و نه زنهای مردها را، آن حضرت فرمود: فاطمه از من است (فرق نمی‌کند مرد نامحرم نابینا باشد یا بینا، نگاه کننده زن است!). «۲»

۴- ام سلمه گوید: کنت عند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و عنده میمونه فأقبل ابن ام مکتوم و ذلک بعد أن أمر بالحجاب، فقال صلی الله علیه و آله و سلم: احتجبا، فقلنا: یا رسول الله، ألیس أعمی لا یرینا؟ قال أفعمیوان، أتما؟ ألتما تبصرانه؟. ام سلمه گوید: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم و میمونه (زن دیگرش) هم پیشش بود، پس ابن ام مکتوم آمد، این جریان بعد از نزول آیه حجاب بود، فرمود: حجاب گیرید، ما گفتیم: ای رسول خدا آیا او نابینا نیست و ما را که نمی‌بیند؟ فرمود: آیا شما هم نابینائید، آیا شما هم او را نمی‌بینید؟! «۳»

۳۴- حجامت پسر نابالغ از خانمها

۳۴- حجامت پسر نابالغ از خانمها حجامت کردن و خون حجامت گرفتن، از کارهای رایج در اسلام و ائمه علیهم السلام است و در این باره تأکید زیاد هم به کار رفته است، حال سؤال این است که آیا مرد یا پسر نابالغ می‌تواند از زنان خون حجامت بگیرد یا نه؟! «۱»

۱- سکونی: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: سئل امیر المؤمنین علیه السلام عن الصبی یحجم

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵۱

المرأة؟ قال: إذا کان یحسن یصف فلا. از امیر مؤمنان علیه السلام پرسیده شد از حکم بچه که زن (نامحرم را) حجامت کند؟! فرمود: اگر خوب توصیف می‌کند (و خوب و بد را تشخیص می‌دهد) نه. «۱»

علی (بن جعفر) از برادرش علیه السلام پرسید از (حکم) زنی که مرد او را حجامت نماید؟

فرمود: لا نه. «۲»

۳۵- معالجه خانمها وسیله آقایان

۳۵- معالجه خانمها وسیله آقایان معالجه پزشک مرد، زن نامحرم و بالعکس، از مسائل مورد توجه فقهاء و بزرگان دین است که در باره آن سخن‌ها گفته و فتواها داده‌اند: آن چه که مسلم است تا ضرورت ایجاب نکند: نباید نامحرم: یک دیگر را معالجه نمایند و اندام و بدن‌های همدیگر را لمس نمایند و در معرض دید قرار دهند.

۱- علی بن جعفر در کتابش از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد: عن المرأة یكون بها الجرح فی فخذها أو بطنها أو عضدها، هل یصلح للرجل أن ینظر إلیه یعالجه؟ قال لا. از زنی که زخمی در ران یا در شکم و بازو دارد آیا به صلاح و جایز است که مرد به او نظر کند و معالجه نماید؟ فرمود: نه. «۳»

(البته این در صورتی است که خطری آن زن را تهدید نکند، و گرنه مرد می‌تواند او را معالجه نماید به حدیث بعدی توجه نمایید).

۲- ابی حمزة الثمالی گوید: از ابی جعفر علیه السلام پرسیدم عن المرأة المسلمة یصیبها البلاء فی جسدها إما کسر و إما جرح فی مکان لا یصلح النظر إلیه یكون الرجل أرفق بعلاجه من النساء، أیصلح له النظر إلیها؟ قال: إذا اضطرت إلیه فلیعالجها إن شاءت. در

باره زنی که در بدنش گرفتاری دارد شکستنی و یا زخم، در جائی که دیدن آنجا برای مرد (نامحرم) جایز نیست (و لکن) مرد برای

معالجه او بهتر است، آیا جایز است آن مرد به او نگاه کند؟ فرمود: اگر ناچار باشد، (می‌تواند) او را معالجه نماید. «۴»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵۲

۳- قال: و سألته عن الرجل يكون بطن فخذته أو إتيته الجرح هل يصلح للمرأة أن تنظر إليه و تدأويه؟ قال: إذا لم يكن عورة فلا بأس. علي بن جعفر گفت: از برادرم سؤال کردم؟ مردی زخمی در داخل ران یا گوشت رانش دارد، آیا جایز است زن به او نگاه کند و مداوا نماید؟ فرمود: اگر عورت نباشد، عیب ندارد. «۱»

۴- أبوالبختري، از امام صادق، از پدرش از علی صلوات الله عليهم أجمعين في المرأة يموت في بطنها الولد فيتخوف عليها قال: لا بأس أن يدخل الرجل يده فيقطعه فيخرجه إذا لم تفرق به النساء. درباره زنی که بچه در شکمش مرده و به سلامتی زن خطر دارد؟! فرمود: عیب ندارد مرد دستش را فروبرده و بچه را تکه نموده و بیرون آورد اگر زنی نتواند این کار را انجام دهد. «۲»

۳۶- کراهت سلام مرد به خانمها

۳۶- کراهت سلام مرد به خانمها سلام کردن از مستحبات مؤکد و مهم است زیرا این عمل در میان مردم ایجاد الفت و محبت می‌نماید و نشانه شخصیت و ادب و معرفت سلام کننده است اما امیرمؤمنان علیه السلام با آن عصمتش فرمود: من دوست ندارم بانوی جوان به من سلام کند ۱- مسعدة بن صدقة: از ابي عبد الله عليه السلام: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: لا تبدأوا النساء بالسلام و لا تدعوهن إلى الطعام، فإن النبي صلى الله عليه و آله و سلم قال: النساء عى و عورة فاستروا عيهن بالسكوت و استروا عوراتهن بالبيوت. به زنها ابتدائاً سلام نکنید (یعنی اگر آنها سلام کردند جواب دهید) و آنها را به طعامی دعوت ننمایید، زیرا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

زنها عاجز و ناتوانند و عورت، پس ناتوانی آنها را با سکوت و عورات آنها را وسیله خانه‌ها بیوشانید. «۳»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵۳

۲- غياث بن إبراهيم: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: لا تُسلم على المرأة. زن سلام کرده نشود (یعنی ابتدائاً به زن سلام نکنید). «۱»

این در صورتی است که از شنیدن صدای آنها، احتمال ریه و گناه و تغییر حال در آدم پیدا شود، و گرنه در مواردی رعایت ادب و احترام ضرورت دارد، به روایت بعدی توجه نمایید.

۳- ربعی بن عبد الله: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: كان رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يُسلم على النساء ويرددن عليه عليه السلام، و كان أمير المؤمنين عليه السلام يسلم على النساء و كان يكره أن يسلم على الشابة منهن و يقول: أتخوف أن يعجبني صوتها فيدخل عليّ أكثر مما طلبت من الأجر. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به زنها سلام می‌کرد و آنها نیز جواب سلام را بر او رد می‌کردند و امیرمؤمنان علیه السلام به زنها سلام می‌کرد و از سلام کردن به زن جوان، کراهت داشت و می‌فرمود: می‌ترسم صدای او مرا خوش آید، پس داخل شود بر من بیش از اجری که می‌خواستم (گنااهش از ثواب آن بیشتر شود). «۲»

۴- عمار السبابی: از ابي عبد الله عليه السلام پرسید: عن النساء، كيف يسلمن إذا دخلن على القوم؟ قال: المرأة تقول: عليكم السلام، و الرجل يقول: السلام عليكم. از وظیفه زنان وقتی که به جمعی داخل می‌شوند چگونه سلام کنند؟ فرمود: زن بگوید: بر شما باد سلام، و مرد گوید: سلام بر شما باد. «۳»

۳۷- حرمت اختلاط آقایان و بانوان

۳۷- حرمت اختلاط آقایان و بانوان اختلاط نامحرمات در مجلس و یا هر محلی، از امور حرام و ناپسند است مخصوصاً در بازارها و

اماکن عمومی که یقیناً فاجعه بیار خواهد آورد.

۱- غیاث بن ابراهیم: از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: یا اهل العراق، بُئِثت أن نساء کم یدافعن الرجال فی الطریق، أما تستحون؟ (لعن الله من لا یغار). ای اهل عراق به من خبر دادند که زنان شما در راه با مردان بهم می‌خورند و)

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵۴

بهمدیگر تنه می‌زنند؟! آیا حیا نمی‌کنید؟ لعنت خدا بر بی غیرتان. «۱»

۲- کلینی گوید: و در حدیث دیگر آن امیر المؤمنین علیه السلام قال: أما تستحون و لا- تغارون نساؤکم یخرجن إلى الأسواق و یزاحمن العلوچ. همانا امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: آیا حیا نمی‌کنید (و خجالت نمی‌کشید) درباره زنانتان غیرت به خرج نمی‌دهید، به بازار می‌روند و با فرومایه گان مزاحمت می‌کنند؟! (و با شارلاتان‌ها بهم تنه می‌زنند). «۲»

۳۸- بانوان از پیاده روها!

۳۸- بانوان از پیاده روها! ۱- امام کاظم علیه السلام فرمود: «لا- ینبغی للمرأة أن تمشی فی وسط الطریق ولکنها تمشی إلى جانب الحائط. شایسته نیست زنان از وسط راه بروند ولکن آن‌ها از (کنار جاده) بغل دیوار رهسپار شوند (تا با مردان در راه تلاقی نداشته باشند).» «۳»

۲- ولید بن صبیح گوید که امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لیس للنساء من سروات الطریق شیء تمشی فی جانب الحائط والطریق؛ برای زنان لزومی ندارد تا از وسط راه‌ها راه بروند، بلکه از کنار دیوار و راه رهسپار شوند.» «۴»

۳- ابن ابی عمیر از قول هشام بن سالم گوید: که امام صادق علیه السلام از قول جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لیس للنساء من سراه الطریق ولکن جنبیه؛ برای زنان (صحیح نیست) از بلندی‌های جاده راه بروند، بلکه از دو طرف جاده (هموار یا پایین) راه بروند.» «۵»

۴- جابر بن یزید جعفی گوید که شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود: «ولیس للنساء من سروات

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵۵

الطریق شیءٌ ولهنّ جنبته؛ برای بانوان حقی نیست که از وسط راه (جاده و خیابان) راه بروند و دو طرف راه مخصوص آن‌هاست.» «۱»

هشام بن سالم گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس للنساء من سروات الطریق شیء ولکن یمشین فی وسط الطریق. برای زنان (صحیح یا جایز) نیست از بلندی‌ها راه بروند، بلکه از میانه راه (پایین‌ترین قسمت) راه بروند (تا اعضایشان مشخص و دیده نشود).» «۲»

این روایت به ظاهر با روایات بالا تفاوت دارد و می‌توان کلمه وسط را به پایین‌ترین قسمت راه معنا کنیم و گرنه روایات بالا راه رفتن بانوان از وسط راه را نهی می‌کند

۳۹- خداوند باسه گروه حرف نمی‌زند!

۳۹- خداوند باسه گروه حرف نمی‌زند! خداوند متعال در روز قیامت به سه کس نظر رحمت نخواهد کرد و به عذاب دردناک گرفتار خواهند شد.

- ۱- محمد بن مسلم: از ابی عبد الله عليه السلام فرمود: ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة ولا يزكّهم و لهم عذاب اليم: الشيخ الزاني، و الدّيوث، و المرأة توطئ فراش زوجها. سه گروهند خداوند در روز قیامت با آنها حرف نمی‌زند (و نظر رحمت نیندازد) و آنها را تزکیه نمی‌کند و برای آنهاست عذاب دردناک؛ ۱- پیر زناکار ۲- و دیوث (کسی که زن خود را در معرض فروش قرار دهد)؛ ۳- و زنی که به رختخواب شوهرش دیگری را راه دهد. «۳»
- ۲- عبد الله بن میمون القداح: از ابی عبد الله عليه السلام فرمود:

۴۰- حکم خوابیدن زیر یک لحاف!

- ۴۰- حکم خوابیدن زیر یک لحاف! در شریعت اسلام، گروهی از زنان برای مردانی مانند پدر و برادر و پسر و ... محرم و حلال است، اما این محرمیت حد و مرزی دارد، مخصوصاً برای کسانی که در سنین جوانی و حتی در سن پیری هم در صورت عدم مهار خود از بعضی رفتارها، باید خود داری نمایند و کارها و رفتارهای تحریک کننده، نمایند، زیرا انسان جایز الخطا و پر از شهوات نفسانی است که اگر به دستور زیر عمل نشود، آن سرش ناپیداست!
- ۱- امام علیه السلام فرمود: لا ینام الرجلان فی لحاف واحد إلا أن یضطرا فینام کل واحد منهما فی إزاره ویکون اللحاف بعد واحد، والمرأتان جمیعاً كذلك، ولا تنام ابنة الرجل معه فی لحافه ولا أمه. دو مرد در یک لحاف نخواستند مگر ناچار شوند، در این صورت هر کس با پیران خود بخوابد و لحاف یکی، و دو زن هم این طور است و دختر مرد با او زیر یک لحاف نخواستند و همچنین مادر، (یعنی با مادر هم زیر یک لحاف نخواستند). «۱»
- ۲- امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم گفت: لا ینام الرجلان فی لحاف واحد إلا أن یكون دون ذلك ثوب فینام کل واحد فی إزاره و كذلك المرأتان، ولا ینام الرجل مع ابنته فی لحاف إلا أن یضطرّاً إلى ذلك. دو مرد زیر یک لحاف نخواستند مگر اینکه میانشان لباسی باشد که (در این صورت) هر کس با شلوار خود بخوابد و همچنین دو زن؛ و مرد با دخترش زیر یک لحاف نخواستند مگر اینکه مضطرّ شود. «۲»

۴۱- قسمتی از احکام خاص بانوان

- ۴۱- قسمتی از احکام خاص بانوان راجع به وظایف و احکام خاص بانوان، از بزرگان دین روایات جامع متعدد وارد شده است که ذیلماً بعضی از آنها را می آوریم.
- ۱- جابر بن یزید الجعفی گفت: شنیدم ابا جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام می‌فرمود لیس علی النساء أذان ولا إقامة، و لا جمعة، و لا- جماعه، و لا- عیادة المریض، و لا اتباع الجنائز، و لا إجهار بالتلیبة، و لا الهرولة بین الصفا والمروة، و لا استلام الحجر الأسود، و لا
- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵۷
- دخول الكعبة، و لا- الحلق و إنما یقصرن من شعورهن، و لا- تولی المرأة القضاء، و لا تلی الأمانة، و لا تستشار، و لا تذبح إلا من اضطرار، و تبدأ فی الوضوء بباطن الذراع والرجل بظاهرة، و لا تمسح کما یمسح الرجال بل علیها أن تلقی الخمار عن موضع مسح رأسها فی صلاة الغداة و المغرب و تمسح علیه فی سائر الصلوات تدخل اصبعها فتمسح علی رأسها من غیر أن تلقی عنها خمارها،
- ۱- برای زنان اذان و اقامه و جمعه و جماعت نیست؛
- ۲- عیادت بیماران و تشییع جنازه نیست؛
- ۳- (و همچنین) هروله میان صفا و مروه و استلام حجر اسود و بلند گفتن تلیبه و سر تراشیدن نیست فقط تقصیر (مو کوتاه) می‌کنند؛

۴- تولی (و مباشرت به سمت) قضاوت نباشد،

۵- متولی فرمانداری (و حاکمیت) نشود،

۶- طرف مشورت قرار نگیرد

۷- ذبح حیوانات نکند مگر در ضرورت،

۸- در وضو گرفتن از باطن بازو شروع کند و از ظاهر آن، مانند مردان مسح نماید بلکه در نماز صبح و شام، روسری را از محل مسح کنار بزند و مسح کند و در سایر نمازها انگشتانش را بدون این که روسری را کنار بزند، مسح نماید؛

فإذا قامت فی صلاتها ضمت رجلها و وضعت یدیه علی صدرها، و تضع یدیه فی رکوعها علی فخذیها، و (تجلس) إذا أرادت السجود سجدت لاطیئة بالأرض وإذا رفعت رأسها من السجود جلست ثم نهضت إلى القیام، وإذا قعدت للتشهد رفعت رجلها، و ضمت فخذیها، وإذا سبحت عقدت الأنامل لأنهن مسؤولات، وإذا كانت لها إلى الله حاجة صعدت فوق بیتها، و صلت رکعتین، و رفعت (کشف) رأسها إلى السماء، فإنها إذا فعلت ذلك استجاب الله لها ولم یخیبها،

۹- وقتی زنها برای نماز می‌ایستند، پاها را به همدیگر بچسباند و دستانش را به سینه گذارد و در رکوع دستها را به رانهایشان بگذارد، وقتی که به سجده رود خود را به زمین بچسباند و سر از سجده برداشت، بنشیند و سپس بلند شود، وقتی که برای تشهد نشست، دوپایش را بلند کنند و ران هایش را به همدیگر بچسباند (به صورت چمباتمه بنشیند)، و هنگام تسبیح گفتن انگشتانش را به هم بچسباند، زیرا آنها مورد

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵۸

سؤال قرار خواهد گرفت؛

۱۰- اگر به خدا حاجتی داشت به پشت بام رود و دو رکعت نماز بخواند: و سرش را برهنه نموده و رو به آسمان کند (و حاجت خود را بخواهد) اگر این کار را انجام دهد خداوند حاجتش را برآورد و محرومش ننماید؛

و لیس علیها غسل الجمعة فی السفر و لیس یجوز لها ترکه فی الحضر، و لا- تجوز شهادة النساء فی شیء من الحدود، و لا- تجوز شهادتهن فی الطلاق، و لا فی رؤیة الهلال، و تجوز شهادتهن فیما لا یحلّ للرجل النظر إليه و لیس للنساء من سروات الطریق شیء و لهنّ جنبته و لا یجوز لهنّ نزول الغرف و لا تعلمّ الكتابه، و یستحب لهنّ تعلمّ المغزل و سورة النور، و یکره لهنّ (تعلم) سورة یوسف، و إذا ارتدت المرأة عن الإسلام استتیت فإن تابت و إلا خلدت فی السجن و لا تقتل کما یقتل الرجل إذا ارتد، و لكنها تستخدم خدمه شدیده و تمنع من الطعام و الشراب الا ما تمسک به نفسها، و لا تطعم إلا خبیث (جشب) الطعام و لا تکسی إلا غلیظ الثیاب و خشنها، و تضرب علی الصلاة و الصیام، و لا جزیه علی النساء،

۱۱- برای زنان در سفر غسل جمعه نیست ولی در حضر آن را ترک ننماید،

۱۲- شهادت آنها در مسایل حدود، و در طلاق و رؤیت هلال، جایز نیست،

۱۳- ولی شهادتشان در چیزهایی که برای مرد نگاه کردن به آن حلال نباشد جایز است،

۱۴- زنها نباید از وسط راهها (و خیابانها) راه روند بلکه ازدو طرف (پیاده روها) راه روند؛

۱۵- نباید در بالاخانهها (که مشرف به کوچه و خیابانها است) نزول کنند (و ساکن شوند)؛

۱۶- نوشتن را یاد نگیرند؛ «۱»

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۵۹

۱۷- مستحب است (کارهای هنری از قبیل) نخ ریزی و سوره نور را یاد گیرند، و مکروه است یاد گرفتن سوره یوسف،

۱۸- اگر زن مرتد شود و از اسلام برگردد، باید توبه داد اگر توبه نکرد حبس ابد می‌شود و مانند مردان مرتد، کشته نمی‌شود

ولیکن به کارهای سخت وادار می‌گردد، و به اندازه ضرورت (و زنده ماندن) خوردن و آشامیدن، داده می‌شود، و غذای ناگوار و لباس خشن و غلیظ برایش می‌پوشانند و برای بجا آوردن نماز و روزه (تنبیه شده و) زده می‌شوند،

۱۹- برای زنها جزیه نیست؛

وإذا حضر ولادة المرأة وجب اخراج من فی البیت من النساء کیلا یکن أول ناظر إلى عورة (عورتها)، و لا یجوز للمرأة الحائض و لا الجنب الحضور عند تلقین المیت لان الملائکة تتأذی بهما، و لا- یجوز لهما إدخال المیت قبره، و إذا قامت المرأة من مجلسها فلا یجوز للرجل أن یجلس فیہ حتی یرد، و جهاد المرأة حسن التبعل و أعظم الناس حقا علیها زوجها و أحق الناس بالصلاة علیها إذا ماتت زوجها، و لا یجوز للمرأة أن تنکشف بین یدی اليهودیة و النصرانیة لأنهن یصفن ذلك لأزواجهن، و لا یجوز لها أن تتطیب إذا خرجت من بیتها، و لا یجوز لها أن تشبه بالرجال لان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لعن المتشبهین من الرجال بالنساء، و لعن المتشبهات من النساء بالرجل

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶۰

۲۰- هنگام ولادت بچه، واجب است زنهاى دیگر را از خانه بیرون نمایند، تا اول کسی نباشند که به عورت (زاینده) نگاه کنند،

۲۱- بر زن حایض و جنب جایز نیست، موقع تلقین میت در کنار او بنشیند، زیرا فرشتگان حاضر، از حضور آن دو اذیت می‌شوند، و همچنین آن دو نباید، میت را در قبر بگذارند؛

۲۲- هنگامی که زن از جایش بلند شد برای مرد جایز نیست در جای او بنشیند تا سرد شود،

۲۳- جهاد زن، خوب شوهر داری اوست، و بزرگ‌ترین حق در گردن زنها برای شوهران آنهاست، و صاحب حق‌ترین نماز گذار برای زنها بعد از مرگشان، شوهران آنهاست؛

۲۴- جایز نیست برای زنها نزد زنهاى یهود و نصارا، خود را باز کنند، زیرا آنها برای شوهران خود توصیف (و تعریف) می‌کنند،

۲۵- جایز نیست برای آنها، هنگام بیرون رفتن از خانه: خود را خوشبو نمایند،

۲۶- جایز نیست خود را به صورت مردان در آورند، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنانی را که خود را به مردان و مردانی که خود را بصورت زنان تشبیه می‌کنند (و در آورند) لعنت کرده است؛

و لا یجوز للمرأة أن تعطل نفسها ولو أن تعلق فی عنقها خیطاً، و لا یجوز أن تری أظافیرها بیضاء ولو أن (تمسها بالحناء مساً) (تمسحها بالحناء مسحاً)، و لا تخضب یدیها فی حیضها، لأنه یخاف علیها الشیطان، و إذا أرادت المرأة الحائضه و هی فی صلاتها صفقت یدیها، و الرجل یؤمئ برأسه و هو فی صلاته و یشیر بیده و یسبح (جهراً)، و لا یجوز للمرأة أن تصلی بغیر خمار إلا أن تكون أمه فانها تصلی بغیر خمار مکشوفه الرأس و یجوز للمرأة لبس الدیباچ و الحریر فی غیر صلاة و إحرام، و حرم ذلك علی الرجال إلا فی الجهاد و یجوز أن تتختم بالذهب و تصلی فیہ، و حرم ذلك علی الرجال،

۲۷- جایز نیست بر زن که خود را معطل نماید (و از زینت و آرایش محروم) کند اگرچه با آویختن نخى برگردن باشد.

۲۸- جایز نیست انگشتانش سفید دیده شود اگر چه (لا اقل) با حنا خود را مس

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶۱

کند (ورنگین نماید)، «۱»

۲۹- در ایام حیض خود را خضاب نکند، زیرا برای او از (صدمات) شیطان ترسیده می‌شود،

۳۰- هر وقت زن سر نماز به کاری احتیاج پیدا کرد، دستهایش را به هم زند ولی مرد با سر و دستش: اشاره می‌کند و تسیح را بلندتر می‌گوید، (تا بفهمند که کاری دارد) ۳۱- برای زن جایز نیست بدون روسری (و روباز) نماز بخواند، اما برای کنیزان بدون اینها و سر برهنه جایز است،

۳۲- برای زن پوشیدن لباس دیباج و حریر در غیر نماز و احرام، جایز است، اما این‌ها برای مردان حرام است مگر در جهاد،

۳۳- جایز است زنها با انگشتر طلا نماز بخواند ولی برای مردان حرام است؛

وقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: یا علی، لا تتختم بالذهب فإنه زینتک فی الجنّة، و لا تلبس الحریر فإنه لباسک فی الجنّة، و لا یجوز للمرأة فی مالها عتق و لا بزرّاً إلا باذن زوجها، و لا یجوز لها أن تصوم تطوعاً إلا باذن زوجها، و لا یجوز للمرأة أن تدخل الحمام محرّم إلا- من وراء ثوبها، و لا تبایع إلا من وراء ثوبها، و لا یجوز أن تحجّ تطوعاً إلا باذن زوجها، و لا یجوز للمرأة أن تدخل الحمام فان ذلك محرّم علیها، و لا یجوز للمرأة ركوب السرج إلا من ضرورة أو فی سفر، و میراث المرأة نصف میراث الرجل، و دیتها نصف دية الرجل، و تعاقل (تقابل) المرأة الرجل فی الجراحات حتى تبلغ ثلث الدية فإذا زادت على الثلث ارتفع الرجل و سفلت المرأة، و إذا صلّت المرأة وحدها مع الرجل قامت خلفه ولم تقم بجنبه و إذا ماتت المرأة وقف المصلی علیها عند صدرها، و من الرجل إذا صلّى علیه عند رأسه، فإذا ادخلت المرأة القبر وقف زوجها فی موضع یتناول و رکبها، و لا شفیع للمرأة أنجح عند ربها من رضا زوجها الحديث پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی انگشتر طلا به دست زن چون آن زینت تو در بهشت است و حریر نپوش، چون آن لباس بهشتی توست،

۳۴- برای زن جایز نیست در مال او، به آزاد کردن برده و کار نیک (و صلّه دادن)،

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶۲

اقدام نماید مگر با اذن شوهرش،

۳۵- بر زن روزه مستحبی جایز نیست مگر با اذن شوهرش،

۳۶- جایز نیست با غیر محرمش، مصافحه کند مگر از پشت لباس،

۳۷- خرید فروش نکند مگر از پشت لباس (یا با دستکش)

۳۸- بدون اجازه شوهر به حج مستحبی نرود،

۳۹- برای زن جایز نیست به حمام (عمومی) برود، چون برایش حرام است،

۴۰- زن سوار زین نشود، مگر در حال ضرورت و یا در سفر،

۴۱- ارث زن نصف میراث مرد است، و دیه او نصف دیه مرد است،

۴۲- زن در دیات جراحات با مرد مساوی است تا یک سوم مرد وقتی که از یک سوم بیشتر شد، دیه مرد بالا می‌رود و دیه زن پایین می‌آید،

۴۳- وقتی زن با مرد به تنهایی نماز خواند، پشت سر مرد بایستد، و در طرف پهلوئی (راست یا چپ) نه ایستد،

۴۴- وقتی که زن فوت کرد، برگذارکننده نماز میت مساوی با سینه زن بایستد، ولی در نماز مرد نزد سرش بایستد؛

پس زمانی که زن را به قبر گذاشتند، شوهرش مساوی با رانهای او بایستد، و برای زن شفاعتچی خوب پیش خداوند، بهتر از رضایت شوهرش نیست. (تا آخر حدیث). «۱»

۲- هشام: از ابي عبد الله عليه السلام فرمود: كان أمير المؤمنين عليه السلام يحتطب ويستقي ويكنس وكانت فاطمة عليها السلام تطحن وتعجن وتخبز. امير مؤمنان عليه السلام هيزم جمع می‌کرد و آبیاری می‌نمود و جارو می‌کشید و فاطمه آرد می‌کرد و خمیر می‌ساخت و می‌پخت (کارهای داخل خانه با فاطمه عليها السلام و بیرون از خانه با امیر آزادگان عليه السلام بود).»

۴۲- برای بانوان جمعه و جماعت نیست

۴۲- برای بانوان جمعه و جماعت نیست ۱- انس بن محمد از پدرش از جعفر بن محمد از پدران‌ش عليهم السلام- در وصیت رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: یا علی، لیس علی النساء جمعة و لا جماعة، و لا اذان، و لا إقامة، و لا عیادة مریض، و لا اتباع جنازة، و لا هرولة بین الصفا و المروة، و لا استلام آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶۳

الحجر، و لا حلق، و لا تولى القضاء، و لا تستشار، و لا تذبح إلا عند الضرورة، و لا تجهر بالتلبیة، و لا تقیم عند قبر، و لا تسمع الخطبة، و لا تتولى التزویج بنفسها، و لا تخرج من بیت زوجها إلا بإذنه، فان خرجت بغير اذنه لعنها الله عزوجل و جبرئیل و میکائیل، و لا تعطی من بیت زوجها شیئا إلا بإذنه، و لا تبیت و زوجها علیها ساخط و إن كان ظالماً لها. ای علی برای زنان جمعه و جماعتی نیست و اذان و اقامه و عیادت بیماران و تشییع جنازه نیست (وهمچنین) هروله میان صفا و مروه و استلام حجر (اسود) و سر تراشیدن و قاضی شدن و طرف مشورت قرار گرفتن و ذبح حیوانات نیست مگر در ضرورت، و تلبیه را بلند نگوید و در نزد قبری نه ایستد و خطبه نشنود و خودسرانه ازدواج ننماید و از خانه شوهر بدون اجازه بیرون نرود، پس اگر بی اجازه بیرون رود، خدای عزوجل و جبرئیل و میکائیل به او لعنت نمایند، و از خانه شوهرش بدون اجازه چیزی به کسی ندهد، و شب نخواهد در حالی که شوهرش به او غضبناک است اگرچه به او ظلم نماید. «۱»

۴۳- دستورات کلی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۴۳- دستورات کلی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره حدیث شریف ذیل به این نکته توجه داشته باشید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که این توصیه‌ها را به علی علیه السلام نموده است از باب (اِیَّاكَ أَعْنَى و اَسْمَعَى یَا جَارَةَ، دخترم به تو می‌گویم، عروسم تو بشنواست) یعنی به عنوان تعلیم، مخاطب آن حضرت، علی علیه السلام بود اما به همه امت سفارش می‌کرد و گرنه احترام فیما بین آنها خیلی بالاتر از این بود که مسائل زیر لحافی این گونه با صراحت به میان کشیده شود.

۱- حدیث کرد به ما محمد بن ابراهیم أبو العباس الطالقانی رحمه الله گفت: أبو سعید الحسن بن علی العدوی خبر داد او هم گفت: یوسف بن یحیی الاصبهانی أبو یعقوب گفت: أبو علی اسماعیل بن حاتم گفت: أبو جعفر احمد بن صالح بن سعید المکی گفت: عمر بن حفص حدیث نمود از اسحاق بن نجیح از حصین از مجاهد از ابی سعید خدری قال: اوصی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب علیه السلام فقال:

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶۴

مجاهد از ابوسعید خدری روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام وصیت کرد و فرمود: یا علی إذا دخلت العروس بیتک فاخلع خفها حين تجلس وأغسل رجليها وصب الماء من باب دارك إلى أقصى دارك فانك إذا فعلت ذلك اخرج الله من دارك سبعين (ألف) لونا من الفقر وأدخل فيها سبعين (ألف) لونا من البركة وأنزل عليك سبعين رحمة ترفرف على رأس العروس حتى تنال برکتها كل زاوية في بيتك وتأمّن العروس من الجنون والجذام والبرص أو يصيبها ما دامت في تلك الدار،

ای علی! زمانی که عروس به خانه ات داخل شد، و نشست کفش‌های او را از پایش در آور و پاهایش را بشوی و بر درت تا دورتر آب پاش (به دم در آب پاشی کن)، هرگاه این کار را کردی، خداوند هفتاد (هزار) نوع فقر (و نداری) را از خانه ات بیرون راند و هفتاد (هزار) رنگ از برکت را داخل نماید، و هفتاد گونه رحمت بر تو فرود آورد که بر سر عروس، پر می‌زند تا همه زوایای خانه ات از برکت آن بهره‌مند شود و عروس مادام که در آن خانه است از اصابت (امراض ناگوار) دیوانگی و جذام و پیسی در امان باشد

وامنع العروس في اسبوعها من الألبان والخل والكزبرة والتفاحه الحامضة من هذه الأربعة الأشياء. فقال علی علیه السلام: یا رسول الله

ولأی شئ أمنعها هذه الأشياء الأربعة؟ قال: الرحم تعقم وتبرد من هذه الأربعة الأشياء عن الولد وحصيرة في ناحية البيت خير من امرأة لا تلد، و عروس را در هفته اول از خوردن البان «۱» و سرکه و گشنیز و سیب ترش، از این چهار چیز ممانعت نما، علی علیه السلام عرض کرد ای رسول خدا برای چه او را از این چهار چیز مانع شوم؟! فرمود: رَجِمَ از این چهار چیز نازا و سرد می‌شود و حصیری در کنار خانه بهتر از زن نازا است!

فقال علی علیه السلام: یا رسول الله فما بال الخلل تمنع منها؟ قال: إذا حاضت علی الخلل لم تطهر أبدا بتمام، والكزبرة تثير الحيض فی بطنها وتشدّد علیها الولادة. والتفاحة الحامضة تقلع حیضها، فیصیر داء علیها، پس علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا چرا از سرکه ممنوع شود؟ فرمود: زمانی که (عروس بعد از خوردن) سرکه حیض شود، دیگر پاک آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶۵

نمی‌شود و گشنیز (خون) حیض را در شکم او به هیجان (و فوران) می‌آورد و زائیدن برایش سخت می‌شود و سیب ترش حیض او را می‌کند (و از بین می‌برد) پس برایش (مایه) درد (و دردسر) می‌شود، فرمود:

یا علی لا تجامع امرأتک فی أول الشهر و وسطه و آخره، فإنّ الجنون و الجذام و الخبل یسرع إلیها و إلی ولدها. ای علی بازنت در اول ماه و وسط ماه و آخر ماه، نزدیکی نکن، زیرا دیوانگی و جذام و سفاهت به سوی خود زن و فرزندش، شتاب می‌کند. یا علی لا تجامع امرأتک بعد الظهر، فأنه ان قضی بینکما ولد فی ذلك الوقت یكون أحول و الشیطان یفرح بالحوال فی الإنسان. ای علی با خانمت بعد از ظهر جماع نکن! زیرا اگر در آن وقت بچه دار شدید، لوچ (و چپ چشم) می‌شود و شیطان نیز از (وجود) انسان لوچ خوش حال می‌شود.

یا علی لا تتکلم عند الجماع کثیراً فانه ان قضی بینکما ولد لا یؤمن أن یكون أخرس، ولا تنظر إلی فرج امرأتک و غضّ بصرک عند الجماع، فإنّ النظر إلی الفرج یورث العمی - یعنی فی الولد- ای علی هنگام هم بستری، زیاد حرف نزن! زیرا اگر برایتان در آن حال فرزندی از قضا گذشت، لال می‌شود، و موقع جماع، به عورت بانویت نگاه نکن و چشمت را فرو نه! زیرا نگاه کردن به عورت (زن)، سبب کوری بچه می‌شود.

یا علی لا تجامع امرأتک بشهوة امرأة غیرک فأنّی أخشی ان قضی بینکما ولد ان یكون مخنثاً مؤنثاً مخبلاً. ای علی با همسرت به فکر زن دیگر، مقاربت نکن (و در حین جماع زن دیگر را در نظرت مجسم منما) زیرا می‌ترسم اگر (در آن حال) بچه دار شدید (خود فروش) و خنثی و ناقص عقل می‌شود.

یا علی إذا كنت جنبا فی الفراش مع امرأتک فلا تقرأ القرآن، فانی أخشی أن ینزل علیکما نار من السماء فتحرقکما. ای علی وقتی که در رختخواب با خانمت، جنب شدید از خواندن قرآن، خود داری کن، زیرا من می‌ترسم آتشی از آسمان به سوی شما فرود آید و هر دو را بسوزاند.

یا علی لا تجامع امرأتک إلا ومعک خرقه ومع امرأتک خرقه ولا تمسحاً بخرقه واحدة، فتقع الشهوة علی الشهوة، وإنّ ذلك یعقب العداوة بینکما ثم یؤدیکما إلی الفرقة والطلاق. ای علی با خانمت جماع نکن مگر اینکه هریک از شما به تنهایی دستمالی داشته باشید و با یک دستمال، خودتان را پاک نکنید که شهوت روی شهوت بریزد و سبب

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶۶

بروز عداوت در میان شما باشد که پیامد آن به جدائی و طلاق منجر خواهد شد.

یا علی لا- تجامع امرأتک من قیام فان ذلك من فعل الحمیر وان قضی بینکما ولد یكون بوالاً فی الفراش كالحمیر البواله فی کلّ مکان. ای علی با خانمت سرپائی (و ایستاده) مقاربت نکن چون این کار دراز گوش هاست، اگر فرزندی به شما داده شود، به شب اداری گرفتار آید آن گونه که الاغ‌ها به همه جا بول می‌کنند.

یا علی لا تجامع امرأتک فی لیلة الفطر فانه ان قضی بینکما ولد فیکبر ذلک الولد ولا یصیب ولدا الی (علی) کبر السن. ای علی در شب عید فطر جماع نکن زیرا اگر بچه دار شدید آن بچه بزرگ می شود (اما) او تا بزرگسالی بچه دار نمی شود.

یا علی لا تجامع امرأتک لیلة الأضحی فانه ان قضی بینکما ولد یکون له ست أصابع أو أربع. ای علی شب عید قربان جماع نکن اگر بچه دار شدید، شش انگشت یا چهار انگشت می شود (یک انگشتش زیاد یا کم می شود).

یا علی لا تجامع امرأتک تحت شجرة مثمرة فانه ان قضی بینکما ولد یکون جلاذاً أقتالاً عزیفاً. ای علی زیر درخت میوه دار نزدیکی نکن، اگر بچه دار شدید، جلاذ و آدم کش و غارتگر می شود.

یا علی لا- تجامع امرأتک فی وجه الشمس وتلاؤها إلا ان ترخی علیکما سترأ، فانه ان قضی بینکما ولد لا یزال فی بؤس وفقر حتی یموت. ای علی در زیر تابش آفتاب جماع نکن مگر این که پرده‌ای باشد زیرا اگر بچه دار شوید همیشه (و مادام العمر) فقیر و (تنگ دست) می شود تا مرگش فرارسد!

یا علی لا تجامع اهلک بین الاذان والإقامة، فانه ان قضی بینکما ولد یکون حریصاً علی اهراق الدماء. ای علی میان اذان و اقامه جماع نکن چون اگر بچه دار شدید، به خونریزی حریص می شود.

یا علی إذا حملت امرأتک فلا تجامعها إلا وأنت علی وضوء، فانه ان قضی بینکما ولد یکون اعمی القلب، بخیل الید. ای علی اگر بانویت حامله شد دیگر بی وضو با او مقاربت نکن، زیرا اگر بچه به دنیا آید کور دل و بخیل می شود.

یا علی لا- تجامع اهلک فی النصف من شعبان، فانه ان قضی بینکما ولد یکون مشوهاً ذا شامة فی شعره ووجهه. ای علی در نیمه شعبان جماع نکن زیرا اگر بچه دار شدید زشت و در مو و رویش (علامت) سفیدی پیدا شود.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶۷

یا علی لا تجامع اهلک فی آخر درجه منه- یعنی إذا بقی یومان- فانه ان قضی بینکما ولد کان مقدماً. ای علی دو روز به آخر شعبان مانده جماع نکن چون اگر بچه دار شدید بی باک (و خون ریز) می شود.

یا علی لا تجامع اهلک علی شهوة أختها فان قضی بینکما ولد یکون عشاراً أو عوناً للظالم ویکون هلاک فئام من الناس علی یدیه. ای علی با خیال خواهر زن مقاربت نکن زیرا اگر بچه دار شوید، ده یک گیرنده (و مالیات بگیر و راه زن می شود) و یار ستمگر و با دست او گروه هائی از مردم به هلاکت می رسند.

یا علی لا تجامع اهلک علی سقف البیان فانه إذا قضی بینکما ولد یکون منافقاً مماریاً مبتدعاً. ای علی در پشت بام جماع نکن زیرا اگر فرزندی آورید، دو رو و لجباز (و ریا کار) و بدعت گذار می شود.

یا علی وإذا خرجت فی سفر فلا تجامع اهلک تلك اليلة فانه ان قضی بینکما ولد، فانه ینفق ماله فی غیر حق. و قرأ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (ان المبدرین كانوا اخوان الشیاطین) «۱». ای علی زمانی که برای مسافرتی بیرون روی شب آن روز جماع نکن، زیرا اگر بچه دار شوید، (در آینده) مالش را در غیر راه حق، خرج کند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیه «اسراف کاران برادران شیطانها هستند» را قرائت نمود.

یا علی لا تجامع اهلک إذا خرجت الی مسیره ثلاثة أيام ولیالیهن فانه ان قضی بینکما ولد یکون عوناً لكل ظالم علیک. ای علی اگر به مسافت سه روز راه مسافرت کردی روزها و شب‌های آن (سه روز) جماع نکن، چون اگر بچه دار شوید یاور ستمگران شود.

یا علی علیک بالجماع لیلة الإثنين فانه ان قضی بینکما ولد یکون حافظاً لکتاب الله راضیاً بما قسم الله عزوجل ای علی شب دوشنبه مقاربت کن زیرا اگر بچه‌ای به دنیا آید، حافظ قرآن و به داده‌های خدای عزوجل راضی می شود.

یا علی ان جماعت اهلک فی لیلة الثلاثاء، فانه یرزق الشهادة بعد شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله ولا یعذب الله عزوجل مع المشرکین و یکون طیب النکحه من الفم رحیم القلب سخی الید طاهر اللسان من الغیبه، والکذب والبهتان. اگر شب سه شنبه جماع

کنی، (و بچه دار شوید) بچه بعد از اقرار به شهادتین (در راه خدا) شهید

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۶۸

می‌شود و خداوند او را با مشرکان عذاب نکند و دهانش خوشبو و رحم دل و سخاوتمند و زبانش از غیبت و دروغ و بهتان پاک باشد.

یا علی وان جامعه اهلك لیلۃ الخمیس فقصی بینکما ولد فانه یكون حاکماً من الحکام أو عالماً من العلماء وان جامعها یوم الخمیس عند زوال الشمس عن کبد السماء فقصی بینکما ولد فان الشیطان لا یقر به حتی یشیب، ویكون فهماً، ویرزقه الله السلامه فی الدین والدنیا، وان جامعها لیلۃ الجمعة وکان بینکما ولد یكون خطیباً قوالاً مفوّهاً. وان جامعها یوم الجمعة بعد العصر فقصی بینکما ولد فانه یكون معروفاً مشهوراً عالماً. وان جامعها لیلۃ الجمعة بعد العشاء الآخرة فانه یرجى أن یكون الولد بدلاً من الأبدال إن شاء الله. ای علی اگر شب پنجشنبه مقاربت کنی (و بچه‌ای متولد شود)، حاکمی از حکام و عالمی از علماء می‌شود، و اگر روز پنجشنبه نزدیک ظهر جماع کنی (و بچه‌ای به دنیا آید) شیطان تا زمان پیری به او نزدیک نشود و شخص فهمیده‌ای می‌شود و خداوند سلامتی دین و دنیا را به او روزی نماید، و اگر شب جمعه هم بستر شوی و بچه دار شدید، خطیب و سخنگوی چیره دست می‌شود، و اگر روز جمعه بعد از عصر جماع کنی، بچه معروف و دانشمند مشهور می‌شود، و اگر شب جمعه بعد از نماز عشاء جماع کنی، امید هست که آن بچه بزرگی از بزرگان شود ان شاء الله

یا علی لا تجامع اهلك فی أول ساعة من اللیل فانه ان قضی بینکما ولد لا یؤمن أن یكون ساحراً مؤثراً للدنیا علی الآخرة. ای علی با اهلت در ساعت اول شب جماع نکن، اگر بچه دار شوید: در امان نمی‌ماند که ساحر و اختیار کننده دنیا بر آخرت باشد. یا علی احفظ وصیتی هذه کما حفظتها عن جبرئیل علیه السلام. ای علی این وصیت مرا حفظ کن آن گونه که من از جبرئیل حفظ کرده‌ام. «۱»

الحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و الصلوة و السّلام علی خاتم رُسُلِهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم و علی آله غزّالمیامین المنتجبین واللّعنۃ الدائمة الأبديّة علی أعدائهم أجمعین من الان الی لقاء یوم الدّین آمین یا رب العالمین

مصادر و منابع

- ۱- منابع و مآخذ قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه: سید رضی.
- ۳- اصول کافی: محمد بن یعقوب کلینی.
- ۴- الأمالی: ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق.
- ۵- الأمالی: شیخ طوسی.
- ۶- الإمامة و التبصرة: ابوالحسن علی بن حسین بن بابویه القمی.
- ۷- التّهذیب: محمد بن حسن (شیخ طوسی).
- ۸- التحفة السنیة (مخطوط) - السید عبد الله الجزائری:
- ۹- الجامع الصغیر ج ۱ - جلال الدین السیوطی:
- ۱۰- الخرائج و الجرایح: سعید بن هبة الله قطب راوندی.
- ۱۱- الخصال: شیخ صدوق.
- ۱۲- الحدائق الناضرة: شیخ یوسف بحرانی.

- ۱۳- الدروس: شهید اول.
- ۱۴- السرائر: محمد بن ادریس.
- ۱۵- السنن الكبرى: للبيهقي.
- ۱۶- الرجال: محمد بن عمر بن عبد العزيز الكشي.
- ۱۷- الغايات: شيخ جعفر بن احمد القمي.
- ۱۸- الفتاوى الميسرة: السيد علي السيستاني.
- ۱۹- الفصول المهمة في أصول الأئمة: شيخ حرّ العاملي.
- ۲۰- الفصول المهمة في معرفة الأئمة: نور الدين ابن الصباغ المالكي.
- ۲۱- القواعد و الفوائد: شهيد اول.
- ۲۲- المجازات النبوية: محمد بن حسين السيد الرضي.
- ۲۳- المحكم و المتشابه: شيخ صدوق.
- ۲۴- المحاسن: احمد بن عبدالله برقي.
- ۲۵- المغنى: عبدالله بن قدامة.
- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۷۰
- ۲۶- المقنعة: محمد بن محمد (شيخ مفيد).
- ۲۷- المقنع: شيخ صدوق.
- ۲۸- المهذب البارع: ابن فهد الحلبي.
- ۲۹- الميزان: علماً محمد حسين الطباطبائي.
- ۳۰- المهذب البارع: ابن فهد الحلبي.
- ۳۱- المناقب: موفق الخوارزمي.
- ۳۲- المنجد: لويس معلوف.
- ۳۳- الهداية: شيخ صدوق.
- ۳۴- الوافي في شرح اصول الكافي: ملا صالح مازندراني.
- ۳۵- احياء العلوم: امام غزالي.
- ۳۶- أعلام الدين: شيخ ابو محمد حسن بن محمد ديلمی.
- ۳۷- امالی: شيخ طوسی.
- ۳۸- امالی: شيخ صدوق
- ۳۹- بحار الأنوار: محمد باقر مجلسی.
- ۴۰- تاريخ مدينة دمشق ج ۱۶: ابن عساكر.
- ۴۱- تحرير الأحكام: علامه حلبي.
- ۴۲- تحف العقول: ابن شعبة الحرّاني.
- ۴۳- تذكرة الفقهاء: علامه حلبي.
- ۴۴- تفسير العياشي: ابوالنضر محمد بن مسعود العياشي سمرقندی.

- ۴۵- تفسیر صافی: فیض کاشانی.
- ۴۶- تفسیر قمی: علی بن ابراهیم قمی.
- ۴۷- تفسیر کنزالدقائق: میرزا محمدالمشهدی.
- ۴۸- تفسیر مجمع البیان: طبرسی.
- ۴۹- تفسیر: نعمانی.
- ۵۰- تفسیر نور الثقلین: شیخ جمعه الحویزی.
- ۵۱- تفسیر نمونه: جمعی از نویسندگان.
- ۵۲- تنبیه الخواطر: ورّام بن ابی فراس.
- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۷۱
- ۵۳- ثواب الأعمال: شیخ صدوق.
- ۵۴- جامع الشتات: میرزا ابوالقاسم قمی (الجیلانی).
- ۵۵- جامع الصغیر: طبرانی.
- ۵۶- جامع الصغیر: جلال الدین سیوطی.
- ۵۷- جامع المقاصد: محقق کرکی.
- ۵۸- جواهرالکلام: محمدحسن النجفی.
- ۵۹- حواریات فقهیه: سید سعید حکیم.
- ۶۰- دعائم الإسلام: قاضی نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون التمیمی المغربی.
- ۶۱- دعوات: للزاوندی.
- ۶۲- ریاض المسائل: سیدعلی طباطبائی.
- ۶۳- روضه الواعظین: الفتال النیسابوری.
- ۶۴- زهدالنّبی: شیخ جعفر بن احمد القمی.
- ۶۵- سرچشمه حیات: محمد امینی گلستانی.
- ۶۶- سنن: ابی داود.
- ۶۷- سنن: ابن ماجه.
- ۶۸- سنن: الدارمی.
- ۶۹- شرایع الإسلام: محقق اول.
- ۷۰- شرح الاخبار: قاضی نعمان مغربی.
- ۷۱- شرح اللّمعنه: شهید ثانی.
- ۷۲- صحاح اللّغه: جوهری.
- ۷۳- صحیفه الرضا: طبرسی.
- ۷۴- صحیح البخاری: محمد بن اسماعیل بخاری.
- ۷۵- صحیح مسلم: مسلم بن الحجاج القشیری.
- ۷۶- طبّ الأئمّه: ابی عتاب عبدالله بن بسطام بن سابور زیّات.

- ۷۷- عقاب الأعمال: صدوق.
- ۷۸- عوالی اللثالی: شیخ احمد بن جمهور احسائی.
- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۷۲
- ۷۹- علل الشرایع: شیخ صدوق.
- ۸۰- عیون الأخبار: شیخ صدوق.
- ۸۱- غریب الحدیث: ابو عبید هروی.
- ۸۲- فیض القدیر شرح الجامع الصغیر ج ۲: المناوی.
- ۸۳- قرب الأسناد: عبدالله بن جعفر الحمیری.
- ۸۴- قصص الأنبیاء: سید نعمه الله الجزیری.
- ۸۵- كشف الغمّة: علی بن عیسی اربلی.
- ۸۶- كشف الخفاء ج ۱: العجلونی.
- ۸۷- كشف الخفاء ج ۲: العجلونی.
- ۸۸- كشف الظنون ج ۱: حاجی خلیفه.
- ۸۹- كنز العمال: متقی هندی جونوری.
- ۹۰- كنز الفوائد: ابو الفتح كراچکی.
- ۹۱- كنز العرفان: فاضل مقداد.
- ۹۲- كنز العمال ج ۳: المتقی الهندی.
- ۹۳- كفاية الأصول: آخوند خراسانی.
- ۹۴- لئالی الأخبار: شیخ محمد نبی توسیر کانی.
- ۹۵- مجمع الزوائد ج ۷: الهیثمی.
- ۹۶- مرآت العقول: علامه محمد باقر مجلسی.
- ۹۷- مسائل: علی بن جعفر.
- ۹۸- مسالك الأفهام: شهید ثانی.
- ۹۹- مستدرک الوسائل: محمد حسین الثوری.
- ۱۰۰- مستطرفات السرائر: محمد بن ادريس الحلی.
- ۱۰۱- مسند: امام شافعی.
- ۱۰۲- مسند: احمد بن حنبل.
- ۱۰۳- مسند: ابی داود.
- ۱۰۴- مشکات الأنوار: طبرسی.
- ۱۰۵- معانی الأخبار: شیخ صدوق.
- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۷۳
- ۱۰۶- معجم أحادیث الإمام المهدي شیخ علی الكورانی العاملی.
- ۱۰۷- مكارم الأخلاق: حسن بن فضل الطبرسی.

- ۱۰۸- منتهی‌المطلب: علامه حلی.
- ۱۰۹- منهاج الأحکام: سید یوسف مدنی تبریزی.
- ۱۱۰- منهاج الصالحین: سید ابوالقاسم الخوئی.
- ۱۱۱- من لایحضره الفقیه: شیخ صدوق.
- ۱۱۲- نهج البلاغه: سید رضی.
- ۱۱۳- مولد فاطمه: ابوالحسن علی ابن بابویه قمی والد شیخ صدوق.
- ۱۱۴- وسائل الشیعه: شیخ حرّ عاملی.
- ۱۱۵- والدین دوفرشته جهان آفرینش: محمد امینی گلستانی.
- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۷۴
- کتاب هائی که از مؤلف به چاپ رسیده است.
- ۱- سیمای جهان در عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دو جلد قطع وزیری ۱۲۶۷ صفحه.
- کتابیست تحقیقی و تحلیلی در باره کیفیت امامت و مدیریت حضرت بقیه الله الأعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، کشوری به وسعت کره زمین را، از نظر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، و قضائی و ... با مطالب و پرسش‌های نو و نیاز روز و پاسخ آنها که به علت استقبال شایان دوستان و عاشقان آن حضرت واقشار مختلف جامعه، در مدت یک سال دو مرتبه با تیراژ بالا ۱۶ هزار جلد، توسط انتشارات مسجد مقدس جمکران به چاپ رسیده است علاقمندان از آنجا تهیه نمایند.
- ۲- از مباحله تا عاشوراء: وزیری یک جلد ۶۸۴ صفحه.
- در باره مباحله نصارای نجران و مقایسه رفتار نهائی آنها و رفتارهای مسلمان نماها با پنج تن آل عبا علیهم السلام.
- ۳- سرچشمه حیات: وزیری یک جلد ۴۰۲ صفحه.
- در این کتاب مطالب ارزنده علمی و دینی و فلسفی و طبی، در باره آب و آفرینش مخلوقات از آن از نظر قرآن و روایات و کلمات بزرگان فن که مورد استقبال دانشمندان و محققان داخل و خارج کشور قرار گرفت که در مدت کوتاه ۴ مرتبه چاپ شد و فعلاً کمیاب می باشد
- ۴- والدین دو فرشته جهان آفرینش: وزیری یک جلد ۳۲۰.
- در باره والدین و وظایف اولاد در برابر آنها ووظایف والدین در برابر اولاد و تربیت آنها و مطالب متنوع که در جامعه کنونی نیاز شدید بر آن دیده می شود.
- ۵- فلسفه قیام و عدم قیام امامان علیهم السلام جیبی ۱۹۹ صفحه.
- این کتاب در پاسخ سؤالات فراوان کسانی است که «امام حسین علیه السلام روحی له الفداء که در برابر دشمن تعادل قوا نداشت و با آن نفرت کم که به شهادت رسیدن خود و یارانش و اسارت اهل حرم، قطعی بود، چرا اقدام به قیام و مقابله با یزید و یزیدیان نمود؟!».
- ۶- آغلار ساوالان: رقی ۵۰ صفحه.
- کتاب سوز دل و اشک چشمی است که با زبان ترکی در باره زلزله ۱۳۷۵ اردیبل و ویرانی‌های به وجود آمده از اثرات آن و زیر آوار ماندن ۷۷ نفر از عزیزان و فامیل هاو کشته شدن آنها در روستای گلستان اردیبل شهرستان نیراست که توسط مؤلف سروده شده و این اشعار تا شهر باکو پایتخت کشور آذربایجان راه یافته ۷- آداب ازدواج و زندگی خانوادگی: وزیری ۲۷۶ صفحه.
- این کتاب در باره ازدواج جوانان عزیز و راهنمائی آنها در انتخاب همسر و کیفیت زندگی مادام العمر، از

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۷۵

منظر آیات و اخبار و ... که در واقع مکمل کتاب والدین دو فرشته جهان آفرینش می باشد.

کتاب‌های آماده به چاپ و در دست تألیف

۱- یک صد سؤال مهم در باره امام زمان علیه السلام.

۲- «آیا و چرا» محاکمه و به زیر سؤال بردن برادران اهل سنت نسبت به ولایت و خلافت امیرمؤمنان علیه السلام و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

۳- عتابات قرآن، درباره مذمت و عتاب و سایر مطالب مربوط به انبیاست.

۴- دعای عرشیان بر فرشیان که دعای فرشتگان بر اولاد آدم علیه السلام است.

۵- «شب» کتابی است در باره برکات شب و ...

۶- ۲۰۰ منبر درچندین مجلد فشرده سخنرانی‌های پنجاه سال مؤلف در شهرها و قصبات و روستاها در داخل و خارج که به علت حجم زیاد و گستردگی مطالب، ناتمام و در دست تألیف است.

۷- نشانه هائی از او در بیان آیات «و من آیاته» در قرآن کریم و توضیح آیه ها.

۸- کتاب مهم «اسلام فراتر از زمان» در باره پاسخ به کسانی است که ایراد نموده و اشکال می گیرند، دین اسلام چگونه می تواند تا دامنه قیامت، دنیای رو به ترقی روزانه را اداره نماید و اساساً رهبران این دین چه جایگاهی از علم و دانش داشتند و .. که مدیریت جهان را تا آخر دنیا به دست گیرند، در این کتاب قسمت مهمی از احادیث و اخبار غیبیه بزرگان اسلام آورده شده است (مانند فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام به کمیل: یا کمیل بن زیادها هنا موضع قبرک ثم أشار بیده المبارکة یمیناً و شمالاً و قال ستبني من هاهنا و هاهنا دور و قصور ما من بيت في ذلك الزمان الا و فيه شيطاناً أریل.

کلمه اریل لغت انگلیسی است که به آنتن اریال گویند، حضرت ۱۴۰۰ سال پیش نه انگلیسی بود و نه از صنعت آنتن اثری این بیان را داشتند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سیأتی: زمان علی اُمّتی یُخربون قباب الأئمة بالبنادیق به زودی می آید زمانی بر امت من، قبه (و گنبد) های قبرهای امامان را با بندق ها (یعنی بانارنجک یا بمب) ویران می سازند!! دقت بفرمائید این کلام در زمانی گفته شده است نه امامی شهید شده و در جائی مدفون شده بود و نه از گنبد حرماها و اختراع بمب خبری بود که پس از قرنهادر سامرا و قبلأ نیز در بقیع اتفاق افتاد. یاروایت مشهور یکنفی الرجال بالرجال والنساء بالنساء درباره همجنس بازان و یا درمورد ازدواج آنان یتزوج الرجال بالرجال و یتزوج النساء بالنساء، وروایت لعن الله المتشبهین من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال در باره تغییر جنسیت دهندگان و صدهامثال این روایتها، و مقایسه و تطبیق آنها بازمان فعلی، که سعی و کوشش حقیر در اتمام این کتاب و تقدیم آن به خواستاران عزیز آن است انشاءالله.

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، ص: ۲۷۶

۹- رحمت واسعة یا بخشش فراگیر: تحقیق و تحلیل پیرامون آیات مبارکات «وسعت رحمته کلشیء و کتب علی نفسه الرحمة» و ...